



کهنشان ورزشی

قدیمی ترین
رسانه ورزشی ایران



Save Gaza

۳۰۰۰۰ تومان
۸۴ صفحه



ISSN.10249842

[یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲ - شماره ۴۵۴] [نهم]

www.khaneshanvarzeshi.ir

تیم ملی پس از ۱۹ سال در نیمه نهایی جام ملت ها

چربش غیرت ایرانی بر فوتبال سامورایی

کمیسیون ورزشی

تیم ملی ایران با این ترکیب
ژاپن را شکست داد و راهی مرحله
نیمه نهایی شد



آن کسی که نفسش را محاسبه کند، سود برده است و آن کسی که از محاسبه نفس غافل بماند، زیان دیده است.

بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۲، باب ۲۶، ح ۹

مبعث حضرت رسول اکرم (ص)
گرامی باد

شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع)
را تسلیت می گویم

- صاحب امتیاز.....موسسه کیهان
- مدیرمسئول.....سیلمحملمسئول
- معاون فنی و اجرایی.....کیوان طباطبایی
- طراحی صفحات.....مسلم عباسی و علیرضاراعی
- آدرس پستی
- تهران - خیابان فردوسی - کوچه شهید شاهرخ
- موسسه کیهان - کیهان ورزشی
- صندوق پستی ۱۳۶۵۳۶۳۱
- فاکس مدیرمسئول ۳۳۱۱۷۶۰۰
- پست تصویری

۳۳۱۱۴۲۲۸ - ۳۳۱۱۱۱۲۰

■ تلفن دفتر مدیر مسئول ۳۳۱۱۲۲۰۰

■ تلفن ۳۳۱۱۰۲۴۶-۶۵، ۳۳۹۴۲۰۰۴

■ سازمان آگهی ها

۳۳۱۱۰۲۱۰ - ۳۳۱۱۸۰۵۰

اولین شماره مجله، ۱۸ آذر ۱۳۳۴



مراقب

توضیح به خوانندگان

همانطور که خوانندگان عزیز اطلاع دارند، یکشنبه هفته آینده به مناسبت ۲۲ بهمن، سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی، تعطیل رسمی است. بنابراین اگر شنبه (۲۱ بهمن) از سوی دولت یا موسسه کیهان تعطیل اعلام شود، مجله روز دوشنبه، ۲۳ بهمن در اختیار شما خوانندگان گرامی قرار خواهد گرفت. اگر هم "بین تعطیلتی" در کار نبود، مجله طبق روال، روز شنبه آینده (۲۱ بهمن) در سراسر کشور منتشر خواهد شد.

گامی به سوی تحول

رویه موقت و بی ثبات مدیریتی، اصلا به صلاح ورزش و مطلوب طرفداران باشگاه ها نیست. این رویه خود موجب آفات و موجد آسیب های دیگری می شود که یکی از آنها فقدان رابطه منطقی و بایسته و توأم با اعتماد و احترام متقابل میان مدیریت و سایر اجزا و عناصر - خاصه طرفداران و دوستداران آن مجموعه - است. بالاتر با ذکر دو نمونه ملموس اخیر، خواستیم این بحث را عینی تر کرده و وجود این آسیب را واقعی تر نشان دهیم. ثابا از مدیریت ارشد و شخص وزیر محترم ورزش می خواهیم حالا که دست به تغییراتی اساسی و ضروری در سطح معاونت های مهم خود زده و تیم مدیریتی را یکدست تر و هماهنگ تر کرده، برای حل بعضی از مسائل لاینحل و موضوعات بال تکلیف همت کند. از جمله این مسائل، بال تکلیفی مالکیتی و بی ثباتی مدیریتی در دو تیم پرسپولیس و استقلال است. البته از این نوع مسائل بر زمین مانده در ورزش کم نداریم. ما به بعضی از آنها در صفحات دیگر مجله همین شماره اشاره کرده ایم منتها با توجه به اتفاقات اخیر دو باشگاه ذکر شده، در اینجا به طور جداگانه به این موضوع پرداخته ایم. بارها نوشته و به سهم خود تاکید کرده ایم که این ورزش از سرمایه های غنی و داشته های با ارزشی برخوردار است که یکی از مهمترین آنها همین دو تیم قدیمی، پرافتخار و بالاخره مردمی هستند، سرمایه ای که مثل اکثر سرمایه ها قدر آن را ندانسته و از "کف" ظرفیت هایش هم استفاده نمی کنیم. اگر این دو تیم از حیث اداره و مدیریت سروسامان یابند و به دو "باشگاه" به معنای واقعی کلمه تبدیل شوند، نه تنها فوتبال مستعد و خوش سابقه ایران بلکه کلیت ورزش ما به سمت جلو حرکت خواهد کرد. تاکید مکرر ما هم مبنی بر سروسامان بخشیدن به این تیم ها و پایان دادن به وضعیت ناخوشایند و موقتی آنها از همین روست. در واقع ما بیش از آنکه در این بحث به سروسامان دادن به وضعیت این دو تیم حساسیت و بر آن تاکید داشته باشیم، به بهبود و اصلاح کلیت ورزش فکر می کنیم، چون اعتقاد داریم سروسامان یافتن این دو تیم و بالاتر از آن، روشن شدن نظام باشگاهداری، می تواند یک تحول اساسی در ورزش مستعد تحول کشورمان ایجاد کند. عرض کردیم که شرایط فعلی ناخوشایند و موقتی استقلال و پرسپولیس، "معلول" است. علت درگیری و تنش و اختلاف و اختلال مدام در میان اجزاء و عناصر تشکیل دهنده این تیم ها، بال تکلیف رها کردن و عدم تثبیت وضعیت مالکیتی و مدیریتی است. بنابراین انتظار طبیعی و به حق اهالی ورزش - خاصه طرفداران پرشمار این تیم ها - این است که در دوره جدید مدیریت با کمک و همکاری سایر دستگاه های ذیربط، این کار معطل مانده، انجام گرفته و "گامی در جهت تحول" در ورزش، در عالم واقعیت - نه صرفا حرف و شعار و وعده - برداشته شود ...

■ سردبیر

□ ظاهرا جرو بحث های درون تیمی میان مربیان و مدیران و همچنین اعتراض و تنش میان هواداران و مدیریت تیم های پرتعداد و ریشه داری مثل استقلال و پرسپولیس قرار نیست خاتمه پیدا کند. این، البته داستانی قدیمی است که در این دو، سه دهه اخیر آنقدر تکرار شده که حالا دیگر به صورت یک روال معمول و یک رویه عادی درآمده و کسی از علنی شدن گاه و بیگاه آن تعجب نمی کند. موضوع وقتی تعجب آور و موجب شگفتی می شود که از این جروب بحث ها و درگیری ها خبری نباشد و همه چیز در آرامش و صمیمیت پیش برود و اوضاع از همه نظر روبراه باشد!

در روزهای اخیر و بعد از اعلام کناره گیری تقریبا غافلگیرانه سرمربی تیم پرسپولیس، آتشی که مدت ها سعی می شد زیر خاکستر باقی بماند، بالاخره جرقه زد و اکثر طرفداران - مثل بسیاری از کارشناسان - این کناره گیری را به مسائل "غیر فنی" و در ادامه همان درگیری ها و ناهماهنگی های آشکار و نهان میان عناصر و ارکان مختلف ذکر شده ربط دادند. اتفاقات بعد از آن - مطرح شدن نام چند سرمربی خارجی و مذاکرات با مربی کروات (که از سوی وی در حد نوشتن یک قهوه دوستانه اعلام شد) و سرانجام انتخاب دستیار برزیلی سرمربی سابق - این حرف و حدیث ها را شدت بخشیده و بالاخره اردوی امارات و شکست سنگین در دیداری دوستانه، سخت مورد اعتراض بخش وسیعی از طرفداران و حتی پیشکسوتان و بازیکنان این تیم واقع شده است و ... خلاصه در آستانه شروع نیم فصل دوم، پرسپولیس در گیر تنش های این چنینی شده و همین اسباب نگرانی هواداران را فراهم آورده است. از آن سو، آتش افروخته ناشی از اختلافات سرمربی و مدیرعامل تازه وارد استقلال که با وساطت گوش شکسته هایی مثل علیرضا دبیر موقتا زیر خاکستر رفت، هفته گذشته با لغو اردوی امارات و مصاحبه انتقادی سرمربی و بیانیه باشگاه و ... دوباره شعله ور شد و این تیم پرتعداد را هم مثل رقیب سنتی و رفیق دیرینه خود، در گیر مسائل داخلی و اختلافات درونی کرد و زمینه نگرانی و اعتراض طرفداران را فراهم آورد و ...

منظور ما از پیش کشیدن این بحث - آن هم در سرمقاله مجله - تحلیل جزئیات ماجرا و ارائه نظر و طرح سوال "کی بود، کی بود؟" و دست آخر قضاوت نهایی نیست تا اینکه معلوم کنیم چه کسی برحق است و آن یکی ناحق می گوید و درست عمل نمی کند. ما بارها نوشته و تاکید کرده ایم، علت وجود اینگونه مسائل حل نشدن آن و ... چیز دیگری است و کسانی که در وسط میدان و جلوی چشم ناظران یقه همدیگر را گرفته اند - و بدون شک هیچکدام هم از قابلیت و توانایی بی بهره نیستند - "معلول" و خود به نوعی قربانی و نفله آن "علت" یا "علل" هستند. غرض ما از طرح این بحث، اولای یادآوری یک واقعیت غیر قابل کتمان و نشان دادن یک آسیب جدی در کاروبار فوتبال و کلیت ورزش است. در این باره قبلا بارها نوشته ایم. حاکمیت چنین



احکام جدید و معاونت ادغام شده ورزش



در خبرها آمد که "کیومرث هاشمی، وزیر ورزش و جوانان در احکامی جداگانه معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و هم چنین معاون امور جوانان را منصوب کرد. به این ترتیب سیدشروین اسبقیان به جای سیدمحمد پولادگر به عنوان معاون ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان منصوب شد و سینا کلهر هم به عنوان معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در بندسبزه حکم صادره برای معاون جدید توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای چنین آمده است: "با عنایت به انتقال مسؤلیت بخش فرهنگی به معاونت توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای تا تصویب ساختار جدید، برنامه ریزی و ساماندهی امور فرهنگی در کلیه حوزه‌های ورزشی و اهتمام جدی به تقویت و ارتقای بنیادهای فرهنگی و اخلاقی در حوزه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و نظارت بر برنامه‌های فرهنگی فدراسیون‌ها، ادارات کل استانی و ستاد وزارت به عهده این معاونت خواهد بود". همچنین شنیده شده است که بخش همگانی

معاونت فرهنگی و توسعه ورزش همگانی هم به معاونت دیگری احتمالاً معاونت بانوان منتقل خواهد شد تا عملیاتی از معاونت‌های وزارت ورزش و جوانان منحل شود. در زمان انتشار این خبر وزارت ورزش از ارائه هر گونه اطلاع رسانی بیشتر خودداری کرد اما با توجه به اشاره کیومرث هاشمی به تصویب ساختار جدید این وزارت خانه می‌توان به این نتیجه رسید که احتمالاً سازمان اداری و استخدامی روی چارت فعلی وزارت ورزش و جوانان دست گذاشته و مساله مازاد بودن یک معاونت در این وزارتخانه مطرح کرده است. پیش از این نیز بحث کاهش تعداد معاونت‌های وزارت ورزش و جوانان بر حسب تکلیف مطرح شده بود تا تعداد معاونت‌های این وزارتخانه از شش معاونت (۱ توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای (۲ توسعه مدیریت و منابع (۳ پارلمانی، حقوقی و امور استان‌ها (۴ امور جوانان (۵ توسعه ورزش بانوان (۶ فرهنگی و توسعه ورزش همگانی به پنج معاونت کاهش یابد. با توجه به صدور احکام جدید مشخص گردید معاونت ادغام شده "معاونت فرهنگی و توسعه ورزش همگانی" نام دارد! به نظر بحث کوچک و چابک سازی چارت سازمانی وزارت ورزش و جوانان نه تنها نگران کننده نیست بلکه با توجه به اقتصاد مقاومتی و صرفه جویی در منابع محدود موجود مفید نیز می‌تواند باشد. باید دید ماهیت کار و عملکرد معاونتی با عنوان فرهنگی و توسعه ورزش همگانی در طی این سال‌ها چه بوده است؟ این تغییرها و جابجایی و تقسیم کار صوری حوزه‌هایی مثل ورزش همگانی مشابه همان اتفاقی است که برای حوزه ورزش حرفه‌ای در زیر مجموعه ورزش قهرمانی افتاده است. در یک کلام و خیلی روشن می‌نویسیم: هیچ! اگر استقلال معاونت ورزش همگانی یا زیر مجموعه قرار گرفتن آن در معاونت فرهنگی خللی در روند رشد و توسعه ورزش همگانی یا همگانی کردن ورزش در کشور بوجود آورده بود، می‌توانستیم بگوئیم ادغام آن در فعالیت‌های معاونت بانوان اشکالی در این کار ایجاد می‌کند. در مورد حوزه مسائل فرهنگی ورزش کشور نیز چنین منطقی صدق می‌کند. به راستی تاکنون کدام یکی از نارسایی‌ها و معضلات فرهنگی حوزه ورزش رفیع یا کم شده است؟ چه خوب بود روسا، وزراء یا معاونانی که دوره مسؤلیت‌شان در ورزش تمام شده است در پایان کارشان بیلان و آماری از نتایج فعالیت‌های خود می‌دادند و به عنوان مثال به مخاطبان و ذی‌نفعان حوزه ورزش اعلام می‌کردند که چند درصد از برنامه‌های آنان محقق شده است؟ و به عبارت بهتر اصلاح برنامه‌ای برای اجرا وجود داشته که پیاده شود یا خیر؟! به وزیر تازه نیامده ورزش خسته نباشید و خدا قوت می‌گوئیم دست‌میزاد، بالاخره دست به کار تغییر زدید. اما چه زمانی قرار است این تغییرها با تحول همراه باشد؟ خوب است که کیومرث هاشمی برای فرار از روزمرگی‌هایی که کمر ورزش ما را شکسته است از معاونت‌ها برنامه بخواهد، مشروط بر آن که این برنامه‌ها برای قضاوت، نظارت و ارزیابی عملکرد و از همه مهم‌تر پاسخ‌گو نمودن مسئولان به نمایندگان افکار عمومی اعلام شود، چون چشم و گوش ما از آمار سازی‌های مختلف پر است!

شرکت توسعه همچنان در بلا تکلیفی!

علی‌رغم تغییرات به عمل آمده در پست‌های وزارت ورزش و جوانان باز پست مدیریت شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی علی‌رغم استعفای مدیر فعلی آن بلا تکلیف مانده است! شرکتی که پس از فعالیت پانزده ماهه "عاصم یوسفی" از آذرماه سال گذشته مسؤلیت‌ش به "مهیار عسگریان" سپرده شد و بعد از رفتن حمید سجادی و استعفای عسگریان مدت‌هاست که وضعیت نگران کننده‌ای دارد. شرکتی

که مسؤلیت‌ش بر عهده وزیر ورزش و جوانان می‌باشد بدون شک کیومرث هاشمی به میزان اهمیت شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کاملاً واقف است اما چرا پس از گرفتن رای اعتماد از مجلس شورای اسلامی هنوز نتوانسته تکلیف مدیریت این شرکت بزرگ را مشخص کند؟ این خود سوالی است که جامعه ورزش را نگران کرده است. فراموش نکنیم شرکت توسعه تولید مجموعه‌های بزرگ ورزشی را بر عهده داشته و کار ساخت و ساز ورزشگاه بزرگ پایتخت که وعده آن داده شده نیز با هماهنگی و نظارت این شرکت قرار است پیش برود. مضاف بر آن که این شرکت در راستای توسعه سه حوزه مهم ورزش نیز نقش کلیدی ایفاء می‌کند. (۱) حوزه ورزش قهرمانی (۲) حوزه ورزش حرفه‌ای (۳) حوزه ورزش همگانی. اینک از وزیر محترم ورزش می‌پرسیم: مگر شما چقدر برای ادامه مسؤلیت‌تان در این وزارت خانه وقت دارید که مساله مهم تعیین تکلیف شرکت توسعه را در اولویت کار خود قرار ندادید؟ آیا توسعه ورزش کشور جزء اولویت‌های کاری شما هست یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است و شما برنامه‌ها و سیاست‌هایی را به منظور رشد و توسعه این بخش‌ها مد نظر دارید قاعدتاً با تعیین مدیر جدید یا تثبیت جایگاه

"عسگریان" باید نقش این شرکت را در پیشبرد این سیاست‌ها مشخص و ابلاغ کنید. به عنوان مثال آیا دریافت پول، شهریه، حق عضویت و غیره از مردمی که تمایل به استفاده از فضای اماکن تحت اختیار شرکت توسعه را به منظور انجام ورزش همگانی دارند جایز است یا خیر؟ آیا شیوه تعامل شرکت توسعه با باشگاه‌های درگیر در مسابقات حرفه‌ای مقبول هست یا خیر؟ آیا تعامل این شرکت با فدراسیون‌های ورزشی رضایت‌بخش هست یا خیر؟ "امیدواریم نظر وزیر ورزش این نباشد که پاسخ همه این سوال‌ها مثبت است چون در این صورت شرکت توسعه هیچگاه نیازی به تغییر و تحول نخواهد داشت!!"



میهمان ، توجیه شد یا خیر؟

در خبرها آمد که: "جلسه مسئولان کمیته ملی المپیک و فدراسیون کشتی پیرامون بررسی برنامه‌های تیم‌های ملی کشتی در المپیک ۲۰۲۴ پاریس برگزار شد. این جلسه با حضور آقایان: محمود خسروی وفارئیس و سیدمناف هاشمی دبیر کمیته ملی المپیک و آقایان: علیرضا دبیر رئیس، ابراهیم مهربان دبیر فدراسیون، محسن کاوه و حسن رنگرز سرمربیان تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی بزرگسالان در مورد برنامه‌های کشتی برای حضور در رقابت‌های المپیک پاریس ۲۰۲۴ برگزار شد. در این جلسه تمام موضوعات مربوط به اردوها، اعزام‌ها، بدنسازی تیم‌های ملی کشتی بحث و تبادل نظر شد. دبیر در این جلسه با تشکر از کمیته ملی المپیک گفت: کمیته ملی المپیک در عین حال که کار نظارتی را برعهده دارد، کار حمایتی را نیز انجام می‌دهد. برای بهبود روند کارها و اشتراک نظرات، جلسات هفتگی با تشکیل یک کارگروه متشکل از سرمربیان تیم‌های ملی، سرپرست انستیتو و کارشناسان کمیته ملی المپیک برگزار شود. محمود خسروی وفانیز با بیان اینکه تمام قداز کشتی حمایت می‌کنیم، اظهار داشت: نظرات کارشناسی در مورد برنامه‌های کشتی می‌تواند به جهت حل مسائل موجود راهگشا باشد. "خبر بسیار مسرت بخش است منتها به یاد مصاحبه چند روز قبل رئیس فدراسیون کشتی افتادیم که گفته بود: "کشتی آزاد و فرنگی در المپیک یک مدال طلا بگیرند هنر کردند! ما مشکلات زیادی داریم، برخی کشتی‌گیران آسیب دیده هستند و خواهش می‌کنم با این حرف‌ها بار کشتی را سنگین نکنید! تیم کشتی تلاش می‌کند و کشتی‌گیران با لذت در المپیک کشتی می‌گیرند."

من حتی در کمیته ملی المپیک هم عنوان نکردم چه کسانی شانس کسب مدال طلا دارند! " حال نمی‌دانیم اگر آقای دبیر قبلا شفاف اعلام نکرده چه کسانی شانس کسب مدال طلا دارند یا چه تعداد مدال طلا بگیریم هنر کرده ایم؟! آیا در تشریف فرمایی رئیس کمیته ملی المپیک به مقرر فدراسیون این مسائل مهم که باید برای آن برنامه ریزی شده و بودجه و اعتبار متناسب با آن تامین شود، روشن و شفاف اعلام شده است یا خیر؟ اگر اعلام شده می‌توان نتیجه چنین جلساتی را مفید و مثبت ارزیابی کرد. اما اگر نشده باز تاب چنین اخباری در حد دید و بازدید با صرف جای و شیرینی فاقد ارزش به نظر می‌رسد.



در انتظار نتایج مشعشع مصوبات کمیته ملی المپیک!

سی و دومین نشست اعضای هیأت اجرایی کمیته ملی المپیک به ریاست محمود خسروی وفا در محل کمیته برگزار شد. مناف هاشمی دبیر کل کمیته ملی المپیک بعد از این نشست در مورد موضوعات مطرح شده در نشست و مصوبات آن گفت: "سه دستورالعمل برای این نشست تعیین شده بود که اولین آن در مورد پاداش پای سکو برای مدال آوران المپیک پاریس بود. طبق مصوبه قرار شد طلایی‌ها ده میلیارد تومان پاداش دریافت کنند، این پاداش برای نقره‌ای‌ها چهار میلیارد تومان و مدال آوران برنز دو میلیارد تومان خواهد بود. این پاداش‌ها ریالی اما به صورت کامل پرداخت نمی‌شود! معادل پاداش ورزشکاری که مدال گرفته به فدراسیون پرداخت می‌شود که پنجاه درصدش به مربی می‌رسد و مابقی را فدراسیون باید به کل کادر تیم فدراسیون پرداخت کند! جلسات با فدراسیون‌ها از سه ماه گذشته بعد از هانگژو شروع کردیم، فدراسیون‌های اعزامی را هم به سه دسته کردیم گروه اول شانس کسب سهمیه و مدال دارند، گروه دوم شانس کسب سهمیه دارند و شانس کسب مدال شان کم است. گروه سوم هم رشته‌هایی هستند که سهمیه و ایلد کارت کسب می‌کنند یا اینکه احتمال کسب سهمیه دارند. سهمیه‌ها به نسبت المپیک توکیو کم شده اما ما در

هستید که حساب و کتاب نداند! بگذریم که بچه‌های این دوره و زمانه هم سرشان در حساب و کتاب است و با لفاظی سرشان کلاه نمی‌رود؟ چرا چیزی را تصویب می‌کنید که در نهایت موجب اختلاف و اعتراض ورزشکاران و مربیان شود؟ آری مربی حرمت دارد باید زحمت و تلاش آن را ارج نهاد و مورد تشویق قرار داد اما چرا با نصف پاداش ورزشکار؟ آیا این مصوبه موجب بی حرمت کردن مربیان ملی



نخواهد شد؟ مگر در چند رشته کسب سهمیه کردید؟ مگر در چند رشته امکان کسب مدال دارید؟ این چه نوع مصوبه و پاداش دادن است؟! قبلا هم نوشته بودیم بهتر است پاداش مصوب کمیته ملی المپیک مستقیما به خود ورزشکاران قهرمان و مربیان شان اعطاء شود نه به واسطه فدراسیون‌ها. حال که عاشق افکار و جمع تخصصی خود هستید به انتظار نتایج کارتان می‌نشینیم. با این امید که ثبت نام در هفده رشته در حالی که ما تنها در چهار رشته کسب سهمیه کردیم به معنای سنگ بزرگ علامت نزدن نباشد!

هفده رشته اقدام به ثبت نام در مسابقات المپیک کرده ایم. " واقعا جای تعجب است که با چه منطقی ورزشکاری که در المپیک مدال گرفته و روی سکورفته باید نیمی از پاداش خود را از کمیته ملی المپیک به طور غیر مستقیم دریافت کند؟ آن هم به این امید که مابقی را قرار است فدراسیون‌ها بعدا پرداخت کنند! و بدتر از آن با این توجیه که پنجاه درصد پاداش ورزشکار مدال آور به مربی‌اش می‌رسد! برادران گرامی چرا کار را پیچیده می‌کنید. از اول نصف پاداش ورزشکار المپیک و مدال آور را اعلام کنید و خلاص! نصف پاداش قهرمان به مربیان تعلق می‌گیرد یعنی چه؟! مگر بلانسبت با کودک صغیر طرف

● سرمربی «رفت و برگشت» شمس آذر!

پایان رقابت های نیم فصل اول لیگ برتر و همزمانی آن با آغاز جام ملت های آسیا، فرصت بسیار خوبی برای تیم هایی چون شمس آذر قزوین بود که با توجه به اینکه هیچ بازیکن ملی پوشی را هم نداشتند با پیگیری تمرینات خود، تیمشان را به دور از هر حاشیه و برای رقابت های نیم فصل دوم آماده کنند و به همین جهت نیز با همه شرایط سخت مالی که مدیران شمس آذر با آن روبرو بودند، این تیم از دوی ۱۰ روزه ای را در کشور ترکیه برپا کرد. تیم شمس آذر قزوین در مدت برپایی اردوی آمادگی خود در ترکیه، با تیم های ینی سئی کراسنویارسک روسیه، سرخان ازبکستان و کایسار قزاقستان دیدارهای تدارکاتی را نیز برگزار کرد و با پیروزی بر نماینده ازبکستان و شکست در برابر دو تیم دیگر به تمرینات خود پایان داد.

سعید دقیقی، سرمربی این تیم در حالی که اردوی آمادگی خود را در ترکیه می گذراند به یک باره سرود جدایی سر داد و در نیمه راه و شبانه به کشور بازگشت و پیام استعفای خود را به اطلاع مدیران تیم فوتبال شمس آذر رساند و سپس برای بستن قرارداد راهی رفسنجان شد.

اینکه انگیزه سعید دقیقی با وجود داشتن قرارداد و تعهد به فوتبالدوستان همشهری خود و همچنین کسب نتایج درخشان در نیم فصل رقابت ها چه بود که باز هم به یک باره استعفا کرد بر هیچ کسی به غیر از خود او و همچنین مدیران باشگاه، معلوم نبود.

باشگاه شمس آذر قزوین نیز بعد از استعفای دوم سعید دقیقی ترجیح داد سکوت کند تا این سرمربی علت استعفای خود را اعلام نماید که این سرمربی بعد از گذشت سه روز با انتشار متنی در فضای مجازی "مشکلات مالی" باشگاه را دلیل جدایی خود اعلام کرد و گفت: "مجموعه شمس آذر یک نماد (برند) اقتصادی است و با توجه به نزدیکی عید نوروز هم باید به فکر حقوق و مزایای کارکنان و کارگران خود باشد و از سوی دیگر باید مخارج یک تیم لیگ برتری را تامین کند که این مسائل کار مدیریت را سخت تر کرده بود و تصمیم بر این شد که با دریافت پول رضایتنامه، هزینه های پیش رو را تامین کنند که قرعه به نام من و سه بازیکن دیگر تیم افتاد تا از شمس آذر جدا شویم."

به هر روی شهاب زندی، مدیرعامل تیم شمس آذر قزوین سه شنبه هفته گذشته در صفحه شخصی اینستاگرامی خود نوشت: هواداران عزیز شمس آذر، استعفای سرمربی تیم، آقای دقیقی در باشگاه پذیرفته نشد و آقای دقیقی کارش را در باشگاه شمس آذر ادامه خواهد داد.

اینطور که پیداست دقیقی با اعلام مدیرعامل شمس آذر قزوین دوباره به کارش ادامه می دهد و آرامش به تیم پدیده نیم فصل لیگ بیست و سوم برگشته است.



● فصل برای بازیکن فرانسوی استقلال تمام شد

خبر تلخ برای هواداران تیم استقلال در هفته گذشته از دست دادن فصل برای بازیکن فرانسوی جواد نکونام بود. کوین یامگا، بازیکن خارجی تیم فوتبال استقلال به دلیل مصدومیت از ناحیه چشم تا پایان این فصل قادر به بازی برای تیمش نیست و لیگ بیست و سوم برای او به پایان رسید. در یکی از تمرینات اخیر تیم استقلال، حامدی فر، بازیکن جوان استقلال با استوک به طور غیر عمد به صورت و چشم یامگا ضربه زد و وی تاکنون چند عمل جراحی روی چشمش انجام داده که به گفته پزشکان موفقیت آمیز بوده اما نکونام، سرمربی استقلال اعلام کرد که تا پایان فصل قادر به بازی نخواهد بود. ضمناً یامگا، بازیکن تیم استقلال برای گذراندن دوران نقاهت، ایران را به مقصد پاریس ترک کرد. بنا به گفته پزشکان او نیاز به فرصت ۵ الی ۶ ماهه دارد تا بینایی اش را به دست بیاورد و به همین دلیل از لیست تیم استقلال در دور برگشت بازی ها خارج شد.

پیش بینی می شود یامگا یکی دو بار دیگر از سوی پزشکان ایرانی جراحی شود.

● مصاحبه آنتشین نکونام علیه مدیر عامل استقلال

جواد نکونام پس از لغو اردوی استقلال در دوبی یکی از تندترین مصاحبه‌های خود را علیه علی خطیر، مدیر عامل باشگاه انجام داد. سرمربی استقلال چند ساعت پس از بیانیه باشگاه درباره لغو اردوی دوبی علیه مدیریت لب به سخن گشود. نکونام در جمع اصحاب رسانه گفت: برخلاف صحبت‌هایی که یک سری از دوستان داشتند و گفتند اگر تیم چهاردهم هم بشود، برای ما مهم نیست، بیانیه‌شان نشان داد اینها منتظر هستند که همین جا سر ما را ببرند. اتفاقاتی که افتاد این را کاملا نشان می‌دهد. نامه‌ای از هیات مدیره گرفته اند تا هر زمان خواستند سرمربی تیم را اخراج کنند و هنوز هم آن نامه را با خودشان این ور و آن ور می‌برند که این ادعا را نشان می‌دهد. در مورد اردوی دوبی هم باید بگویم، در بازی آخری که در تهران داشتیم، من علنا و به طور رسمی گفتم که اگر بازیکن نگیرم، به اردوی دوبی نمی‌روم. قرار نبود اردویی در دوبی برگزار شود. پیشنهادی به من دادند و قرار شد ۲ بازی دوستانه برگزار شود و برویم در آنجا شرکت کنیم ولی وقتی بازیکن نگرفتیم، من گفتم که نمی‌رویم. سپس جلساتی با مدیر عامل تیم برگزار کردیم که دوباره من در خواست اردوی خارج از کشور دادم. چند کشور را نیز گفتم، چون به تیم مان کمک می‌کرد. این موضوع هم منوط به خریدن بازیکن بود. نکونام ادامه داد: اینکه چرا بازیکنی گرفته نشده، پروسه‌اش را نمی‌دانم. فقط می‌دانم که چند نامه زدند. مثلاً می‌دانم که به باشگاه سپاهان نامه زدند و باشگاه سپاهان مخالف انتقال بود. من سوال می‌کنم. مثلاً تیمی می‌خواهد رونالدو را بخرد. می‌گوید ما می‌خواهیم رونالدو را بخریم. به هر حال آن مسئولی که در باشگاه النصر است، قطعاً جوابی نمی‌دهد ولی اگر آن تیم رونالدو را می‌خواهد، اگر با چک یا پول نقد برود و مذاکره کند، شرایط فرق می‌کند. مثلاً باشگاه سپاهان یک بازیکن عراقی را می‌خواهد و مدیران این باشگاه برای مذاکره به باشگاه عراقی رفته اند ولی مانده‌ایم و می‌گوییم، آقا، این بازیکن نمی‌آید و آن بازیکن نمی‌آید.



● حمایت از کارت قرمز فغانی

تیم‌های ملی عراق و اردن در مرحله یک‌هشتم نهایی جام ملت‌های آسیا به میزبانی قطر با قضاوت علیرضا فغانی رو در روی هم قرار گرفتند که این بازی در پایان با برتری ۳ بر ۲ به نفع اردن به پایان رسید. در دقیقه ۷۶ این بازی و پس از به ثمر رسیدن گل دوم عراق توسط آیمین حسین، علیرضا فغانی به دلیل حرکت خوشحالی جنجالی این بازیکن مقابل هواداران اردنی به او کارت زرد دوم نشان کرد و بازیکن عراقی از زمین بازی اخراج شد. پس از پایان بازی که با حذف تیم عراق همراه شد، فوتبالیست‌های عراقی در فضای مجازی به شدت علیرضا فغانی را بابت اخراج آیمین حسین مورد انتقاد قرار دادند.

در همین حال سایت "change" مدعی شد، هواداران فوتبال عراق به دنبال امضای طوماری هستند تا با ارسال به فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا، علیرضا فغانی را از قضاوت تعلیق کنند. در بیانیه هواداران عراقی آمده بود: "ما از نتیجه دیدار با اردن بسیار ناراحت هستیم. اخراج آیمین حسین توسط علیرضا فغانی غیر عادلانه و بحث برانگیز بود، در حالی که بازیکنان اردن هم همین خوشحالی را پس از به ثمر رساندن گل اول انجام دادند.

داور باید در بازی بی طرف باشد اما فغانی با تصمیم خود تناقضاتی را به وجود آورد. نه تنها ما (هواداران عراقی) بلکه بسیاری از کارشناسان نیز تصمیم فغانی را نادرست دانستند. از فیفا و AFC می‌خواهیم تا زمان بررسی تحقیقات کامل در این بازی، فغانی را از قضاوت تعلیق کنند. پیش از این نیز، فدراسیون فوتبال عراق بابت نحوه قضاوت فغانی از این داور به AFC شکایت کرده بود.

بلافاصله AFC از علیرضا فغانی، داور ایرانی الاصل فدراسیون فوتبال استرالیا حمایت کرد و نوشت: هر گونه تهدید، توهین و نشر اخبار شخصی مربوط به داوران، بازیکنان و مسئولان را محکوم می‌کنیم چون این رفتارها با بازی جوانمردانه تضاد دارد. در میان واکنش‌های متعدد در حمایت از علیرضا فغانی، فدراسیون فوتبال استرالیا هم با انتشار بیانیه‌ای از این داور حمایت کرد. در این بیانیه آمده است: "ایمنی و رفاه تمام کارکنان فدراسیون فوتبال استرالیا و اعضای جامعه فوتبال استرالیا اولویت ما است. فدراسیون دائماً با علیرضا در تماس است و از او و خانواده‌اش حمایت می‌کند." با وجود اعتراض زیاد عراقی‌ها، کارشناسان داور نیز تصمیم فغانی را تأیید کردند.

همه کارشناسان داور بر نامه تلویزیونی "الکاس" قطر، تصمیم علیرضا فغانی را درباره آیمین حسین در ست دانستند. از نظر آنها شادی گل آیمین حسین ناجوانمردانه و مبالغه آمیز بود، به طوری که داور بازی چهار بار سوت زد و از این بازیکن خواست که به زمین برگردد اما او این کار را نکرد. او یک بار با هواداران، دو بار با بازیکنان و بعد از بازگشت به زمین هم یک بار دیگر شادی گل داشت و به همین خاطر تصمیم داور درست بود.



حل مشکلات ورزش

در گروهی اراده و تدبیر مدیران است

جلسه ای دیگر با مسئولان ورزش داشت، به نکات مهم خوبی اشاره کرد که نشان می دهد دولت ایشان درباره ورزش، "جدی" خواهان ایجاد تحولات مثبت و انجام کارهای انجام نشده و معطل مانده، مثل "طرح آمایش سرزمینی" و... است.

ورزش را جدی بگیرید

یکی از مشکلاتی که ورزش ما با آن دست به گریبان بوده و از آن آسیب های فراوان و جفاهای زیادی متحمل شده، "جدی نگرفتن" ورزش از سوی متولیان اصلی و قانونی است. البته هر دولتی که آمده درباره ورزش و اهمیت و کار کردها و اهداف بلندی که درباره آن وجود دارد، کم سخن نگفته اما متأسفانه در عمل، اتفاق خاصی نیفتاده و خیلی زود معلوم شده که ورزش در نگاه دولتمردان از اهمیت و جایگاه بایسته - نه کم و نه زیاد - برخوردار نیست و در نظر و تلقی آنها، ورزش امری فرعی و موضوعی دسته چندان است و... و این نتیجه گیری و برداشت بیشتر از آنجا ناشی می شود که ملاحظه می شد ورزش عملاً به عنوان "بازی کودکان" و "سرو کار آدم های بی خیال و الکی خوش" تقریباً به حال خود رهاست و برای تعیین مدیران آن، حساسیت و وسواس لازم به خرج داده نشده و اصل شایسته سالیاری، کمتر مراعات می شود. حال آنکه اگر ورزش عملاً جدی گرفته می شد، بیش از هر جا در تعیین ساز و کار مدیریتی خودشان نشان می داد و در مورد انتخاب مدیران خرد و کلان دقت لازم و کافی به خرج داده می شد و... باری، سخن در این باره فراوان است، سخنانی که البته بارها گفته و نوشته شده اما خیلی کم به آنها توجه شده است. در هر حال امیدواریم در مقطع مدیریت فعلی، مسئولان ورزش - که باز تاکید می کنیم از ریز و درشت مسائل آگاه هستند و بر مشکلات آن وقوف دارند - برای اصلاح ورزش و حل مشکلات دست و پاگیر آن جدی باشند و شجاعانه و مدبرانه به جنگ مشکلات و موانع و مانع سازان بروند.

مشکلات اساسی و ساختاری

همانطور که بالاتر اشاره شد در ورزش ما مشکلات حل نشده و مسائل به حال خود رها شده و بلا تکلیف، کم نیست. برای مثال هنوز تکلیف مالکیتی تیم های پر طرفدار مملکت روشن نیست و این تیم ها با شیوه روزمرگی و روش های موقتی اداره می شوند. مدیریت های این دو تیم از ثبات لازم و منطقی برخوردار نیست و به همین دلیل آن رابطه کار ساز و بایسته توأم با اعتبار و اعتماد و احترام متقابل که باید میان مدیریت و هواداران برقرار باشد، وجود ندارد. همین روزها شاهد اعتراض بسیاری از طرفداران پرسپولیس بعد از استعفا سرمرمی موفق این تیم، به تصمیمات مدیریتی باشگاه هستیم. طرفداران به این اتفاقات طبق معمول به چشم توطئه و نقشه نگاه می کنند و معتقدند که مدیریت با احساسات آنها بازی می کند... همانطور که در اول فصل امسال طرفداران تیم استقلال به شدت به مدیریت مستقر معترض بودند و هفته پیش هم مجدداً شاهد جرح و بحث های درون این باشگاه بودیم و... فراتر از این، هنوز تکلیف نظام باشگاهداری در ورزش ما روشن نشده و اکثر تیم ها از کیسه بیت المال ارتزاق می کنند و...

مشکلات، حل شدنی است

علاوه بر این امور ساختاری و اساسی، بعضی از مسائل جاری نیز الان معطل است. برای مثال در سال المپیک، تکلیف بعضی از معاونت ها مشخص نیست، چند فدراسیون مهم مثل والیبال با سرپرست اداره می شوند، هنوز تکلیف سرمرمی و کادر فنی تیم ملی والیبال روشن نشده و... خلاصه، مسائل زیادی وجود دارد که باید حل شود. خوشبختانه همه این مسائل، حل شدنی است و شرایط برای حرکت بالنده و رو به پیشرفت ورزش مستعد ایران فراهم است. فقط می ماند اینکه خودمان چقدر برای حل این مشکلات جدی هستیم و عزم را جزم کرده ایم. پاسخ این سوال خیلی زود روشن خواهد شد...

خود بیگانه بوده و از چم و خم های ورزش چیزی سر در نمی آورند، خواه و ناخواه موجب توقف و حتی پسروی در حوزه کاری خود می شوند. این گرفتاری و آفتی است که همواره - به ویژه طی یکی دو دهه اخیر - مخمل و سد حرکت بایسته ورزش بوده و به عنوان مانعی سترگ جلوی حرکت و بالندگی آن را گرفته است.

ورزشی ها، جانشین بیگانه ها

خوشبختانه به نظر می رسد تیم فعلی مدیریت ورزش - که خود از خانواده ورزش و دارای سوابق اجرایی و مدیریتی در این حوزه است - متوجه این امر شده و به همین دلیل اولاً دست به تغییر می زند و ثانیاً سعی می کند در تغییرات، "صفر" را با "صفر" عوض نکند و ورزشی ها را جانشین بیگانگان رخنه در مدیریت های ورزش کنند و این نظر اگر درست باشد، می توان دیر کرد قابل توجه در تغییرات را توجیه و درک کرد.

ورزش، بازیچه دست سیاسی کارها

حیف مان می آید حالا که صحبت به اینجا رسیده، روی این موضوع تاکید نکنیم که در یکی، دو دهه اخیر، ورزش خیلی وقت ها بازیچه دست سیاسیون و سیاستمداران شده و بعضی از جناح ها و جریان های سعی کرده اند ورزش و اهالی ورزش را به ابزار و وسیله ای تبدیل کنند که پیش از آنکه به دنبال تحقق اهداف ملی و مصالح جمعی باشد، اهداف بانندی و اغراض سیاسی آنها را متحقق کند و بلندگوی تبلیغاتی شان باشد. ورود و رخنه مدیران نامدیر و غریبه های خارج از خانواده ورزش به عرصه مدیریت های خرد و کلان را باید با توجه به این واقعیت و گرفتاری تحلیل و درک کرد. در این باره نمونه ها و مثال ها فراوان است که فعلاً قصد ورود به آن را نداریم.

حرف ما چنانکه بارها نوشته و تکرار کرده ایم این است که ورزش را به حال خودش رها کنید و اداره آن را به دست ورزشی ها یا حداقل کسانی که با اصول مدیریت آشنا هستند، بسپارید. اگر چنین کنند و کمبود بزرگ ورزش بالقوه غنی و برخوردار ایران، یعنی "مدیریت" بر طرف شود، خواهیم دید که قدرت پرواز ورزش ما خیلی بیشتر از اینها و سقف ارتقای آن خیلی بالاتر از این است.

ورزش ایران "می تواند!"

این حرف ما - که حرف خیلی از کسانی است که ورزش ایران و داشته ها و سرمایه های مادی و انسانی آن را می شناسند و امیدواریم در دوره مدیریت فعلی ثابت و معلوم شود - هرگز سخنی ناشی از اغراق و زیاده خواهی نیست. ما بارها نوشته ایم و این جزو نظرات محکم کیهان ورزشی در طول سالیان متمادی بوده است که ورزش ایران "می تواند". اندازه و جایگاه این ورزش را با عملکرد خود و مدیریت های غالباً کم ظرفیت و قانع به نتایج زودگذر و مدال های رنگین جرقه ای، کوچک کرده ایم اما به گواه و نظر اغلب کارشناسان - چه داخلی و چه خارجی - اگر قدر نیروهای ذاتی و نهفته، خاصه از حیث انسانی آن به معنای واقعی و فراتر از حرف های کلیشه ای و تعارفات خنک، دانسته شود و برای استفاده صحیح از آن برنامه ریزی و مدبرانه اقدام شود، ایران می تواند جزو کشورهای صاحب ورزش در آید و در رشته های مختلف در میادین جهانی و المپیک، نام مبین عزیزمان خیلی بیش از پیش بر سر زبان ها بیفتد.

پایان معطلی ها

و باز حرف همیشگی ما این بوده که تحقق این امر معطل، در گروهی مدیریت عقلایی، دلسوزانه و برنامه محور است، مدیریتی که این ورزش از فقدان آن خیلی وقت ها زجر کشیده و زبان های قابل توجه دیده است. این است که عرض می کنیم از آقای هاشمی و همکاران و تیمش انتظار می رود که به این معطلی خاتمه دهند و با برنامه ریزی و تدبیر خود، پروبال ورزش را برای حرکت به سمت جایگاه شایسته آن باز کنند. خوشبختانه در دیداری که رئیس جمهور چند روز پیش، هم در جلسه شورای عالی ورزش و هم در

تغییرات در وزارت ورزش

اوایل هفته گذشته با صدور احکمی از سوی وزیر ورزش تغییراتی در سطح معاونت (معاونت توسعه قهرمانی و همچنین معاونت جوانان وزارت ورزش) صورت گرفت، تغییرات و جایجایی هایی که انتظار می رفت وزیر محترم ورزش خیلی زودتر از اینها به آن اقدام کند. تعلق و معطلی آقای هاشمی در این باره اخیراً موجب انتقادات و حتی اعتراضاتی از جانب اهالی ورزش و رسانه شده بود و خودمان نیز چندین مرتبه در سرمقاله یاد همین صفحه به این موضوع پرداختیم و با طرح این سوال که، آیا وزیر محترم ورزش به "اینی که هست" و "اینهایی که هستند" رضایت دارد و قرار است چرخ ورزش به روال و رویه سابق بچرخد، در این باره حرف و نظر و نقد خود مطرح کردیم. حرف ما این بوده و هست که اگر قرار است رویه سابق ادامه داشته باشد و حتی آدم های امتحان پس داده ایفا شده و به کار خود ادامه دهند، پس اصلاً منظور از این عزل و نصب ها و رفتن و آمدن ها چه بود؟!

اصلاح رویه ها

تغییر و جایجایی وقتی معنی دار و مفید است که به اصلاح روش ها و رویه ها و تحولات مثبت منجر شود، والا صرف تغییر و رفتن زید و آمدن عمرو نه تنها دردی را دوانمی کند و گرهی از مشکلات ورزش نمی گشاید، بلکه ممکن است پیامدهای منفی هم داشته باشد. خوشبختانه، هر چند کمی دیر، اما بالاخره تغییرات اساسی که در سطح افراد و مدیریت ها در وزارت ورزش باید انجام می شد، با صدور احکام و عزل و نصب هایی از سوی وزیر محترم ورزش صورت گرفت و از حالا به بعد ایشان می توانند با کسانی فعالیت خود را ادامه دهند که منصوب و منتخب خودشان هستند و راحت تر ایده های خود را اجرایی و برنامه های مورد نظر را عملی سازند.

تغییرات معنادار

بارها - و آخرین بار در سرمقاله شماره قبل - درباره کارکرد ورزش و مأموریت و وظیفه وزارت ورزش نوشته و یادآور شده ایم که برای استفاده از کارکردهای متنوع ورزش و برای اینکه وزارت مربوطه، مأموریت خود را به درستی انجام دهد و فراتر از روزمرگی ها و پرداختن به امور سطحی و گذرا، ورزش مستعد و بالقوه قوی ایران را تکوان دهد و به حرکت آن به سمت پیشرفت و بهتر و قوی تر شدن سرعت منطقی بخشد، خیلی کارهای معطل مانده و انجام نشده وجود دارد که به هر دلیلی - و مهمترین آن سختی و پردر دسر بودن آنها - تاکنون روی زمین مانده و خیلی ها در قامت مسئول و مدیر ورزش، راه عافیت طلبی در پیش گرفته و با تمرکز و پرداختن به مسائل فرعی و نتیجه گرایی، از کنار آنها به سلامت عبور کرده اند. بنابراین وقتی تغییرات افراد و آمد و رفت مدیران معنادار خواهد بود که عملاً ثابت شود تغییرات صورت گرفته، نه برای ادامه وضع و شرایط موجود، بلکه با هدف انجام کارها و اقداماتی است که مسئولان قبلی چشم بر آنها بسته و به دلیل سختی و موانع و مشکلاتی که دارد از انجام آن طفره رفته اند.

مدیریت با تجربه

به نوبه خود امیدواریم تغییرات صورت گرفته اخیر فقط در مرحله تغییر افراد و اسامی متوقف نشود و به زودی آثار مثبت خود را بر روش های مدیریتی و رویه های کاری و اجرایی و لاجرم حال و روز ورزش بگذارد. خوشبختانه تیمی که امروز هدایت ورزش را بر عهده گرفته و سکان آن را در اختیار دارد، تیمی ورزشی و یکدست و باتجربه است که سوابق قابل توجهی در حوزه ها و ورده های مختلف ورزش داشته و لذا بر این اساس نمی توان آنها را جزو مدیران تحمیلی و سفارشی دانست که سابقه ای در ورزش و شناختی از آن ندارند، اما هنوز نیامده پست های حساس مدیریتی را به اشغال در می آورند و نتیجه کار هم پیشاپیش روشن و مشخص است. یکی از اصلی ترین دلایلی که موجب شده ورزش ایران آن طور که باید و انتظار می رود در مسیر رویه جلو و با شتاب مقبول حرکت نکند، رخنه و حضور مدیران بیگانه با ورزش، اما تحمیل شده است که با سفارش این و آن، یا معامله ها و سهم خواهی های سیاسی و یا تفکر جاهلیتی همشهری بازی و قومیت گرایی، پست های مهم و جایگاه های حساس را به چنگ می آورند و چون با حوزه کاری



در شنا کسی به سمت بی اخلاقی برود خیلی سریع حذف می شود

فردی که در حال غرق شدن بود حالا در حال ساخت آکادمی شنا است



*** لطفا خودتان را معرفی کنید؟**

آریو رضائی هستم دارای مدارک مربیگری در رشته های شنا، بدنسازی و سه گانه در تحصیلات هم مدرک مهندسی شیمی را کسب کردم. تنها ورزشکاری در ایران هستم که در ماراتن شنا و دو و میدانی شرکت کردم. باعث افتخارم هست که با نشریه کیهان ورزشی که قدیمی ترین نشریه ورزشی کشور می باشد و با بزرگان کشور از جمله آقا تختی و... گفت و گو انجام داده مصاحبه می کنم.

*** از چند سالگی ورزش شنا را شروع کردی؟**

از هفت سالگی ورزش شنا را شروع کردم. با اینکه در استخر در حال غرق شدن بودم اما دست از ورزش برنداشتم.

*** به غیر از شنا در رشته ورزشی دیگری فعالیت داشتید؟**

به ورزش هایی مثل کوهنوردی و پرورش اندام روی آوردم اما پس از مشورت با پزشک از حضور در رشته پرورش اندام منصرف شدم و مجدد به رشته شنا برگشتم.

*** مربیان شما چه کسانی بودند؟**

آقایان دکتر اقبالپور، دکتر باقری و سعید رضائی

*** الگوی ورزشی شما چه کسی است و شما چه مقامی در کشور کسب کردید؟**

الگوی ورزشی من مایکل فلپس بود حتی شبها موقع خواب فیلم های مسابقات او را می دیدم و انرژی می گرفتم. در سیلان شنا کردم. در مسابقات ۴۲ کیلومتر ماراتن کیش شرکت کردم، در لیگ برتر عضو تیم شنا نفت تهران بودم. در حال حاضر هم در مسابقات آب های آزاد شرکت می کنم. به دلیل اینکه پدر و مادرم موافق حضورم نبودند و حمایت نمی شدند نتوانستم در رده ملی حضور یابم یکی از عموهایم و مادرم مربی شنا هستند.

*** شیرین ترین و تلخ ترین خاطره ورزشی تان چیست؟**

وقتی فکر می کنم و می بینم خاطره شیرینم نه کسب مقام در مسابقات قهرمانی کشور، نه ماراتن ۴۲ کیلومتری و نه فتح قله دماوند هست! بهترین خاطره ورزشی ام مسابقات اخیری بود که با شاگردم شرکت کردیم یک ماراتن ۱۰ کیلومتری شنا را تمام کردیم لحظه ای که شاگردم بعد از مسابقه بالا پایین می پرید و گفت: من تا ۴ ماه پیش فکر نمی کردم موفق بشوم ۲ کیلومتر شنا کنم ولی امروز تنها نماینده استان تهران هستم همچنین رقابتی را فراموش نمی کنم.

خاطره تلخ ورزشی هم مربوط به روزی است که با خانواده رفته بودیم و با مربی تیم ملی شنا گفت و گو می کردیم گفتند: برای حرفه ای تر شدن باید وقت بیشتری را برای تمرین اختصاص بدهید ولی پدر و مادر من آینده ای برای یک ورزشکار نمی دیدند و اجازه ندادند.

*** چند سال است مشغول مربیگری هستید؟**

دوازده سال است که مربیگری می کنم و موفق شده ام آکادمی آریو را تاسیس کنم.

*** چه شد که به فکر راه انداختن آکادمی شنا افتادید؟**

پیش خود گفتم یک وظیفه اجتماعی دارم و باتوجه به استعدادی که در بچه ها می دیدم به این فکر افتادم، آکادمی شنا راه اندازی کنم. در تابستان حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ شناگر و زمستان ۵۰ شناگر در آکادمی مشغول فعالیت هستند. تا جایی که برخی از آنها در تیم های لیگ برتری حضور دارند. سیاست اصلی ما در آکادمی کسب درآمد نیست، بیشتر به فکر استعدادیابی هستیم تا بتوانیم کاری دلخواه انجام دهیم.

*** علت فاصله داشتن ورزشکاران ما در رشته شنا با ورزشکاران دیگر کشورهای سطح اول چیست؟**

درست است ورزش اول ما شنا نیست اما از نظر استعداد بچه های ما بسیار مستعد هستند؛ از نظر امکانات هم ضعیف نیستیم اما از لحاظ برنامه ریزی و مدیریت در بخش استعدادیابی با دیگر کشورها فاصله داریم.

*** وضعیت اخلاقی و فرهنگی در رشته شنا چه گونه است؟**

در رشته شنا چون همه چیز رو است، اگر کسی حتی فکرش سمت بی اخلاقی برود خیلی سریع حذف می شود.

*** در پایان اگر چیزی به نظر تان می آید بفرمایید؟**

از ریاست فدراسیون آقای رضوانی و هیات شنا استان تهران آقای نظر تشکر می کنم که به فکر استعدادیابی هستند.

هجدهمین دوره جام ملت های فوتبال آسیا - قطر

صعود مقتدرانه ایران با شکست ژاپن با فوتبال ایرانی

تیم ملی فوتبال ایران با دو پیروزی مقابل تیم های سوریه و ژاپن به نیمه نهایی جام ملت های آسیا به میزبانی قطر رسید. ملی پوشان ایران در بازی مرحله یک هشتم نهایی برابر تیم فیزیکی سوریه در ۱۲۰ دقیقه به تساوی یک-یک رسیدند و موفق شدند در ضربات پنالتی بر سوریه غلبه کنند و حریف ژاپن در یک چهارم نهایی شوند. تیم ملی در بازی بعدی خود مقابل ژاپن در دو نیمه متفاوت ظاهر شد. در نیمه نخست تیم ایران یک گل از سامورایی ها در یافت کرد و نیمه نخست را به پایان رساند. ولی تیم ملی ایران در نیمه دوم فوق العاده بازی کرد و با غیرت ایرانی سامورایی ها را شکست داد و یکی از بازی های به یادماندنی خود را به نمایش گذاشت. تیم کشورمان با فوتبال ایرانی به سامورایی ها مجال نداد و در نیمه دوم مالک بازی بود. تیم ایران با شکست ژاپن راهی نیمه نهایی جام ملت های آسیا شد. هم چنین تیم ملی کره جنوبی در یک بازی در اماتیک بر تیم ملی استرالیا غلبه کرد و به نیمه نهایی رسید. اردن هم در دیدار با تیم تاجیکستان برنده شد و به نیمه نهایی رسید و حریف کره شد.



گروه بندی

گروه اول: قطر، چین، تاجیکستان، لبنان
گروه دوم: استرالیا، سوریه، هند، ازبکستان
گروه سوم: ایران، امارات، هنگ کنگ، فلسطین
گروه چهارم: ژاپن، عراق، اندونزی، ویتنام
گروه پنجم: کره جنوبی، اردن، بحرین، مالزی
گروه ششم: عربستان، عمان، تایلند، قرقیزستان

نتایج مرحله گروهی

تابلوی دور اول

(بازی شماره یک) قطر ۳ - لبنان صفر (گروه یک)
 گل: اکرم عقیف (۴۵، ۹۰+۶)، المعز علی (۵۶)
 (۳) چین صفر - تاجیکستان صفر (گروه یک)
 (۴) ازبکستان صفر - سوریه صفر (گروه دوم)
 (۲) استرالیا ۲ - هند صفر (گروه دوم)
 گل: جکسون اروین (۵۰)، جردن باس (۷۳)
 - این بازی را یک داور زن از ژاپن قضاوت کرد.
 (۵) ژاپن ۴ - ویتنام ۲ (گروه چهارم)
 گل: تاکومی مینامینو (۴۵، ۱۱)، کیتو
 ناکامورا (۴۵+۵)، آیاسه یوئدا (۸۵) برای ژاپن، نگوین
 باک (۱۶)، فام تاون های (۲۳) برای ویتنام
 (۶) امارات ۳ - هنگ کنگ یک (گروه سوم)
 گل: سلطان عادل (پنالتی-۲۴)، زیاد سلطان (۵۲)،
 یحیی الفسائی (۹۰+۵) برای امارات، چان سیو کوان (۴۹)
 برای هنگ کنگ
 (۷) ایران ۴ - فلسطین یک (گروه سوم)
 گل: کریم انصاری فرد (۲)، شجاع خلیل زاده (۱۲)،
 مهدی قایدی (۳۸)، سردار آزمون (۵۵) برای ایران، تامر
 صیام (۴۵+۶) برای فلسطین
 داور: عبدالرحمان القاسم با کمک طالب سالم الماری

و سعود احمد المقله

ورزشگاه: اجوکیشن سیتی الریان
 (۸) کره جنوبی ۳ - بحرین یک (گروه پنجم)
 گل: این بکوم هوانگ (۳۸)، لی کانگ این (۵۶، ۶۸)
 برای کره جنوبی، عبدالله الحشاش (۵۱) برای بحرین
 (۹) اندونزی یک - عراق ۳ (گروه چهارم)
 گل: مارسلینیو فردینان (۳۶) برای اندونزی، مهمن
 علی (۱۷)، رشید (۴۵+۷)، ایمن حسین (۷۵) برای عراق
 (۱۰) مالزی صفر - اردن ۴ (گروه پنجم)
 گل: المرادی (۱۲، ۲۲)، موسی التماری (۱۸، ۸۶)
 (۱۱) تایلند ۲ - قرقیزستان صفر (گروه ششم)
 گل: سوپاچای چیدد (۲۶، ۴۸)
 (۱۲) عربستان ۲ - عمان یک (گروه ششم)
 گل: عبدالرحمن غریب (۷۸)، علی البلیهی (۹۰+۶)
 برای عربستان، صلاح الیحيائي (۱- پنالتی) برای عمان

تابلوی دور دوم

(۱۳) گروه ۱: لبنان صفر - چین صفر
 (۱۴) گروه ۱: تاجیکستان صفر - قطر یک
 گل: اکرم عقیف (۱۷)
 (۱۵) گروه ۲: سوریه صفر - استرالیا یک
 گل: جکسون اروین (۵۹)
 (۱۶) گروه ۲: هند صفر - ازبکستان ۳
 گل: فیض الله یف (۴) ایگور سرگیف (۱۸) شرزود
 نصرالله یف (۴۵+۴)
 (۱۷) گروه ۳: فلسطین یک - امارات یک
 گل: بدر ناصر (۵۰ بازیکن حریف) برای فلسطین،
 سلطان عادل (۲۳) برای امارات
 (۱۸) گروه ۴: عراق ۴ - ژاپن یک
 گل: ایمن حسین (۵، ۴۰+۴۵) برای عراق، اندو

برای ژاپن (۹۰+۳)

(۱۹) گروه ۴: ویتنام صفر - اندونزی یک
 گل: مانگ کوالام (۴۲ - پنالتی)
 (۲۰) گروه ۳: هنگ کنگ صفر - ایران یک
 گل: مهدی قایدی (۲۴)
 (۲۱) گروه ۵: اردن ۲ - کره جنوبی ۲
 گل: پارک یونگ وو (۳۷ بازیکن حریف)، النعیمات
 (۴۵+۶) برای اردن، سون (۹)، العرب (۹۰+۱) بازیکن
 حریف برای کره
 (۲۲) گروه ۵: بحرین یک - مالزی صفر
 گل: علی مدن (۹۰+۵)
 (۲۳) گروه ۶: عمان صفر - تایلند صفر
 (۲۴) گروه ۶: قرقیزستان صفر - عربستان ۲
 گل: محمد کانو (۳۵)، فیصل الغمدی (۸۴)
تابلوی دور سوم

(۲۵) گروه یک: تاجیکستان ۲ - لبنان یک
 گل: اومار بایف (۸۰)، خمروقولوف (۹۰+۲) برای
 تاجیکستان، باسل جرادی (۴۷) برای لبنان
 (۲۶) گروه یک: قطر یک - چین صفر
 گل: حسن الهیدوس (۶۶)
 (۲۷) گروه ۲: سوریه یک - هند صفر
 گل: عمر خربیین (۷۶)
 (۲۸) گروه ۲: استرالیا یک - ازبکستان یک
 گل: مارتین بویل (۷۹) - پنالتی) برای استرالیا، عزیز
 بک تورگونوف (۷۹) برای ازبکستان
 (۲۹) گروه ۳: هنگ کنگ صفر - فلسطین ۳
 گل: عدی الدیاج (۱۲، ۶۰)، زید قنبر (۴۸)
 (۳۰) گروه ۳: ایران ۲ - امارات یک
 گل: مهدی طارمی (۲۶، ۶۵) برای ایران، یحیی الفسائی

برای امارات (۹۰+۳)

(۳۱) گروه ۴: ژاپن ۳ - اندونزی یک
 گل: آیاسه اوئدا (پنالتی ۵۲، ۵۶)، جاستین هابنر (OG)
 برای ژاپن، سندی والش (۹۰+۱) برای اندونزی
 (۳۲) گروه ۴: عراق ۳ - ویتنام ۲
 گل: ربیین سولاقا (۴۷)، ایمن حسین (۷۳، ۹۰+۱)
 برای عراق، بوی هوانگ (۴۲)، انگوین گوانگ های (۹۰+۱)
 برای ویتنام
 (۳۳) گروه ۵: کره جنوبی ۳ - مالزی ۳
 گل: جئونگ وو یئونگ (۲۱)، لی کانگ این (۸۲)، سون
 هیونگ مین (پنالتی ۹۰+۴) برای کره جنوبی، عبدل
 هالیم (۵۱)، عارف آیمان (پنالتی ۶۱)، رومل
 مورالس (۹۰+۱۵) برای مالزی
 (۳۴) گروه ۵: اردن صفر - بحرین یک
 گل: عبدالله یوسف (۲۴)
 (۳۵) گروه ۶: قرقیزستان یک - عمان یک
 گل: محسن الفسائی (۸) برای عمان، جوئل کوچو (۸۰)
 برای قرقیزستان
 (۳۶) گروه ۶: عربستان صفر - تایلند صفر

تابلوی مرحله یک هشتم نهایی

(۳۷) استرالیا ۴ - اندونزی صفر
 گل: الکان باگوت (بازیکن حریف ۱۲)، مارتین
 بویل (۴۵)، کریگ گودین (۸۹)، هری سوتار (۹۰+۱)
 (۳۸) تاجیکستان یک - امارات یک
 گل: وحدت هنانوف (۳۰) برای تاجیکستان، خلیفه
 الحمادی (۹۰+۵) برای امارات
 - در ضربات پنالتی تیم تاجیکستان ۵ - ۳ پیروز و صعود
 کرد.
 (۳۹) عراق ۲ - اردن ۳



اخراج بازیکن ژاپنی از تیم ملی

اتحادیه فوتبال ژاپن اعلام کرد ایتو جونیا هافبک ۳۰ ساله تیم ملی فوتبال این کشور از لیست سامورایی آبی کنار گذاشته شده است. در بخشی از بیانیه اتحادیه فوتبال ژاپن آمده است؛ "در مورد برخی از گزارش ها، JFA درک می کند که طرف های درگیر در مورد حقایق گزارش شده ادعاهای متفاوتی دارند و ما معتقدیم که باید با احتیاط به این موضوع پاسخ دهیم". پلیس ژاپن پس از آنکه رسانه های محلی گزارش دادند دوزن، جونیا ۳۰ ساله را به تجاوز جنسی متهم کرده اند، تحقیقاتی را در مورد این ملی پوش ژاپنی آغاز کرده است. رسانه های ژاپنی مدعی شده اند که حادثه مربوط به این دوزن در ماه ژوئن ۲۰۲۳ پس از یک بازی دوستانه بین ژاپن و پرو در هتلی واقع در شهر اوزاکا رخ داده است.

خبرگزاری "کیودو" ژاپن گزارش داد که این هافبک ملی پوش این اتهامات را رد کرده و وکیلش گفته این ادعاها کاملاً بی اساس است و هیچ مدرک فیزیکی برای ثابت کردن ادعاهای آنها وجود ندارد.

کاپیتان ایران در تیم منتخب مرحله یک هشتم نهایی جام ملت ها

نام مدافع تیم ملی فوتبال ایران در تیم منتخب مرحله یک هشتم نهایی جام ملت های آسیا ۲۰۲۳ قرار گرفت. با پایان مرحله یک هشتم نهایی مسابقات جام ملت های آسیا ۲۰۲۳ و مشخص شدن چهره



هشت تیم صعودکننده، کنفدراسیون فوتبال آسیا تیم منتخب این مرحله را معرفی کرد که در این بین نام احسان حاج صفی کاپیتان تیم ملی فوتبال کشورمان هم دیده می شود.

تیم منتخب مرحله یک هشتم نهایی به شرح زیر است:

دروازه بان: هیون وو جو (کره جنوبی)

مدافعان: مایکوماسیا (ژاپن)، هری سوتار (استرالیا) و احسان حاج صفی (ایران)

هافبک ها: مارتین بوبل (استرالیا)، کوبوتا که فوسا (ژاپن)، سوپاچوک ساراچات (تایلند) و عزیزبک

تورگون بویف (ازبکستان)

مهاجمان: اکرم عقیف (قطر)، اوئدا آیاسه (ژاپن) و یزن النعیمات (اردن)

علت شکست استرالیا مقابل کره جنوبی از زبان آرنولد

سرمربی استرالیا گفت که کیفیت بازیکنان کره جنوبی مانع خواست تیمش برای گل نخوردن در دقایق پایانی شد. استرالیا در مرحله یک چهارم نهایی جام ملت های آسیا با نتیجه ۲ بریک مقابل کره جنوبی شکست خورد. این اتفاق در شرایطی افتاد که کره جنوبی برای چهارمین بار در این دیدار پس از دقیقه ۹۰ گل زنی کرد تا با این گل بازی به تساوی کشیده شود و در وقت های اضافه با درخشش سون به برتری برسند. گل زنی در دقایق پایانی برای کره در شرایطی رخ داد که آرنولد در نشست قبل از این بازی در واکنش به گلزنی کره ای ها در دقایق پایانی گفته بود: ما باید تمرکز زیادی داشته باشیم. آنها ترکیب مقتدری دارند. ما باید بدانیم چه کار کنیم. ما روی نقاط قوت کره کار کرده ایم و از نظر دفاعی آماده هستیم. عملکرد خوبی در بازی قبلی مان داشتیم اما باید ببینیم فوتبال برای ما چه می خواهد. ما جلومی رویم و می بینیم که در این جام چه اتفاقی می افتد. آرنولد پس از باخت به کره جنوبی گفت: کره جنوبی شامل بازیکنان با کیفیتی در لیگ های خارجی است. این بازیکنان در بایرن مونیخ، تاتنهام و پاری سن ژرمن بازی می کنند و این دلیلی است که آنها می توانند به این شکل عمل کنند. در نهایت به همین دلیل آنها ما را مجازات کردند.

کاپیتان اردن نقره داغ شد

کاپیتان تیم ملی فوتبال اردن به خاطر اخراجش در دیدار برابر عراق سه بازی محروم و پنج هزار دلار جریمه شد. تیم ملی فوتبال اردن در دور یک هشتم نهایی جام ملت های آسیا به مصاف عراق رفت و توانست با نتیجه سه بر دو به پیروزی برسد و راهی جمع هشت تیم پایانی جام شود. در دقایق پایانی این بازی یک صحنه جنجالی روی نیمکت اردن رخ داد که با دخالت داور بازی هم همراه شد. در دقایق پایانی در حالی که اردن گل تساوی را به عراق زد، حسین عموته، سرمربی مراکشی اردن، از بازیکنان خواست که روی نیمکت بنشینند و کنار زمین را خلوت کنند تا وقت بازی گرفته نشود اما حمزه الدر دور، مهاجم باتجربه اردنی ها، با سرمربی تیم درگیری لفظی پیدا می کند؛ به طوری که حتی او را هل داد و نیمکت نشین ها برای جدا کردن این دو پادرمیانی کردند.

علیرضا فغانی این بازیکن را به خاطر رفتار ناشایستش از زمین اخراج کرد. شبکه تلویزیونی الکاس خبر داد کنفدراسیون فوتبال آسیا کاپیتان اردن را سه بازی از همراهی تیم محروم و پنج هزار دلار جریمه کرد تا این بازیکن رسماً جام ملت های آسیا را از دست بدهد. البته حسین عموته، سرمربی اردنی ها، پیش از این کاپیتانش را از همراهی تیم کنار گذاشته و او را به اردن بازگردانده بود.

اخراج: اونیل (بازیکن استرالیا)
شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲
(۴۷) ایران ۲ - ژاپن ۱، ساعت ۱۵، ورزشگاه اجوکیشین

سیتی

(۴۸) قطر - ازبکستان، ساعت ۱۹، ورزشگاه البیت

تابلوی مرحله نیمه نهایی

(۴۹) کره جنوبی با اردن ۱۷ بهمن - سه شنبه

(۵۰) ایران با ... ۱۸ بهمن - چهارشنبه

تابلوی فینال

۲۱ بهمن - شنبه

(۵۱) برندگان دوبازی نیمه نهایی

جدول گلزنان

۶ گل: ایمن حسین (عراق)

۴ گل: آیاسه یوئدا (ژاپن)، اکرم عقیف (قطر)

۳ گل: مهدی طارمی (ایران)، لی کانگ این و سون

هیونگ مین (کره جنوبی) و عدی دباغ (فلسطین)

۲ گل: مهدی قایدی (ایران)، عمر خربیین (سوریه)،

الامیری (امارات)، ایروین و گودوین (استرالیا)، النعیمات

(اردن)، جابید (تایلند) و ...

آمار قهرمانی

چهار قهرمانی: ژاپن (۲۰۱۱، ۲۰۰۴، ۲۰۰۰، ۱۹۹۲)

سه قهرمانی: ایران (۱۹۶۸، ۱۹۷۲، ۱۹۷۶) و عربستان (۱۹۸۴، ۱۹۸۸، ۱۹۹۶)

دو قهرمانی: کره جنوبی (۱۹۵۶، ۱۹۶۰)

یک قهرمانی: اسرائیل (۱۹۶۴)، عراق

(۲۰۰۷)، قطر (۲۰۱۹)، کویت (۱۹۸۰)، استرالیا

(۲۰۱۵)

گل: سعد ناطق (۶۸)، ایمن حسین (۷۶) برای عراق، یزن النعیمات (۴۵+۱)، احسان حداد (۹۰+۷) برای اردن

(۴۰) قطر ۲ - فلسطین یک

گل: حسن الهیدوس (۴۵+۶)، اکرم عقیف (پنالتی

(۴۹) برای قطر، عدی الدباغ (۳۷) برای فلسطین

(۴۱) ازبکستان ۲ - تایلند یک

گل: عزیزبک تورگونبائف (۳۷)، عبوسبک

فیضولائف (۶۵) برای ازبکستان سوپاچوک (۵۸) برای تایلند

(۴۲) عربستان یک - کره جنوبی یک

گل: عبدالله ردیف (۴۶) برای عربستان، چو گوئه

سونگ (۹۰+۹) برای کره جنوبی

- تیم کره با برتری ۴ - ۲ در ضربات پنالتی صعود کرد.

(۴۳) ژاپن ۳ - بحرین یک

گل: ریئسو دوآن (۳۱)، تاکفوسا کوبو (۴۹)، آیاسه

اوئدا (۷۲) برای ژاپن، آیاسه اوئدا (بازیکن حریف ۶۴) برای

بحرین

(۴۴) ایران یک (۵) - سوریه یک (۳)

- ایران در ضربات پنالتی ۵ - ۳ پیروز شد و صعود کرد.

گل: مهدی طارمی (پنالتی ۲۴) برای ایران، عمر

خربیین (پنالتی ۶۴) برای سوریه

اخراج: مهدی طارمی

تابلوی مرحله یک چهارم نهایی

(۴۵) تاجیکستان صفر - اردن یک

گل: وحدت هنانوف (بازیکن حریف ۶۶)

(۴۶) استرالیا یک - کره جنوبی ۲

گل: کریگ گودوین (۴۲) برای استرالیا، هوانگ هی

چان (پنالتی ۹۰+۶)، سون هیونگ مین (۱۰۴) برای کره

جنوبی



چربش غیرت ایرانی بر فوتبال سامورایی

گل : هیدماسا موریتا (۲۸) برای ژاپن و محمد محبی (۵۵) و علیرضا جهانبخش (پنالنتی - ۹۰ + ۴) برای ایران پاس گل : آیاسه اوندا (۲۸) برای ژاپن و جهانبخش (۵۵) برای ایران داوری خوب ما نینگ (چین) باکمک آنتون شتینین و اشلی بیجام (هر دو از استرالیا) اختار : کو ایناکورا و آیاسه اوندا از ژاپن تماشاگر : ۳۶ هزار نفر زمین : هموار هوا : گرم روز شگاه جو کیش سنیتی دوحه - شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۲ - ساعت ۱۵

و توپ و زمین را تصاحب کرد . ژاپن برابر فوتبال ایرانی حرفی برای گفتن نداشت و در لاک دفاعی فرو رفت . تیم ایران به حدی ژاپن را تحت فشار گذاشت که می توانست در نیمه دوم چند بار دروازه ژاپن را باز کند اما فرصت های تیم ایران با بدشناسی از دست رفت تا این که پاس رامین رضاییان به سردار آزمون رسید و پاس فنی وی به محمد محبی رسید و او با یک ضربه خوب گل مساوی را به ثمر رساند . تیم ایران با روحیه بازی کرد و در وقت اضافه نیمه دوم فشارش را دوچندان کرد و حتی یک گل دیگر هم توسط آزمون به ثمر رساند که داور اعلام آفساید کرد و گل سردار مردود شد . تیم ایران در وقت اضافه نیمه دوم سراپا حمله شد و با سانتهای متعدد در جناحین حرفی را تحت فشار شدید گذاشت و آخرسر توسط محمد حسین کنعانی زادگان با یک ضربه پنالنتی رسید و جهانبخش ضربه پنالنتی را به گل بدل کرد و برنده این بازی بزرگ شد . سردار آزمون ، محمد محبی ، علیرضا جهانبخش ، رامین رضاییان و ... روز خوبی را پشت سر گذاشتند .

شرح گل : دقیقه ۲۸ موریتا با نفوذ از سمت چپ زمین و یک دو با آیاسه اوندا به راحتی از بین مدافعان ایران عبور کرد که شوت زمینی او و دفع اشتباه علیرضا بیرانوند منجر به گل اول ژاپن شد . دقیقه ۵۵ پاس رو به جلوی رامین رضاییان به پشت محوطه جریمه برای سردار آزمون را مهاجم ایران پس از چرخش و پاس در عمق به محمد محبی رساند تا این بازیکن با ضربه زمینی دروازه ژاپن را باز کند و گل تساوی را به ثمر برساند . دقیقه ۹۰+۶ سانتی ارسالی از جناحین بازیکنان ایران با اشتباه مدافعان ژاپن همراه شد و به کنعانی زادگان رسید که او توسط مدافع ژاپن در محوطه سرتگون شد و داور نقطه پنالنتی را نشان داد و علیرضا جهانبخش ضربه پنالنتی را به سمت راست زد و به تور دروازه ژاپن چسباند .

حادثه ویژه: دقیقه ۹۰+۶ اشتباه مدافعان ژاپن در دفع توپ ارسالی با فرصت طلایی کنعانی زادگان همراه شد و وی توسط مدافع ژاپن سرتگون گشت که داور نقطه پنالنتی را نشان داد و جهانبخش ضربه پنالنتی را به گل بدل کرد .

■ برترین بازیکن میدان : محمد محبی از ایران



تیم ملی ایران (۰) ۲

تیم ملی ژاپن (۱) ۱

■ ایران : علیرضا بیرانوند (۳) ، محمد حسین کنعانی زادگان (۴) ، شجاع خلیل زاده (۳) ، رامین رضاییان (۳) ، میلاد محمدی (۳) ، امید ابراهیمی (۳) ، سعید عزت الهی (۳) ، سامان قدوس (۳) (۸ + ۹۰ - روزبه چشمی) ، علیرضا جهانبخش (کاپیتان - ۴) ، محمد محبی (۴) (۸ + ۹۰ - مهدی ترابی) و سردار آزمون (۴) (۸ + ۹۰ - کریم انصاری فرد)

سرمربی : امیر قلعه نویی

■ ژاپن : زیون سوزوکی (۳) ، کو ایناکورا (۳) ، تاکهپور تومیاسو (۳) ، سیا مایکوما (۳) ، هیروکی اینوزو (۳) ، واتارو اندو (۳) ، تاکفوسا کوبو (۲) (۷+۶۷ - کارو میتوما) (۲) ، هیدماسا موریتا (۳) (۸ + ۹۰ - مائو هوسویا) ، ریستو دوآن (۳) (۸+۹۰ - تاکوما آسانو) ، دایزن ماتسدا (۲) (۷+۶۷ - تاکومی مینامینو) (۲) و آیاسه اوندا (۳)

سرمربی : هاجیمه مورایسو

نگاه کلی : تیم ایران مقابل ژاپن نسبت بازی گذشته برابر سوریه چهار تغییر داشت که روزبه چشمی ، احسان حاج صفی ، مهدی قایدی و مهدی طارمی جای خود را به محمد حسین کنعانی زادگان ، میلاد محمدی ، امید ابراهیمی و محمد محبی داده بودند . بازی با شروع بهتر ژاپن آغاز شد و سامورایی ها با کارهای ترکیبی و ایجاد روزنه میان خط هافبک و دفاع تیم ایران وارد محوطه جریمه می شدند . این در حالی بود که تیم ایران با آرایشی تدافعی سعی داشت که بازی مالکانه انجام دهد که در نیمه نخست به هدفش نرسید . ژاپن روی یک کار ترکیبی و اشتباه خط دفاع و دفع ناقص بیرانوند به گل نخست رسید و تیم ایران دقیقی پس از دریافت گل با ارسال بلند به زمین ژاپن توانست بازی را به زمین حریف برود و یکی دو موقعیت خلق کند که مهم ترین اش ، شوت سامان قدوس بود که از کنار دروازه ژاپن به اوت رفت . دقیقه ۱۹ شوت بازیکن ژاپنی بعد از برخورد به مدافعان راهی کرنر شد . کرنر اول مسابقه را کوبو زد که کنعانی زادگان توپ را دفع کرد . دقیقه ۲۴ اینتاکورا روی محمد محبی مرتکب خطا شد و اجازه ضد حمله به تیم ایران نداد که داور بازیکن ژاپنی را با کارت زرد جریمه کرد . دقیقه ۳۹ سامان قدوس صاحب موقعیت گلزنی شد که شوت او از داخل محوطه جریمه با اختلاف کمی از کنار دروازه ژاپن به بیرون رفت . نیمه دوم تیم ایران ورق را برگرداند و با ارسال های بلند ژاپن را عقب راند

ایران به سختی حریف ژاپن در یک چهارم نهایی شد

تیم ملی ایران (۱) ۶

تیم ملی سوریه (۰) ۴

■ ایران : علیرضا بیرانوند (۳) ، روزبه چشمی (۳) ، شجاع خلیل زاده (۳) ، رامین رضاییان (۳) ، احسان حاج صفی (کاپیتان - ۴) ، سعید عزت الهی (۴) ، سامان قدوس (۳) (۳+۶۳ - امید ابراهیمی) (۳) ، علیرضا جهانبخش (۳) (۴+۷۴ - علی قلی زاده) (۲) (۹+۱۱ - مهدی ترابی) (۲) ، مهدی قایدی (۲) (۳+۶۳ - محمد محبی) (۲) ، مهدی طارمی (۳) و سردار آزمون (۳) (۳+۹۰ - کریم انصاری فرد) (۲)

سرمربی : امیر قلعه نویی

■ سوریه : احمد مدنی (۳) ، ایهم اوسو (۳) ، نائز کروما (۳) ، عبدالرحمن ویس (۳) ، موید العجان (۳) ، خلیل الیاس (۳) ، ایزاکیل العلم (۳) ، محمود الاسود (۲) (۵۸ - پابلو صباغ) (۴) ، عمار رمضان (۳) (۷+۸ - فهد الیوسف) (۳) ، ابراهیم هیسار (۲) و عمر خربین (۴) (۴+۸۷ - علاءالدین دالی) (۲)

سرمربی : هکتور کوپر

نگاه کلی : دو تیم ایران و سوریه با تغییراتی به مصاف هم رفتند . ایران با سه تغییر نسبت به آخرین بازی مرحله گروهی ، دیدار مقابل سوریه را آغاز کرد که روزبه چشمی ، رامین رضاییان و علیرضا جهانبخش به ترتیب جانشین کنعانی زادگان ، صادق محرمی و علی قلی زاده شدند . سوریه هم با یک تغییر در ترکیب خود نسبت به آخرین بازی برابر هند مقابل ایران به میدان آمد که عمر خربین با رفع مصدومیت جانشین پابلو صباغ شد . بازی با حملات پیاپی و خطرناک ایران شروع شد و سوریه از همان ابتدای مسابقه در لاک دفاعی فرو رفت . دروازه بان سوریه در همان دقیقای ابتدایی مانع شد و در چند صحنه دروازه سوریه را نجات داد و عملکرد موثری داشت . با افزایش فشار حملات تیم امیر قلعه نویی در صحنه ای بازیکن سوری روی مهدی طارمی خطای پنالنتی کرد که مهاجم ایران ضربه پنالنتی را به تور دروازه حریف چسباند و ایران را پیش انداخت . سوریه در دقیقای پایانی نیمه اول از لاک دفاعی بیرون آمد و یکی دو حمله انجام داد که بی اثر بود تا ایران در نیمه اول با برتری راهی رختکن شود . دقیقه ۹ سردار آزمون روی پاس علیرضا جهانبخش در موقعیت تک به تک قرار گرفت و ضربه او توسط دروازه بان سوریه مهار شد اما بعد از این صحنه کمک داور به نشانه آفساید پرچم زد . دقیقه ۲۷ روی ارسال کرنر و بازگشت توپ پشت محوطه جریمه ، شوت سنگین احسان حاج صفی به شکل عجیبی گل نشود . دقیقه ۴۴ اشتباه بازیکنان سوریه نزدیک بود ایران را به گل دوم برساند که سردار آزمون پس از تصاحب توپ و پیشروی تا محوطه جریمه شانس گلزنی به دست آورد ولی به یک باره تعادل خود را از دست داد و روی زمین افتاد و توپ لو رفت . دقیقه ۴۵ ضربه سر بازیکن سوریه در دستان بیرانوند جای گرفت .

نیمه دوم مسابقه هم با شروع خوب تیم ایران رقم خورد و تیم ملی در همان دقیقای ابتدایی می توانست به گل دوم و سوم برسد ولیکن فرصت ها توسط عناصر دفاعی و گلر سوریه و بی دقتی بازیکنان قلعه نویی هدر رفت . تیم ایران تا دقیقه ۵۹ با حفظ برتری حریفش را تحت فشار قرار داده بود اما با تعویض هکتور کوپر آرژانتینی و آوردن پابلو صباغ در یک دقیقه نتیجه مساوی شد . صباغ یک دقیقه از ورودش به زمین نگذاشته بود که روی غفلت و اشتباه مدافعان بخصوص شجاع خلیل زاده و بیرانوند توانست یک پنالنتی بگیرد . تیم ایران در این صحنه شانس آورد که داور پس از خطای بیرانوند به روی بازیکن سوری از کارت قرمز خود استفاده نکرد . عمر خربین ضربه پنالنتی را برخلاف حرکت سنگربان تیم ایران به گل بدل کند . بازیکنان قلعه نویی پس از باز شدن دروازه تیمشان دوباره به فاز حمله رفتند تا کار را در ۹۰ دقیقه تمام کنند که موقعیت های به دست آمده با درخشش دروازه بان سوریه از دست رفت . در دقیقه ۸۱ مهدی طارمی به علت تمارض یک کارت زرد بی جهت گرفت که همین اختار در دقیقای دیگر در دلسر ساز شد و او به علت خطاروی علاءالدین دالی تعویض موثر کوپر از جانب داور کارت زرد دوم را گرفت و اخراج شد . مشخص نبود که طارمی مهاجم تیم ملی در منطقه دفاعی ایران چکار می کرد ؟ اصلا برای چی تا این منطقه از زمین عقب آمده بود ! حضور طارمی در منطقه دفاعی تیم خودی سؤال برانگیز بود ! به هر روی هر ۱۰ نفره شدن تیم ایران کار برای شاگردان قلعه نویی سخت شد و از آن طرف هم سوریه جلو کشید که در یک صحنه روی اشتباه



گزارش اختصاصی از دوحه؛ فوتبال و پیوند ملت‌ها

■ نماز جماعت تماشاگران ایرانی در ورزشگاه

تعدادی از تماشاگران ایرانی همچون بازی با سوریه، در محوطه بیرونی ورزشگاه نماز جماعت خواندند که مورد توجه ژاپنی‌ها قرار گرفت.



جریمه ۲ هزار دلاری طارمی از سوی AFC

مهدی طارمی از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا به دلیل دریافت دو کارت زرد در دیدار با سوریه جریمه شد.

وی در دیدار قبلی برابر سوریه دو کارت زرد از داور دریافت کرد و با جریمه از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا مواجه شد. طارمی علاوه بر محرومیت یک جلسه‌ای مطابق ماده ۱۰.۳ بخشنامه شماره ۲۵ جام ملت‌های آسیا، باید ۲ هزار دلار نیز ظرف ۳۰ روز به کنفدراسیون فوتبال آسیا بپردازد و تکرار این بی‌انضباطی با جریمه مالی بیش‌تری همراه خواهد شد.

در دیدار کره جنوبی و استرالیا کیم مین‌جائه، مدافع نامدار کره که در بایرن مونیخ بازی می‌کند به دلیل دریافت دو کارت زرد، دیدار با اردن در نیمه‌نهایی را از دست داد تا غایب بزرگ دور بعدی لقب گیرد. هری سوتار و آیدن اونیل نیز محروم شدند و با توجه به حذف استرالیا، دیدار رسمی بعدی کشورشان را از دست خواهند داد. پیش از این سالم العجالین و علی علوان دو بازیکن کلیدی اردن نیز در دیدار با تاجیکستان دو اخطاره شدند و دیدار با کره جنوبی در نیمه‌نهایی را از دست دادند.

بیانیه AFC: تصمیم فغانی درست بود

کنفدراسیون فوتبال آسیا تصمیم‌های علیرضا فغانی در مسابقه دو تیم ملی عراق و اردن را درست دانست و مورد تایید قرار داد. کنفدراسیون فوتبال آسیا در بیانیه‌ای رسمی اش گذشته از تایید همه سوت‌ها و تصمیم‌های علیرضا فغانی به ویژه اخراج ایمن حسین به همه گمانه‌زنی‌ها در این باره پایان داد.



داد. در بیانیه AFC آمده است: "کنفدراسیون فوتبال آسیا درباره دریافت کارت زرد دوم ایمن حسین و کارت قرمز پیامد آن از سوی داور مسابقه، علیرضا فغانی، در دقیقه ۷۷ بازی عراق و اردن در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ قطر پرسش‌های زیادی را دریافت کرد. AFC قصد دارد باراً تفسیری جامع از قوانین بازی و منطق پشت تصمیم داور به آنها پاسخ دهد. - تصمیم در زمین: کارت زرد اول ۳ + ۴۵ دقیقه (نشان دادن مخالفت با حرف و عمل)، کارت زرد دوم دقیقه ۷۷ (به دلیل تأخیر زیاد در آغاز دوباره جریان بازی)

- تصمیم به صدور کارت زرد دوم برای بازیکن شماره ۱۸ عراق در دقیقه ۷۷، ایمن حسین، بر اساس قانون ۱۲ (خطاها و تخلفات اقدام انضباطی: تأخیر) بود که بر اساس آن داور باید به بازیکنانی که بیش از حد شروع مجدد را به تأخیر می‌اندازند، اخطار بدهد. ایمن حسین پس از به ثمر رساندن گل در دقیقه ۷۵ شروع مجدد بازی را بیش از حد به تأخیر انداخت. در جریان جشن‌های این بازیکن، داور سه بار به ایمن حسین اخطار جدی داد تا در نهایت کارت زرد دوم را نشان دهد. در این خصوص دومین اخطاری که به ایمن حسین صادر شد تصمیمی درست از سوی داور بود. کنفدراسیون فوتبال آسیا موکداً از هواداران، رسانه‌ها و ذینفعان می‌خواهد که به تصمیم‌های گرفته شده مسئولان مسابقه احترام بگذارند."

بازی با سوریه، تماشاگران تیم مقابل را دلداری دادند.

عبور از گذرگاه سخت سوریه، تیم ملی را به بزنگاه ژاپن کشاند و با توجه به مصدومیت چند بازیکن و محرومیت مهدی طارمی، آنچه کلید واژه ما برای مصاف با "سامورایی‌ها" شد، بحث "روحی" تیم بود و در این میان هر کس به فراخور شرایط خود در این مسیر گام برداشت؛ حتی چهره ای چون "محمد بنا" از جامعه کشتی که با سال پیامی روحیه بخش از تهران به "امیر قلعه‌نویی" برای او نوشت: "تو می‌توانی مربی ایرانی را سربلند کنی."

در این سالها، از این بازی مهمتر نداشتیم و پیروزی، خوشحالی را به دل مردم که تشنه شادی هستند، می‌آورد. شعار ما: فقط برای مردم و شادی آنها بپرید، بچه‌ها.

امید داریم پیروز شویم ولی امید، شروع حرکت است و باید در زمین با یک جنگ حساب شده، تبدیل شود به واقعیت. بچه‌های ما اگر ذهنیت برنده داشته باشند، پیروز می‌شوند.

دیدار بزرگ در ورزشگاه "اجوکیشن سیتی" با ظرفیت ۵۰ هزار نفر برگزار شد.

اهدای پیراهن و پرچم به ایرانیان، سکوهایی یکدستی را به نمایش گذاشته بود و ژاپنی‌ها نیز به سبک و سیاق معروف خود، نمایشگر جامعه هواداری شان بودند.

این ورزشگاه که در آن فلسطین و امارات را شکست داده بودیم، برای تیم و هواداران ما آشنا بود.

در بحث رسانه‌ای، برگزارکنندگان به رعایت قواعد، به شدت پایبند بودند و سختگیری آنان دامن سه خبرنگار و عکاس ایرانی را گرفت و کارت هایشان باطل شد.

بازی بزرگ ۱۴ بهمن همه توجهات را به خود جلب کرده بود و پرسش خبرنگاران خارجی به چگونگی پر کردن خلا مهدی طارمی مربوط می‌شد.

پرونده سامورایی‌ها را بستیم

دیدار ایران و ژاپن با حواشی جالب خود در ورزشگاه اجوکیشن سیتی آغاز شد. جو ورزشگاه با توجه به حضور پرشمار ایرانی‌ها به نفع تیم ما بود.

امیر قلعه‌نویی تیمش را با چند تغییر روانه میدان کرد که مهم‌ترین آنها حضور میلاد محمدی در سمت چپ خط دفاعی بود. استفاده از ابراهیمی در کنار عزت‌اللهی نشان می‌داد که به دنبال بستن عمق دفاع خود هستیم و بازی باتک مهاجم گویای دل بستن به ضدحمله بود با این حال در نیمه نخست تنها روی یک موقعیت جدی ژاپنی‌ها، دروازه‌مان باز شد.

در نیمه دوم تماشاگران ایرانی ناامید نشده و یکپارچه به تشویق تیم ملی پرداختند و از آن سو ملی پوشان کشورمان با هدف قرار دادن عمق دفاع ژاپن خطرناک شدند و محبی روی پاس عالی سردار گلزنی کرد. پس از این گل تماشاگران ژاپنی بهت زده در سکوت فرو رفتند و در مقابل ایرانی‌ها ورزشگاه را روی سرشان گرفتند. بازیکنان ما پس از گل تساوی، بازی را به بهترین شکل ممکن دنبال کردند و بارها تا مرز گلزنی پیش رفتند. قلعه‌نویی در این نود دقیقه دست به تعویض نزد. مرز انفجار بازی و ورزشگاه ۳ + ۹۰ بود جایی که داور خطای روی کنعانی زادگان را پنالتی گرفت تا یوزها مقابل چشم پرشورهای ایرانی با شلیک جهانبخش پرونده سامورایی‌ها را ببندند.

■ دوحه - حمید ترابور (خبرنگار اعزامی کیهان ورزشی به قطر)



دوحه با حال و هوای فوتبالی اش در حالی جام ملت‌های آسیا را پشت سر می‌گذارد که تیم ملی کشورمان پس از روز عجیب خود مقابل سوریه، به مصاف ژاپن رفت؛ مسابقه‌ای که از دید هواداران

فوتبال، "فینال زودرس" محسوب می‌شد. هوای نسبتاً گرم مرکز قطر در دو روز اول حضور ما، ناگهان تغییری محسوس کرد و وزش بادهای سرد سبب شد مردم و هواداران کشورهای مختلف با پوششی متفاوت در سطح شهر حاضر شوند.

متروی شهر برای هوادارانی که بلیت مسابقات را در اختیار دارند در روز بازی رایگان است و همین موضوع به سهولت تردد آنها منجر شده است.

برخلاف روزهای برگزاری جام جهانی، سطح شهر چندان رنگ و بوی فوتبالی ندارد اما مراکز معروف همچون خیابان "سوق واقف" فضا کاملاً فوتبالی است.

هواداران تیم‌های باقیمانده در جام، شب‌ها با حضور در این منطقه واقع در "مشیرب" به کری خوانی و ایجاد کارناوال‌های مختلف مشغول هستند.

شب قبل از دیدار اردن و تاجیکستان، هواداران اردنی با اتحادی که میان خود و طرفداران چند کشور عربی ایجاد کردند، "سوق واقف" را روی سرشان گذاشتند و در میان همه هواداران، برخی از اشعار غیر ورزشی نیز به گوش می‌رسید.

"صوت الباروت، لن تنسها الرضوية"
"لا تحسب الصاغرا، اذول الأردنية"
"صدای فشنگ را فراموش نمی‌کنند مردم رضویه (الرضویه، نام قدیم اردن)"
"کوچولوهارو حساب نکن، چون این اسمش اردنه"

این شعارها گوش حاضران در منطقه و توریست‌هایی که برای غذا خوردن آمده بودند را پر کرده بود. اما در این میان، شور و حال هواداران ایرانی حاضر در ورزشگاه کوچک و ده هزار نفری "عبدالله بن خلیفه" متفاوت بود. برخلاف

مسابقاتی که در کشورمان برگزار می‌شود و تماشاگران باید ساعت‌ها زودتر راهی ورزشگاه شوند، تا یک ساعت مانده به دیدار ایران و سوریه سکوهای خالی خودنمایی می‌کرد. سوری‌ها با آنکه تنها یک سوم ورزشگاه را در اختیار داشتند اما با شور و حرارت خاصی تیم‌شان را تشویق می‌کردند، به خصوص پس از گل تساوی و سپس اخراج مهدی طارمی. در اینجا بود که تماشاگران ایرانی نشسته در چهار گوشه ورزشگاه ضمن اتحادی مثلزدنی جو وحشتناکی را علیه سوریه ایجاد کردند تا در روزی که از نظر فنی پراشتاد ظاهر شدیم و خودمان بازی برده‌ها به جهنم مبدل کردیم، هجمه ایرانی‌های حاضر در ورزشگاه مثل بنزین سبزی عمل کند و سوری‌هایی را که در وقت‌های اضافه بافت بدنی روبرو شده بودند، به ضیافت پنالتی‌ها سوق دهیم و ...

نکته مهم در خلال این رقابت‌ها اجتناب هواداران اغلب تیم‌ها از ایجاد چالش بود تا پیام پیوند ملت‌ها در این جام نمایش داده شود، به شکلی که تعدادی از هواداران ایرانی در پایان

خدا حافظ کاپیتان «شجاع»

قدردانی را تمرین کنیم

■ دکتر محمد (شهریار) شفائی

در فوتبال پر از تعصب کور، همیشه واقعیت‌ها بر پایه حقیقت نیستند. یعنی اغلب "حق" در میان سر و صدای تعصب گم می‌شود و گاهی "عدالت" قربانی عصبیت بی‌منطق می‌گردد. فوتبال ایران هم خالی از چنین تعصبات خشک و کور نیست. جایی که از دیرباز دورنگ آبی و سرخ پایتخت، و بتازگی سرخ آذربایجان، تعصب ورزشی را به گونه عجیب و غریبی تعبیر کردند. گونه‌ای که مشابهت‌های زیادی با تعصب و تیفوسی‌گری در دنیا داشت. اما در برخی موارد...

یک خاطره تلخ

تازه اعلام شده بود که بلیط‌های ورزشگاه آزادی شماره دار شده. بازی یکی از سرخابی‌ها با یک تیم شهرستانی بود. فرزندم با صدها کیلومتر فاصله از تهران، و دوستش با صدها کیلومتر فاصله از ما، قرار گذاشتند برای تماشای مسابقه به پایتخت بروند. جوان بودند و با توجه به اینکه تازه صندلی‌ها شماره دار شده بودند و این می‌توانست چالشی برایشان باشد، تصمیم گرفتیم همراهشان شویم. در ورزشگاهی که فقط صندلی‌هایش شماره دار بود، اما هیچکس سر جایش ننشسته نبود، در گوشه‌ای نشستیم. پشت سر من، یکی از طرفداران سرخابی، به همراه چند نفر از مریدانش، از همان لحظه اول به "همه" فحش می‌داد؛ به داور، فدراسیون، بازیکن و مربی حریف، و از همه عجیب‌تر:

بازیکن و مربی تیم خودش!!!
او البته در دقیقه ۶۰ موتورش راه افتاد و تیم خودش را تهدید کرد:
"اگر تا دقیقه ۸۰ گل نزنید، به خودتون و فک و فامیلتون فحش می‌دم!!!"
و من نفهمیدم واژه‌هایی که تا آن زمان می‌گفت نامش چه بود...

همه جا سوءتفاهم هست. همه جا طرفدار یک باشگاه یا حتی دوستداران تیم ملی، گاهی با یک بازیکن "چپ" می‌شوند. اما من هرگز نشنیدم و ندیدم که تماشاگر و طرفدار، بازیکن "خودش" را اینچنین به خاک سیاه بنشانند! این تعصب در داور حتی

به حیطة رسانه‌ها هم کشیده شد. جایی که اگر یک تحلیلگر دلسوز، از بازیکن یا مربی آبی یا سرخ انتقاد کند، منفور آبی‌ها یا سرخ‌ها می‌شود! انگاری ما در صحنه ورزش به دنبال پدیده‌های غیر ورزشی همچون اقتدار و انحصار می‌گردیم! آنچه من دوست دارم، تو باید دوست بداری، و آنچه من نمی‌پسندم، تو نباید بیسنیدی...

"محبوبیت" مأموریتی غیر ممکن!

در چنین فوتبال متعصبی، "محبوب" بودن خیلی سخت است! یعنی تو اگر بخواهی بر اساس منافع و آینده‌نگری، یا شاید هم تمایل قلبی، در یکی از سرخابی‌ها توپ بزنی، احتمالاً باید قید مهر و محبت و حمایت نیمی از طرفداران فوتبال را بزنی! هر چند بوده اند معدود بازیکنانی که در نزد طرفداران آن یکی تیم "هم" احترام داشته‌اند، اما در دمندانه، استثناء بوده‌اند. اینگونه است که برخی از ستاره‌های فوتبال ایران، در تمام سال‌های بازی خود، ترجیح داده‌اند هرگز به این دو تیم نروند، هر چند حضور در این تیم‌ها با آن تماشاگر و طرفدار متعصب، می‌تواند برای هر جوانی هیجان‌انگیز و چالش‌برانگیز باشد...

فوتبال پابره‌نه‌ها

هرگز باورم نشد و نمی‌شود، یک جوان "مایه‌دار" از خانواده‌ای مرفه، به سطح بالای فوتبال برسد. فوتبال "اغلب" جای ستاره‌هایی است، که در کشورهای دیگر با لگدزن به توپ پاره و قوطی حلبی به آسمان رسیدند، و در ایران از بازی با یک کره رنگی راه راه به نام "توپ پلاستیکی" این مسیر را آغاز نمودند! این است که حتی تیم‌های پایتخت هم همیشه پر از بازیکنانی بوده که از شهرستان‌های دور دست به آنجا راه یافته‌اند. "آبادان" یکی از آن شهرهاست که از قدیم معروف بود بچه‌هایش در روی زمین داغ، گاهی با پای برهنه دنبال توپ پلاستیکی می‌دوند. از میان همین عاشقان مشتاق و بی‌غل و غش، ستاره‌های تابناکی به فوتبال ایران معرفی شدند. ستارگانی که می‌دانند، پیشینیانشان، پایه گذار دنیای فوتبال امروز ایران بوده‌اند و آنها میراث دارشان هستند. در دهه هشتاد، از میان کودکان با استعداد وطن، بازیکنی خوش‌سیما باظاهری پر از معصومیت کودکانه رخ نمود. "مسعود شجاعی" در شیراز به دنیا آمد، اما در نوجوانی و از طریق باشگاه "صنعت نفت آبادان" به سطح بالای فوتبال کشور وارد شد. او در میان سیه‌چرندگان آبادانی و در تیم نوجوانان صنعت نفت این شهر، خوش درخشید و در مسیر پیشرفت، خیلی زود به جوانان "سایپا" راه پیدا کرد و پس از درخشش در آن تیم دوباره به صنعت

نفت آبادان بازگشت. اینبار در قامت بازیکن بزرگسال...

تیم ملی

شجاعی خیلی زود نظرهارا به خود جلب کرد و در حالیکه هر سال نامش برای پیوستن به سرخابی‌ها تکرار می‌شد، جزو همان دسته از بازیکنانی قرار گرفت که هرگز وارد بازی سرخابی‌ها نشد تا اگر خیلی خیلی محبوب نمی‌شود، کمینه، جزم "منفورها" هم قرار نگیرد و توهین نشود. این، نشان از روح آرام و کم‌حاشیه او داشت. این خصوصیت‌بارز، در کنار استعداد و تکنیک کم‌همتای او، باعث شد در سال ۱۳۸۳ و در سن ۲۰ سالگی، به تیم ملی دعوت شود و بیش از ۱۵ سال در این تیم تداوم داشته و حتی بارها کاپیتان این تیم بزرگ باشد. "کارلوس کی‌روش" که یک دهه مربی تیم ملی فوتبال ایران بود، به بازی او بسیار علاقه داشت. در دمندانه، در حالیکه او به هیچکدام از سرخابی‌ها تعلق نداشت، بدلیل اصرار کی‌روش برای استفاده از او و نیز وجود آلترناتیوهایی از همین سرخابی‌ها که پشت سر او مانده بودند، با کوچکترین افت و یا اشتباهی، او سیل حملات طرفداران فوتبال می‌شد. کی‌روش بدلیل اینکه می‌دید باشگاه‌های ایرانی جز در نام و ظاهر، اصول حرفه‌ای گری را رعایت نمی‌کنند، اکثر بازیکنان مورد علاقه خود را برای لژیونر شدن تشویق می‌کرد. لذا برای دوری از حواشی، او به "الشارجه" امارات پیوست و پس از مدت کوتاهی، بزرگترین موفقیت باشگاهی خود را تجربه نمود و بعد از بستن قرارداد با باشگاه "اوساسونا" اسپانیا، در آنجا همبازی "جوآن کونام"، کاپیتان تیم ملی ایران شد.

در دمندانه، او هم که ظاهراً مانند بزرگانی مثل دایوی و جلال حسینی و... به بازنشستگی در اوج اعتقادی نداشت، سرانجام شامل حال شعار ناجوانمردانه "حیاورها" شد و اجباراً از تیم ملی خداحافظی کرد. مثل همیشه، در سکوت در داور و بدون تقدیر شایسته...

کارنامه‌ای پر از نام باشگاه

نفت آبادان (۲۰۰۳-۲۰۰۶)، سایپا (۲۰۰۶-۲۰۰۸)، الشارجه (۲۰۰۸-۲۰۱۳)، اوساسونا (۲۰۱۳-۲۰۱۴)، لاس پالماس (۲۰۱۴-۲۰۱۵)، الشحانیه (۲۰۱۵-۲۰۱۶)، الغرافه (۲۰۱۶-۲۰۱۸)، پاتیونیوس (۲۰۱۸)، آ.ا.ک. آتن (۲۰۱۸-۲۰۲۱)، تراکتور (۲۰۲۱-۲۰۲۳)، نساجی (۲۰۲۲-۲۰۲۳) و هوادار...

این‌ها نام باشگاه‌هایی است که مسعود شجاعی در طی این سال‌ها عوض کرده. کارنامه‌ای نسبتاً معتبر و پر از نام‌های بزرگ. او در تراکتور و در مقطعی کوتاه، از عطش و عادت مالک در تغییر سرمربی استفاده نمود و مربی این باشگاه برطرفدار شد. او در این ماه‌های آخر به تیم هوادار تهران پیوست و پس از اینکه "محمود فکری" سرمربی این تیم به دلیل کسب نتایج نه‌چندان خوب کناره‌گیری کرد، به عنوان "بازیکن - سرمربی" به فعالیت پرداخت و خیلی زود و ناگهانی، از دنیای بازی خداحافظی کرد تا زین‌پس فقط روی مربیگری تمرکز کند. امیدوارم در این زمینه هم پیشرفت کند و باعث افتخار ایران شود...

قدرشناسی را تمرین کنیم

بازی‌های جام ملت‌های آسیا در حال برگزار است. "اکرم عقیف" ستاره تیم قطر، در میان تعدادی بازیکن تغییر ملیت داده، برای خود در این تیم پادشاهی می‌کند! شک نکنید بعد از پایان دوران بازی، او را باز هم در صدر می‌نشانند و ضمن تقدیر از او، باز هم از تجربیاتش بهره‌مند می‌شوند. ما استعداد داریم، کرور کرور... اما سوگمندانه، این فراوانی و وفور، اغلب باعث اسراف و ناشکری ما می‌شود. این دلشکستگی‌ها و دلزدگی‌ها، نه تنها باعث "حرام کردن" استعدادها می‌شود، بلکه آنها را از خدماتدهی به جوانان فراری می‌دهد! از آن بدتر، الگوی منفی و بازدارنده‌ای خواهد بود برای استعدادهای جوانتر، که؛ "این است سر نوشت من هم!"
ایکاش یک بار هم "قدرشناسی" واقعی را تمرین کنیم. قدر هر کسی که گامی کوچک برای نام وطن برداشت بدانیم. اینگونه، آنها تکثیر می‌شوند...

قرعه کشی بازیهای جهانی و تجلیل از مدال آوران

■ کامبیز هوشمند

جوان با هزینه شخصی به پیکارها و تورنمنت‌های بین‌المللی را داشتیم که در مجموع رضایت بخش بود چرا که کمک خواهد کرد تا بر تجربه راکت به دستان افزوده شود، ملی پوشان بزرگسال مثل هدایی و برادران عالمیان و همچنین اعضای تیم بانوان نیز به نوعی با شرکت در اردو و رقابت‌های مهم، خود را برای پیکارهای قهرمانی جهان پیش‌رو آماده می‌سازند. گویا قرعه کشی این مسابقات در گروه‌های مردان و زنان به میزبانی بوسان کره جنوبی بدین صورت انجام شده است:

در حالی که همه نگاه‌های علاقه‌مندان به ورزش، این روزها متوجه بازی‌های تیم ملی فوتبال در جام ملت‌های آسیاست، ورزش‌هایی چون پینگ‌پنگ در سکوت مطلق طبق برنامه پیش می‌روند و مسابقات خود را برگزار می‌کنند، خبر مهم در این رشته آغاز دور دوم پیکارهای لیگ برتر بود که متعاقب آن شنیدیم هیات تنیس روی میز استان تهران با مدیریت صابری با یک فراخوانی تأثیرگذار از نفرات مدال آور خود در رویدادهای مختلف قدر دانی به عمل آورد که این حرکت تحسین برانگیز بود، از طرفی به روال گذشته عزم چند بازیکن نوجوان و

رده مردان

- گروه اول: چین، کرواسی، بلژیک، کوبا و مجارستان
- گروه دوم: آلمان، انگلیس، آمریکا، قزاقستان، عربستان
- گروه سوم: کره جنوبی، هند، لهستان، شیلی و نیوزیلند
- گروه چهارم: فرانسه، استرالیا، دانمارک، اتریش، الجزایر
- گروه پنجم: ژاپن، چین تایپه، نیجریه، چک و ماداگاسکار
- گروه ششم: سوئد، هنگ کنگ، اسلواکی، پورتوریکو و صربستان
- گروه هفتم: برزیل، اسلوانی، سنگاپور، کانادا و مالزی
- گروه هشتم: پرتغال، مصر، رومانی، ایران و تایلند

رده زنان

- گروه اول: چین، مجارستان، هند، اسپانیا، ازبکستان
 - گروه دوم: ژاپن، برزیل، لوکزامبورگ، آفریقای جنوبی و ایران
 - گروه سوم: آلمان، اسلواکی، لهستان، نیجریه و مکزیک
 - گروه چهارم: چین تایپه، آمریکا، تایلند، شیلی و الجزایر
 - گروه پنجم: کره جنوبی، پورتوریکو، ایتالیا، مالزی و کوبا
 - گروه ششم: هنگ کنگ، پرتغال، اتریش، استرالیا و قزاقستان
 - گروه هفتم: رومانی، سنگاپور، سوئد، کانادا و صربستان
 - گروه هشتم: فرانسه، مصر، چک، اوکراین و کرواسی
- پس تیم مردان ما با پرتغال، مصر، رومانی و تایلند در گروه هشتم و تیم زنان با ژاپن، برزیل، لوکزامبورگ، آفریقای جنوبی، در گروه دوم بسر می‌برند. که برای هر دو تیم آرزوی موفقیت داریم.

لیگ برتر

اگر خاطرتان باشد چند هفته پیش یادآور شدیم که بازیهای این فصل لیگ برتر پینگ‌پنگ با شرکت هشت تیم شروع شده و اشاره داشتیم که در این میان تیم کهنه کار پتروشیمی بندر امام، به سان دوره‌های قبل تصمیم گرفته با نیروهای نامی و ملی پوش بر تخت قهرمانی تکیه بزند، که این یعنی هیاهو برای هیچ! باید به اسامی تیم داوری این مسابقات که حجازیان، ریوندی، طبیبانی، شاملو، یآوری، صادقی، پارسا مقدم، محمدی و خلیلی هستند اشاره داشته باشیم، در دیدارهای انجام شده دور دوم رعد پدافند هوایی سه بار، پالایش نفت آبادان دو بار، پتروشیمی بندر امام سه بار، پاکژاد اسپرت، عقاب نهجا و... بر رقبا پیروز شدند و...

مصاف با تیمبول آلمانی

گریزی می‌زنیم به مسابقات کانتندر قطر که نوشاد، نیما و هدایی در آن شرکت داشتند، نیما و هدایی در جدول مقدماتی با قبول باخت از رقبا حذف شدند اما نوشاد عالمیان، تنها نماینده باقیمانده ایران نیز در جدول این مسابقات با پذیرش شکست سه بر صفر در برابر تیمبول آلمانی از گردونه مسابقات خارج شد (۱۱-۹، ۱۱-۵). نوشاد قبل از این سه بر صفر بر او چون سونگ از کره جنوبی پیروز شده بود.

در مسابقات کانتندر ترکیه، بازیکنان جوان ما شرکت کرده بودند، بنیامین فرجی با شکست ۳-۰ محمدرضا نشاطی قهرمان مسابقات کانتندر ترکیه در رده سنی زیر ۱۷ سال شد. فرجی برای رسیدن به فینال نمایندگان سنگاپور و ترکیه را مقتدرانه سه بر صفر شکست داده بود. نشاطی نیز برای فینالیست شدن ابتدا سه بر یک نماینده ایتالیا را برد و در نیمه نهایی حریرف سنگاپوری را سه بر صفر شکست داد و فینالیست شد. هدایت پینگ‌پنگ بازان کشورمان برعهده حسین شعاری



■ رویارویی سنگین پتروشیمی با پاک نژاد اسپرت در لیگ برتر

رده زیر ۱۹ سال شد. کشاورزی در حالی این بازی را واگذار کرد که در گیم سرنوشت ساز پنجم در حالی که ۸ بر ۷ از حریرف خود عقب بود، با راکت شکسته بازی را ادامه داد و در نهایت بازی را ۳ بر ۲ به حریرف بلغارستانی واگذار کرد و نشان نقره گرفت. سیمین رضایی وظیفه‌ی سرداوری این مسابقات را عهده دار بود و فلورا یارمرادی و فرید یارمرادی به عنوان داور از کشورمان در این مسابقات ایفای نقش کردند.

افتتاح سالن تخصصی در رامسر

از طرفی شنیدیم با حضور قارداشی ریاست فدراسیون تنیس روی میز، ابراهیم درستی عضو هیات رئیسه فدراسیون، رجی مدیر کل ورزش و جوانان استان مازندران، رضا حبیب نژاد رئیس، حسینی مقدم دبیر هیات استان، عشوریان فرماندار رامسر و جمعی از مسئولین استانی و شهرستانی سالن تخصصی تنیس روی میز شهرستان زیبای رامسر افتتاح و به بهره برداری رسید. این سالن تخصصی به همت علی پور ریاست هیات تنیس روی میز شهرستان رامسر و با همکاری اداره ورزش و جوانان این شهر تجهیز و به بهره برداری رسید.

بود، مهدی کشاورزی در یک بازی نزدیک با نتیجه سه بر دو در فینال نتیجه را به حریرف بلغارستانی واگذار کرد و نایب قهرمان



اخبار تلاقی



■ دیدار دوستانه دو تیم نساجی مازندران و فاستاوز لین چک که با تساوی بدون گل به پایان رسید

باعث حذف تیم مراکش از جام ملت های آفریقا شد .

■ امیرمهدی کشاورزی، ملی پوش تنیس روی میز کشورمان، در جدیدترین رنکینگ فدراسیون جهانی این ورزش با صعودی ۱۶ پله ای در مکان ۱۸۸ دنیا قرار گرفت .

■ مرادی، سرپرست فدراسیون والیبال برای شرکت در اجلاس سالیانه منطقه آسیای مرکزی و دیدار با رئیس و دبیر کل فدراسیون جهانی راهی بانکوک شد .

■ در هفته سوم مسابقات لیگ برتر بوکس، تیم های نیروی زمینی و پلیمر خلیج فارس در سالن شهید همت شیرودی تهران به مصاف هم رفتند که این دیدار حساس و تماشایی با برتری چهار بر سه پلیمر همراه شد .

■ سرپرست فدراسیون والیبال در حکمی عادل غلامی را به عنوان مسئول استعدادیابی والیبالیست های زیر ۱۸ سال ایران منصوب کرد .

■ تیم های لس آنجلس لیکرز و میلواکی باکس در لیگ بسکتبال ان بی ای آمریکا مقابل حریفان شکست خوردند.

تسلیت به همکاران

■ با خبر شدیم که آقایان کامبیز و اشکان هوشمند همکارانمان در غم از دست برادر و عموی گرامی خود عزادار هستند. کیهان ورزشی، مصیبت وارده را به این عزیزان و خانواده محترمشان تسلیت عرض می کند و برای آن مرحوم غفران الهی مسئلت دارد.

■ متأسفانه با خبر شدیم همکارمان در واحد توزیع آقای احمد سیمیری در غم از دست دادن مادر گرامی اش عزادار است. از درگاه خداوند منان برای آن مرحوم طلب مغفرت و برای خانواده داغدیده صبری جمیل مسئلت می نمایم .

■ متأسفانه با خبر شدیم همکارمان در مجله زن روز، خانم حاج قاضی در غم از دست دادن پدر گرامی اش عزادار است. از درگاه خداوند منان برای آن مرحوم طلب مغفرت و برای خانواده داغدیده صبری جمیل مسئلت می نمایم.

تسلیت

با خبر شدیم که آقای حسن پروانه پیشکسوت هندیال در غم از دست دادن مادر گرامی خود داغدار است. کیهان ورزشی مصیبت وارده را به وی و خانواده محترمش تسلیت می گوید و برای آن مرحومه غفران الهی مسئلت دارد.

برادر ارجمند، جناب آقای کامبیز هوشمند

مصیبت در گذشت برادر عزیزتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی و برای جنابعالی و خاندان محترم صبر و سلامتی مسئلت می نمایم .

سید محمد سعید مدنی

جناب آقای کامبیز هوشمند

(دوست و همکار عزیز)

با نهایت تأثر و تأسف در گذشت برادر عزیزتان (زنده یاد ارسلان هوشمند) را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می نمایم. از درگاه خداوند بزرگ برای شما و سایر باز ماندگان صبر و شکیبایی همراه با سلامتی و تندرستی آرزو مندم .

رشت - اکبر تمیز کار مستقیم

■ سازمان لیگ فوتبال ایران قصد دارد مسابقات نیم فصل دوم رقابت های لیگ برتر را از تاریخ ۲۵ بهمن ماه آغاز کند .

■ اعضای تیم ملی شمشیربازی اسلحه سابر که برای حضور در میداین باقی مانده گزینشی المپیک آماده می شوند، اردوی تمرینی خود در کمپ تمرینی و معتبر اور لئان و زیر نظر " کریستین بائو" مربی سرشناس فرانسوی را آغاز کردند .

■ اسامی بازیکنان دعوت شده به اردوی تیم ملی پینت بال مردان اعلام شد .

■ طبق اعلام دبیر کل کمیته ملی المپیک مدال آوران طلایی المپیک ۲۰۲۴ پاریس پای سکو ۱۰ میلیارد تومان پاداش می گیرند .

■ تیم های ملی وزنه برداری مردان و زنان ایران برای شرکت در جام جهانی تایلند ۲۰۲۴ فروردین ماه به این کشور سفر خواهند کرد .

■ راجان راندو، گارد پیشین تیم های مختلف در لیگ اتحادیه ملی بسکتبال آمریکا به دلیل حمل سلاح و مواد مخدر در ایندیانا بازداشت شد .

■ براساس تصمیم کادرفنی تیم های ملی مردان و زنان، نفرات اعزامی به مسابقات قهرمانی آسیا به شرح زیر مشخص شدند. آقایان: عبدالله بیرانوند، علیرضا عباسپور، علی عالی پور، بانوان: ریحانه کریمی، فاطمه کشاورز، سیده الهام حسینی، الهه رزاقی و کیژان مقصودی .

این مسابقات از ۱۳ الی ۲۱ بهمن ماه ۱۴۰۲ در تاشکند ازبکستان برگزار خواهد شد .

■ سی و دومین دوره مسابقات بین المللی بدمینتون فجر از دهم بهمن ماه با حضور ۲۸ کشور در یزد آغاز شد .

■ رئیس و دبیر کل کمیته ملی المپیک به همراه برخی مدیران کمیته ملی المپیک با حضور در فدراسیون تکواندو با رئیس، دبیر کل و اعضای کادرفنی تیم های ملی دیدار و گفت و گو کرد .

■ سرمربی مشهور والیبال در ایتالیا تیمدار شد! البرتو جولیانو ایتالیایی رسماً هدایت تیم بحران زده مودنارا بر عهده گرفت .

■ طبق اعلام وزارت ورزش، قبل از پایان سال جاری از چهره رئیس جدید فدراسیون والیبال رونمایی خواهد شد .

■ فرهاد طلوع کیان، یکی از نامزدهای کسب پست ریاست فدراسیون ورزش کارگری از شرکت در انتخابات اعلام انصراف داد و مدعی شد این انتخابات غیرقانونی است .

■ در حالی که یک ماه از حضور مجدد زهرا اینچه در گاهی در فدراسیون ژیمناستیک می گذرد هنوز هیچ خبری از ثبت نام از کاندیداهای فدراسیون ژیمناستیک نیست .

■ جون کنتول، سرمربی آمریکایی تیم ملی هاکی بانوان کشورمان، صبح روز یکشنبه وارد تهران شد .

■ در جدیدترین رنکینگ جفش، نوک جو کوویچ صربستانی مقام نخست را حفظ کرد. کارلوس آلکارس اسپانیایی و دانیل مدودف روسی نیز در رده های دوم و سوم باقی ماندند. یانیک سینر، قهرمان گرنداسلم استرالیایا ۲۰۲۴ نیز در این رنکینگ در جایگاه چهارم قرار دارد .

■ رئیس فدراسیون اتومبیل رانی و موتورسواری از موافقت اولیه با میزبانی ایران در مسابقات موتور کراس قهرمانی آسیا خبر داد و گفت: در صورت نهایی شدن این مسابقات در سواحل خلیج فارس برگزار خواهد شد .

■ ۳ مدال طلا، نقره و برنز حاصل تلاش نمایندگان کاراته ایران در رقابت های لیگ برتر کاراته وان پاریس ۲۰۲۴ بود .

■ مسابقات کشتی آزاد جام باریگین روز یکشنبه در روسیه به پایان رسید و محمدمبین عظیمی تنها مدال آور کشورمان در بین ۸ کشتی گیر اعزامی بود. وی در فینال مقابل ماگومد کوربانوف از روسیه باخت و به مدال نقره دست یافت .

■ معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت ورزش و جوانان از ورزشگاه آفتاب انقلاب به عنوان محل برگزاری مسابقات دوومیدانی داخل سالن قهرمانی آسیا بازدید کرد .

■ باشگاه رم ایتالیا رسماً اعلام کرد آنخلینو، دفاع چپ لایبزش آلمان را با قرارداد قرضی تا پایان فصل جاری به خدمت گرفته است .

■ مویزه کین، ستاره ویوتوس، که گفته می شد قطعاً به اتلتیکو مادرید خواهد پیوست در تست های پزشکی این باشگاه رد شد .

■ کنفدراسیون فوتبال آسیا در واکنش به اتفاقات بازی اردن و عراق در جام ملت ها بیانیه ای به حمایت از علیرضا فغانی داور ایرانی مقیم استرالیا صادر کرد .

■ محمود خور دین، پیشکسوت فوتبال ایران، به کاروان تیم فوتبال پرسپولیس در اردوی دومی ملحق شد .

■ اللهیار صیادمنش فوتبالبلیست ایرانی برای نخستین بار در تمرینات تیم جدید حضور پیدا کرد .

■ تیپو کورتوا، ستاره رئال مادرید و سنگر بان بلژیکی این باشگاه، می تواند این تیم را در صورت صعود به مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا همراهی کند،

■ در حالی که بلافاصله بعد از پایان بازی های نیم فصل اول لیگ برتر فوتبال، تلاش ها برای توافق بابازیکنان موردنظر از سوی ۱۶ تیم آغاز شده اما پنجره زمستانی به صورت رسمی از دهم بهمن باز شد .

■ سرخیو آگوئرو دو سال بعد از بازنشستگی، در لیگ فوتبال آمانواری اروگوئه به میدان خواهد رفت .

■ یانیک سینر موفق شد با بازگشتی خیره کننده، بازی ۲ - ۰ عقب افتاده را با نتیجه ۲ - ۳ پیروز و قهرمان تنیس گرنداسلم اوپن استرالیا شد .

■ تیم فوتبال سپاهان اصفهان در دیداری دوستانه به مصاف السیلیه قطر رفت و با نتیجه ۳ - ۰ به پیروزی رسید. گلزنان سپاهان در این بازی اسماعیل قلی زاده، کوه رضایی و گل به خودی بازیکن حریف بودند .

■ در حالی که باشگاه استقلال به درخواست جواد نکونام مربی خود، مقدمات برپایی اردوی هشت روزه در دبی رافراهم آورده بود، صبح روز بعد سرمربی استقلال اردوی آماده سازی آبی پوشان در امارات را لغو کرد .

■ سعیدمهری هافبک استقلال رسماً به باشگاه آپوئل قبرس پیوست و بار دیگر شاگرد سایننتو شد .

■ شهاب زندی مدیرعامل باشگاه شمس آذر قزوین در لیگ برتر فوتبال ایران با انتشار یک استوری در صفحه شخصی خود اعلام کرد با استعفا سعیددقیقی از سرمربیگری این تیم مخالفت شده است .

■ اشرف حکیمی بازیکن نام آشنای فوتبال جهان، با خراب کردن پنالتی برابر آفریقای جنوبی

یورگن از مانش که فرا برسد، به تنهایی قدم نخواهی زد

کلوپ: کنار کشیدم، چون خسته ام

■ شاهین



اوسپس افزود: "البته آن موقع موضوع خیلی جدی نشد ولی فصل گذشته واقعا فصل دشواری بود. گاهی اوقات در باشگاه های دیگر چنین اتفاقاتی رخ می داد و تصمیم گیری هایی انجام می شد، مثل اینکه "خیلی خوب، ممنون از بابت هر آنچه انجام دادید ولی دیگر وقتش رسیده که از هم جدا شویم". البته چنین صحبت هایی در باشگاه ما نشد. برای من مسئله بسیار مهم این بود که باشگاه را دوباره به مسیر اصلی خود باز گردانم. این تنها چیزی بود که به آن فکر می کردم. وقتی متوجه شوم که چنین اتفاقی افتاده و ما تیم خیلی خوبی با پتانسیل بسیار بالا و شخصیت هایی باورنکردنی داریم، می توانم دوباره به خودم فکر کنم و نتیجه اش همین می شود. این کاری نیست که دوست دارم انجامش بدهم، این کاری است که فکر می کنم، صد در صد درست است."

در حالی که هنوز حدود پنج ماه از فصل جاری باقی مانده است، سرخ پوشان انفیلد در چهار رقابت حاضر هستند. پس با توجه به این که هنوز جام هایی برای تصاحب وجود دارد، کلوپ خداحافظی خود را به آخرین دیدار ممکن برای باشگاه لیورپول و در واقع به ماه می، موکول خواهد کرد.

وی می گوید: "فعلا فرصت خواهیم داشت، مثلاً آخرین بازی در اینجا یورژسگاه های دیگر، یا حتی کشور و رقابتی دیگر. زمان کافی برای انجام دادن این گونه کارها را داریم. پس فعلا فقط به این موضوع فکر می کنیم. دنیای بیرون می خواهد از این تصمیم استفاده کند، به ما بخندد و آزارمان دهد. ما لیورپول هستیم، از مسیرهای دشواری عبور کرده ایم. قبل از من هم از چنین خطراتی گذشته اند. باید از این شرایط، کمال استفاده را به نفع خود کنیم. باید خون سرد باشی. همه چیز می بایست در این فصل مدنظر قرار گیرد. اوضاع باید طوری باشد که وقتی بعدها به گذشته نگاه می اندازیم، لبخندی روی لبان ما بنشیند."

مایک گوردون، رئیس Fenway Sports Group، مالک باشگاه لیورپول، در پاسخ به این اخبار، بر یک عزم جمعی برای ادامه یک "کسب و کار همچون گذشته"، تاکید دارد تا نتیجه دوران تصدی گری کلوپ، به سرانجام برسد. البته در این میان، میزان تاثیر این مربی بر لیورپول هم نادیده گرفته نمی شود.

وی می گوید: "اول از همه، از جانب جان هنری و تام ورنر، صمیمانه ترین قدر دانی را از یورگن بیان می دارم. بدون شک از بابت از دست دادن یک مربی بزرگ و همچنین رهبری که برایش احترام بسیار قائلیم، ناراحت هستیم. در عین حال، کاملاً به تصمیم و خواسته اش احترام می گذاریم و اینکه چرا خواسته این فصل، آخرین حضورش در این باشگاه باشد. به خدمت گرفتن وی، یکی از بزرگترین افتخارات مالکان این باشگاه بوده است. او و تیمش همه چیز برای هواداران به بارمغان آوردند. او مردم ما را خوشحال کرد و مطمئن هستیم که به این کار تا آخرین روز ادامه خواهد داد. بانگاهی به این کسب و کار بزرگ، وی نه تنها شرایط را برای آینده خود مدنظر قرار داد، بلکه زمان کافی برای مانیز فراهم شده که فرصت های ممکن را برای باشگاه بررسی کرده و به بهترین شکل، نیاز را برطرف سازیم. اکنون دو هدف داریم. اول اینکه باز به نتایج درخشان تاینجای فصل، تا انتها ادامه یابد و دوم اینکه به خوبی و با هماهنگی دست اندر کاران باشگاه بتوانیم با آینده بدون یورگن هماهنگ شده و کنار بیاییم. از او به خاطر تمام دستاوردهایش تشکر می کنیم. ممنونیم، یورگن. وقتی زمانش فرا برسد، به تنهایی قدم نخواهی زد."

یورگن کلوپ تصمیمش را برای کنار گیری از مسند مربیگری لیورپول در پایان فصل جاری گرفته و به مالکان باشگاه اعلام کرده که در انتهای فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۳ این تیم را ترک خواهد کرد.

پس از راهیابی دوباره به فینالی دیگر در مبل، مربی ۵۶ ساله لیورپول چشم انتظار بازبهای آینده تیمش تا پایان فصل باقی خواهد ماند و پس از هشت سال و نیم حضور در خشان در باشگاه بندری و کسب شش جام قهرمانی مهم، کرکره مربیگری در این تیم را پایین خواهد کشید.

پپین لیندرس و پیتر کرویتس، کمک مربیان باشگاه و ویتور ماتوس، مربی رشد استعدادها هم پست های خود را در پایان فصل ترک خواهند کرد و لیندرس به سراغ شغل اصلی خود، سرمربیگری، خواهد رفت. یورگن کلوپ، با تایید تصمیم خود مبنی بر کنار گیری از سمت سرمربیگری این باشگاه، دلایل این تصمیم را افش کرد و تاکید ویژه ای بر نیاز به رسیدن به قطعیت در سریعترین زمان ممکن و ایجاد شرایط لازم در وقت مقتضی، داشت.

وی گفت: "می توانم درک کنم که این شوکی برای بسیاری از افراد در شرایط فعلی است، به ویژه وقتی آن را برای نخستین بار می شنوید ولی مشخصاً می توانم آن را توضیح دهم یا حداقل تلاش می کنم که آن را توضیح دهم. من عاشق همه چیز این باشگاه هستم و همچنین همه چیز این شهر را دوست دارم. عاشق هواداران، تیم و کارمندان باشگاه هستم اما گرفتن چنین تصمیمی به خوبی نشان می دهد که من متقاعد شده ام باید چنین کاری را انجام دهم."

کلوپ ادامه می دهد: "این وضعیت فعلی من است، بطور می توانم بگویم خسته ام؟ در حال حاضر مشکلی وجود ندارد ولی می دانستم که روزی باید این موضوع را به زبان آورم. البته همان طور که گفتیم، اکنون حالم خوب است. می دانم که نمی توانم این کار را دوباره و دوباره انجام دهم. پس از سالهایی که با هم بودیم و این همه زمان که با هم سپری و مسیرهایی که با هم طی کردیم، احترام و عشق من نسبت به شما بیشتر و بیشتر شده و آنچه حداقل به شما بدهکارم، حقیقت و راستی است، حقیقت همین است که اکنون می گویم."

کلوپ در ۸ اکتبر ۲۰۱۵ به عنوان سرمربی لیورپول انتخاب شد. این تصمیمی بود که انقلابی در باشگاه ایجاد می کرد و قدرتی را در لیگ برتر و فوتبال اروپا و جهان، از نومی ساخت. تحت هدایت وی، لیورپول قهرمانی لیگ قهرمانان، لیگ برتر، جام باشگاه های جهان، جام حذفی، جام اتحادیه و سوپر جام اروپا را به دست آورد. البته کامیونیتی شیلدر را نباید فراموش کرد.

کلوپ در ادامه گفت: "قبلا در ماه نوامبر به باشگاه گفته بودم. باید کمی توضیح بدهم تا آنهایی که بیرون قضیه هستند هم به خوبی موضوع را درک کنند. من همیشه کنار خط و جلسات تمرین و کارهایی از این دست بوده ام و همه فکر و ذکر ما می باشد برای فوتبال و مسابقات است. یعنی یک فصل شروع شده و تازه باید به فکر فصل آینده هم باشید. وقتی کنار هم می نشینیم و در خصوص قرار دادهای بالقوه صحبت می کنیم یا کمپ تابلستانی فصل بعد و اینکه به چه جاهایی می توانیم برویم، حرف ها و برنامه ریزی ها دوباره شروع می شود. مطمئن نیستم که باز هم اینجا باشیم" و همین جمله و دغدغه فکری، مرا متعجب ساخته و به فکر فرو می برد."

رستگاری ورزش از کدام راه؟

■ بهمن اسدی



حمید سجادی وزیر ورزش و جوانان سابق به دلیل عدم پاسخگویی به انتظارات و توقعات موجود با کش و قوس زیاد در میانه راه دولت فعلی مجبور به کناره گیری شد! در تاریخ دهم مردادماه سالجاری کیومرث هاشمی به عنوان سرپرست وزارت ورزش و جوانان مشغول به کار شد. او بیستم شهریورماه از مجلس رای اعتماد مجلس معرفی و روز ۲۷ شهریورماه سالجاری از مجلس رای اعتماد گرفت و رسماً وزیر ورزش و جوانان شد. حدود پنج ماه از فعالیت وزیر جدید در ورزش می گذرد و ما در این مدت شاهد اتفاق ویژه و برنامه ای قابل توجه نبوده ایم. مدتی وزیر درگیر بازی های آسیایی بود و وقت تلف شد. زمانی که به قول افراد خبره هیچ باری روی دوش وزارت ورزش نبود. فدراسیون ها مشغول کار فنی و کمیته ملی المپیک در پی پشتیبانی امور بودند. در این میان وزارت ورزش نهایتاً باید کار نظارتی و حمایتی را در دستور کارش قرار می داد. بازی های آسیایی هانگژو هم پشت سر گذاشته شد و ورزش ما هنوز شاهد اتفاق ویژه ای در بخش مدیریتی و برنامه ریزی نیست. در حقیقت تجربه گذشته از مدیریت فعلی وزیر ورزش نشان می دهد که او خیلی اهل کار ویژه و اقدامات "انقلاب گونه" نیست!

روال ادامه دار

سوال این است: اگر قرار بر ادامه روند گذشته بود چرا باید دچار تغییرات مدیریتی می شدیم؟ اکنون این تغییر چه عایدی برای ورزش ایران دارد؟ این روند تا کی قرار است ادامه داشته باشد؟ روالی که تقریباً همه اعتقاد داریم ورزش ما را به سرانجامی که در نظر داریم، نمی رساند کی دستخوش تغییر خواهد شد؟ جدای از بحث مدیریت کلان در یک لایه پایین تر در وزارت ورزش هم به شدت رکود و سستی در تغییرات فردی و مدیریتی در جریان است تا باور کنیم قرار نیست تحول خاصی را شاهد باشیم. وزیری که به دلایل خاص (ناکارآمدی برنامه های وزیر قبلی) آمد تا روال گذشته را اصلاح کند حدود پنج ماه طول کشیده تا تغییر در سطح معاونان خود را آغاز کند. گروه مشاوران گذشته به نوعی هنوز در حال طراحی و ارائه نظرات گذشته خودشان هستند. نفرات منسوب هفته گذشته امید چندانی را در دل اهالی ورزش پررنگ نمی کنند و گویا قرار است به جای تحول در امور فقط شاهد رفتن این و آمدن آن باشیم؟

رنگ باختن امیدها!

اگر تاپیش از این باتکیه بادرخشش خودساخته ها، کار گلخانه ای و در کنار آن برخی تلاش ها در عرصه بین المللی شاهد موفقیت های نسبی بودیم و به آن دلخوش کردیم. اگر باتمسک به همین چندمدال در المپیک و بازی های آسیایی به روال نادرست خود رنگ و لعابی زدیم امروز باید باور کنیم که این "سپر" نامرئی هم در حال از بین رفتن است. نگاهی سطحی به آنچه در المپیک پاریس پیش روی ماست نشان می دهد که سقوط قابل توجهی در انتظار ورزش ایران در بخش مدال آوری را شاهد خواهیم بود.

این امر در کنار شرایط اقتصادی موجود و پیشرفت رقبا، ضلع دیگری هم دارد که آن را باید در درون ورزش جستجو کنیم. حضور مدیران ناکارآمد خوش نشین، تنبلی و عدم دانش به کار ورزش در سطح جهانی باعث می شود تا ما همچنان شاهد سرمایه سوزی از یک طرف و سودجویی عده ای خاص باشیم.

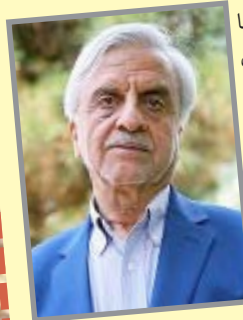


زیر ذره بین

این شماره: تغییر افراد یا برنامه ها

ورزش همچنان بی برنامه است!

■ مصطفی هاشمی طباطبائی



به نظرم در مدیریت تازه ورزش شاهد تغییر و تحول مثبت نیستیم. حداقل من اقدام امیدوارکننده ای را در کار و بار ورزش نمی بینم. قطعاً مسئولان اجرایی مملکت اهدافی را مدنظر دارند و بر اساس آن پیش می روند اما من باید صادقانه حرف بزنم و ناچارم که بگویم مسیر درستی در ورزش طی نمی شود.

مانه تنها تغییر چندانی در افراد نمی بینیم بلکه شاهد تحول در امر برنامه ریزی و هدفگذاری ورزش هم نیستیم. حتی در دیدار اخیر ریاست جمهوری که عنوان شد باید به سرعت بحث طرح آمایش سرزمینی را چهار ماهه آماده کنند هم به نظرم اقدام خاصی روی نخواهد داد. مسائل و مشکلات مربوط به ورزش کاملاً مشخص هستند. برنامه هایی که باید مدنظر باشند هم کاملاً شناخته شده هستند. اما کماکان وقت تلف می کنیم. مثل بسیاری از طرح ها این بار هم چند نفر چهار پنج ماه تلاش خواهند کرد و طرحی از آمدن برنامه های مدنظر را آماده کند و با فهرست کردن آنها به محض مسئولیت شروع به اجرا کند شاید به جایی برسیم. به نظر می رسد ما شاهد چنین شریاتی نیستیم و حالت بلاتکلیفی داریم.

ورزش پیش از این بر اساس تجربیات کسب شده می داند که باید چه راهی برود. در این باره مهم، اراده و همت است که باید آن را ایجاد کنیم. من هم در این خصوص فقط نظریه ای را ارائه می دهم و اظهار امیدواری می کنم که ورزش مسیر درست خود را در پیش بگیرد. بر اساس آنچه پیش از این به عنوان برنامه مدنظر بوده و اجرا هم شده ما شرایط مناسبی در المپیک آینده نخواهیم داشت. مانه تنها در بحث سهمیه ها بلکه به لحاظ امید به کسب مدال نیز اوضاع مناسبی نداریم و از همین حکایت می توان نتیجه گرفت که نیاز به تحول در ورزش بیش از همیشه احساس می شود. نگاهی به برخی رشته های پر امید از نتایج نه چندان خوب در المپیک پاریس حکایت می کند. برای این المپیک برنامه نداشتیم و به نظر می رسد برای المپیک های بعد هم برنامه ای طراحی نشده است.

سیرت را عوض کنید، نه صورت را!

■ مازیار مهرانی



سرانجام انتظاراتها به سر رسید و کیومرث هاشمی با تعویض معاونان وزارت خانه ورزش و جوانان خیال خود و منتقدانی که معتقد بودند حال و هوای ورزش کشور با انجام تغییرات عوض خواهد شد را راحت کرد! در این میان تغییر پولادگر با اسبقیان برای پست مهم معاونت توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای برای مخاطبان و دنبال کنندگان بیرونی این وزارت خانه از اهمیت بیشتری برخوردار بود، چرا که برای اهالی ورزش بخش جوانان هنوز همان وصله نامرتبیطی به چشم می آید که رفت و آمد ها و فعالیت هایش توجه کسی را جلب نمی کند و حساسیت زانیست! نقطه مقابل این بخش حوزه ای قرار دارد که هر فعل و انفعال آن زیر ذره بین رسانه ها و مجلس شورای اسلامی قرار دارد.

اگر با علم و آگاهی و با تعهد لازم جلوی برخی سودجویی‌ها گرفته شود شکی نیست که ضمن حفظ جایگاه گذشته حتی می‌توانیم گام‌هایی به پیش برداریم. چنین هدف بزرگی نیاز به مدیریت "تحول آفرین" دارد. این کار با رفتن افراد و آمدن نفرات جدیدی که مثل گذشتگان فکر و عمل می‌کنند محقق نخواهد شد.

تحولات اجباری

سوگمندان باید باور کنیم آنچه امروز به عنوان تحول در ورزش شاهدیم نه از درون که از بیرون به ما اجبار شده است. اجباری که اگر توانمان برسد باز هم قصد داریم زیر بار آن هم نرویم! انتخابی شدن فدراسیون‌ها، عدم دخالت دولت در امور ورزش و... همه مواردی است که یا به اجبار آن را پذیرفته ایم یا تلاش داریم به گونه‌ای از کنار آن فرار کنیم یا اصطلاحاً آن را دور بزیم. حتی در تدوین اساسنامه انتخابات و بسیاری از امور که به سادگی قابل حل است سالهاست با کشمکش بین المللی مواجه هستیم.

هر چقدر اهل فن و تعهد؛ دولت را به نظارت و سپردن امور به اهلش توصیه می‌کنند مدیران دولتی در برابر آن مقاومت نشان می‌دهند و قصد ندارند پا از حیطة ای که در آن تخصص لازم را ندارند هم خارج کنند! به زعم آنها با خرویشان از چرخه مدیریت قرار است غریبه‌ها و دشمنان مصدر امر شوند! شکی نیست که با چنین دیدگاهی ورزش ما هرگز به مسیر درست رهنمون نخواهد شد. هنوز هم اساسنامه‌ها در انتخابات به گونه‌ای است که به سادگی رد پای دولتی‌ها در آن قابل مشاهده است. افرادی در بحث انتخابات صاحب رای هستند که اغلب از مسیر نادرست به این مهم دست یافته‌اند.

حوصله و بی‌حوصلگی

اگر در گذشته چندین دور ورزش با محاسبات پیچیده امروزی مواجه نبود می‌توانستیم از کنار برخی امور گذر کنیم امروز چنین امری ممکن نیست. ورزش امروزه به صنعت و علم تبدیل شده و در برگیری فراوانی دارد.

از بحث سلامت جامعه گرفته تا بعد قهرمانی و افتخار آفرینی، نگاه‌ها به سوی این بخش جدی است. اگر چنین نبود که حمید سجادی نمی‌رفت تا کیومرث هاشمی بیاید! سهل گرفتن امور به اسم حوصله کردن برای کار بهتر، حوصله دلسوزان را سر برده است. فردی مثل کیومرث هاشمی با این همه سابقه در ورزش مگر چقدر زمان می‌خواهد تا برای تحول در ورزش اقدامات کارساز داشته باشد؟ وقتی برای تغییر در نزدیک‌ترین نفر به خود (معاون ورزش قهرمانی) این همه زمان صرف شود کی قرار است به سایر امور برسیم؟ مدت هاست برای تعیین مسئول در چند فدراسیون و جایی مثل شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی شاهد تعلل و سستی هستیم. بهانه‌هم دخالت افراد غیره است! آقای وزیر مگر چقدر از دوران کاری شما باقیمانده است؟ حمید سجادی چه شد و کجا رفت؟ چه قضاوتی از عملکرد او پیش روی اهالی ورزش باقی ماند؟ شما هم همان راه را طی می‌کنید؟

راهی جز تحول وجود ندارد

اگر تا دیروز برخی امور پنهان شذنی بود امروز باید به گونه‌ای دیگر کار کرد. سطح اطلاعات عمومی چنان بالاست که نمی‌توان به سادگی و یا گاهی بازو مردم را وادار به قبول هر کاری کرد. این مردم اهل قضاوت هستند. آنها به سادگی خوب و بد را تشخیص می‌دهند. پیدا کردن مدیر خوب از بد برایشان سخت نیست. کار خوب، عملکرد درست، طی مسیر صحیح به راحتی قابل تشخیص است. رفتن این و آمدن آن به اسم اصلاح نسخه قدیمی و ناکارآمد است. چنین کاری جز وقت تلف کردن و سرمایه‌سوزی نام دیگری ندارد.

اگر ماندگاری و خدمت به مردم مد نظر است باید دست از رویه‌های غلط برداریم. تعارف و مماشات را کنار بگذاریم. باید قیل از ورود به عرصه خدمت در این باره برنامه داشته باشیم. با ورود به عرصه خدمت به سرعت به دنبال اجرای برنامه‌های خود باشیم. در این مسیر "رفیق بازی"، "باندبازی" را کنار بگذاریم و با استفاده از همه شایسته‌ها مسیر درست را طی کنیم. اگر چنین نشد هم به خدا و هم به مردم بدهکار خواهیم شد که هرگز چنین مباد!

مداخله عناصر سیاسی در مدیریت ورزش!

■ احمد میرزاییان

یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف عملکرد نظام مدیریت ورزش ما عدم استقلال و مداخله عناصر سیاسی و نفوذ صاحبان قدرت در امور است. تحمیل افراد و توصیه‌پذیری مدیران ورزش در چند سال گذشته به وضوح افزایش یافته است. این مداخله در دوره وزارت حمید سجادی شکلی جدی تر داشت و این وزیر ورزشی را با چالش جدی روبرو کرد. ضعف عملکرد مدیران تحمیلی و ناهماهنگی در اجرا و عدم شناخت و تخصص این طیف از بدنه ورزش منجر به قربانی شدن سجادی شد. کیومرث هاشمی بعد از اخذ رای اعتماد از مجلس و ورود به ساختمان سئول از لزوم بازگشت اقتدار و مرجعیت در ورزش سخن گفت. اما متأسفانه در روند تصمیم‌گیری‌های وزیر جدید باز هم شاهد مداخله و توصیه نهاد‌های بالا دستی هستیم. به همین دلیل تغییر در ساختار مدیریت و در سطوح معاونان و مدیران ارشد وزارت، کار به درازا کشید. عملکردیامین پور، سینا کلهر، پولادگر در سطوح معاونان دارای ایراد اساسی بود. در حوزه مدیریت دفتر وزارت و امور مجلس و استانها هم پیوند مناسبی برقرار نبود. به نظر می‌رسد کیومرث هاشمی به جهت شناخت قبلی و آگاهی از اوضاع مدیریت ورزش کشور، زودتر از اینها تغییرات را جدی بگیرد و با جراحی اصولی آب رفته را به جوی بازگرداند.

جابه‌جایی عجیب سینا کلهر از حوزه معاونت فرهنگی به معاونت امور جوانان و جدایی خیر ساز و یک جانبه یامین پور از وزارت ورزش خط بطلان بر پیش داوری‌ها کشید و نشان داد مدیریت وزارت ورزش کماکان از استقلال و اقتدار لازم برخوردار نیست!

اخیراً با انتصاب اسبقیان به عنوان معاون ورزش قهرمانی بجای پولادگر بر دامنه ابهامات افزوده شد و این سؤال را در اذهان تداعی کرد که وزیر محترم با این جابه‌جایی‌ها و انتصابات مصلحتی چه تفکراتی در سر دارد؟ چگونه اسبقیان ابتدا به عنوان سرپرست دفتر وزارتی منصوب شد و به چه دلیل از حوزه معاونت ورزش قهرمانی سر در آورد؟

دلیل از حوزه معاونت ورزش قهرمانی سر در آمدن با امیدواری مجموعه این عوامل و تصمیمات عجیب در ورزش را نمی‌توان با امیدواری نگریست. اعتقاد داریم ورزش کشور به شدت نیازمند تربیت نیروی انسانی قوی و بکارگیری عناصر متخصص و کارآمد است تا با طراحی و برنامه‌ریزی درست در مسیر پیشرفت گام بردارد. یقیناً مجلس با رای عدم اعتماد به وزیر ورزش تنها به جابه‌جایی فرد خاصی نظر نداشت. نمایندگان مردم به بنیان و اساس مدیریت ورزش ایراد داشتند. این مطالبه را باید جدی گرفت و با درایت و طراحی اصولی ورزش کشور را در ریل مناسب قرار داد.



این دو هر یک با انگیزه‌های متفاوتی اعمال، رفتار و گفتار معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای را دنبال می‌کنند. حال به سوژه مورد نظر این هفته کیهان ورزشی مبنی بر این که نتیجه این تغییرات را چگونه می‌بینید؟ می‌پردازیم و پاسخ می‌دهیم که در هر تغییر اگر دنبال تحول هستیم باید به دو نکته توجه کنیم.

۱ - افرادی که به کار می‌گیریم حائز شرایط آن پست باشند و بتوانند با اشراف بر امور کار را به درستی و با کم‌ترین اشتباه و آزمون و خطا پیش برند.

۲ - نگاه و نگرش و تفکرات حاکم بر سیستم را اصلاح کنیم. چرا که اگر سیستم حاکم نگرش برنامه محور به حوزه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای نداشته باشد. مافقط نام افراد مسئول را عوض کردیم نه شیوه‌های مردود و نادرست کاری موجود را!

بنابراین اگر هدف وزیر ورزش تغییر ظاهری و صورت‌گری وزارت خانه نیست باید در کنار تعویض مدیران و آمدن معتمدان یا سفارش شده‌ها! ضمن تغییر رویکرد و نگاه سیستمی به حوزه ورزش نظارت و ارزیابی عملکرد را به طور ویژه در دستور کار خود قرار دهد.



● قضاوت سهم خواهان رسانه ای!

شکست تیم فوتبال پرسپولیس در یک بازی دوستانه و تدارکاتی در اردوی آماده سازی این تیم در امارات با واکنش تند و تحریک آمیز برخی از رسانه های ورزشی مواجه شد. رسانه هایی که در جریان ارتباط های پشت پرده و ورود به جریان دلالی توسط برخی از دانه درشت های رسانه ای که در جستجوی دریافت القابی چون "پدر خوانده" سال ها کوشیده و خون دل خورده اند! اغلب نقش داشته و خواه نا خواه سهم خواهی و منافع دانه درشت های رسانه ای را دنبال کرده اند نه تکالیف و رسالت کاری و مطبوعاتی شان را! شاید به همین دلیل بعد از برکناری سرمربیان تیم ملی یا سرمربیان باشگاهی که بر خی بدست و اشاره همین عده رقم می خورد، اولین هدف این گروه آن است که حق مشاوره و انعقاد قرارداد با مربیان جدید چه داخلی و چه خارجی از مسیر آن ها بگذرد

اگر چنین بود و شرایط مساعد گردید، در راستای تأیید و حمایت از سرمربیان جدید با ساختن یک سرمربی "جهانی" از این نقل و انتقال استقبال کرده و به منظور بازار گرمی رسانه ای سنگ تمام می گذارند. اما اگر چنین نبود یا چنین نشد، تا زمانی که هدف سهم خواهی محقق نشود همچون آوار با بهانه یابی بهانه بر سر سرمربیان "غیر خودی" خراب می شوند و از هیچ ترفندی برای تضعیف آنها فرو گذاری نمی کنند! برای این عده تفاوتی ندارد که چه پوزیشنی را به میل و به کام خود تفسیر کنند. آنها متخصص ساختن کاه از کوه یا کوه از کاه هستند! با این توضیح به سراغ اولین شکست سنگین "اوسمار ویرا" می رویم. مربی برزیلی که بر خلاف دیگر مربیان خارجی این باشگاه پس از رفتن یحیی گل محمدی فرار را بر قرار ترجیح نداد، ماند و مسئولانه بدون دریافت حکم سرمربی گری از بازیکنان این تیم خواست که روی تعهد حرفه ای با باشگاه تا آخر بایستند و کار ناتمام نیم فصل را با تعهد و نگاه حرفه ای به پایان برسانند و در حالی که باشگاه در به در به دنبال سرمربیان خارجی دیگری بود و هر بار پس از اعلام مخالفت برانکو ایوانکوویچ از قبول این مسئولیت مجدداً تلاش می کرد مسئولیت آماده سازی پرسپولیس را بر عهده گرفت. شکست در یک بازی تدارکاتی در زمان تمرینات بدنسازی و آمادگی در نیم فصل برخلاف نوشته های برخی از رسانه ها و افراد فاجعه نیست. همانطور که پیروزی پر گل در یک بازی تدارکاتی نباید بزرگ نمایی شود. به هیچ وجه قصد نداریم از اوسمار ویرا یک منجی بسازیم یا چیزی را به اثبات رسانیم. صرفاً می خواهیم متذکر شویم که جوان بودن مربی و نداشتن سابقه زیاد نباید ملاک قضاوت قرار بگیرد تا پیش از قهرمانی تیم ملی فوتبال قطر در رقابت های جام ملت های آسیا کسی فیلیکس سانچز را نمی شناخت همانطور که کسی رایکوف را در فوتبال ایران نمی شناخت! رایکوف هم در اولین بازی تیم ملی شکست سنگینی از ترکیه خورد اما ناصر حجازی را به فوتبال ملی معرفی کرد و سال ها منشأ اثر در باشگاه تاج سابق شد. اوسمار ویرا را فعلاً سانچز و رایکوف نمی دانیم اما به عنوان یک مربی که مدتها کنار پرسپولیس بوده و بیش از هر مربی دیگری از این تیم و بازیکنانش شناخت دارد سزاوار حمایت و گرفتن فرصت است. مضاف بر آن که او در همین بازی به یک مدافع میانی جوان از تیم های پایه باشگاه به نام سهیل صحرائی فرصت داد مدافعی که شاید در آینده از او بیشتر بشنویم.



● آتشباره مصدوم اعلام آمادگی کرد

علی قلی زاده بازگشت باشکوهی به تیم ملی داشت، آن هم بعد از ماه ها مصدومیت و محرومیت از حضور در میادین باشگاهی او بدون شک در بازی سوم تیم ملی در مقابل امارات متحده عربی، جان دوباره ای به خط هافبک تیم ملی بخشید و روی یکی از دو گل تیم ملی جدا از گل مردودی که به زیبایی به ثمر رساند تأثیر داشت. پاس تک ضرب او به سردار آزمون زمینه ساز به ثمر رسیدن گل اول تیم ملی شد. "قلی زاده" از معدود بازیکنان تکنیکی فوتبال ماست که از تکنیک بالای خود بیشتر در جهت کار تیمی بهره می برد. با حضور قلی زاده نه تنها نبود علیرضا جهانبخش در بازی حس نشد بلکه پاس های تک ضرب و فضا شناسی خوب او خط دفاع امارات را کاملاً به هم ریخت. قلی زاده می تواند بیش از این در مسیر حرکت صعود تیم ملی به مراحل بالاتر در این جام موثر باشد.

یک تیر و چند نشان در مرحله گروهی

تیم ملی فوتبال کشورمان در آخرین دیدار خود در مرحله گروهی رقابت‌های جام ملت‌های آسیا چهاره متفاوتی از خود نشان داد! تیم ملی در این مسابقات هر چند در هر سه بازی مرحله گروهی پیروز و تیم برتر بازی بود، اما در هر بازی ترکیب و نمایش متفاوتی داشت. به نظر مهم‌ترین دلایل و انگیزه کادر فنی از این تغییرهای پیاپی در ترکیب و شیوه بازی را می‌توان در سه نکته خلاصه و جمع بندی کرد: (۱) تقسیم قوا و انرژی بازیکنان (۲) آزمون مجدد بازیکنانی که در ترکیب اصلی تیم حضور نداشتند. (۳) بسته نگه داشتن مشت سرمربی برای رقیبان در مرحله حذفی. باید پذیرفت که فارغ از انتقادهای برخی کارشناسان از عملکرد تیم ملی کادر فنی ما تاکنون در تحقق این اهداف موفق بوده است. زیرا تیم ملی نه تنها هر "نه امتیاز" ممکن از سه بازی این مرحله را کسب کرده و با اختلاف و اقتدار به دور یک هشتم نهایی جام ملت‌های آسیا راه یافته است، بلکه توانسته با به میدان فرستادن بازیکنانی چون مهدی قایدی، شهریار مغانلو، رضا اسدی، کریم انصاری و روزبه چشمی جمعاً بیست و یک بازیکن را به بازی گرفته و مورد آزمایش قرار دهد. اگر دروازه بان‌های ذخیره را کنار بگذاریم به جز مدافعان جوان و کم تجربه‌ای چون "سامان فلاح و آریا یوسفی" و مهدی ترابی بازیکنی نیست که فرصت بازی در این مسابقات را پیدا نکرده باشد. امیر قلعه نویی در این بازی از علی قلی زاده ستاره فراموش شده تیم ملی هم رونمایی کرد در حقیقت در آخرین بازی مرحله گروهی سرمربی تیم ملی باز از آستین خود آس‌هایی بیرون کشید که سرنوشت ساز بودند. رضا اسدی یکی دیگر از بازیکنانی است که منتظر حضورش در این جام بودیم. هر چند زمان به بازی گرفتن او کوتاه بود اما در همین زمان کوتاه هافبک مهاجم بلند بالای تیم ملی خود را با فضای این رقابت‌ها آشنا ساخت. بدون شک در مسابقات سنگین و فشرده حذفی اسدی می‌تواند بار تدافعی و تهاجمی تیم ملی را بر حسب شرایط بازی بالا ببرد. ما به تیم ملی امارات در این بازی دو گل زدیم در حالی که سه گل دیگر ما توسط علی قلی زاده، سردار آزمون و محمد محبی مردود اعلام شد. در این میان مردود اعلام شدن گل محمد محبی پس از بازیکنی مجدد صحنه توسط داور بازی خالی از اشکال نبود چرا که محمد محبی در لحظه برخورد به مدافع حریف و به زمین خوردن او هیچ گونه تعدمی نداشت و آن گونه که از تصاویر تلویزیونی مشخص بود او با نگاه به مسیر حرکت توپ برخورد ناخواسته‌ای با مدافع اماراتی داشت در حالی که مدافع حریف هم مسیر حرکت او را عملی کرده و هم خارج از دید محبی قرار گرفته بود. با این وجود میل و اشتیاق به یک پیروزی پر گل با یک نمایش پر طراوت علاقه مندان به تیم ملی را امیدوار ساخت که ما می‌توانیم بازی به بازی بهتر ظاهر شویم.



آخرین فرصت برای عدم تکرار اشتباه

تک گل تیم ملی امارات مقابل مادر حالی در وقت‌های اضافی به ثمر رسید که ما برای به ثمر رساندن گل‌های سوم و چهارم در دقایق هشتاد و پنج و هشتاد و نه دو فرصت مناسب را از دست دادیم! امارات پیش از زدن تک گل دیر هنگام خود که فاصله باختی که می‌توانست بسیار سنگین برای آنها تمام شود را به حداقل رساند! در دقیقه "نود به علاوه دو" از سراسیمگی و هیجان ناشی از میل وافر گلزنی تیم ملی استفاده کرد و صاحب موقعیت مناسبی برای گلزنی شد که با حضور و پوشش به موقع امید ابراهیمی از دست رفت در این صحنه هافبک دفاعی ما با هوشیاری پاسی مناسب را به منظور حفظ توپ برای علیرضا جهانبخش یار تعویضی و بدون مراقب ما در پشت محوطه جریمه خودی فرستاد متأسفانه باز اصرار به اشتباه هافبک راست با تجربه تیم ملی برای تک‌روی موجب توپ‌گیری مجدد حریف و ایجاد یک صحنه خطرناک دیگر روی دروازه تیم ملی شد که با مهار بیرانوند خوشبختانه از دست رفت اما سی ثانیه بعد اشتباه در جایگیری و غافل‌گیری خط دفاع ما این بار موجب باز شدن دروازه ما گردید. رامین رضاییان که منطقه دفاعی خود را بی‌جهت رها کرده و مدافعان میانی ما را تنها گذاشته بود این فرصت را به مهاجم حریف داد تا با جایگیری مناسب در این فضای خالی روی یک پاس طولی به راحتی صاحب توپ شود و تا پشت محوطه شش قدم پیش بتازد در این صحنه دفاع راست ما وقتی به یحیی گلزن اماراتی رسید که توپ به تور دروازه ما چسبیده بود. در این صحنه دو مهاجم امارات تقریباً با دو مدافع مرکزی تنها بودند و خط هافبک هم وظیفه خود را فراموش کرده بود. بعد از به ثمر رسیدن گل دیر هنگام امارات تازه یادمان افتاد که برنده این بازی هستیم و نیازی به آب و آتش زدن خود نداریم و به راحتی ده دقیقه حفظ توپ کریم تابازی تمام شود. به نظر می‌رسد توجه کادر فنی به دو نکته مهم برای تذکر به بازیکنان باید جلب شود. در مراحل حذفی نیازی به تفاضل گل نداریم و قرار نیست در هر بازی حتماً با اختلاف دو یا سه گل برنده شویم. تمرکز و سازماندهی خط دفاعی تیم ملی حتی در زمان حمله نباید از دست برود و باید با جایگیری و مراقبت اصولی از بازیکنان خالی مانده حریف در زمین خودمان به خوبی از اندوخته مان دفاع کنیم. با بازیکنان تک‌رو به ویژه در منطقه یک سوم دفاعی خودی برخورد کنیم. بازیکنان ما باید بدانند در چنین منطقه حیاتی نباید تا تکراری و احتمال از دست رفتن توپ تیم ملی را به خطر بیندازند.



بازگشت زوج طلایی و آتشین خط حمله

بازگشت مجدد سردار آزمون در کنار مهدی طارمی و تشکیل زوج طلایی و آتشین خط حمله تیم ملی، تیم ملی امارات متحده عربی را کاملاً خلع سلاح کرد. به نظر منتقدان فراموش کرده بودند که هنوز ترکیب اصلی تیم ملی در جام ملت‌ها به میدان نرفته است! تفاوت قدرت هجومی تیم ملی کشورمان با حضور توامان آزمون و طارمی بسیار زیاد و تا حدی غیر قابل تصور است. چرا که این دو جدای از ویژگی‌های منحصر به فرد فنی و توانایی‌های مثال زدنی در شناخت دروازه و چگونگی وارد کردن ضربه نهایی و شگردهای تکنیکی خاص خود به واسطه سال‌های متعددی بازی در کنار یکدیگر و در رقابت‌های مختلف به آن درجه از شناخت و هماهنگی در جریان مسابقات رسیده‌اند که می‌توانند با چشم بسته نیز یکدیگر را در بهترین شرایط مکانی و در فضای خالی و نقاط حیاتی منطقه دفاعی حریف پیدا کنند. اتفاقاً هر دو گل تیم ملی روی همین هماهنگی مثال زدنی آزمون و طارمی به ثمر رسید. گل اول با پاس تک ضرب آزمون در شکاف عمق خط دفاعی امارات با فرار رو به جلو و جایگیری بی‌نقص مهدی طارمی و گل دوم با تیز هوشی آزمون در قاپیدن توپ از پاس مدافع حریف و فضا سازی پاره توپ او که با هوشیاری مدافعان اماراتی را به عمق خط دفاعی شان کشاند تا باز با یک پاس تماشایی این بار به فضای خالی شده کناری در منطقه راست دفاعی حریف، لقمه‌ای آماده را برای طارمی ساخته و پرداخته کند. این هماهنگی در صحنه گل مردود اعلام شده سردار آزمون هم یک بار دیگر تکرار شد و می‌تواند تا پایان جام برای ما باز هم با موفقیت تکرار شود.



تیم منتخب ایران به یک نقره عظیمی بسنده کرد

روسیه در ۱۰ وزن به ۹ مدال طلا رسید!

■ محمود محمدی

(روسیه)، ژوی دنگ (چین)

۹ طلای روسیه، یک نقره ایران

پایان رقابت‌های بین‌المللی کشتی آزاد جام ایوان یاریگین روسیه در شرایطی بود که میزبان توانست با نمایشی قابل قبول به ۹ طلا دست پیدا کند. یکی از ارزشمندترین طلاهای روسیه در این رقابت‌ها در وزن ۹۷ کیلوگرم بدست آمد؛ جایی که عبدالرشید سعدالله‌یف توانست پس از ناکامی در رقابت‌های جهانی ۲۰۲۳ دوباره روی سکوی نخست بایستد. عبدالرشید سعدالله‌یف دارنده ۷ مدال طلای جهان و المپیک و ملقب به تانک روس در دیدار فینال وزن ۹۷ کیلوگرم کشتی آزاد جام یاریگین برابر شامیل

۲- ماگومد ماگومیف (روسیه) ۳- احمد عثمانوف (روسیه)، کاسم کاسموف (روسیه)
۸۶ کیلوگرم: ۱- آر تور نایفونوف (روسیه) ۲- ارسلان باگایف (روسیه) ۳- تازی‌تین آکایف (روسیه)، مالک شوایف (روسیه)
۹۲ کیلوگرم: ۱- ماگومد کوربانوف (روسیه) ۲- محمدمبین عظیمی (ایران) ۳- عظمت زاکویف (روسیه)، مصطفی گاجی مالاچ دیبیروف (روسیه)
۹۷ کیلوگرم: ۱- عبدالرشید سعدالله‌یف (روسیه) ۲- شمیل موسایف (روسیه) ۳- رمضان شعبانوف (روسیه)، الکساندر هوشتین (بلاروس)
۱۲۵ کیلوگرم: ۱- زلیمخان خزریف (روسیه) ۲- آنزور خیزریف (روسیه) ۳- نیکیتا خاباروف

(روسیه) ۲- مسلم مهتبخانوف (روسیه) ۲- سردور روزیموف (ازبکستان)، کژیک منگوش (روسیه)
۶۵ کیلوگرم: ۱- گادجی مراد رشیدوف (روسیه) ۲- تومور اوچیپ تولگا (مغولستان) ۳- آریپ عبدالله‌اف (روسیه)، دالگات عبدالقادر (روسیه)
۷۰ کیلوگرم: ۱- کوربان شیرایف (روسیه) ۲- اینالک شریف (روسیه) ۳- بشیر خانیف (آذربایجان)، آیسین پوتاپوف (روسیه)
۷۴ کیلوگرم: ۱- ماگومد حبیب کادی ماگمدوف (بلاروس) ۲- دیوید بایف (روسیه) ۳- بکزاد عبدالرحمانوف (ازبکستان)، ماگومد دیبیر گاجیف (روسیه)
۷۹ کیلوگرم: ۱- خالد بخیف (روسیه)

تیم منتخب کشتی آزاد ایران در شرایطی با کسب یک مدال نقره به کار خود در رقابت‌های بین‌المللی کشتی آزاد جام ایوان یاریگین پایان داد که روسیه میزبان موفق شد ۹ مدال طلا کسب کند!

رقابت‌های بین‌المللی کشتی آزاد جام ایوان یاریگین روسیه به مدت ۴ روز در شهر کراسنویارسک برگزار شد. تیم منتخب کشتی آزاد که ۸ کشتی‌گیر در این رقابت‌ها حضور پیدا کرده بود با کسب مدال نقره محمدمبین عظیمی در وزن ۹۲ کیلوگرم به کار خود پایان داد.

در وزن ۶۵ کیلوگرم علی خرم‌دل پس از استراحت در دور اول، در دور دوم با نتیجه ۶ بر ۲ مغلوب گادجی مراد رشید‌اف دارنده مدال طلای جهان و برنز المپیک از روسیه شد و با توجه به حضور این کشتی‌گیر در دیدار فینال، وی به گروه بازنده‌ها رفت. وی در گروه بازنده‌ها پس از یک پیروزی، در کشتی بعد مقابل نماینده روسیه شکست خورد و حذف شد.

در وزن ۷۴ کیلوگرم، عادل پناهیان در کشتی اول با نتیجه ۸ بر صفر مغلوب ماگومد دیبیر گادجیف شد و با توجه به شکست این کشتی‌گیر از دور رقابت‌ها کنار رفت.

در وزن ۸۶ کیلوگرم، علی سواد کوهی پس از استراحت در دور نخست، در دور دوم مقابل آکایف از روسیه ۵ بر ۴ شکست خورد و با توجه به عدم فینالیست شدن این کشتی‌گیر سواد کوهی از دور رقابت‌ها کنار رفت.

در وزن ۹۲ کیلوگرم، محمدمبین عظیمی در دور مقدماتی با نتیجه ۷ بر ۴ آرسنعلی موسالایف را شکست داد. وی در دور دوم ۴ بر صفر بر گادژیماگومد نازمودینوف غلبه کرد و راهی یک چهارم نهایی شد. عظیمی در این مرحله ۸ بر ۶ عظمت زاکویف را شکست داد و به نیمه‌نهایی رسید. وی در مرحله نیمه‌نهایی با نتیجه ۹ بر صفر شمیل امام گادجیلایف را مغلوب کرد و به فینال رسید. عظیمی در فینال با نتیجه ۷ بر ۲ مغلوب ماگومد کوربانوف شد و به مدال نقره رسید. مهدی حاجیلوئیان دیگر نماینده ایران در این وزن در دور نخست به مصاف مالاچ دیبیروف از روسیه رفت و ۷ بر ۲ شکست خورد و با توجه به شکست حریفش از دور رقابت‌ها کنار رفت.

در وزن ۹۷ کیلوگرم، ابوالفضل بابالو در دور نخست ۱۱ بر صفر از سد پاولوچنکواز بلاروس گذشت اما در دور دوم مقابل کوتسیف با نتیجه ۶ بر ۶ شکست خورد و با توجه به شکست حریفش در نیمه‌نهایی، بابالو نیز از دور رقابت‌ها کنار رفت. آرتین سجادی دیگر نماینده کشورمان نیز در این وزن در دور نخست مقابل کوتسیف از روسیه با نتیجه ۱۳ بر صفر شکست خورد و حذف شد.

در وزن ۱۲۵ کیلوگرم، سالار حبیبی پس از استراحت در دور اول، در دور دوم مقابل ساتدویار باتبایار از مغولستان با نتیجه ۱۱ بر صفر پیروزی رسید. وی در دور بعد با نتیجه ۱۳ بر ۹ عبدالله کوربانوف را مغلوب کرد و راهی مرحله یک چهارم نهایی شد. وی در این مرحله با نتیجه ۵ بر ۴ مغلوب ژوی دنگ دارنده مدال نقره جهان از چین شد و با توجه به شکست این کشتی‌گیر در مرحله نیمه‌نهایی، حبیبی از دور رقابت‌ها کنار رفت.

رده‌بندی کامل اوزان دهگانه جام یاریگین به شرح زیر است:

۵۷ کیلوگرم: ۱- ژانور اوگوئف (روسیه) ۲- موسی مهتبخانوف (روسیه) ۳- گلومجان عبدالله‌اف (ازبکستان)، احمد ادریسوف (روسیه)
۶۱ کیلوگرم: ۱- عباس گادجی ماگمدوف



موسایف از روسیه با نتیجه ۵ بر ۲ به برتری رسید و صاحب مدال طلا شد.

سعدالله یف که پس از چندماه دوری از میادین به دلیل انجام عمل جراحی به میادین بازگشته است، پیش از این در دور نخست استراحت کرد، سپس مقابل رمضان شعبان اف با نتیجه قاطع ۸ بر یک به برتری رسید. وی سپس با امتیاز عالی ۱۲ بر صفر مقابل نوخایف به برتری رسید و راهی نیمه نهایی شد. تانک روس در این مرحله نیز برابر آوسایمون هایلایلاز چین با نتیجه ۶ بر صفر به برتری رسید و راهی فینال شد. سعدالله یف با کسب مدال طلای این رقابت‌ها نشان داد پس از ناکامی در رقابت‌های قهرمانی جهان، بار دیگر به دوران اوج خود بازگشته و آماده

درخشش در المپیک پاریس و رسیدن به سومین مدال طلای المپیک است.

فواید حضور در جام‌هایی مانند یاریگین

فارغ از نتیجه بدست آمده در این رقابت‌ها که باید در جای خودش مورد بررسی قرار گیرد، اقدام فدراسیون برای اعزامی تیمی از ایران به این رقابت هادرست و حساب شده بود. جام یاریگین میدان معتبر و بزرگی است که همیشه کسب مدال در آن برای کشتی‌گیران ایرانی سخت و دشوار است.

زمانی برخی کشتی‌گیران کشورمان از حضور در جام‌های بزرگی مثل جام یاریگین ترس و واهمه داشتند و کسب مدال از این مسابقات را بیرون کشیدن

مدال از دهان شیر می دانستند؛ اما حالا تیم‌های ما در این رقابت‌ها به میدان می‌روند و با کشتی‌گیران روس سرشاخ می‌شوند.

بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند اگر می‌خواهیم عیار کشتی‌گیران کشورمان به درستی مورد محک و آزمایش قرار گیرد باید در تمامی تورنمنت‌هایی که روس‌ها و حتی امریکایی‌ها حضور دارند به میدان برویم تا در مسابقات مهم جهانی و المپیک با اعتماد به نفس و خودباوری بالایی برابر رقبایمان قرار بگیریم.

کاوه: اردوی تیم ملی مهمتر از حضور

در روسیه بود

محسن کاوه سرمربی تیم ملی کشتی آزاد ایران

در پایان این رقابت‌ها به سایت فدراسیون کشتی گفت: فدراسیون کشتی یک برنامه‌ریزی بلندمدت بر اساس سند راهبردی خود دارد که در سال ۲۰۲۸ در هر وزن چند کشتی‌گیر مطرح و درجه یک داشته باشیم. به همین منظور حضور کشتی‌گیران جوان و آینده‌دار در تورنمنت‌های معتبر دنیا مدنظر است و تیم‌مانیز فقط برای میدان دیدن و کسب تجربه راهی روسیه شد.

کاوه در مورد نتایج آزادکاران در جام یاریگین روسیه گفت: کشتی‌گیران جوان و آینده‌دار به این مسابقات اعزام شدند و عملکرد و نتایج آن‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. مسابقات یاریگین در سطح رقابت‌های جهانی و با حضور تمامی نامداران کشتی روسیه و قهرمانان از ۲۰ کشور دنیا برگزار شد. فیلم تمامی مسابقات را دیده‌ام و در جریان عملکرد کشتی‌گیران قرار گرفته‌ام، هرمدل کشتی‌گیر جوانی است که در وزن ۶۵ اور را محک زدیم و باز هم به جهت کسب تجربه به وی میدان خواهیم داد. پناهیان در ۷۴ کیلوگرم برای اولین بار بود که به یک تورنمنت خارجی اعزام می‌شد. دو کشتی‌گیر مادر وزن ۹۷ کیلوگرم هم با نظر سرمربی تیم ملی کشتی جوانان به این مسابقات اعزام شدند.

سرمربی تیم ملی کشتی تصریح کرد: در این مسابقات یک بار دیگر به سواد کوهی میدان دادیم تا نتایج وی را بررسی کنیم. محمدمبین عظیمی نیز که در این مسابقات صاحب مدال نقره شد، یک استعداد است که نباید به حال خودش رها می‌کردیم و به همین دلیل هم به اردو دعوت شد. البته انتظار آمان از چند کشتی‌گیر هم بیشتر بود که نتوانستند آن طور که باید خود را نشان دهند و در کل رقابت‌های بین‌المللی میدان خوبی برای بررسی عملکرد کشتی‌گیرانمان با حریفان خارجی است.

کاوه خاطر نشان کرد: سیاست فدراسیون این است که تمام جوانان را به مسابقات بین‌المللی اعزام کنیم تا کسب تجربه کنند. اگر کشتی‌گیری قرار است که شکست بخورد بهتر است در این مسابقات باشد نه رقابت‌های جهانی و المپیک. ما حضور در رقابت‌های بین‌المللی یاشار دوغو ترکیه، دانکلوف بلغارستان و جام‌های روسیه را نیز در برنامه داریم که این رقابت‌ها نیز به نوعی میدان دادن به نفرات جوان و همچنین در راستای چرخه‌ی انتخابی تیم ملی است. کاوه تصریح کرد: حضور مادر هر رقابت بین‌المللی هدفمند است و تفکر و برنامه‌ریزی ما برای آینده و رشد کشتی ایران است.

وی در مورد عدم حضورش در جام یاریگین گفت: اولاً اینکه ما اردوهای تیم ملی را به منظور کسب سهمیه المپیک و حضور در المپیک پاریس داریم. اگر من به روسیه می‌رفتم عملاً ۸ روز از یک اردوی ۱۰ روزه را از دست می‌دادم که قطعاً در این مقطع زمانی به ضرر تیم ملی مآتمام می‌شد. کاوه ادامه داد: دوماً سیاست فدراسیون میدان دادن به مربیان برای کسب تجربه است و در این راستا ۲ مربی جوان را به این مسابقات اعزام کردیم.

سرمربی تیم ملی کشتی آزاد در مورد اینکه چرا نفرات اصلی به جام یاریگین اعزام نشدند، پاسخ داد: ما باید طبق چرخه انتخابی تیم ملی کار را جلو ببریم. رقابت‌های قهرمانی کشور برگزار شد و بعد از آن نیز نفرات اصلی ما به تورنمنت رنکینگ دار کرواسی اعزام شدند، در فاصله‌ی زمانی عملاً امکان حضور نفرات اصلی در جام یاریگین نبود از سوی دیگر اینکه ما برنامه‌های فنی و آماده‌سازی خود را داریم و آمادگی کشتی‌گیران و المپیک از همه چیز مهمتر است.



آثار مثبت و منفی محبوبیت قهرمانان ورزشی

■ شاه مرتضی



در خصوص اداره جامعه، کارشناسان و صاحب نظران مدیریت جامعه روی این نکته تاکید می کنند که اساساً قدرت اگر کنترل و نظارت نشود ایجاد فساد می کند و شهرت و محبوبیت در بین اقشار جامعه یک نوع قدرت و توانمندی به حساب می آید و اگر به درستی از این شهرت و محبوبیت حفاظت صورت نگیرد، قطعاً مشکل ساز خواهد بود و نتایج منفی به بار خواهد آورد.

بر همین اساس جادار دستمندان اداره کننده ورزش، باید ظرفیت خاص و بعضاً به شکل غیر مستقیم مراقب این بخش از مسائل فکری و فرهنگی قهرمانان ورزشی باشند تا از محبوبیت آنها در جهت "منافع مردم" به عنوان سرمایه های اصلی ورزش بهره برداری شود.

تاملی شخصیت ها و قهرمانان ورزشی هنری و... در جهان طبق یک قاعده اجتماعی مورد علاقه طرفدارانشان هستند و قهرمانان به هر اندازه محبوب تر، میزان تاثیر گذاری آنها بیشتر خواهد بود.

بنابر این وقتی یک ورزشکار در هر رشته ای به مقام قهرمانی می رسد و جایگاه قهرمانی او تثبیت می شود محبوبیتش افزایش پیدا خواهد کرد و هر چه در صدم محبوبیت او بیشتر، بوظیفه و مسئولیتش در جامعه نیز سنگین تر خواهد شد.

در همین زمینه مقام معظم رهبری در دیدار با قهرمانان آسیایی و پار آسیایی یادآور شدند: "...چند جمله هم به خود شما ورزشکاران عزیز عرض می کنم. چهره ورزشی برای خیلی از جوانها الگو می شود. رفتار شما، حرکات شما، گفتار شما، نوع زندگی شما جوانهای عزیز و نوجوان های عزیز که چهره ورزشی هستید، غالباً برای بسیاری از جوانها الگو می شود؛ خوب، این مسئولیت شمار سنگین می کند. وقتی شما الگو هستید، می توانید بخشی از جوانهای کشور را به راه راست هدایت کنید، خوشبخت کنید، سعادت مند کنید؛ خدای نکرده عکس اش هم ممکن است. بنابر این، رفتار تان خیلی مهم است. یک سخن یک ورزشکار، یک رفتار یک ورزشکار - چه در میدان ورزش، چه در بیرون از میدان ورزش - می تواند تأثیر سازنده ای در بین جوانها داشته باشد؛ این مسئولیت شما را سنگین می کند. خدای متعال به قدر محبوبیت شما برای شما تکلیف دارد. هر چه محبوبیتتان، توانایی تان، مطرح بودن تان بالاتر برود، تکالیفی هم به همان مناسبت بر دوش شما از ناحیه پروردگار می آید؛ به این توجه کنید هم خانمها، هم آقایان، جوانان و نوجوانان. شهرت و مورد توجه قرار گرفتن، انسان را در معرض برخی لغزشها قرار می دهد که باید به این کاملاً توجه کنید...."

همانطور که در این مجموعه نوشتار طی سالیان گذشته در نوبت های متعدد تاکید کرده ایم که اگر کسی در هر شاخه ای از اجتماع تبدیل به یک شخصیت محبوب و مورد علاقه مردم شد دیگر متعلق به خودش نیست که کاری را انجام دهد یا هر موضعی را بگیرد یا هر پوشش و منش اجتماعی را برای خود انتخاب کند. چون به محض انتشار فکر، ایده و پوشش او در سطح جامعه، گروه های زیادی از نوجوانان و حتی میانسالان از او تقلید می کنند، حال ممکن است این تقلید یا پیروی کردن در امور مثبت یا در زمینه مسائل منفی و بعضاً ضد اخلاقی و هنجار شکنانه باشد که حريم های جامعه را متزلزل خواهد کرد.

به عنوان مثال وقتی یک قهرمان ورزشی در زمان های بحرانی مانند وقوع سیل و زلزله در کنار مردم آسیب دیده از سیل و زلزله حضور پیدا می کند، قطعا روحیه فداکاری و از خود گذشتگی در بین آحاد جامعه گسترش پیدا کرده و به اصطلاح مردم کوچه و بازار هم تشویق می شوند در حد توان خودشان از افراد آسیب دیده از بلایای طبیعی حمایت کنند.

یاد زمانی که یک قهرمان ورزشی در جهت آزادی زندانیان جرایم غیر عمدی پیش می گذارد، افراد دیگر هم که ممکن مالی دارند ترغیب می شوند در جهت این حرکت انسانی و خداپسندانه اقدام کنند و موضوعاتی از این دست بسیار زیاد است و تنها به دو نمونه ذکر شده محدود نمی شود.

همچنین بالعکس در موارد منفی هم حرف و عمل یک قهرمان ورزشی در بین توده مردم تاثیر گذار است. به عنوان مثال وقتی یک قهرمان ورزشی به علت اینکه یک توانایی مالی به دست آورده است و دائماً نوع مدل ماشین خارجی و وسعت آپارتمان محل زندگی و اثاثیه منزلش را به رخ نسل جوان می کشد این رفتار در بین کسانی که از آن امکان مالی آنچنانی برخوردار نیستند تاثیر منفی خواهد داشت و رفتار این عده از قهرمانان ورزشی که فخر فروشی و به رخ کشیدن ثروت مالی را، جز مرام خود قرار داده اند، قطعاً روی دلسرد و مایوس کردن علاقمندان به ورزش تاثیر گذار خواهد بود.

یاد مثال دیگر اگر یک قهرمان ورزشی به طور مرتب، یک مدل لباس و نوعی از آرایش ظاهری خود و همسر و اعضای خانواده خانواده اش را در عرصه رسانه ها، خاصه فضای مجازی مطرح کند، بدون شک این اقدام روی طرفدارانش اثر گذار خواهد بود.

موضوع دیگری که رهبری روی آن تاکید کردند، بحث امکان لغزش قهرمانان ورزشکار است.

موفقیت بانوی شناگر شهری در مسابقات قهرمانی کشور



شنای شهری از دیرباز در سطح ایران و آسیا نمایندگانی شایسته مثل پرویز هدایت، اصغر تاجیکی (شهید)، محسن علی آبادی و... داشته است که در این رهگذر محسن علی آبادی در بازیهای آسیایی ۱۹۷۴ تهران در ترکیب تیم ملی شنای ایران بود و در رشته های مختلف افتخار

آفرینی کرد. حالا در گذر زمان، یک بانوی شناگر به نام ناهید عبیدی حضور موفق در میدان دار دو برای شهری افتخار آفرینی می کند. این بانوی قهرمان در مسابقات کشوری شرکت ملی نفت ایران افتخارات فراوان کسب کرده است و چندی پیش هم مدال ارزشمند طلای شنای قورباغه و مدال طلای شنای کراال پشت در مسابقات کشوری شرکت ملی گاز ایران از جمله افتخارات هفته های اخیر اوست. او باتلاش مضاعف به این افتخارات رسیده و قصد دارد همچنان در این راه موفق، بتواند گام بردارد.



شماره ۱۰۲۴ شنبه ۲۰ بهمن ۵۲ - بها ۱۵ ریال

کیهان ورزشی

بدنبال لواسانی قلیچ خانی هم به دارائی رفت

انتشار طرح ویژه
برای انتخاب تیم ملی فوتبال

مطلب جالب و عکسهای اختصاصی
از اعلی‌حضرتین و اسکی بازان ایران در سن موریتز



جلال کشمیری در تیم وزنه برداری

محمود یآوری مربی تیم فوتبال سپاهان شد. خبر کوتاه است اما در مهم‌ترین صفحات شماره ۵۰ سال پیش کیهان ورزشی دیده می‌شود. در قسمتی دیگر از صفحات ۵۰ سال می‌خوانید که کشتی‌گیران فرنگی کار جوانمردی کردند و در سی‌ارز شمشد به جامعه کشتی دادند. رضا قفلساز دروازه بان تیم فوتبال پاس در جام تخت جمشید به علت دریافت تعداد گل کمتر با تیترا "قفلساز، شجاعی در کنار شجاعان" سوژه هفته شده است. تیم فوتبال "استوا" رومانی به تهران می‌آید تا با تیم‌های تاج، عقاب، پاس و پرسپولیس بازی دوستانه انجام دهد. در قسمتی دیگر به حضور تیم ملوان بندر انزلی در جام بین‌المللی عمران منطقه‌ای اشاره شده است. تمرینات جلال کشمیری پرتابگر دوومیدانی زیر نظر هنریک تمرز نیز مطلب دیگر این شماره است.

■ حمید ترابی‌پور

بالاوا دزه نتوانست
رنگ مدال طلای
خدر را عوض کند

آفرین بر جوانمردی کشتی گیران فرنگی کار؛ درسی که کشتی گیران فرنگی کار دادند

هر کس در هر مقام و کسوتی که به ورزش و سلامت جسمی جوانان خدمت می کند از نظر ما قابل احترام است. بارها شاهد و ناظر تجلیل از خدمتگزاران ورزش به گونه های مختلف بوده ایم، اما آنچه چند روز پیش دیدیم به جهاتی با سایر مراسم این چنانی فرق داشت. چون این بار از کسی تجلیل میشد که بی نام و بی عنوان بود و شاید از نظری یا بهتر بگوییم به ظاهر امر نمی توان به او خدمتگزار واقعی ورزش اطلاق کرد. اما از نظر نفس قضیه این مسئله قابل تجزیه و تحلیل است.

وقتی وارد تالار تمرین کشتی ورزشگاه سرپوشیده شدیم تا طبق معمول تمرین کشتی گیران طراز اول تهران را تماشا کنیم، ابتدا با مقادیر زیاد میوه که روی دو نیمکت چیده بودند روبه رو شدیم. در وسط میوه ها یک کیلو یک بزرگ سه طبقه نیز قرار داشت که روی آن چهار عدد شمع نهاده بودند. آقای ناصر ماندگاری با گردن بسته (به خاطر معالجه یکی از مهره های گردنش) تمرین کشتی گیران فرنگی کار را تماشا می کرد و مربیان مربوطه نیز مشغول کار خود بودند. از حسین ملاقاسمی مربی کشتی فرنگی پرسیدم:

"قضیه کمک و میوه ها چیست؟" او اشاره به علی دلالباشی مستخدم برای او جشن تولد و جشن خداحافظی گرفته اند. پرسیدم جشن خداحافظی برای چی؟ در این موقع ماندگاری گفت چون "علی" با حقوقی که از فدراسیون بابت کار در اینجاست گرفت ناراضی بود گویا نخواست است دیگر در اینجا کار بکند و امروز که آخرین روز خدمت او در اینجا محسوب می شود مصادف با سالگرد چهلمین سال تولد اوست. به همین علت بچه ها به منظور تجلیل از خدمات او چنین برنامه ای ترتیب داده اند.

راستش وقتی این صحنه را دیدیم به یاد روزهایی افتادم که فدراسیون کشتی ایران برای کشتی گیران آزاد کار بودجه ای در نظر گرفته بود که بعد از برنامه تمرین برای آنان شیر، چایی و میوه تهیه شود که مسئول فراهم کردن آن همین علی دلالباشی بود که روزهای زوج هفته این کار را می کرد. اما در عوض کشتی گیران فرنگی کار هر وقت برنامه تمرینی خویش را تمام می کردند، در آتش یک جرعه چای هر گونه نوشیدنی سرد و گرم می سوختند یک روز از "داش علی" پرسیدم: "چرا برای کشتی گیران فرنگی کار نوشیدنی تهیه نمی کنی؟" گفت به ما دستور داده اند که فقط برای کشتی گیران آزادگیر نوشابه و احياناً میوه تهیه کنیم.

این است معنی جوانمردی

وقتی حق شناسی کشتی گیران فرنگی کار را از این خدمتگزار کوچک ورزش چنین خوب و شایسته دیدیم، دریغ آمد که از کنار آن بی تفاوت بگذرم و به همین دلیل بود که این چند سطر را نوشتم. حال



■ "علی دلالباشی" مستخدم تالار کشتی بعد از سال هاز حمت برای کشتی گیران، سرانجام پاداش خود را دریافت کرد. آن هم از کشتی گیران فرنگی کار که اغلب مورد بی مهری علی آقابودند. در عکس بچه های فرنگی کار علی آقارادوره کرده اند و ناصر ماندگاری، دبیر جدید فدراسیون کشتی دیده می شود.

تعبیر آن و ارتباط دادن کار خوب کشتی گیران فرنگی کار در باره سیاست غلط فدراسیون کشتی ایران و تبعیضی که از سالیان دراز بین کشتی آزاد و فرنگی وجود دارد، با خود شما است.

تیم فوتبال "استوای" رومانی در تهران

تیم فوتبال استوا از کشور رومانی این هفته میهمان فوتبال ما خواهد بود. این تیم که برای چندمین بار است به ایران می آید در تهران چهار مسابقه با تیم های اول تا چهارم جام تخت جمشید به ترتیب زیر انجام خواهد داد.

چهارشنبه ۲۴ بهمن باتاج (نایب عنوان قهرمانی).

جمعه ۲۶ بهمن با عقاب (تیم چهارم جام).

یکشنبه ۲۸ بهمن با پاس (تیم سوم جام).

سه شنبه ۳۰ بهمن با پرسپولیس (قهرمان جام).

استوا برای هر مسابقه هزار و پانصد دلار (حدود ده هزار و پانصد تومان) دریافت خواهد کرد که این پول و هزینه اقامت آنان و بلیت هواپیما به عهده چهار باشگاه مسابقه دهنده فوق است.

محمود یآوری مربی تیم فوتبال سپاهان شد

محمود یآوری بازیکن سابق تیم پاس و یکی از بازیکنان خوب فوتبال ما شب گذشته تلفنی به ما اطلاع داد که سرانجام به لطف آقایان دیده بان دبیر فدراسیون و مهندس پروز به سمت مربی تیم فوتبال سپاهان اصفهان برگزیده شده است. محمود یآوری به تازگی کلاس بین المللی مربیگری کرامر در تهران را با موفقیت طی کرده و از جمله مربیان لایقیمیست که تاکنون نتایج خوبی از تیم های دست پرورده او دیده شده است. امیدواریم در جام تخت جمشید با سپاهان موفق باشد.

افراد تیم دارایی شناخته می شوند

مسعود معینی و حاج قاسم به این تیم پیوستند

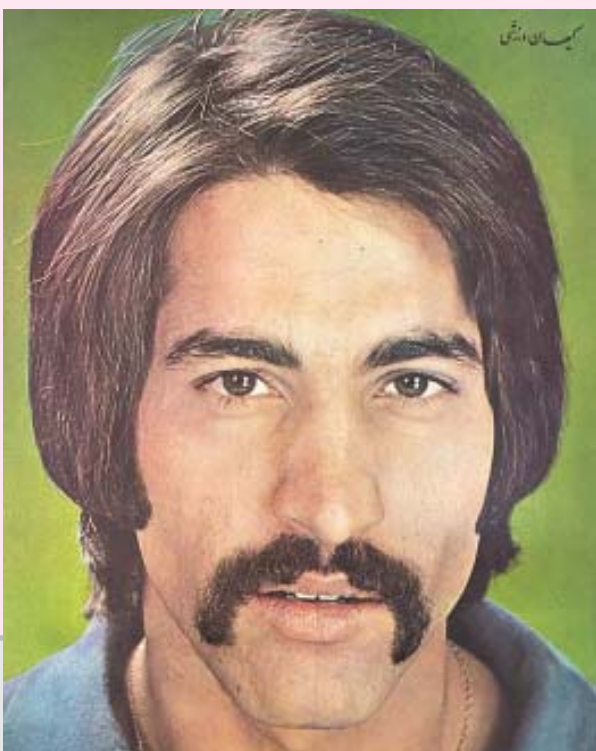
در هفته گذشته تمرین های تیم دارایی بطور مرتب ادامه یافت. این تمرین ها با حضور تعداد زیادی از بازیکنان سرشناس تهران برگزار می شود و تاکنون عضویت این گروه در تیم دارایی محرز شده است:

مهدی لواسانی، علیرضا حاج قاسم مسعود معینی، علی رحمانی، علی گیوه چی، مهدی حاج محمد، حمید لواسانی، داود ویسه، فرهاد آذری، حمید مشتری، منوچهر دوام، مجید افشاری، محمد یوسف اده، احمد سنجر، حسین حسینی خورشید پناه و مصطفی افشار. همچنین اکبر افتخاری در فصل آینده با این تیم همکاری خواهد داشت.

قفلساز، شجاعی در کنار شجاعان

رضا قفلساز دروازه بان تیم پاس یکی از موفق ترین دروازه بانان نخستین جام تخت جمشید بود که در مقام مقایسه (به نسبت تعداد بازی) کمترین تعداد گل را خورد. قفلساز یکی دیگر از آس های فوتبال خوزستان است که با ظهور در تیم ملی جوانان و تیم ملی خیلی زود رو شد. البته در این رهگذر وجود دروازه بانانی ورزیده چون حجازی، مودت و رشیدی که همیشه مانعی برای رسیدنش به تیم ملی بوده اند گاه او را در متن اوزمانی او را در حاشیه قرار داده اند.

جای گیری خوب، پرش ها و مهارهای قاطع و سرانجام جسارت و خونسردی از خصوصیات بارز این دروازه بان خوش رو است. شاید جام تخت جمشید بهترین میدان برای ارائه قدرت قفلساز بود زیرا پاس در آزمایش های گوناگون خط دفاعی موفق به شناخت و شناساندن این دروازه بان شایسته شد.



گفتنی‌ها گفته شد،

حرف تازه ملوان کدام است؟



گفتنی‌ها گفته شد، حرف تازه ملوان کدام است؟

در مورد ملوان آنچه گفتنی بود، گفتیم و ملوان آنچه که خود برای گفتن لازم داشت طی دیدارهای برگشت جام تخت جمشید بر زبان راند ولی چیزی که علاوه بر گفته‌های توان عنوان کرد، حال و روز این تیم در زمان حاضر و در آستانه جام دوم است.

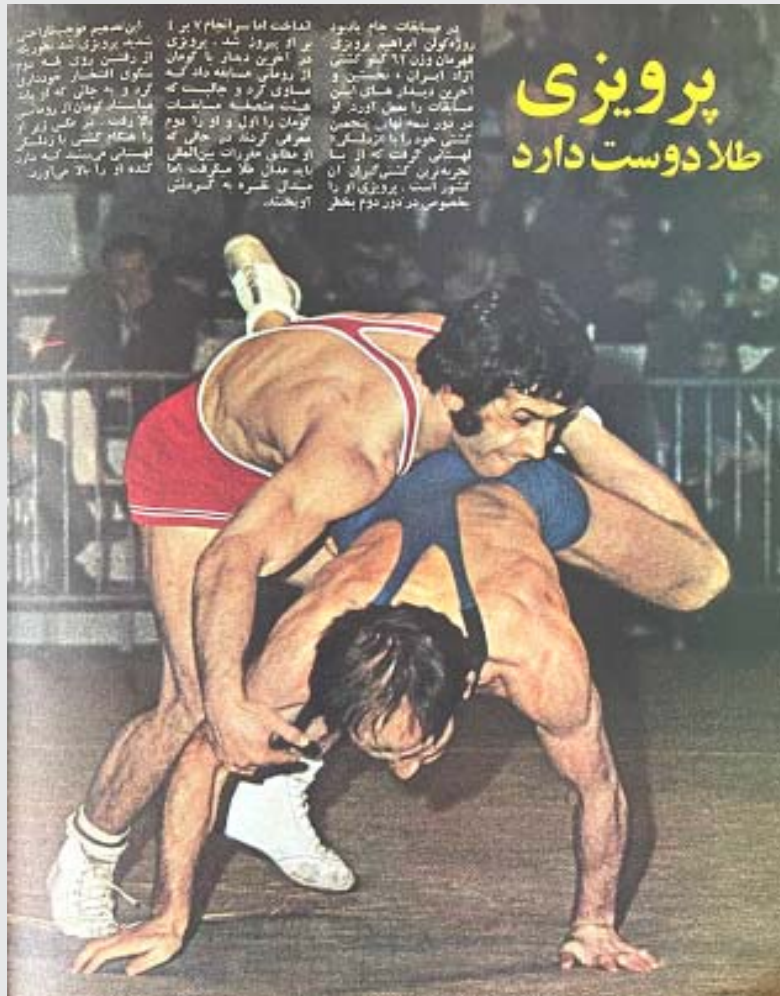
می‌دانیم ملوان بعد از آوازه ای که در زمینه فوتبال داخلی سر داد و چشم‌ها را در چهار گوشه ایران با ظهور خویش خیره کرد، با به یک میدان بین‌المللی (جام عمران منطقه ای) گذاشت و در آنجا نیز اندازه‌های تازه خود را بروز داد. به نظر ما حضور ملوان جدا از حق یا باطل بودن انتخابش، در تمام زمینه‌ها برای نماینده بندر کوچک شمال موفقیت‌بار بود و این تیم را با ارزش تازه ای آماده مسابقات فصل نو ساخت. پیروزی بر تیم ملی پاکستان و جنگ ۷۶ دقیقه ای با تیم منتخب ترکیه گرچه ظاهر گویای درخششی نیست اما اگر دقیق تر به بازی‌ها و وضع دو حریف بنگریم، درمی‌یابیم که ملوان به هر حال در حد خود و در حدیک تیم شهرستانی، کارهای بس بزرگ انجام داده است.

این تیم با تجربه ای بیشتر از گذشته و با پوشش نسبی نقاط ضعف، بی شک محکم تر به جام دوم قدم می‌نهد و با توجه به سازمان جدید چهار بزرگ پایتخت و حریف آبادانی و مدعی جدید اهوازی حتی اگر مقام فصل پیش را تکرار کند، خودبخود پیشرفت نشان داده و موفق شده است. ملوان نه تنها هیچ بازیکنی را از دست نداده بلکه اکنون جوانان و امیدهای خود را نیز آماده بهره‌برداری می‌بیند و می‌آید تا نیاکانی و جهانی‌های تازه تری را معرفی کند.

شرح عکس:

■ ملوان در زمین خود - ایستاده از راست: شاپور نوری زاده، عزیز اسپندار، غفور جهانی، قادر عزت الهی، یار ذخیره بهمن صالح نیا صیاد نشسته از راست: مجید جنانی، فرهاد صیاد صلح، نصرت ایراندوست، علی نیاکانی، منوچهر ناوران، قاسم سلطانی‌زاد، جاوید جهانگیری و رضا ویشگاهی.

پرویزی طلا دوست دارد



مالکی و بوتیک

اکبر مالکی دروازه بان تیم فوتبال عقاب به جرگه بوتیک داران تهران پیوست. او چندی پیش همراه یکی از دوستانش در جاده تهران نوبوتیکی باز کرد تا مگر از این راه سر و صورتی به زندگی خود بدهد. مالکی به این امید بوتیک باز کرده است که دوستان همبازی اش در سفرهایشان به خارج او و مغازه اش را فراموش نکنند و در حقیقت چشم‌امیدش به محتوای ساک‌های آنها در بازگشت از سفرهای ورزشی است.

جلال کشمیری در تیم وزنه برداری

جلال کشمیری مدتی است در ایران میهمان خودش است. او در این زمان کوتاه توقفش هم ورزش را ترک نکرده و با وجود نامساعد بودن آب و هوا و آماده نبودن پیست‌های دوومیدانی، باز بی‌کار ننشسته و برای آماده نگاه داشتن بدنش به وزنه برداری می‌پردازد. تمرینات کشمیری در تهران زیر نظر هنریک تمرز صورت می‌گیرد. او در این تمرین‌ها نه تنها بیش بلکه کلیه حاضران را دچار حیرت کرده است. او در تمرین‌ها بر احتی وزنه ۲۰۰ کیلوپی ۱۰۱ تا ۱۵ مرتبه روی سینه پرس خوابیده می‌زند و در یک ضرب کوردی نزدیک به ۱۳۵ کیلو دارد.

- جلال می‌گوید: "۲۰۷/۵ کیلو را تمیز ده بار خوابیده پرس می‌زنم اما در یک ضرب ضعیف هستم."

تمرز درباره کشمیری می‌گوید: "او از وزنه برداری تنها دارای قدرت فوق‌العاده‌ای است اما از نظر روش و هنر وزنه برداری تقریباً صفر است." با این وجود اگر او در بازی‌های آسیایی در تیم وزنه برداری ایران عضویت داشته باشد حتماً برای ایران امتیاز کسب خواهد کرد. تمرز آنگاه به طعنه رو به کشمیری کرد و گفت: "اگر انگلیسی را به زبان مادری صحبت کنی با همین شرایط می‌توانی بعنوان مربی خارجی به استخدام فدراسیون وزنه برداری ایران در آیی!"

اکبر مالکی بی ادعا و وفادار

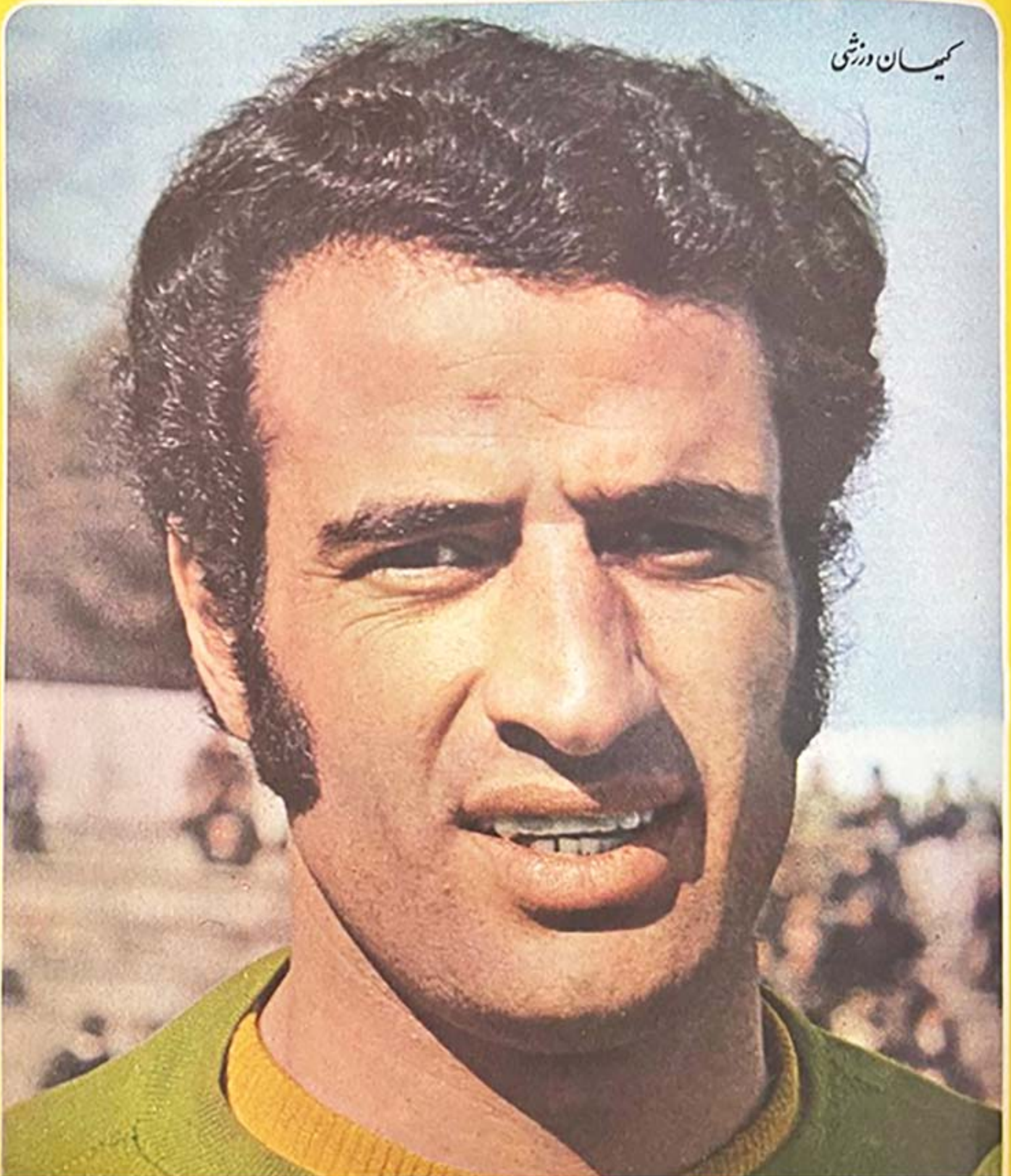
سالهاست دروازه‌بانی بنام اکبر مالکی از دروازه نیم عقاب دفاع میکند. او همیشه بازیکنی منظم و مطیع بوده که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مالکی دروازه‌بانی را از تیم جعفری آغاز کرد و با تیم شگفتی‌آفرین آن هنگام،

یکی از عوامل بزرگ خلق نتایج دور از انتظار بود. او به‌مراه جمشید رهگذر، ابراهیم گلشن، املشی، ملک‌مدنی و دیگر باران این تیم، حریفی همیشه مشکل برای بزرگان آن زمان بود. در یک مسابقه با تیم تاج پیروزی یک بر صفر جعفری

با درخشش بی‌نظیر مالکی، راه او را برای پیوستن به تیم ملی هموار کرد و در این هنگام بود که مالکی به عقاب پیوست، در حالیکه بسیاری از دیگر تیمهای صاحب امکان خواهان او شدند. او تاکنون به بیراهن نیمش وفادار باقی مانده و

در این وفاداری هیچگاه حرکتی غیرورزشی از او سر نزده است. ظهور دروازه‌بانان بزرگ و نزول های ناگهانی مالکی این دروازه‌بان را از تیم ملی دور کرده است ولی بجاست که او را همچنان به بزرگی یاد کنیم زیرا شایسته است

کیسان ورزشی



تیم ملی در اردوهای آذربایجان شرقی و گیلان مقابل حریفان نامدار به میدان رفت

ایران در سئول، تایلند را گلباران کرد

■ آرش حیدرزاده



فوتبال ایران هم بودند، نفرات اعزامی تیم ملی، این بازیکنان بودند: احمد سجادی، مجید رضایی، شاهین بیانی، محمد پنجعلی، حسین مسگر ساروی، مرتضی فنونی زاده، سیامک رحیم پور، اصغر حاجیلو، شاهرخ بیانی، مجید نامجو مطلق، سیروس قایقران، ضیاء عربشاهی، حمید درخشان، سید مهدی ابطحی، فرشاد پیوس، مرتضی یکه، کریم باوی، غلامرضا فتح آبادی، عبدالعلی چنگیز، ناصر محمدخانی، پرویز دهداری (مدیر تیم و سرمربی)، رضا وطن خواه و بهمن صالح نیل (مربیان) سید نصرالله سجادی (رئیس فدراسیون و سرپرست) منوچهر نظری (داور فوتبال).

تیم ملی ایران پس از ورود به کره جنوبی می دانست که برای انجام بازی های گروه خود می بایست به شهر "تائه جو" برود، ملی پوشان قبل از سفر به شهر "تائه جو" یک بازی تدارکاتی مقابل تیم ملی تایلند برگزار کردند، دیدار این دو تیم در ورزشگاه شهر سئول و با قضاوت سه داور اهل کره جنوبی برگزار گردید،

در این دیدار بازیکنان ایران این نفرات بودند: احمد سجادی (دروازه بان)، شاهین بیانی، محمد پنجعلی (کاپیتان)، مرتضی فنونی زاده، اصغر حاجیلو (از دقیقه ۶۸ حسین مسگر ساروی)، شاهرخ بیانی، حمید درخشان (از دقیقه ۶۶ سیروس قایقران)، مهدی ابطحی، عبدالعلی چنگیز، کریم باوی (از دقیقه ۷۵ غلامرضا فتح آبادی) و مرتضی یکه.

بازیکنان تیم ملی تایلند این نفرات بودند: نوم چارون (دروازه بان)، سوراج چایکتی، سوتین چایکتی، پونگ جان، کیچ مون پولساک، اتاپول، پراتیو پانگهاو، چیتاوانگ، چالور هونگاجون، چانگ مول و پیاپونگ.

تیم ملی ایران در بازی تدارکاتی مقابل تایلند آن هم در فاصله چهار روز تابازی باژاین، موفق ظاهر شد. بازیکنان تیم ملی نهایت بهره را از تک دیدار تدارکاتی خود برده و با گل‌های دقیقه ۲۳ و ۲۹ کریم باوی که با ضربات سر به ثمر رساند و همچنین در ادامه با گل‌های مرتضی یکه و عبدالعلی چنگیز که در دقیقه ۷۰ و ۷۶ به ثمر رسید. بابت نتیجه خوب چهار بر صفر تایلند را شکست داده تا اعلام نماید برای بازی با ژاپن آمادگی کاملی دارد.

ادامه دارد...

تیم ملی کشورمان در روز پنجشنبه ۶ شهریور به استان آذربایجان شرقی سفر کرد و روز جمعه ۷ شهریور ۱۳۶۵ در ورزشگاه تختی تبریز به مصاف منتخب آذربایجان شرقی رفت. در این دیدار ابتدا کریم باوی با ضربه سر برای تیم ملی گلزنی کرد اما آذری هاهم دست از تلاش بر نداشته و در دقیقه ۵۷ توسط احد شیخ لاری مهاجم جسور و گلزن خود بازی را به تساوی کشاندند و در نهایت این دیدار یک-یک تمام شد. از اتفاقات تلخ این بازی مصدومیت محمود پاز و کی بازیکن آماده تیم ملی بود که همین آسیب دیدگی باعث خط خوردن او از تیم ملی شد. تیم ملی کشورمان پس از بازگشت از تبریز برای انجام اردوی آمادگی و نهایی خود به گیلان سفر کرد، ملی پوشان ایران در گیلان چند بازی دوستانه هم برگزار کردند، تیم ایران ابتدا در روز جمعه ۱۴ شهریور ۱۳۶۵ در ورزشگاه شهید عضدی رشت و در حضور هشت هزار نفر تماشاگر با دو گل دقیقه ۱۷ مهدی ابطحی و دقیقه ۴۷ حمید درخشان با نتیجه دو بر صفر استقلال رشت را شکست داد. بازیکنان تیم ملی، سپس به بندر انزلی سفر کرده و روز یکشنبه ۱۶ شهریور در برابر ملوان بندر انزلی که به تازه گی و با موفقیت از دور اول جام باشگاه های آسیا بازگشته بود، ایستادند. در این دیدار ملی پوشان بازی بهتری ارائه داده و در گلزنی هم موفق تر بودند و در پایان نود دقیقه تلاش با نتیجه چهار بر یک ملوان را شکست دادند. برای تیم ایران، مجید نامجو مطلق، مهدی ابطحی و مرتضی یکه (دو گل) وارد دروازه ملوان کردند و پیمان دلخوش هم تک گل انزلی چی ها را به ثمر رساند.

بعد از بازی با ملوان، کاروان تیم ملی دوباره به رشت بازگشته تا علاوه بر ادامه دادن تمرینات، آخرین بازی دوستانه را هم برگزار نماید. حریف تیم ملی ایران، تیم سپیدرود رشت، قهرمان مسابقات باشگاه های گیلان بود که بازی این دو تیم در نهایت به تساوی یک-یک رسید و بدین ترتیب اردوی تیم ملی در استان گیلان به پایان رسید.

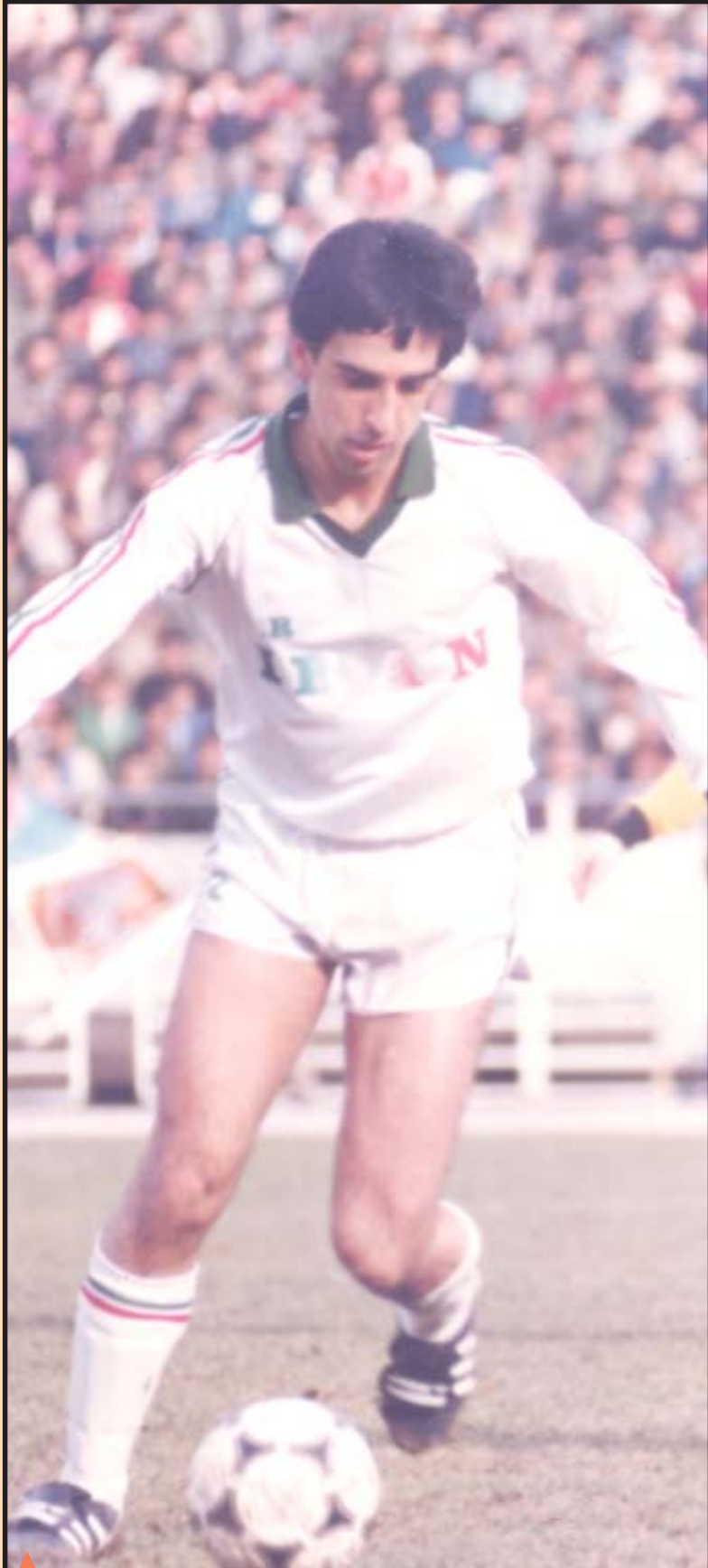
و ملی پوشان به تهران بازگشته تا مقدمات سفرشان به کره جنوبی میزبان بازی های آسیایی را فراهم نمایند. بالاخره روز سفر کاروان ورزش ایران برای حضور در بازیهای آسیایی ۱۹۸۶ سئول پایتخت کره جنوبی از راه رسید و ورزشکاران در روز یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۵ به سوی کره جنوبی پرواز کردند. در جمع کاروان ورزشکاران ایران، بازیکنان و مربیان تیم ملی

■ بازیکنان تیم ملی به بندر انزلی سفر کرده و روز یکشنبه ۱۶ شهریور در برابر ملوان بندر انزلی که به تازه گی و با موفقیت از دور اول جام باشگاه های آسیا بازگشته بود، ایستادند. در این دیدار ملی پوشان بازی بهتری ارائه داده و در گلزنی هم موفق تر بودند و در پایان نود دقیقه تلاش با نتیجه چهار بر یک ملوان را شکست دادند. برای تیم ایران، مجید نامجو مطلق، مهدی ابطحی و مرتضی یکه (دو توپ را) وارد دروازه ملوان کردند و پیمان دلخوش هم تک گل انزلی چی ها را به ثمر رساند



صفحه ای که با عنوان آرشیو کیهان ورزشی پیش روی شماست، با چاپ عکس های قدیمی و بعضا منتشر نشده از ورزش کشور، شما خوانندگان گرامی را به دهه های گذشته می برد؛ روزگاری که ورزش در تمامی ابعاد متفاوت از امروز بود. ضمنا خوانندگانی که قصد دارند عکسهای قدیمی خود از ورزش کشور را برای چاپ به مجله ارسال کنند می توانند از طریق ایمیل کیهان ورزشی اقدام نمایند.

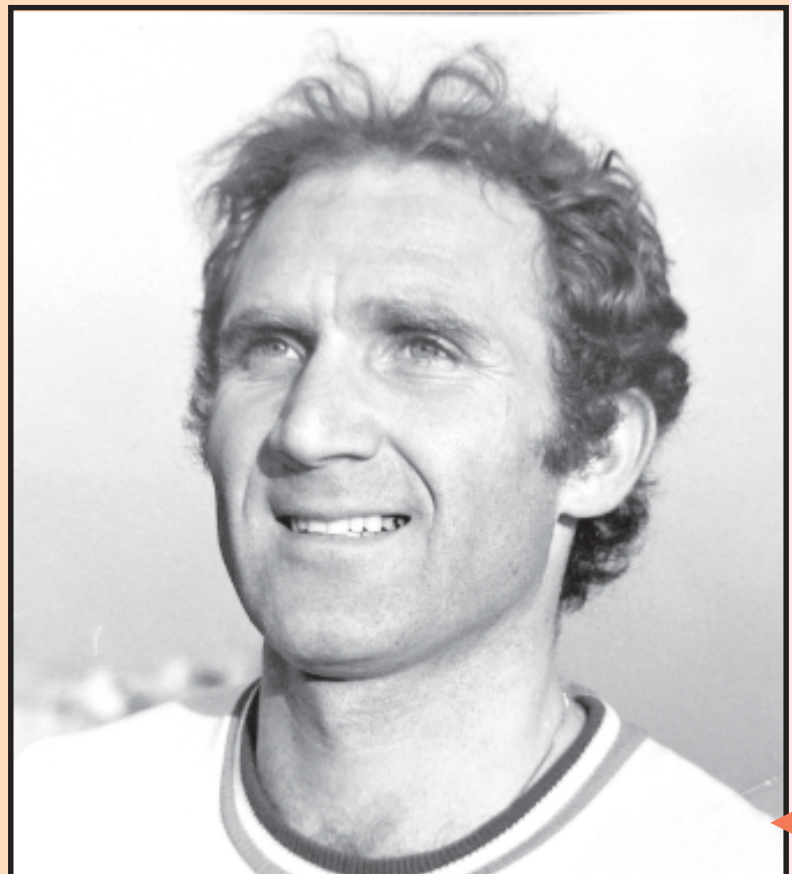
kayhanvarzeshi@yahoo.com



■ شاهین بیانی، مدافع دهه ۶۰ تیم ملی پا به توپ در بازی تدارکاتی برابر تیم دینامو درسدن آلمان شرقی



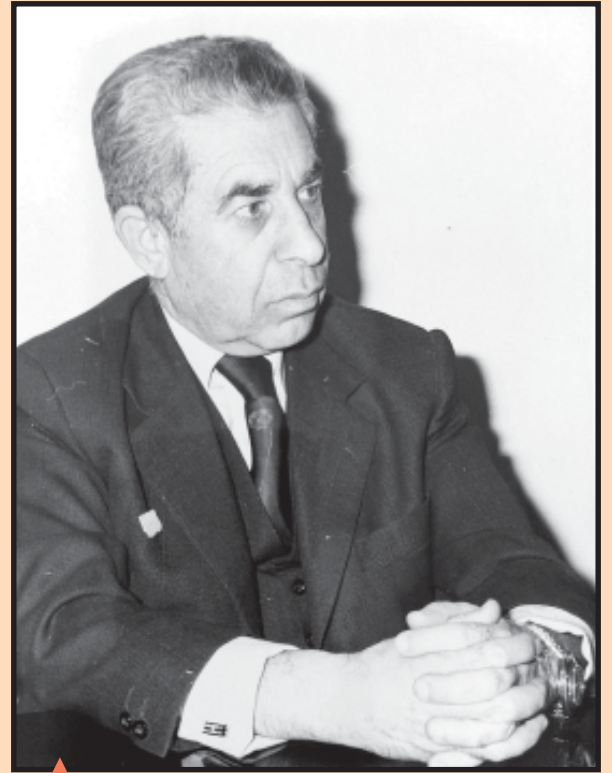
■ زنده یاد علی انصاریان، مدافع پیشین پرسپولیس در حال ارسال توپ است و اسماعیل حلالی، همبازی اش، وی را تماشا می کند



■ حسین کلاتی، مهاجم اسبق تیم ملی و پرسپولیس که متولد بهمن ماه است



■ علی دایی، کاپیتان پیشین تیم ملی و پرسپولیس که ۱۴ بهمن روز تولد اوست



■ زنده یاد عباس اکرامی، مالک باشگاه شاهین



■ حسن حبیبی، مربی و بازیکن اسبق تیم ملی و پاس در روزگار بازیگری

سردار؛ ستاره ای که در رم می ماند

سردار آزمون با وجود خروج موریانیو از رم و پیشنهادات جدیدی که به او شده اما قصد دارد در رم بماند. میلاد محمدی چمدانش را بست و از یونان به ترکیه سفر کرد و به تیم آدنا دمیراسپور پیوست. سعید مهری هم در آپوئل قبرس شاگرد ساپینتو شد. با این مقدمه به اخبار لژیونرها می پردازیم.

سردار آزمون (رم)



چندین هفته پیاپی است که خبرهایی در باره علاقه باشگاه اسپانیایی سویا به جذب سردار آزمون اوج گرفته. رسانه های معتبر مدعی شدند که این تیم تصمیم دارد برای تقویت خط حمله خود آزمون را به خدمت بگیرد و حتی لور کوزن نیز تمایل دارد او را به شکل دائمی به پرافتخارترین تیم لیگ اروپا بفروشد. اما با وجود جدایی موریانیو از رم، سردار به جدایی از تیمش پاسخ منفی داد و اعلام کرد که حداقل تا آخر فصل برنامه ای برای جدایی از این تیم ندارد. همچنین در روزهای اخیر طی اخبار جدیدرئال بتیس به جدیت خواهان به خدمت گرفتن آزمون است. در واقع این تیم برای جایگزینی ایگلسیاس خواهان جذب سردار آزمون شده است. در همین راستا منابع اسپانیایی از جمله فوتبال اسپانیا مدعی شده اند که سرمربی بتیس یعنی مانوئل پیگرنی به مدیران این باشگاه گفته هر طور که شده مقدمات حضور سردار در آندلس را فراهم کنند. در همین ارتباط وبسایت "ای بی سی" اسپانیا نوشت: نام سردار آزمون در مذاکرات برای انتقال قرضی روی میز بتیس آمده است. این در حالی است که سردار برای ادامه حضور در تیم رم پافشاری می کند و به نظر می رسد جدایی او در این زمستان انجام نخواهد شد. فابریتزیو رومانو خبرنگار مطرح ایتالیایی در صفحه خود در ایکس در باره سردار آزمون نوشته: باشگاه رم در روزهای اخیر چندین پیشنهاد برای سردار آزمون رد کرد که یکی از جانب سویا بود. هیچ قصدی برای فسخ قرارداد قرضی از بایر لورکوزن وجود ندارد چون دروسی، آزمون را به عنوان بخشی از تیم می خواهد. در صورت پیشنهاد خوب یا معاوضه، بلوتی می تواند جدا شود.

سعید مهری (آپوئل قبرس)



مهری بازیکن استقلال در فصل اخیر در نیم فصل قراردادش را با آبی ها به صورت یکطرفه فسخ و راهی تیم آپوئل قبرس شد. هدایت تیم آپوئل را ریکاردو ساپینتو برعهده دارد و مهری یکی از مهم ترین خریدهایی که داشته است. گفتنی است قرارداد مهری با این تیم دو ساله است. تیم آپوئل فصل گذشته به عنوان نایب قهرمانی رسیده بود اما اکنون در پایان هفته بیست و ششم با ۴۸ امتیاز در صدر جدول قرار دارد و ۴ امتیاز از تیم دوم بیشتر اندوخته است. تیم آریس که فصل گذشته قهرمان شد.

الهیاری صیادمنش (هال سیتی)

صیادمنش برای پیوستن به تیم وستر لوبزیک، در تست های پزشکی این باشگاه حاضر شد. وی برای شرکت در آزمایش های پزشکی باشگاه وستر لوب، وارد بلژیک شده است تا پس از موفقیت در این تست ها، قرارداد قرضی و ۶ ماهه ای را با این باشگاه به امضا برساند. به زودی وضعیت قطعی این بازیکن مشخص خواهد شد.

علی علیپور (ژیل ویسته)

پرسپولیس برای جذب علیپور به باشگاه ژیل ویسته نامه رسمی زد، ولی این باشگاه پاسخی به نامه قرمزها نداد. بعد از نامه رسمی پرسپولیس، مدیران ژیل ویسته به علیپور این پیشنهاد را دادند که قراردادش را به مدت دو فصل دیگر تمدید کند و سپس به صورت قرضی راهی پرسپولیس شود، ولی علیپور این پیشنهاد را قبول نکرده و با این شرایط حضور او در پرسپولیس منتفی است، مگر اینکه شرایط دیگری را به وی پیشنهاد دهند. قرارداد علیپور با ژیل ویسته در پایان فصل فعلی به پایان می رسد و می تواند خودش برای فصل آینده تصمیم بگیرد. همچنین پس از اتمام مصدومیت وی صفحه ژیل ویسته با انتشار تصاویری از علیپور نوشت: "او برگشته است". علیپور نیز با باز نشر این پست نوشت: خیلی خوشحالم که بعد از مصدومیت دوباره برای ژیل ویسته بازی کردم. این راه ادامه دارد.

علیرضا جهانبخش (فاینورد)

جهانبخش که فصل پایانی قراردادش را با فاینورد سپری می کند، پیشنهادهایی برای ادامه دوران فوتبالی اش دارد. طی آخرین اخبار یک باشگاه انگلیسی لیگ برتری خواهان جذب او شده است. او قبلا هم در برایتون سابقه بازی در لیگ انگلیس را دارد. این باشگاه انگلیسی در این راستا با مدیر برنامه های او هم تماس هایی برقرار کرده است. ملی پوش کشورمان از چند باشگاه چمپیونشیپ و چند تیم از سوپر لیگ ترکیه پیشنهاداتی دارد. او این فصل به خاطر مصدومیت پنج بازی فاینورد و بازی تیم ملی مقابل ازبکستان در مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ را از دست داد، تاکنون در ۹۶ بازی برای فاینورد به میدان رفته و آمار ۱۷ گل زده و ۱۵ پاس گل را از خود بر جای گذاشته است.

میلاد محمدی (آدنا دمیراسپور ترکیه)



سایت اسپورت یونان در واکنش به جدایی میلاد محمدی به آدنا دمیراسپور ترکیه نوشت: زمان نشان خواهد داد که جدایی میلاد محمدی از آ.ا.ک در راستای کسب درآمد صورت گرفته تا اینکه پای گزینه جدیدی برای پست دفاع چپ این تیم در میان باشد. محمدی در تابستان ۲۰۲۱ به آک آتن پیوست و با این تیم در سال ۲۰۲۳ به قهرمانی لیگ و جام حذفی یونان رسید. او در ۵۶ بازی برای آک به میدان رفت و یک گل به ثمر رساند. آ.ا.ک یونان به دنبال پیوستن میلاد محمدی به آدنا دمیراسپور ترکیه پیامی با این محتوا منتشر کرد: از شما به خاطر حضورتان در آک قدر دانی می کنیم و برای تان در ادامه دوران حرفه ای تان آرزوی موفقیت داریم. مدت قرارداد او با آدنا دمیراسپور ۲ و نیم ساله است. آدنا دمیراسپور که مار یوبالوتی ستاره پرحاشیه ایتالیایی را در نوک حمله دارد و نانی ستاره باتجربه پرتغالی هم در این تیم توپ می زند، این فصل پس از ۲۲ هفته در رده هفتم سوپر لیگ ترکیه قرار گرفته است.

مهدی طارمی (پورتو)

بعد از اینکه برخی رسانه های ایتالیایی از قطعی شدن انتقال مهدی طارمی به اینتر خبر داد حالا فابریتزیو رومانو هم این انتقال را تایید کرده است. فابریتزیو رومانو در این خصوص نوشت که توافق دو طرف بر سر یک قرارداد دو ساله انجام شده اما این قرارداد قابلیت تمدید برای سال سوم را هم دارد. اما نکته مهم این است که طارمی تا پایان فصل در پورتو می ماند و در تابستان ۲۰۲۴ و پس از پایان فصل به شهر میلان می رود. در تازه ترین توافق مدیر برنامه مهدی طارمی با باشگاه اینتر به توافق ۱۲ میلیون دلاری دست پیدا کرده است که این دو میلیون یورو و بیش از مبلغ پیشنهادی ابتدایی اینتر به مهاجم بوشهری کشورمان بوده است. از آنجایی که مهدی طارمی به عنوان بازیکن آزاد راهی اینتر می شود، درخواست افزایش دستمزد سالانه خود را داشت که مورد موافقت باشگاه اینتر قرار گرفته است.

پرونده خارجی

این شماره:
پپ گواردیولا

در تعقیب فرگوسن

■ اعظم فکوری



اخیرا پپ گواردیولا به عنوان بهترین مربی جهان در سال ۲۰۲۳ انتخاب شد. او توانست با کسب ۲۸ امتیاز، از لوچیانو اسپالتی (۱۸ امتیاز) و سیمونه اینزاگی (۱۱ امتیاز) پیشی بگیرد. گواردیولا دوران درخشانی را در منچستر سیتی سپری کرده و در فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۳ با این تیم در رقابت‌های مختلف به

قهرمانی رسیده است. از ویژگی‌های بارز منچستر سیتی تحت مربیگری او می‌توان به تکنیک بالا، تاکتیک پذیری و روحیه پیروزی اشاره کرد.

گواردیولا تا این لحظه ۳۷ جام به دست آورده و بعد از سر آلكس فرگوسن (۴۵ جام)، پرافتخارترین مربی جهان محسوب می‌شود.

از زبان گواردیولا

* گاهی شما می خندید و گاهی گریه می کنید . زیبایی ورزش در همین است .
* من آموخته ام که وقتی حق با شماست ، باید برای آن مبارزه کنید
* اینستا نه موهایش را رنگ می کند ، نه گوشواره می آویزد و نه خالکوبی دارد . شاید به همین دلیل باشد که برای رسانه ها فاقد هرگونه جذابیتی است ولی او بهترین بازیکن محسوب می شود .
* افتخار می کنم که مربی لیونل مسی بوده ام . او بهترین بازیکنی است که دیده ام و احتمالا خواهم دید .
* فیلیپ لام فوق العاده باهوش است و درکی استثنایی از فوتبال دارد .
* پل اسکولز بهترین هافبک نسل خودش بود .
* هیچ مدافعی نمی تواند سد راه مسی شود . متوقف کردن او ممکن نیست .
* باید به بازیکنان یاد بدهید که بدون یکدیگر ، چیزی نیستند .
* بازیکنی که کارش را درست انجام نمی دهد می بخشم ولی کسی را که تلاش نمی کند ، نه .
* نویر یکی از بهترین دروازه بانان تاریخ فوتبال محسوب می شود .
* همیشه تا آخرین لحظه برای پیروزی تلاش می کنم .
* سخت ترین کار در فوتبال ، گل زدن است .
* بدترین کار در فوتبال ، بهانه تراشی است .
* مردم راجع به تاکتیک حرف می زنند ولی تاکتیک در واقع همان بازیکنان هستند . باید کاری انجام دهید که آنها از مهارت های خود به بهترین نحو استفاده کنند .
* برای موفقیت یک تیم باید همه بازیکنان دست به دست یکدیگر بدهند .
* از تک تک لحظات حضورم در منچستر لذت می برم . اطمینان دارم می توانیم کاری کنیم که مردم به ما افتخار کنند .
* در بارسلونا بازیکنان کاتالان در اولویت بودند و در بایرن مونیخ ، بازیکنان آلمانی . دوست دارم بازیکنان انگلیسی را به منچسترسیتی بیآورم ولی دستمزد آنها بسیار بالاست !
* اگر بد تمرین کنید ، بد بازی خواهید کرد . احتمال موفقیت یک بازیکن سختکوش بیشتر از یک بازیکن مستعد است .
* فوتبال یک زبان جهانی است .
* بهترین روش برای کسب جام این است که درباره آن حرف نزنید .
* راز موفقیت این است که چیزی را بدانید که دیگران نمی دانند .
* از شکست نترس . از این بترس که تلاش نکنی .
* بر روی کار خود تمرکز کنید ، نه نتیجه .
* برای تبدیل شدن به یک مربی بزرگ ، باید اول از همه انسان بزرگی باشید .
* وقتی می برید ، نیازی به توضیح دادن نیست و وقتی می بازید ، هیچ توضیحی وجود ندارد .
* باید به حریفان خود احترام بگذارید .
* بهترین تیم ها ، آنهایی هستند که هرگز تسلیم نمی شوند .
* از فوتبال لذت ببرید و از آن بیاموزید .

الهام بخش مربیان جهان

اُتلدا سوئسون / FACTS . NET

* گواردیولا به انسجام تیمی اهمیت زیادی می دهد و این مسئله توازن زیادی در تیم او ایجاد کرده است .
* آیا می دانستید که گواردیولا به چند زبان مسلط است ؟ او می تواند به زبان های اسپانیایی ، کاتالان ، انگلیسی ، آلمانی و ایتالیایی صحبت کند .
* ابتکارهای تاکتیکی گواردیولا ، الهام بخش مربیان در سراسر جهان است .
* شور و اشتیاق گواردیولا مثالزدنی است و حضور او در کنار زمین موجب می شود که بازیکنان از تمام توان خود مایه بگذارند .
* گواردیولا یکی از تحسین کنندگان یوهان کرویف محسوب می شود و تاثیر بازیکن افسانه ای فوتبال هلند در شیوه مربیگری او کاملا مشهود است .
* گواردیولا در زمینه اقدامات نیکوکارانه نیز بسیار فعال است .
* گواردیولا به مالکیت توپ ، بازی هجومی و پاسکاری سریع اهمیت زیادی می دهد و شاگردان او همواره برای باز کردن دروازه حریفان فرصت های بسیاری به دست می آورند .
* گواردیولا به عنوان هافبک دوران موفقی را سپری کرد و در بیشتر دوران بازی خود پیراهن بارسلونا را پوشید .

و این تیم به جام های زیادی دست یافت . بارسا در اولین فصل مربیگری او در سه رقابت به قهرمانی رسید .
* گواردیولا مبدع سبک «تیکی- تاکا» به حساب می آید که بر فوتبال پرهیجان و سریع همراه با پاس های ظریف و پیچیده متکی است .
* گواردیولا پس از ترک بارسلونا ، هدایت بایرن مونیخ را برعهده گرفت و با این تیم به افتخارات زیادی دست یافت .
* گواردیولا در سال ۲۰۱۶ سرمربی منچسترسیتی شد . آمدن او به مفهوم آغاز فصل جدیدی برای این تیم بود .
* منچسترسیتی تحت مربیگری گواردیولا جام های زیادی به دست آورد و به یک تیم همیشه مدعی تبدیل شد .
* سرمربی اسپانیایی به دلیل دقت به جزئیات شهرت پیدا کرده و این مسئله در موفقیت های او نقش مهمی داشته است .
* گواردیولا به جوانان مستعد توجه زیادی نشان می دهد و به آنها برای تبدیل شدن به بازیکنانی طراز اول کمک می کند .
* درخشش گواردیولا باعث شده که بارها به عنوان بهترین مربی لیگ برتر انگلستان انتخاب شود .

شخصیت های معدودی در فوتبال وجود دارند که به اندازه پپ گواردیولا تاثیرگذار و قابل احترام باشند . او به خاطر تاکتیک های ابتکاری ، موفقیت های استثنایی و توجه فوق العاده به جزئیات شهرت یافته است . وی یکی از بزرگترین مربیان تاریخ فوتبال محسوب می شود و در زندگی خود فراز و نشیب های زیادی داشته است . با خواندن نکات زیر متوجه می شوید که گواردیولا حقیقتا یک اسطوره واقعی در دنیای فوتبال است .
* پپ گواردیولا که در سال ۱۹۷۱ در اسپانیا به دنیا آمده ، از همان سنین پائین به فوتبال علاقه زیادی داشت . او بیشتر دوران بازی خود را در بارسلونا سپری کرد و با این تیم به افتخارات زیادی دست یافت .
* پپ چند سال باویند کاپیتانی بارسا را در اختیار داشت و در آن زمان بود که قدرت رهبری اش آشکار شد .
* گواردیولا در رقابت های متعددی پیراهن تیم ملی اسپانیا را بر تن کرد ، از جمله در جام جهانی ۱۹۹۴ .
* گواردیولا پس از آویختن کفش هایش ، هدایت تیم ذخیره های بارسلونا را برعهده گرفت و در آنجا مهارت های تاکتیکی خود را نشان داد . او در سال ۲۰۰۸ سرمربی تیم بزرگسالان بارسا شد .
* با آمدن گواردیولا ، عصر طلایی بارسلونا آغاز شد

بزرگان از گواردیولا می‌گویند

رودری، هافبک منچستر سیتی: "گواردیولا تاثیرگذارترین مربی ای است که در دوران حرفه ای ام دیده ام. او مرا به سطحی باورنکردنی رساند."
سیمونه اینزاگی، سرمربی اینترمیلان: "منچستر سیتی قوی ترین تیم جهان است و گواردیولا بهترین مربی دنیا محسوب می شود."
ارلینگ هالند، مهاجم منچستر سیتی: "تمرین کردن با گواردیولا که بهترین مربی جهان به شمار می رود، بسیار لذتبخش است. کافی است که به حرف های او گوش دهید. گواردیولا زیرک ترین آدمی است که دیده ام."
دومنک تورنت، دستیار سابق گواردیولا: "گواردیولا مربی شجاعی است. او می تواند در شرایط حساس، آرامش خود را حفظ کند و هرچقدر وضعیت دشوارتر باشد، تمرکز او بیشتر می شود."
خوان کارلوس اونزوئه، مربی سابق دروازه بانان در بارسلونا: "گواردیولا مانند یوهان کریوف یک مربی مبتکر است و می تواند تصمیمات دشواری بگیرد. او در ضمن به بازیکنان خود انگیزه می دهد، به طوری که آنها احساس می کنند قادر به انجام هر کاری هستند."
یوردی کرویف، هم تیمی سابق گواردیولا: "پپ گواردیولا در پیدا کردن بازیکنان در زمین تبحر خاصی داشت. تیم های حریف همیشه بازیکنی را مأمور مهار او می کردند زیرا می دانستند که مهره ای کلیدی محسوب می شود."
مایکل اسکوبالا، مربی سابق تیم ملی فوتبال انگلستان: "وقتی می بینید که بازیکنان منچستر سیتی چگونه برای هم تیمی های خود فضا سازی می کنند، به یاد فوتسال می افتید."

نبوغ منحصر به فرد

پن کلی / Euronews

با توجه به اینکه پپ گواردیولا در سه تیم بزرگ اروپایی دوران موفقی را گذرانده و با برخی از بهترین بازیکنان جهان کار کرده است، نمی توان تاثیر او را بر دنیای فوتبال نادیده گرفت. تاکتیک های درخشان گواردیولا نه تنها جام های متعددی را برای او به ارمغان آورده، بلکه الهام بخش مربیان در سراسر اروپا بوده است.
سفر گواردیولا به عنوان یک مربی، در سال ۲۰۰۶ و هنگامی آغاز شد که در بارسلونا کفش هایش را آویخت. او یک سال بعد، در آکادمی مشهور "لا ماسیا" به مربیگری پرداخت و در همان ابتدا برای خود آوازه ای دست و پا کرد. در مه ۲۰۰۸ خوان لاپورتا، رئیس باشگاه بارسلونا اعلام کرد که گواردیولا جای فرانک رایکارد را خواهد گرفت.
هیچکس تصور نمی کرد که پپ بر روی نیمکت مربیگری تیم بزرگسالان تا این حد موفق شود ولی تاکتیک های درخشان او و تلاش ستارگان تیم نتایج فوق العاده ای به همراه داشت. در آن زمان بازیکنان بزرگی نظیر لیونل مسی، کارلز پویول و داوید ویا در بارسا حضور داشتند و در ضمن همکاری ژاوی، اینیستا و سرخو بوسکتس در خط میانی بسیار کارساز بود.
بارسلونا در اولین فصل حضور گواردیولا به سه جام دست یافت و در سال های بعد هم روند موفقیت آمیز این تیم تداوم داشت.

فینال به یادماندنی

یکی از نقاط عطف دوران مربیگری گواردیولا در بارسا، بازی با منچستر یونایتد در فینال لیگ قهرمانان اروپا در سال ۲۰۱۱ بود. بسیاری از کارشناسان، این بازی را که در ورزشگاه ویملی انجام شد و با برتری ۳-۱ بارسلونا به پایان رسید، زیباترین فینال در تاریخ این رقابت ها می دانند.

بایرن مونیخ

گواردیولا که به دنبال یک چالش جدید بود، در سال ۲۰۱۳ راهی بایرن مونیخ شد و طی سه سال افتخارات زیادی را در کارنامه خود ثبت کرد. فقط جای قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا به همراه باواریایی ها در ویرترین افتخارات او خالی بود. بایرن مونیخ در سال ۲۰۱۴ در مرحله نیمه نهایی این رقابت ها مقابل رئال مادرید شکست خورد و در سال ۲۰۱۵ نیز در همان مرحله توسط آتلتیکو مادرید از گردونه مسابقات کنار رفت.

منچستر سیتی

گواردیولا در سال ۲۰۱۶ به منچستر سیتی پیوست. سطح انتظارات از او بسیار بالا بود ولی یک سال طول کشید که بتواند خود را با لیگ برتر انگلستان وفق دهد.
پس از آن بود که دوران درخشان منچستر سیتی آغاز شد و در ۶ فصل، ۵ بار در لیگ به قهرمانی رسید. این تیم در سال ۲۰۱۸ موفق به کسب ۱۰۰ امتیاز شد که یک رکورد به حساب می آمد و در ضمن در فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۲ به سه جام دست یافت (منچستر یونایتد در سال ۱۹۹۹ با هدایت سر آلکس فرگوسن، مربی افسانه ای خود، در سه رقابت به قهرمانی رسیده بود).

ویژگی های بارز

آنچه گواردیولا را از مربیان دیگر متمایز می کند، نه فقط کسب جام های متعدد، بلکه تاثیری است که بر روی بازی می گذارد. عشق به فوتبال و استفاده از تاکتیک های استثنایی از ویژگی های بارز اوست.

ابتکار، شکوه و تلاش

بسیاری از هواداران در مورد اینکه پپ گواردیولا بهترین مربی تاریخ فوتبال باشد، تردید دارند. درست است که افرادی مانند یوهان کریوف، آریگو ساکی و سر آلکس فرگوسن از شایستگی زیادی برای کسب این عنوان برخوردار هستند ولی نبوغ منحصر به فرد گواردیولا و توانایی او برای تطبیق با شرایط مختلف و تحول، از او یک مربی استثنایی ساخته است.
تاثیر گواردیولا بر فوتبال جهان انکارناپذیر است و با توجه به افتخارات زیاد، بهره بردن از تاکتیک های درخشان و تاثیراتی که بر روی سایر مربیان داشته، باید او را در زمره بزرگترین مربیان در تاریخ فوتبال قرار داد.
هرچند بحث در مورد اینکه بهترین مربی جهان چه کسی است همچنان ادامه دارد، نام گواردیولا همواره با "ابتکار"، "شکوه" و "تلاش مستمر برای ارائه یک بازی کامل" مترادف خواهد بود.



این هفته با پوریا سرآبادانی، کاپیتان تیم شمس آذر قزوین

گلزنی که هافبک دفاعی است

■ کیوان طباطبایی

علت نتایج خوب

سرآبادانی عقیده دارد که کسب نتایج دلخواه مقابل مدعیان حاضر در لیگ برتر کار آسانی نبود. اعتماد به نفسی که از جانب مدیریت و مربیان به بازیکنان شمس آذر داده شد عامل موفقیت تیم مقابل مدعیان بود و این که تیم با تلاش مربیان و بازیکنان توانست اتفاقات خوبی را در نیم فصل اول لیگ بیست و سوم رقم بزند.

بدشansı مقابل

پرسپولیس

شمس آذر در نیم فصل نخست بیشتر مدعیان قهرمانی را در صف آرایی با آنها متوقف یا ناکام گذاشت. به زعم وی، اگر شمس آذر مقابل تیم پرسپولیس بدشانس نبود می توانست نتیجه بهتری به دست آورد. پوریا براین باور است که نتایج خوب تیمش در نیم فصل دوم لیگ با همت مربیان و بازیکنان ادامه پیدا می کند.



پوریا سرآبادانی کاپیتان تیم

شمس آذر قزوین عملکرد قابل توجهی در نیم فصل لیگ بیست و سوم داشت. جوان با انگیزه شمس آذر امیدوار است در نیم فصل دوم روند خوب خود را ادامه دهد و بازهم بهترین هافبک شمس آذر در لیگ برتر باشد. هافبک شمس آذر در نیم فصل با ۵ گل زده و دو پاس گل به همراه رحمان جعفری (مهاجم تیمش) بهترین گلزنان شمس آذر قزوین در نیم فصل نخست بودند. شمس آذر در دور رفت لیگ بیست و سوم، تیمی موفق بود و نتایج قابل توجهی را در اولین فصل حضورش در لیگ برتر به دست آورد. این هفته سراغ پوریا سرآبادانی کاپیتان جوان شمس آذر رفتیم.

ادامه روند خوب تیم

پوریا مثل سایر همبازیانش در تیم شمس آذر قزوین خیلی خوشحال است که نمایش تیمش در نیم فصل نخست لیگ برتر مورد توجه قرار گرفت و وی امیدوار است که موفقیت اخیر در دور رفت پایان مسیر تیمش نباشد و روند خوب شمس آذر در دور برگشت هم ادامه پیدا کند. او خود را برای یک نیم فصل هیجان انگیزه دیگر آماده کرده است.

چرا شمس آذر شروع خوبی نداشت؟

کاپیتان شمس آذر در خصوص نتایج هفته های ابتدایی تیمش در نیم فصل نخست لیگ برتر بر این عقیده است که شمس آذر به علت مشکلاتی نتوانست شروع خوبی داشته باشد و به همین دلیل هفته های آغازین را از دست داد ولیکن به زعم وی، شمس آذر خود را برای نیم فصل دوم با نتایج بهتر آماده کرده است.





باید همین انگیزه و توان کیفی را حفظ کنیم

سرآبادانی با اشاره به شروع تمرینات این تیم برای نیم فصل دوم می گوید: برنامه خوبی از سوی کادرفنی در پایان نیم فصل اجرا شد. باید همین انگیزه و توان کیفی و فنی را برای ادامه مسابقات حفظ کنیم و ارتقا دهیم. امیدوارم اتفاقات خوبی در انتظار ما باشد. جا دارد یک بار دیگر از هواداران شمس آذر، مالک باشگاه و همچنین مسئولان استان بابت حمایت‌شان در نیم فصل نخست تشکر کنم. امیدوارم این حمایت تداوم یابد و بتوانیم با نمایش موفق در زمین، این توجهات مثبت را به بهترین شکل جبران کنیم.

تشکر از مربیان و همبازیان

کاپیتان شمس آذر درباره عملکردش در نیم فصل بر این باور است که او جزئی از تیم است و باید از مجموعه تیم و همبازیانش تشکر کند که با اعتماد و همراهی‌شان باعث شدند شمس آذر به نتایج خوبی دست یابد. پوریا امیدوار است که شمس آذر با همت کادرفنی و همبازیانش، نیم فصل دوم لیگ بیست و سوم را به بهترین نحو ممکن به پایان برساند و در اولین فصل حضورشان در لیگ برتر خاطره شیرینی برای هواداران تیم خود بسازند. هرچند که او بر این اعتقاد است که ادامه موفقیت شمس آذر نیازمند حمایت بیشتر است.

بهترین سرزن شمس آذر

سرآبادانی کاپیتان و هافبک تیم شمس آذر قزوین مثل آرمین سهرابیان (استقلال)، گئورگی گولسیانی و شهاب زاهدی (پرسپولیس)، مسیح زاهدی و علیرضا علیزاده (گل گهر سیرجان)، رضا اسدی (سپاهان اصفهان) و مهراون موسوی (آلومینیوم اراک) توانسته در نیم فصل ۲ گل با ضربه سر به ثمر برساند و طبق آمار موفق‌ترین سرزن کنونی شمس آذر به شمار می آید.

ماجرای پنالتی گل نشده

سرآبادانی در مصاف خارج از خانه شمس آذر برابر تیم پرسپولیس در ورزشگاه آزادی فرصت یافت پشت ضربه پنالتی تیمش قرار بگیرد. البته ضربه پنالتی وی توسط بیرانوند مهار شد و حسین گودرزی همبازی پوریا توپ برگشتی را به گل بدل کرد تا بازی به تساوی کشیده شود هر چند که پرسپولیس ۱۰ نفره در دقایق پایانی به گل دوم رسید و بازی را به نفع خود تمام کرد. سرآبادانی در خصوص زدن پنالتی به بیرانوند می گوید: بیرانوند یکی از بهترین گلرهای ایران و آسیاست، فکر می‌کنم پنالتی خوبی را نزد من ولی خدا را شکر رباندش گل شد.

۳ امتیاز کسر شده را برگردانید

کاپیتان تیم شمس آذر قزوین، برگرداندن امتیازات سپاهان اصفهان و پرسپولیس را اتفاق خوبی می‌داند و به زعم وی، بازگشت امتیازات به یکپارچگی جدول رده بندی لیگ برتر کمک می‌کند. سرآبادانی معتقد است که نتایج بازی‌ها باید در زمین رقم بخورد و امیدوار است که ۳ امتیاز تیم شمس آذر هم برگردد و همه تیم‌ها بر اساس لیاقت‌شان و نتایجی که در زمین رقم می‌خورد، رده‌بندی شوند و عامل بیرونی در این موضوع دخیل نباشد. وی در این خصوص می‌گوید: این خواسته را از فدراسیون و کمیته استیناف داریم که هر چه زودتر ۳ امتیازی که حق ما است را برگردانند و بدانند هواداران قزوینی هم چشم انتظار این تصمیم هستند.

هافبک دفاعی گلزن

پست پوریا سرآبادانی، هافبک دفاعی است و معمولاً گل زدن در این پست برای بازیکنان سخت است ولی کاپیتان تیم قزوین در بازی‌های گذشته شمس آذر ثابت کرد که میل به گلزنی دارد و مشارکت بالایی از خود در فاز حمله به نمایش می‌گذارد. وی در این خصوص می‌گوید: علاوه بر انجام کارهای دفاعی در زمین، اگر بتوانم گل هم بزنم، بیشتر از عملکرد خودم رضایت خواهم داشت.

برادران سرآبادانی

تیم شمس آذر دو بازیکن با نام خانوادگی سرآبادانی دارد که با هم برادر هستند. ارشیا سرآبادانی، برادر کوچکتر پوریا، در بازی پرسپولیس و شمس آذر در دقایق پایانی این مسابقه به میدان آمد تا اولین حضور همزمان برادران سرآبادانی در ترکیب شمس آذر را شاهد باشیم. این بازیکن جوان که از پیکان به شمس آذر پیوسته است فرصت چندانی برای حضور در میدان نداشت.

جشن صدمین بازی برای شمس آذر

پوریا سرآبادانی کاپیتان شمس آذر که توانسته با ۴ گل زده و ارسال دو پاس گل، نمایش درخشانی از خود در مسیر کسب نتیجه این تیم به جا بگذارد در تمرین اخیر جشن صدمین بازی خود با پیراهن این تیم را برپا کرد. سرآبادانی که از لیگ دسته اول در جمع شمس آذری‌ها حاضر بوده و یکی از عوامل تاثیرگذار این تیم در مسیر صعود لقب گرفته، در این فصل نیز توانسته در ترکیب تیم شمس آذر شرایط خوبی را پشت سر بگذارد.



«امیل هسکی» در گفت و گو با «فورفور تو»:

دوست داشتم در یک جام جهانی دیگر هم بازی کنم

امیل هسکی، مهاجم سابق باشگاه‌های لسترسیتی و لیورپول است که سابقه حضور در تیم ملی انگلیس را هم دارد. او در گفت و گویی با «فورفور تو» در مورد دوران پر فراز و نشیب فوتبالش صحبت کرده است. صحبت‌های او را در ادامه می‌خوانید.

آرمین

وجود ندارد. بازیکنان خوبی گرفتیم. اگر آن گروه از بازیکنان در کنار هم می‌ماندند، شانس خوبی برای قهرمانی در یک تورنمنت داشتیم. می‌دانم آنها بعدها فاتح افای کاپ شدند اما می‌توانستند قبل از آن هم به قهرمانی برسند.

*** بعدها و در استون ویلا یک بار دیگر زیر نظر مارتین اونیل کار کردید ...**

او چند بار سعی کرده بود مرا برای رفتن به سلطیک و سوسه کند اما تمایلی نداشتم. ویلا باشگاه بزرگی است و داشتیم تلاش می‌کردیم در جمع ۴ تیم برتر لیگ قرار بگیریم اما با توجه به سرمایه‌گذاری‌های باشگاه‌های بزرگ این کار خیلی سخت بود. نتوانستیم به جمع چهار تیم برسیم اما دو بار ششم شدیم و به اروپا رفتیم که خودش دستاورد بزرگی بود.

بیشتری بودم.

*** در اولین فصل کامل تان در کنار لیورپول، این تیم در سه جام به قهرمانی رسید. آیا حس می‌کردید که اتفاقی ویژه در حال وقوع است؟**

این فرصت را داشتم تا تمام این اتفاقات را ببینم اما در آن زمان درک نمی‌کردم که چقدر ویژه است. آن فصل هیجان زیادی داشتم و دائم در حال بازی کردن بودیم. در یک مقطع در یک هفته ۴ بازی انجام دادیم که دیوانه‌کننده است. در تورنمنت‌های زیادی حضور داشتیم و در همه آنها تا آخر پیش آمده بودیم و تعداد بازی‌هایمان خیلی زیاد شده بود.

*** دوران حضور تان در ویگان چطور بود؟**
ویگان باشگاه عجیبی است چون فشاری برای قهرمانی روی تان

*** در سال ۱۹۹۴ و در ۱۷ سالگی و قبل از این که قرارداد حرفه‌ای ببندید، اولین بازی خود با پیراهن لستر را انجام دادید. این موضوع برایتان تعجب‌آور نبود؟**

خیلی عجیب بود. مدتی بود که در کنار تیم اصلی تمرین می‌کردم اما هنوز اولین بازی‌ام را انجام نداده بودم. در نیم فصل به میدان رفتم و سپس مصدوم شدم. بعد از ریکاوری، یک بیماری باعث شد که همه بازیکنان زمینگیر شوند و من یکی از تنها دو مهاجمی بودم که مریض نشدم! خوش شانس بودم که این فرصت را به دست آوردم تا برای تیم شهر زادگاهم بازی کنم.

*** در اواسط اولین فصل حرفه‌ای کامل تان، مارتین اونیل سرمربی لستر شد. او چه تغییراتی ایجاد کرد؟**

ایده اونیل آوردن شخصیت به تیم بود و همین کمک زیادی به ما کرد. آن زمان مسائل تاکتیکی مانند امروز رایج نبود و بازیکنان کلیدی در جریان مسابقه تاثیر زیادی داشتند. او چند بازیکن با کلاس بالا آورد. وی دقیقا ما را می‌شناخت و انتظاراتش از ما مشخص بود. این یک نکته کلیدی محسوب می‌شد.

*** اواخر دهه ۹۰ دوران موفق‌تری برای لستر بود. به نظر تان دلیل این موضوع چیست؟**

از توانایی‌هایمان خبر داشتیم اما باید بگویم که اندکی هم خوش شانس بودیم. ما در لیگ کاپ مقابل منچستر یونایتد و آرسنال بازی کردیم اما آنها با تیم دوم‌شان به زمین آمدند. با این حال آن بازیکنان هم فوق‌العاده بودند و باید آنها را شکست می‌دادیم. می‌خواستیم با لستر به جام برسیم و اونیل می‌خواست به همه ثابت کند دست کم گرفتن ما اشتباه بزرگی است.

*** از بازی زیر نظر کدام مربی در تیم ملی بیشترین لذت را بردید؟**

اسون گوران اریکسون. از میان تمام مربیانی که توانستند بهترین بازی را از من بگیرند، او را در یک رده با ژرار هولیه و مارتین اونیل قرار می‌دهم. اریکسون از نظر تاکتیکی بسیار شبیه به هولیه بود و به جزئیات خیلی توجه داشت. می‌دانستید در زمین مسابقه از شما چه می‌خواهد. همچنین به شما اجازه می‌داد در زمین مسابقه خودتان باشید که خیلی خوب است.

*** نقطه اوج دوران شما در کنار اریکسون احتمالا پیروزی ۵ بر یک مقابل آلمان در سال ۲۰۰۱ است ...**

قطعا. نکته جالب این است که آن بازی تازه چهارمین بازی اریکسون به عنوان سرمربی انگلیس بود. خیلی عالی بود. آلمانی‌ها تنها در یک دیدار انتخابی در خانه خودشان شکست خورده بودند و در مونیخ بی‌شکست محسوب می‌شدند. ابتدا با یک گل پیش افتادند اما بازیکنان خوبی داشتیم و می‌دانستیم قدرت انجام چه کارهایی را داریم. درست قبل از پایان نیمه اول با گل جرارد از آنها پیش افتادیم و بلافاصله در شروع نیمه دوم هم گل سوم را زدیم. همان جا بود که کار آلمانی‌ها تمام شد.

*** نظر تان در مورد دوران حضور در تیم ملی چیست؟ این طور به نظر می‌رسد که رفتاری که با شما شد، منصفانه نبود ...**

این موضوع به خاطر لطف هم‌تیمی‌هایی است که در کنارشان بازی کردم. از دوران ملی خودم رضایت دارم. دوست داشتم در یک جام جهانی دیگر هم بازی کنم اما اگر وقتی بچه بودم به من می‌گفتید در دو جام جهانی و دو یورو بازی خواهیم کرد، قطعا با خوشحالی قبول می‌کردم.

*** آیا مبلغ انتقال ۱۱ میلیون پوندی شما به لیورپول که رکورد نقل و انتقالات وقت آن باشگاه بود، باعث ایجاد فشار روی شما شد؟**

نه. از نظر من این توافق بین دو باشگاه بود. فقط می‌خواستیم از فوتبال لذت ببریم. در سه فینال لیگ کاپ بازی کرده بودم اما می‌خواستیم فاتح افای کاپ شوم و بازی در اروپا را تجربه کنم. اندکی با لستر در اروپا بازی کرده بودم اما خواهان زمان بازی



«دمبا با» در گفت‌وگو با «فورفور تو» :

دلم می‌خواست کارهای بیشتری برای تیم ملی کشورم انجام دهم

دمبا با، مهاجم سنگالی سابق باشگاه‌های چلسی و نیوکاسل است که روزهای درخشانی در لیگ برتر داشت. این بازیکن در گفت‌وگویی با «فورفور تو» در مورد روزهای حضورش در لیگ برتر، گل مشهورش به لیورپول، کار کردن زیر نظر خوزه مورینیو و مسائل مختلف دیگر صحبت کرده است که در ادامه می‌خوانید.



***در نوجوانی در تست چند باشگاه لیگ برتری شرکت کردید. این تست‌ها چطور پیش رفت؟**

مدیر برنامه‌هایم با چند باشگاه انگلیسی ارتباط برقرار کرده بود. چند روز در تمرین و اتفورد شرکت کردم و سپس به تمرینات بارنزلی رفتم که خیلی بد بود چون برای ما یک هتل گرفتند اما هزینه خورد و خوراک را ندادند و ما که پولی نداشتیم به مشکل خوردیم. سپس واتفورد مجدداً به دنبال من آمد و چهار ماه به طور آزمایشی در تمرینات این تیم شرکت کردم. تجربه خوبی بود چون با وجود این که در نهایت به این تیم ملحق نشدم اما چیزهای زیادی در مورد فوتبال انگلیس یاد گرفتم. در نهایت به خانها در فرانسه برگشتم و مسیرم را از آنجا ساختم.

***در آلمان و تیم هوفنهایم بود که توانستید برای خود نامی دست و پا کنید. آن مقطع برایتان چطور بود؟**

یکی از محبوب‌ترین دوران فوتبال من بود. موفق بودیم و یکی از بهترین مربیان دوران حرفه‌ای خودم را دیدم. در آن زمان رالف رانگنیک مثل پپ گواردیولا این روزها بود. ضد پرس یکی از نوآوری‌های اوست. مدافعین با فاصله زیادی از دروازه بازی می‌کردند و مهاجم حریف هر جا می‌رفت، دنبالش می‌کردند. رالف در اوایل قرن جدید از ضد پرس استفاده می‌کرد و حالا تمام تیم‌های بزرگ از این روش استفاده می‌کنند. تمام تیم‌ها را در همان ۲۰ دقیقه اول شکست می‌دادیم. چیزهای زیادی نظیر حرفه‌ای‌گری را آنجا یاد گرفتم. رالف قوانین سختگیرانه‌ای داشت. در رختکن هیچکس اجازه نداشت به زبانی به جز آلمانی صحبت کند و همین باعث شد در عرض یک سال آلمانی یاد بگیرم.

*** چرا در سال ۲۰۱۱ انتقال تان به استوک نهایب نشد و سر از وستهام در آوردید؟**

همان موقع هم در آستانه پیوستن به وستهام بودم اما مدیر ورزشی هوفنهایم با چند باشگاه دیگر هم مذاکره کرد و من از این حرکت خوشم نیامد. در نهایت پیشنهادی به مبلغ دو برابر پیشنهاد وستهام از سوی استوک به دست باشگاه رسید. با استوک به توافق رسیدیم اما واقعا دلم نمی‌خواست به این تیم بروم و به همین خاطر وقتی به من گفتند در تست‌های پزشکی مردود شده‌ام، واقعا خوشحال بودم. یک هفته بعد، به وستهام پیوستم. این باشگاه مرا به فوتبال انگلیس معرفی کرد و از این بابت همیشه از آنها متشکر خواهم بود.

*** در طول یک سال و نیم در نیوکاسل، در ۵۴ بازی برای این تیم، ۲۹ گل زدید. چرا اینقدر در این تیم موفق بودید؟**

هماهنگی بین بازیکنان و دانستن این که چطور نتیجه بگیرید، دو نکته بسیار مهم در فوتبال است. هر دو نکته را داشتیم. جو خوبی در رختکن حاکم بود و بازی‌هایمان را یکی بعد از دیگری می‌بردیم. بازیکنان فرانسوی زبان بسیار زیادی داشتیم که با هم رفیق بودند و بازیکنان انگلیسی هم رفتار خوبی با ما داشتند. بهترین دوران فوتبالم را در نیوکاسل داشتیم.

*** چه کسی در نیوکاسل بیش از همه شما را تحت تاثیر قرار داد؟**

حاتم بن عرفا، مهارت‌های او منحصر به فرد بود. بعضی‌ها می‌گویند او دوران فوتبال فوق‌العاده‌ای نداشت اما وقتی نگاهی به توانایی کار با توپ وی بیندازید، فقط می‌توانید بگویید چه استعداد بالایی داشت. حاتم بازیکن ویژه‌ای بود و چنین بازیکنانی نیاز به مراقبت‌های خاص دارند. با حمایت باشگاه، او احتمالاً می‌توانست شرایط متفاوتی داشته باشد.

*** خوزه مورینیو در چلسی چه رفتاری داشت؟**
برخی روزها دوست داشتید سرش را به دیوار بکوبید اما در روزهای دیگر پیش خودتان می‌کوبید و احتمالاً یکی از بهترین

*** نگران واکنش هواداران هنگام پیوستن به لیگ چین نبودید؟**

می‌دانستم چه نگاهی به این انتقال وجود دارد اما اصلاً نمی‌ترسیدم. به آنجا رفتم چون پیشنهادی به من دادند که هیچ باشگاه دیگری نمی‌داد. در هر صورت پول همیشه عامل مهمی است. از دوران حضورم در چین لذت بردم. حس می‌کردم در سیاره‌ای دیگر هستم. زندگی و حتی روش فوتبال بازی کردن در آنجا متفاوت است. آنها کاملاً مطیع دستورات مربی هستند. اگر مربی بگوید با توپ به سمت چپ زمین بروید، آنقدر به سمت چپ می‌روند تا از زمین خارج شوند. با این حال به نظرم استاندارد لیگ چین از لیگ فعلی عربستان پایین‌تر بود.

*** چرا با وجود دستاوردهای باشگاهی خود تنها ۲۲ بازی ملی برای سنگال دارید؟**

کیفیت لازم برای تبدیل شدن به یکی از بهترین مهاجمان تاریخ فوتبال سنگال را داشتم اما شخصیتم در آن زمان چندان با فوتبال سنگال همخوانی نداشت. با فدراسیون و مربیان تیم ملی اختلاف نظر داشتم و آنها از این شرایط خوشحال نبودند. باعث تاسف است. دوست داشتم کارهای بیشتری برای تیم ملی کشورم انجام دهم.

مربیان دنیا است. عجیب است. او توانایی بازی با احساسات افراد را دارد تا چیزی که از آنها می‌خواهد را به دست بیاورد.

*** در سال ۲۰۱۴، بعد از لیز خوردن معروف استیون جرارد و با گل شما امیدهای قهرمانی لیورپول از بین رفت. چه خاطره‌ای از آن بازی دارید؟**

تمام گل‌هایم را به خوبی به خاطر دارم اما این گل برای هواداران خیلی خاص است چون اتفاقات و شرایط خاصی وجود داشت. جرارد قهرمان لیگ نشده بود و لیورپول هم سال‌ها بود به قهرمانی نرسیده بود. لحظات سختی برای بازیکنان لیورپول بود اما صادقانه بگویم آن گل برای من فرقی با گل‌های دیگرم نداشت. فوتبال همین است.

*** چرا در سال ۲۰۱۴ به بشیکتاش پیوستید؟**

دوست داشتم در چلسی بمانم. خوزه از من خواست بمانم اما در آن مقطع خسته بودم و نمی‌خواستم یک سال دیگر با خوزه بجنگم. فرصت رفتن به لیگ ترکیه پیش آمد و آن را قاپیدم! به عنوان یک مسلمان دوست داشتم این سبک زندگی را تجربه کنم و جو استادیوم‌های ترکیه را هم دوست داشتم. آنجا تعصب هواداران خیلی بیشتر است. در بازی‌های بزرگ وقتی اتوبوس تیم وارد استادیوم می‌شد، ۸۰ درصد ورزشگاه پر بود.

۶۶ سال پس از یک فاجعه

■ عرفان خماند

۶ فوریه ۱۹۵۸ یک روز سیاه در تاریخ فوتبال است. تیم افسانه‌ای منچستر یونایتد، "Busby Babes"، در فرودگاه مونیخ - ریم دچار سانحه هوایی شد. بیست و سه نفر، از جمله هشت بازیکن جان باختند. با این حال، ۶۶ سال بعد، این تراژدی همچین نشان دهنده دوستی و آشتی میان دو باشگاه بایرن مونیخ و منچستر یونایتد است. زمانی که منچستر یونایتد در فینال جام باشگاه‌های اروپا در سال ۱۹۶۸، بنفیکا را ۴-۱ در وقت‌های اضافه شکست داد، پاتریک برنز هفت ساله در خانه جلوی تلویزیون نشسته بود. او می‌گوید "تیم من اولین باشگاه انگلیسی بود که موفق شد جام اروپا را به دست آورد، این جام مقدس، دقیقا ۱۰ سال پس از اینکه باشگاه ما تقریبا نابود شده بود. این اتفاق در تمام زندگی با من همراه بوده است". چیزی که او را بسیار مجذوب خود کرد، پیروزی محض نبود، بلکه داستان ققنوس بیدار شده از زیر خاکستر بود که با بزرگترین فاجعه‌ای که ممکن است برای یک باشگاه فوتبال رخ دهد آغاز شد: تصادفی که کل تیم را درگیر کرد.



هواپیمای مت بازی در ساعت ۳:۰۴ سقوط کرد. "ساعت مونیخ" نمادی برای این فاجعه است. این هر تیمی نبود بلکه تیمی بود که عمدتاً از بازیکنان بومی تشکیل شده بود، از جمله برخی از بزرگترین استعدادهای انگلیسی که به نام مدیرشان، مت بازی نامگذاری شده بودند. آنها در سال های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ با میانگین سنی ۲۲-۲۱ سال قهرمان انگلیس شدند. یونایتد در آن زمان به عنوان تیمی در نظر گرفته می شد که در سال های آینده بر فوتبال اروپا مسلط خواهد شد اما در ۶ فوریه ۱۹۵۸ در مونیخ همه چیز دگرگون شد. در پرواز بازگشت از یک مسابقه خارج از خانه جام باشگاه های اروپا در مقابل ستاره سرخ بلگراد، جایی که یونایتد به لطف تساوی ۳-۳ (در مجموع ۵-۴) به نیمه نهایی رسید، هواپیما مجبور شد در فرودگاه



مونیخ - ریم سوختگیری کند. وقتی هواپیما می خواست به سفر خود ادامه دهد، برف شدیدی می بارید، گل و لای روی باند فرودگاه بود و هواپیما به سرعت لازم برای بلند شدن نرسید. در عوض، از روی باند فرودگاه خارج شد، از حصار ایمنی عبور کرد، به درختان، یک مهد کودک، یک خانه، یک آلونک و یک پایه سیمانی برخورد کرد. هواپیما از هم جدا شد و آتش گرفت.

۲۰ نفر از ۴۴ مسافر بلافاصله کشته شدند، یک نفر در آمبولانس و دو نفر دیگر در بیمارستان جان باختند. هشت بازیکن به همراه دو مربی، منشی باشگاه، هشت روزنامه نگار و دو مسافر دیگر و دو خدمه در میان قربانیان بودند. هری گرگ، دروازه بان ایرلند شمالی که خودش آسیبی ندیده بود، دو نفر از هم تیمی هایش، بابی چارلتون و دنیس ویولت را که بیهوش بودند و همچنین یک مسافر باردار و دخترش را از لاشه هواپیما نجات داد. بازماندگان، از جمله مت بازی که به شدت مجروح شده بود در بیمارستان Rechts der Isar تحت مداوا قرار گرفتند. او پس از ۹ هفته توانست بیمارستان را ترک کند و فصل بعد به میدان بازگشت. از ۱۷ بازیکن حاضر در سانحه، تنها هفت نفر توانستند به حرفه خود ادامه دهند. هفت سال طول کشید تا منچستر یونایتد دوباره تحت هدایت بازی در سال ۱۹۶۵ قهرمان انگلیس شد، قبل از اینکه در سال ۱۹۶۸ جام اروپا را بالای سر ببرد.

ششم فوریه سال ۱۹۵۷، یونایتد با برتری ۳-۰، اتلتیک بلبائو را همانند بروسیا دورتموند و اندرلخت مقتدرانه کنار می زند و به عنوان نخستین تیم انگلیسی راهی نیمه نهایی رقابت های جام اروپا می شود. به نظر می رسد که رئال مادرید پس از قهرمانی در دو فصل پیاپی اروپا سرانجام رقیبی پیدا کرده است، رقیبی به نام منچستر یونایتد که در نخستین حضور خود در اروپا با بازیکنان بومی و جوان، قهرمان بلژیک را با ۱۰ گل در هم کوبیده و با آمادگی کامل به مصاف رقیبان می رود.

رئال مادرید که ستاره های به نام آلفردو دی استفانو را در ترکیب دارد، موفق می شود با استفاده از تجربه و بازیکنان خود بازی رفت مرحله نیمه نهایی را مقابل یونایتد با برتری ۳-۱ به پایان برساند. شکست ۳-۱ برابر مدافع عنوان قهرمانی و آن هم در حضور ۱۳۵ هزار تماشاگر نتیجه بدی برای شاگردان بازی به حساب نمی آید و آنها را برای بازی بازگشت امیدوار نگه می دارد. یونایتد در بازی برگشت عملکرد بهتری را نشان می دهد و با گل های چارلتون و تیلور رئال را با نتیجه ۲-۲ متوقف می کند. درست است که یونایتد در مجموع با حساب ۵-۳ شانس حضور در فینال را از دست می دهد اما نمایش دیدنی بازیکنان همچون تامی تیلور و دانکن ادواردز نگاه جهانیان را به این تیم معطوف می کند.

منچستر یونایتد بازی با هشت امتیاز اختلاف و رکورد به ثمر رساندن ۱۰۳ گل در ۴۳ بازی برای دومین سال پیاپی قهرمان لیگ دسته اول فوتبال انگلستان می شود و خود را برای شروع فصلی قدرتمندتر و حضور در فینال اروپا آماده می کند.

"شیاطین سرخ" پس از برتری ۳-۱ در مجموع برابر دوکلا پراگ، به مرحله یک چهارم نهایی اروپا راه می یابند. یونایتد به لطف گلزنی چارلتون و کولمن در بازی رفت با نتیجه ۲-۱ ستاره سرخ بلگراد را شکست می دهد و خود را برای حضور دوباره در نیمه نهایی آماده می کند. در آستانه سفر یونایتد به شهر بلگراد، مت بازی ملاقاتی را با رئیس اتحادیه فوتبال انگلستان ترتیب می دهد و از او درخواست می کند تا زمان بازی حساس یونایتد مقابل ولوز صدرنشین را به تعویق بیندازد. رئیس اتحادیه که رابطه خوبی با بازی ندارد، خواسته وی را رد می کند و می گوید که تنها در صورت پرداخت جریمه از سوی باشگاه منچستر یونایتد حاضر به تغییر زمان بازی خواهد بود. بدین ترتیب، یونایتد پس از دیدار روز چهارشنبه خود در خاک یوگسلاوی تنها سه روز فرصت دارد تا به انگلستان بازگردد و در غیر این صورت، بازی روز شنبه را از دست خواهد داد.

پس از برگزاری یک جشن مفصل در کنسولگری انگلستان، یونایتد فردای آن روز آماده بازگشت به بریتانیا می شود. هواپیما با یک ساعت تاخیر و در هوایی مساعد پرواز می کند و پس از آن برای سوختگیری در آلمان فرود می آید. به دلیل بارش برف شدید در مونیخ، خلبان درخواست نصب سیستم های ضد یخ بر روی بال هواپیما را دارد و بدین ترتیب بازیکنان برای ساعاتی در فرودگاه استراحت می کنند. در تلاش برای پرواز دوباره، خلبان متوجه صداهای غیر عادی از موتور می شود و از مسافری می خواهد تا هواپیما را ترک کنند. پس از گذشت نزدیک به چهار دقیقه و در حالی که بسیاری از بازیکنان فکر می کنند که پرواز به تعویق افتاده است، خدمه از مسافری درخواست می کنند تا به درون هواپیما بازگردند. در ساعت ۳:۰۴ دقیقه بعد از ظهر، هواپیما وارد باند شده اما به دلیل لغزندگی زمین قادر نیست

ارتفاع لازم برای پرواز را کسب کند و پس از برخورد به مانعی در پایان باند به خانه ای در همان نزدیکی کوبیده می شود. قسمت عقب هواپیما که پس از جدا شدن به درون یک انبار سوخت افتاده است، با صدایی مهیب منفجر شده و در آتش سوخته و خاکستر می شود! نیروی کمکی پس از دقایقی می رسد اما دیگر کار از کار گذشته است و ۲۱ تن از مسافری جان خود را از دست داده اند. هری گرگ، دروازه بان تازه وارد منچستر یونایتد پس از خروج از هواپیما، دوباره به درون آن جهنم در حال سوختن باز می گردد و در کمال شجاعت مت بازی، بابی چارلتون، جکی بلنچفلور، دنیس ویولت و همسر باردار دیپلمات را بیرون می کشد.

در سال ۲۰۱۵، محل حادثه در منطقه ترودرینگ مونیخ به "منچستر پلاتز" تغییر نام داد. پاتریک برنز می گوید: "ما به خاطر بچه های بازی، هوادار منچستر یونایتد شدیم. این واقعیت که آنها نتوانستند پتانسیل خود را به کار گیرند، یکی از غم انگیزترین فصل های فوتبال انگلیس است. ما هنوز آن را فراموش نکرده ایم". برنز، رئیس بنیاد یادبود منچستر مونیخ است که متعهد به بزرگداشت این حادثه است. او می گوید: "هر هوادار یونایتد باید حداقل یک بار در زندگی خود از این مکان در مونیخ دیدن کند." در واقع، بسیاری از حامیان "شیاطین سرخ" هنوز از محل حادثه در منطقه ترودرینگ مونیخ بازدید می کنند. در ابتدا، یک صلیب چوبی در کنار راه به یاد این فاجعه بود، سپس در سال ۲۰۰۴ یک سنگ یادبود به ابتکار هرمان ممل، عضو قدیمی هیات مشاور باشگاه بایرن مونیخ، نصب شد. در سال ۲۰۰۸ در پنجاهمین سالگرد، این میدان به "منچستر پلاتز" تغییر نام داد.

پس از آن اتفاق رابطه خاصی بین منچستر یونایتد و اف سی بایرن ایجاد شد. رئیس بایرن در آن زمان، آلفرد رایتلینگر، به همراه مدیر عامل، والتر فمیک از مجروحان در بیمارستان بازدید کردند و تنها شش ماه پس از حادثه، در آگوست ۱۹۵۸، یک گردهمایی ورزشی در در ورزشگاه گرونوالدر برگزار شد که منچستر یونایتد در برابر تیم مونیخ متشکل از بازیکنان بایرن و ۱۸۶۰ بازی کرد و مونیخ ۴-۳ پیروز شد. چهار بازی دوستانه دیگر بین بایرن و "شیاطین سرخ" قبل از سال ۱۹۶۶ انجام شد. پیوند ویژه بین این دو باشگاه تا به امروز ادامه دارد، به خصوص در "منچستر پلاتز" در ترودرینگ، جایی که بایرن به یادآوری این مناسبت کمک می کند. پل هایی بین دو باشگاه، دو شهر و دو کشور ساخته شد که تا به امروز دوام آورده است. هنگامی که مراسم بزرگداشت در ۶ فوریه در ترودرینگ برگزار شود، این رابطه دوباره احساس خواهد شد.

سر بابی چارلتون که آخرین بازمانده این هواپیما و این سانحه بود، سه ماه پیش درگذشت. او در آن زمان به عنوان یک جوان، به تازگی وارد تیم اصلی شده و برای یک مسابقه در جام اروپا به بلگراد سفر کرده بود. با این حال، در راه بازگشت به خانه، هواپیمای یونایتد برای سوختگیری در مونیخ توقف کرد. به محض تلاش برای بلند شدن، هواپیما بر روی لجن هایی که در انتهای باند ایجاد شده بود، لغزید و جان ۲۳ مسافر را گرفت. چارلتون در هواپیما بود و اعتراف کرد خوش شانس بود که زنده مانده است.

مت بازی از تصادف جان سالم به در برد و پس از ۹ هفته بستری شدن در بیمارستان، به خانه بازگشت و در سال ۱۹۶۸ یونایتد را به قهرمانی اروپا رساند. همچنین بیل فولکر و هری گرگ به طور معجزه آسایی در اثر سقوط آسیبی ندیدند و دومی به بازماندگان کمک کرد تا از لاشه هواپیما بیرون بیابند. گرگ در سال ۲۰۲۰ درگذشت و چارلتون را به عنوان تنها بازمانده باقی گذاشت. جراحات جکی بلنچفلور در این سانحه برای ادامه حرفه اش خیلی زیاد بود و او در ۲۴ سالگی بازنشسته شد. بلنچفلور از رفتار یونایتد با او پس از سانحه هوایی انتقاد کرد زیرا او در خانه ای متعلق به باشگاه زندگی می کرد و مجبور شد آن را تخلیه کند.

جانسی بری نیز به دلیل آسیب دیدگی در این تصادف مجبور به ترک بازی شد. با وجود شکستگی جمجمه و پا و نیز آسیب کلیه، آلبرت اسکاتلون دوباره فوتبال بازی کرد و در سال ۲۰۰۹ درگذشت. دنیس ویولت زنده ماند و ۱۷۸ بار در ۲۹۴ بازی برای باشگاه گلزنی کرد. کنی مورگانز، جوان ترین بازیکن هواپیما بود و پنج ساعت پس از توقف جستجو، زنده - اما بیهوش - در لاشه هواپیما پیدا شد. مورگانز قبل از پایان فصل به یونایتد بازگشت و تا سال ۱۹۶۱ برای آنها بازی کرد. او در سال ۲۰۱۲ در سن ۷۲ سالگی درگذشت.

نگاهی گذرا به آنچه در نیم فصل بوندسلیگا رخ داد اکران نمایشی «مانمی بازییم، حتی مقابل شما» توسط لور کوزن

بوندسلیگا این بار پس از هفته شانزدهم به تعطیلات زمستانی رفت و در حالی که اکنون سه هفته ای پس از این تعطیلات، برگزار شده است (۲ هفته از نیم فصل دوم فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۴) نگاهی به آنچه در ۱۶ هفته ابتدایی در این لیگ رخ داد، انداخته ایم. **شاهین**

گل زده بود، در هفت بازی اول فصل بیش از هر بازیکن دیگری در تاریخ بوندسلیگا، نام خود را به عنوان گلزن ثبت کرده بود. خوب است به خاطر داشته باشیم که هر دوی این مهاجمان از تعداد گل های نیکلاس فولکر و کریستوفر انکونکو (۱۶ گل) در فصل گذشته عبور کرده اند.

معیاری به نام لور کوزن

تنها یک باشگاه از مجموع ۹۶ تیم برتر اروپایی هنوز نباخته و آن تیم، لور کوزن است. آنها در ۲۵ بازی آخر خود در همه رقابتهای هم نباخته اند (۲۲ پیروزی و سه تساوی) که یک رکورد در فوتبال آلمان محسوب می شود (این تیم سه بازی پس از پایان تعطیلات را هم واگذار نکرد). مردان ژابی آلونسو در ۱۳ هفته از ۱۶ هفته ابتدایی در صدر جدول بوده اند (از جمله ۱۱ هفته پیاپی و البته سه هفته اخیر هم به این آمار اضافه خواهد شد). تیم شگفتی ساز این نیم فصل، اشتوتگارت بوده که در پایان

در واقع در این ۱۶ هفته تنها پنج دیدار با تساوی بدون گل خاتمه یافته است (البته دو بازی دیگر در سه هفته بعدی هم بدون گل به پایان رسید). این آمار برای بوندسلیگای ۲، شش مسابقه بدون گل در ۱۵۳ بازی است.

گلزنان رکوردشکن

دو بازیکن نقش مهمی در این میزان گلزنی داشتند: هری کین از بایرن مونیخ و سرهو گیراسی از اشتوتگارت. این دو، رکوردهای گلزنی متعددی را در چهار ماه اول فصل به نام خود ثبت کردند.

کاپیتان تیم ملی انگلیس که از تاتنهام به بایرن پیوست توانست با رکورد ۲۱ گل زده رابرت لواندوفسکی در ۱۶ بازی که در فصل ۲۰۲۰-۲۰۲۱ به یادگار مانده بود، برابری کند. گیراسی، مهاجم اهل گینه که در جدول گلزنان، دوم است در ۱۴ بازی، ۱۷ گل به ثمر رساند. او که در اوایل ماه اکتبر، ۱۳

گل های بی شمار

مجموعاً ۴۸۰ گل در ۱۴۳ بازی به ثمر رسید (بازی بایرن مونیخ - یونیون برلین از هفته سیزدهم به تعویق افتاده بود که بایرن پس از تعطیلات، بازی را با یک گل به سود خود به پایان رساند). این یعنی به صورت میانگین در هر بازی، ۳٫۴ گل به ثمر رسیده است. در واقع با برگزاری ۱۶ هفته، این بالاترین آمار گلزنی در ۳۸ سال اخیر بوندسلیگاست. در فصل ۱۹۸۵-۱۹۸۶، تعداد گل های به ثمر رسیده در این مرحله، ۴۹۲ گل بود. اگر همین روند تا پایان فصل ادامه پیدا کند، مرز ۱۰۰۰ گل زده برای اولین بار ظرف ۳۹ سال گذشته، شکسته خواهد شد. در حال حاضر این رکورد با ۱۰۲۷ گل در یک فصل به ۳۹ سال قبل باز می گردد. هرگاه به تماشای یک بازی از بوندسلیگا می نشینید، مطمئن خواهید بود که حداقل یک توپ از خط دروازه عبور خواهد کرد.



فصل گذشته به بازی حذفی مقابل هامبورگ احتیاج داشت تا از مهلکه سقوط، نجات یابد. اکنون مردان سباستین هوینس، در رده سوم جدول قرار دارند و تا همان هفته شانزدهم بیش از کل فصل گذشته (۳۴)، امتیاز (۳۳) کسب کرده اند.

این دومین میزان امتیاز به دست آمده توسط اشتوتگارت در ۱۶ بازی ابتدایی در تاریخ باشگاه است. آنها در فصل ۲۰۰۳-۲۰۰۴، در همین موقعیت، ۳۵ امتیاز به دست آورده بودند. همچنین کسب ۱۱ پیروزی در ۱۶ بازی، یک رکورد برای آنها محسوب می شود.

ستاره های جدید

نام های بزرگی در سال های اخیر از بوندسلیگا رفتند؛ نفراتی چون رابرت لواندوفسکی، ارلینگ هالند، جود بلینگام و رندال کولو موانی، اما همین موضوع راه را برای سایرین باز کرد. در واقع چهار تازه وارد بوندسلیگا تا پایان هفته شانزدهم، تاثیر بسیاری بر کیفیت این لیگ داشتند. هری کین (۲۱ گل)، لوئیس اوپندا (۱۱ گل)، ویکتور بانفس (۱۰ گل) و دنیس اونداف (۹ گل) همه در جمع شش گلزن برتر لیگ قرار دارند و این در حالی است که از ماه آگوست کار خود را در بوندسلیگا شروع کرده اند.

چهره های جدید دیگری هم عملکرد در خور تحسینی داشته اند و به خوبی در تیم جا افتاده اند. ژابی سیمونز، بانفس و یان-نیکلاس بسنه، از تیم تازه صعود کرده هایند، هفت پاس گل داده اند و تنها لروی سانه با هشت پاس گل تا این هفته بالاتر از آنها قرار دارد. دو گلزن برتر لورکوزن «بانفس و آلتاندرو گریمالدو» خریدهای تابستانی



هستند.

سلطه بازی جوانمردانه

تعداد خطاهای انجام شده روی حریف در سال های اخیر در بوندسلیگا، افت بسیاری داشته است و مجموع ۳۱۴۳ خطای صورت گرفته تا هفته شانزدهم از زمان جمع آوری اطلاعات مربوطه، کمترین بوده است.

از سوی دیگر آنچه به نظر تعجب آور می رسد، تعداد کارت های زرد است (۵۷۱) که در ۲۱ سال اخیر در بالاترین تعداد قرار دارد. در فصل ۲۰۰۳-۲۰۰۲، تعداد کارت های زرد، ۶۱۱ عدد در پایان هفته شانزدهم بود.

بیشترین جدابیت در اروپا

یک بار دیگر بوندسلیگا بیشترین تعداد تماشاگر را در میان لیگ های معتبر اروپایی داشته است. ۳۹۵۰۷ نفر به صورت میانگین هر بازی بوندسلیگا را از نزدیک تماشا کرده اند. بیش از چهار لیگ معتبر دیگر اروپا (اسپانیا، انگلستان، فرانسه و ایتالیا). آنچه جالب تر است اینکه میانگین تعداد تماشاگران در بوندسلیگای ۲ با ۲۸۲۱۲ نفر بیش از لیگ فرانسه (۲۶۷۶۸ نفر) و تقریباً برابر با اسپانیا (۲۸۸۰۵ نفر) و ایتالیا (۳۰۵۸۴ نفر) است. این را هم در نظر داشته باشید که با حضور تیم هایی با ورزشگاه کوچکتر نظیر هایدنهایم (ظرفیت ۱۵۰۰۰ نفر) و دارمشتات (ظرفیت ۱۷۸۱۰ نفر)، به جای تیم های هر تاپرلین و شالکه، آمار تعداد میانگین تماشاگر نسبت به فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۲ با کاهش هم مواجه شده است (۴۳۰۱۸ نفر).

رکوردها

۱- یان-نیکلاس بسنه، به اولین بازیکن تاریخ هایدنهایم تبدیل شد که در بوندسلیگا (هفته دوم) گلزنی می کند.

۱/۵- گونسالو پسنیسیا (هفته هشتم در فرایبورگ) گلی با کمترین احتمال ورود به دروازه (۱/۵ درصد) به ثمر رساند.

۲- ارن دینکچی به اولین بازیکن هایدنهایم تبدیل شد که در یک بازی دو گل می زند. وی در هفته چهارم مقابل وردربرمن، چنین کاری را انجام داد.

۲- در بازی بین هایدنهایم و فرانکفورت، هر دو دروازه بان، گل ساختند. این برای اولین بار از زمان جمع آوری اطلاعات در فصل ۱۹۹۸-۱۹۹۹ است که هر دو دروازه بان، پاس گل می دهند.

۵- هایدنهایم در ۵ دیدار نخست خارج از خانه پیروز شد. تنها دو تیم دیگر پیش از این چنین دستاوردی داشته اند: دورتموند در فصل ۲۰۱۱-۲۰۱۰ و بایرن در فصل ۲۰۱۳-۲۰۱۲.

۵- پیروزی ۵-۲ آگزبورگ مقابل هایدنهایم در هفته هشتم، اولین باری بود که تیم اهل باواریا در یک بازی خارج از خانه، پنج گل می زد. همچنین اولین پیروزی خارج از خانه آگزبورگ، پس از دریافت دو گل بود. به علاوه به رکورد ۱۶ بازی خارج از خانه بدون برد این باشگاه، خاتمه داد.

۷- مجموعاً هفت هت تریک در ۱۶ هفته اول لیگ به ثبت رسید. یعنی سه تا بیشتر از کل هت تریک های فصل گذشته. سهم هری کین، سه هت تریک بود. وی به اولین بازیکنی تبدیل شد که سه گل با سر به ثمر می رساند (هفته اول).

۸- هشت هفته پیروزی پیاپی لورکوزن بین هفته های پنجم و دوازدهم، با رکورد این باشگاه برابری کرد.

۹- یونیون برلین پس از پیروزی در دو دیدار اول، در ۹ بازی پیاپی شکست خورد. آنها هرگز بیش از چهار شکست پیاپی در بوندسلیگا نداشتند.

۱۲- لورکوزن در ۱۲ بازی از مجموع ۱۶ دیدار اول خود، دو گل یا بیشتر به ثمر رساند که بهتر از هر تیم دیگری در تاریخ بوندسلیگاست.

۱۴- سرهو گیراسی در هشت بازی اول لیگ، ۱۴ گل به ثمر رساند و رکوردی تازه ثبت کرد.

۱۵- گل اول توماس مولر در هفته نهم باعث شد وی به اولین بازیکن بایرن تبدیل شود که در ۱۵ فصل پیاپی گلزنی می کند. او همچنین اولین بازیکن بایرن است که در ۱۶ فصل مختلف برای این تیم به میدان رفته است.

۱۶- متس هوملس در شانزدهمین فصل پیاپی بازی خود، گلزنی کرد و با رکورد اولاف تون، مایکل زورک، هولگر فاخ، برند نیکل و ویلی نوپرگر، برابری کرد.

۱۷- هری کین به رکورد ۱۷ گل در ۱۱ بازی دست یافت و رکورد لواندوفسکی را شکست. وی سپس رکورد ۱۸ گل در ۱۲ بازی را رقم زد.

۱۸- ماتیس تل از بایرن، جوانترین گلزن فصل لقب گرفت. وی

با ۱۸ سال و ۱۱۳ روز در هفته اول گلزنی کرد. ۲۰- هافنهایم در ۲۰ بازی قبلی خود در بوندسلیگا، حداقل یک گل زده است و این رکوردی برای باشگاه است.

۲۱- هری کین به اولین بازیکن بوندسلیگا تبدیل شد که در ۱۵ بازی، ۲۱ گل می زند. ارلینگ هالند، صاحب قبلی این رکورد به ۲۲ بازی برای این تعداد گل نیاز داشت.

۳۰- اکنون لایپزیش در ۳۰ بازی مقابل باشگاه های تازه صعود کرده، شکست نخورده است (۲۷ پیروزی و سه تساوی).

۳۶- لئوناردو بونوچی، به مسن ترین گلزن یونیون برلین بدل شد. پناالتی وی مقابل دورتموند در هفته هفتم در سن ۳۶ سال و ۱۵۹ روز به گل تبدیل شد.

۴۲- رکورد تعداد امتیازات لورکوزن پس از ۱۶ بازی، کسب ۴۲ امتیاز است.

۴۴/۵- لوئیس اوپندا، سریعترین گل فصل را در ثانیه ۴۴/۵ به ثمر رساند.

۴۹- ۴۹ گلی که بایرن در ۱۶ بازی اول به ثمر رساند، بهترین خط حمله لیگ را به دست آورد. تنها در فصل های ۱۹۷۶-۱۹۷۷ و ۲۰۲۳-۲۰۲۲ با ۵۰ گل و فصل ۲۰۲۱-۲۰۲۲ با ۵۲ گل در این تعداد بازی، آمار بهتری را ثبت کرده است.

۵۶- رکورد دورتموند با ۵۶ بازی خانگی پیاپی که حداقل یک گل در هر یک به ثمر رسانده بود، با شکست ۴-۰ مقابل بایرن در هفته دهم، شکسته شد.

۶۹- پیروزی بایرن مقابل اشتوتگارت در هفته پانزدهم، برد شماره ۶۹ مقابل این تیم بود. این بیشترین تعداد پیروزی یک باشگاه، مقابل یک حریف است.

۱۰۰- جمال موسیالا در هفته شانزدهم مقابل ولفسبورگ، صدمین بازی خود را انجام داد و پس از کای هاورتز، تیمو ورنر و جولین دراکسلر، به چهارمین بازیکن جوانی تبدیل شد که در صد بازی حضور یافته است.

۱۴۳- در ۱۴۳ بازی آخری که دورتموند در آن حضور داشته، حداقل یک گل به ثمر رسیده است.

۲۳۰- ماکوتو هاسه با بازی هفته چهاردهم مقابل بایرن، با ۲۳۰ بازی رکورددار تعداد حضور در میدان برای اینتراخت لقب گرفت. ۲۸۲- رابین کوخ، اولین گل خود را برای اینتراخت در هفته شانزدهم ثبت کرد و دو بیست و هشتاد و دومین گلزن تاریخ باشگاه لقب گرفت. هیچ باشگاهی این تعداد گلزن متفاوت در تاریخ فوتبال خود نداشته است.

۳۰۰- جولین برانت، در بازی هفته هشتم، سومین بازیکن جوان با سیصد بازی لقب گرفت. اولیور باومن در هفته چهارم به همین رکورد رسید.

۳۴۴- دکتر فلیکس برایش در هفته دوازدهم، سیصد و چهل و چهارمین بازی خود را قضاوت کرد و با رکورد ولفگانگ استارک، برابر شد.

۳۵۰- یوشوا کیمیچ در هفته دوم، بازی سیصد و پنجاهم خود را برای بایرن انجام داد.

۴۰۰- مارکو رویس در هفته دهم، چهارصدمین بازی خود را برای دورتموند انجام داد. ماکسیمیلیان آرنولد در هفته چهاردهم به همین تعداد بازی برای ولفسبورگ رسید.

۵۰۰- اشتوتگارت در پیروزی ۳-۰ مقابل آگزبورگ در هفته شانزدهم، برای پانصدمین بار، گلی را در یک بازی دریافت نکرد. ۱۲۰۰- بایرن مونیخ با پیروزی هفته پانزدهم مقابل اشتوتگارت به هزار و دو بیست و یک برد تاریخ خود دست یافت. هیچ تیمی بیش از هشتصد و هفتاد و شش بازی را با برد پشت سر نگذاشته است.

۱۰ ستاره نوظهور بوندسلیگا

ژاوی سیمونز (لایپزیش)، ماتیس تل (بایرن مونیخ)، ماکسیمیلیان بایر (هافنهایم)، روکو رایتس (مونشن گلاباخ)، جاستین نینما (وردربرمن)، ارن دینکچی (هایدنهايم)، برایان گرودا (ماینتس)، مرلین رول (فرایبورگ)، توماس وانچرا (مونشن گلاباخ) و آنجلو استیلر (اشتوتگارت)

تیم منتخب نیم فصل اول بوندسلیگا

دروازه بان: گرگور کوبل (دورتموند)

دفاع آخر: جرمی فریمپانگ (لورکوزن)، دفاع وسط: اودیلون کاسونو (لورکوزن)، دفاع وسط: جاناتان تا (لورکوزن)، دفاع آخر: الکس گریمالدو (لورکوزن)

هافبک وسط: گرانیت ژاکا (لورکوزن)، وینگر: لروی سانه (بایرن مونیخ) هافبک هجومی: فلورین ویرتس (لورکوزن)، وینگر: ژاوی سیمونز (لایپزیش)

مهاجم: هری کین (بایرن مونیخ) و سرهو گیراسی (اشتوتگارت)

«هنریک لارسون» در گفت و گو با «فور فور تو»:

باید در منچستر یونایتد می ماندم

زمانی

وقتی هنریک لارسون در مورد دوران حضورش در سلتيك صحبت می کند، صدایش می لرزد. وقتی می خواهد در این مورد صحبت کند، تک تک کلماتش را به دقت انتخاب می کند. نحوه صحبت کردنش در مورد دورانی که در گلاسکو گذرانده، متفاوت است. این فوتبالیست سابق که این روزها ۵۲ سال دارد، می گوید: «در فینال جام یوفا و لیگ قهرمانان بازی کردم. ۷ سال فوق العاده در سلتيك داشتم.»

کردند. وقتی لارسون به سن ۱۷ سالگی رسید، بازیکن ثابت تیم اصلی باشگاهش بود. کنث کارلسون، اولین مربی لارسون در هوگابورگ در مورد این بازیکن می گوید: «هنریک به شدت کله شق بود. با وجود این که به شدت خجالتی بود اما هیچوقت تسلیم نمی شد. اگر تصمیم می گرفت کاری را انجام دهد، آن کار را می کرد. به همین خاطر هم تبدیل به بازیکنی فوق العاده و یک شخصیت برنده شد.»

داستان خاصی در مورد لارسون وجود دارد. وقتی او در یکی از اولین نمایش هایش برای هوگابورگ، مورد انتقاد خبرنگاران قرار گرفت، این مقاله انتقادی را خرید و نگه داشت. وقتی در اوایل سال ۱۹۹۲ به هلسینگبورگ پیوست، لارسون ۲۱ ساله این مقاله را دور انداخت. لارسون به تازگی تبدیل به یک فوتبالیست تمام وقت شده بود ولی تمام باشگاه های بزرگ سوئد، عملکرد

خوب بود که الکس فرگوسن را شایسته خود کرد. این مهاجم سوئدی که ۱۰۶ بازی ملی نیز در کارنامه دارد، القابی مانند «۷ شگفت انگیز» و «شاه شاهان» را داشت. وقتی کسی مثل رونالدینیو، این بازیکن را الگوی خود می داند، حتما لارسون کارش را خوب انجام داده است.

وقتی لارسون در سن ۶ سالگی به تیم های پایه باشگاه دسته سومی هوگابورگ پیوست، استعدادش از همان سن پایین مشخص بود. با این حال، وقتی به سن نوجوانی رسید، به خاطر جثه کوچکش، به قدر کافی فرصت بازی پیدا نمی کرد. او به جای این که مانند اکثر هم سن و سالانش، فوتبال را کنار بگذارد، تصمیم گرفت به مربی اش ثابت کند که در موردش اشتباه کرده اند و وقتی در سن ۱۵ سالگی بالاخره علائم بلوغ در او پیدا شد، جثه و استعدادش با هم تناسبی بسیار درست پیدا

نزدیک به دو دهه از زمانی که لارسون در ماه می ۲۰۰۴ سلتيك را ترک کرد می گذرد اما هنوز احساسات عمیقی نسبت به این باشگاه دارد. لارسون بعد از رهایی از مصدومیت ناشی از شکستگی شدید پایش، توانست در ۳۱۳ بازی، ۲۴۲ گل برای این تیم بزند، او به ۸ قهرمانی در جام های معتبر به همراه سلتيك رسید تا به سلطه رنجرز در لیگ اسکاتلند پایان دهد و در اولین فینال اروپایی سلتيك بعد از ۳۳ سال هم نقشی مهم داشت. او تنها در فصل ۲۰۰۱-۲۰۰۰، در تمامی رقابت ها ۵۳ گل زد و مرگبارترین مهاجم قاره اروپا بود.

با این حال حسی که او به هواداران سلتيك داد، بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد. لارسون در دوران اوجش برای سلتيك توپ زد و بعد از آن با بارسلونا به فینال لیگ قهرمانان رسید و سپس در دوران سه ماهه حضورش در منچستر یونایتد به قدری



او را زیر نظر گرفته بودند. لارسون در ازای دریافت تنها ۷۵ پوند در هفته، علاقه و تعصبش به تمرینات را نشان داد. او این عادت را بعدها هم در تمام دوران حرفه‌ای خود حفظ کرد و همین تمرینات سخت باعث شد تا استعدادش شکوفا شود. او در ۶۱ بازی ۵۱ گل زد که ۳۴ گل آن در فصل اول بازی اش برای هلسنینگبورگ بود و باعث شد این تیم بعد از ۲۴ سال به سطح اول فوتبال سوئد برگردد. لارسون در مورد آن دوران می‌گوید: «دو سال فوق‌العاده در هلسنینگبورگ داشتم. توانستم گل‌های زیادی بزنم و به سطح اول لیگ سوئد صعود کنیم. آنجا بود که فهمیدم می‌توانم با سرگرمی مورد علاقه‌ام پول در بیاورم و زندگی کنم و همان عملکرد هم باعث شد تا به فاینورد بروم.» لارسون در نوامبر ۱۹۹۳، تصمیم گرفت به جای تیم گرسه‌پرز، به لیگ هلند برود. او در این باره می‌گوید: «هلند، جای مناسبی برای یادگیری و رشد بود. آنها فرهنگی متفاوت داشتند و از این موضوع لذت بردم. در مقطعی به قدری که می‌خواستم بازی نمی‌کردم اما درک می‌کردم که این بخشی از فرآیند رشد است. تنها به کشوری رفتم که زبانی متفاوت داشت و این خیلی برایم سخت بود اما آن سه سال و نیم پایه و اساس فوتبالیست شدن من بود.»

۶ ماه بعد از انتقال لارسون، این بازیکن ۲۲ ساله به تیم ملی سوئد کمک کرد که به نیمه‌نهایی جام‌جهانی برسد و در جریان دیدار مقابل بلغارستان نیز گلزنی کرد. لارسون می‌گوید: «افراد کمی انتظار داشتند سوئد تا آن مرحله پیش برود. لحظه‌ای تاریخی برای کشورمان بود و هنگام برگشت به استکهلم، هوایم‌های ارتش ما را همراهی کردند. وقتی رسیدیم، نخست‌وزیر برای تبریک گفتن منتظرمان بود و هزاران نفر به خیابان‌ها آمده بودند تا به ما خوشامد بگویند. فراموش نشدنی بود.»

با این حال لارسون در فاینورد بی‌ثبات ظاهر می‌شد و رفتن مربی ای که او را خریده بود، آن هم تنها بعد از دو ماه، کمکی به بهبود شرایط نکرد. مهاجم سوئدی فقط در آخرین فصل از مجموع چهار فصلش در روتردام در پست مهاجم بازی کرد و حتی آن موقع هم استفاده آری هان از سیستم چرخشی، به درخشش او لطمه زیادی وارد کرد. لارسون و همچنین هواداران فاینورد از شرایط رضایت نداشتند و همین باعث شد تا او در سال ۱۹۹۷، از تیم هلندی جدا شود.

در قرارداد لارسون بندی وجود داشت که او می‌توانست با پرداخت تنها ۶۵۰ هزار پوند جدا شود اما فاینورد کارشکنی کرد و کار به دادگاه کشید. در نهایت لارسون پیروز شد و به سلطیک پیوست.

لارسون در همان اولین بازی فصل برای سلطیک به میدان رفت اما همه چیز طبق نقشه پیش نرفت. او که به عنوان یار تعویضی و وقتی نتیجه ۱-۱ بود، وارد زمین شده بود، به طور غیرعمد توپ را از دست داد تا بازیکن حریف از فاصله ۲۵ یاردی گلزنی کند، شروعی نه چندان خوب که باعث شد به نظر برسد رنجرز تبدیل به اولین تیمی خواهد شد که ۱۰ سال پیاپی قهرمان لیگ اسکاتلند می‌شود.

با این حال لارسون توانست به باشگاه کمک کند تا شرایط زیر و رو شود. او سال‌ها بعد جمله‌ای که قبل از هر بازی به خودش می‌گفت را فاش کرد: «می‌دانم بسیار سرسختم، سرسخت‌تر از حریف هستم. اگر برای من دردناک است، قرار است برای آنها دردناک‌تر باشد.»

خیلی زود، گلزنی‌ها آغاز شد. تا ماه نوامبر، گل سیزدهم لارسون باعث شد تا اولین قهرمانی او با پیروزی سه بر صفر مقابل داندی یونایتد در فینال جام‌حذفی اسکاتلند به دست بیاید. نوزدهمین گل او در هفته آخر، نه تنها بهترین گل این بازیکن بود، بلکه قطعا به یادماندنی‌ترین گل او نیز محسوب می‌شود. پیروزی در بازی آخر به معنی قهرمانی سلطیک و از دست رفتن دهمین قهرمانی متوالی رنجرز بود. سلطیک با اشاره به این که فصل ۱۹۹۷-۱۹۹۸ یکی از محبوب‌ترین فصول او با پیراهن سلطیک بود، می‌گوید: «به خوبی شرایط را درک نمی‌کردیم و به همین خاطر هم توانستیم به کارمان ادامه دهیم. اگر با هدف ناکام کردن رنجرز برای دهمین قهرمانی بازی می‌کردیم، کارمان خیلی سخت‌تر می‌شد.»

فصل بعد و با وجود تعویض مربی، لارسون درخشان‌تر از فصل اولش ظاهر شد. او در ۴۸ بازی ۳۸ گل زد و سه جایزه فردی نیز گرفت: بهترین بازیکن سال به انتخاب بازیکنان، بهترین بازیکن سال به انتخاب ورزش‌نویسان اسکاتلند و بهترین بازیکن سال

سوئد. فصل بعد، باز هم مربی عوض شد اما نشانه‌های اولیه خوب بود. سلطیک در ۷ بازی از ۸ مسابقه اول خود پیروز شد و لارسون نیز ۱۲ گل زد تا این که آنها در دور دوم جام یوفا مقابل لیون قرار گرفتند. ۹ دقیقه از بازی گذشته بود که لارسون بعد از برخورد با سرژ بلانک مصدوم شد. پای لارسون از دو جا ترک برداشت و در پایش تیتانیوم کار گذاشتند و همین باعث شد دیگر هیچوقت سرعت سابقش را نداشته باشد. طولی نکشید که لارسون فهمید حتی اگر بتواند راه برود هم کار بزرگی کرده است. او می‌گوید: «حتی ساده‌ترین کارها را هم نمی‌توانستم انجام دهم. اگر تجربه نکرده باشید، نمی‌فهمید چه می‌گویم ولی همین باعث شد تا بخواهم بیشتر از قبل برای بازگشت تلاش کنم.»

وقتی که لارسون از مصدومیت رها شد، مربی تیم یک بار دیگر عوض شده و مارتین اونیل آمده بود. این مربی و لارسون به خوبی با هم کنار می‌آمدند. در اواخر آگوست همان سال، لارسون در جریان پیروزی ۶ بر ۲ مقابل رنجرز گلی زد که هر هوادار سلطیک آن را به خوبی به خاطر می‌آورد. او که در داری اسکاتلند ۱۵ گل زده است، می‌گوید: «از میان تمام گل‌هایی که زده‌ام، هواداران این گل را به خوبی به یاد دارند. همه این داری را دوست دارند و چشم‌هایشان به تقویم است تا داری بعد از راه برسد. جو و سر و صدای استادیوم عالی است. هیچ‌جای دیگر چنین چیزی را تجربه نکرده‌ام.»

در ماه مارس ۲۰۰۱، لارسون تشنه‌تر از همیشه برای گلزنی، هت‌تریک کرد تا سلطیک در فینال جام‌حذفی قهرمان شود. ۳۵ گلی که لارسون زد باعث شد سلطیک با اختلاف ۱۵ امتیاز قهرمان شده و او هم به عنوان بهترین گلزن قاره، جلوتر از هران کرسپو و آندری شوچنکو فاتح کفش طلا شود. او در آن فصل در ۵۰ بازی در تمام رقابت‌ها، ۵۳ گل زد و سلطیک به سه گانه رسید. دیک آدووکات، سرمربی رنجرز در مورد لارسون گفت: «او یکی از بهترین مهاجمان اروپا و شاید جهان است. نگاهی به گابریل باتیستوتا کنید، او گاهی اوقات ۹۰ دقیقه هم بازی نمی‌کند اما دو گل می‌زند. لارسون از او هم بهتر است چون نه تنها بازیکن و گلزن خوبی است، به شدت سختکوش ظاهر می‌شود.»

سلطیک فصل بعد هم قهرمان شد و ۱۰۳ امتیاز به دست آورد. لارسون در ۳۳ بازی ۲۹ گل زد و در اروپا هم با شکست دادن آژاکس در انتخابی لیگ قهرمانان و سپس یوونتوس در مرحله گروهی، نامی برای خود دست و پا کرد.

سلطیک در فصل ۲۰۰۳-۲۰۰۲ اگر چه با شکست مقابل بازل به لیگ قهرمانان نرسید اما در جام یوفا تا فینال پیش رفت. لارسون که می‌خواست خودش را در اروپا ثابت کند، مقابل تمام رقبا گلزنی کرد. با این حال آنها در فینال مقابل پورتو و خوزه مورینیو شکست خوردند. آیا این بدترین شب دوران حرفه‌ای لارسون است؟ او می‌گوید: «شکی در این موضوع وجود ندارد. هنوز ناراحتم که نتوانستیم آن جام را به گلاسکو بیاوریم. آن شب عالی بازی کردیم اما شرایط به نفع ما پیش نرفت. جزئیات با ما یار نبود. پورتو فصل بعد فاتح لیگ قهرمانان شد و همین نشان می‌دهد که تیم ما چقدر خوب بود.»

لارسون در مورد دوران حضورش در سلطیک می‌گوید: «در این باشگاه بود که برای خودم نامی دست و پا کردم و تبدیل به بازیکنی که بودم، شدم. همه کارهایم در گلاسکو عالی بود. باشگاه و هواداران رفتار خوبی با من داشتند و هم‌تیمی‌هایم نیز عالی بودند.»

در آن تابستان، لارسون اعلام کرد که فصل ۲۰۰۴-۲۰۰۳ آخرین فصل حضورش در اسکاتلند است. او که ۳۲ ساله شده بود، بابت این که بعد از هر مسابقه بدون گلزنی می‌گفتند مثل سابقش نیست، آزرده خاطر بود و دنبال چالشی جدید می‌گشت. او در آخرین بازی خانگی که سیصد و سیزدهمین بازی وی برای سلطیک و گل دویست و چهل و دومش برای این تیم می‌شد به میدان رفت و چهارمین قهرمانی لیگ در طول ۷ فصل را نیز کسب کرد و سپس در جام حذفی قهرمان شد.

لارسون می‌توانست از بین بیش از ۳۰ باشگاه انتخاب کند اما وقتی فرانک رایکاردر حرف زد، تصمیمش را گرفت تا به بارسلونا برود. این مهاجم می‌گوید: «رایکاردر با من صادق بود و گفت شاید بازیکن فیکس نباشم اما به دنبال بازیکنی است که تیمش را تکمیل کند. دروغ نمی‌گویم، دوست داشتم بیشتر بازی کنم. باید از نظر ذهنی برای چنین چیزی آماده باشید. شرایط را قبول نکردم چون دوست داشتم بازیکن فیکس باشم و همیشه جوری خودم را آماده می‌کردم که انگار در ترکیب فیکس هستم. کار آسانی نبود.»

لارسون در نقش جدیدش به عنوان تعویض طلایی درخشید. در ۱۷ بازی ۴ گل زد و حتی جلوتر از لودویک ژولی، اینیستا و مسی جوان در ال‌کلاسیکو مقابل رئال به عنوان یار ثابت بازی کرد. بعد از ۷۲ دقیقه رباط صلیبی و مینیسک زانوی پای چپش دچار پارگی شد. او می‌گوید: «مطمئن نبودم می‌توانم فرآیند درمان و بازگشت به میادین را انجام دهم اما در نهایت تصمیم گرفتم که تلاش کنم و برگردم.»

آمار ۱۵ گل در ۴۲ بازی در فصل ۲۰۰۶-۲۰۰۵ ضعیف‌ترین آمار دوران حرفه‌ای لارسون است اما او به خاطر تجربه و قدرت تغییر نتیجه بازی توسط کارشناسان مورد تمجید قرار می‌گرفت. بارسا در آن فصل با ۱۲ امتیاز اختلاف قهرمان شد و در فینال لیگ قهرمانان نیز مقابل آرسنال به میدان رفت. در حالی که بارسا یک گل عقب بود، رایکاردر، مهاجم ۳۴ ساله‌اش را به زمین فرستاد. لارسون در ۵ دقیقه بنیانگذار دو گل تیمش شد تا آبی و اناری‌ها قهرمان شوند. تیری آنری بعد از آن بازی گفت: «لارسون روند بازی را تغییر داد. همه در مورد او توئو و رونالدینیو حرف می‌زنند اما باید در مورد بازیکنی حرف بزنید که نتیجه را تغییر داد و آن شخص هنریک لارسون بود.»

آیا آن شب، بهترین شب دوران حرفه‌ای لارسون بود؟ او می‌گوید: «قطعاً. افتخار می‌کنم که بخشی از تاریخ آن شب هستم. هر وقت سالگرد آن شب می‌شود، مردم مرا به یاد آن بازی می‌اندازند اما نیازی به یادآوری نیست. آن بازی تا ابد در خاطر من است.»

آن دیدار آخرین بازی لارسون با پیراهن بارسا بود. اگر چه قرارداد جدیدی به این بازیکن پیشنهاد شد اما او می‌خواست به سوئد برگردد و در کنار خانواده‌اش باشد. این تصمیم یک مهاجم برزیلی در کاتالونیا را خیلی ناراحت کرد. رونالدینیو که آن روزها در اوج فوتبالش بود در این باره گفت: «دوست داشتم بیشتر در کنار لارسون بازی کنم. وقتی که او رفت، الگویم بود. در حقیقت حتی قبل از آن هم الگویم بود. بازی‌هایم در تیم ملی سوئد در جام‌جهانی ۱۹۹۴ را به یاد دارم. هنریک چیزهای زیادی در مورد فوتبال به من یاد داد.»

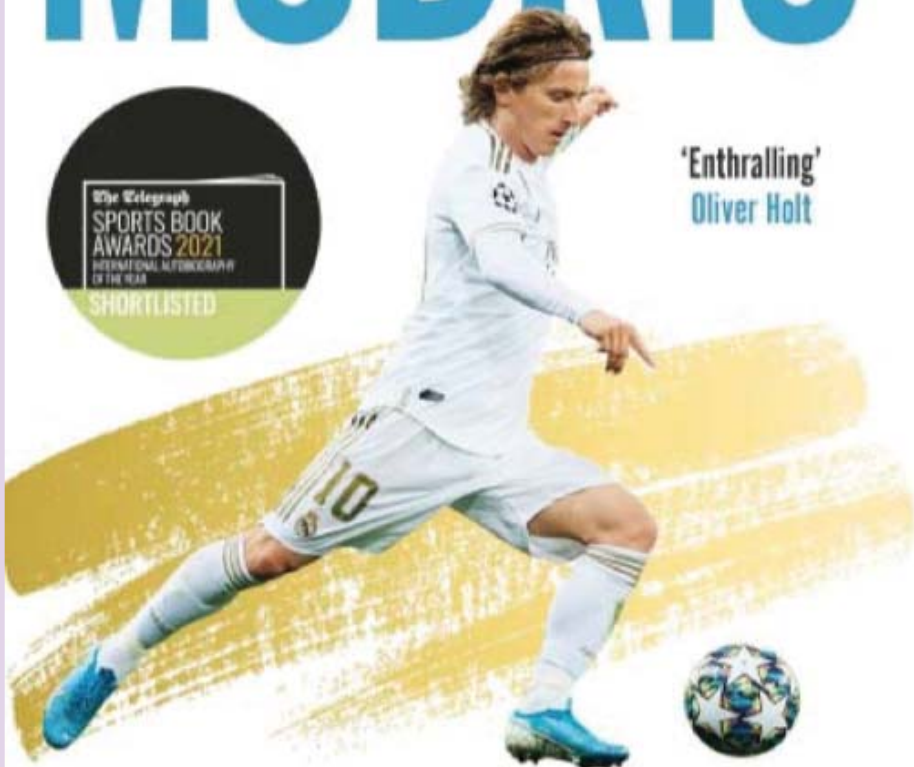
با این حال کار لارسون با فوتبال در بالاترین سطح تمام نشده بود. اواسط فصل ۲۰۰۷-۲۰۰۶، الکس فرگوسن به این نتیجه رسید که برای پایان دادن به دوری سه ساله از قهرمانی لیگ برتر، خط حمله تیمش را بهبود ببخشد. وین رونی به قدر کافی گل نمی‌زد، اوله گونار سولسشر بیشتر مصدوم بود. لوئیز ساها بی‌تجربه محسوب می‌شد و کریستیانو رونالدو نیز در آغاز راه درخشش خود بود. لارسون می‌گوید: «وقتی با من تماس گرفتند، تردید نکردم. فصل فوتبال سوئد تمام شده بود و زمان خوبی برای انتقال قرضی چند ماهه بود. رفتن به باشگاه بزرگی مثل یونایتد، آن هم در آن سن عالی بود. البته هنوز هم آماده بودم در بالاترین سطح رقابت کنم. تنها ۱۳ بازی برای این تیم انجام دادم اما چون همه توانم را گذاشتم، هواداران قدر تعهد و تلاشم را دانستند. بعد از دو سال بازی برای بارسلونا و گلزنی برای یونایتد در ۳۵ سالگی، دیگر کسی به توانایی‌هایم شک نداشت.»

یونایتد در حضور لارسون ۱۰ بازی را برد، دو بازی مساوی کرد و تنها یک باخت داشت و در نهایت هم قهرمان لیگ شد. فرگوسن در مورد لارسون گفت: «حاضر هر کاری کنم تا او را در تیم نگه دارم.» ولی لارسون به تیم هلسنینگبورگ قول برگشت داده بود اما آیا او به ماندن بیشتر در یونایتد فکر کرده بود؟ لارسون می‌گوید: «این شاید تنها پشیمانی من باشد. باید می‌ماندم و از لیگ برتر لذت می‌بردم. منچستر از عملکردم راضی بود. در رختکن همه به من احترام می‌گذاشتند و احتمالاً باشگاه حاضر بود یک فصل قراردادم را تمدید کند.»

لارسون در اکتبر ۲۰۰۹ در سن ۳۸ سالگی بازنشسته شد. او در این باره می‌گوید: «در پایان، خداحافظی از فوتبال سخت نبود چون بدنام دیگر خسته شده بود و بعد از هر بازی شرایط سختی داشتم.»

لارسون در چند مقطع دوران ناموفقی به عنوان سرمربی هلسنینگبورگ داشت و سپس ۱۴ ماه دستیار رونالد کومان در بارسلونا بود که با اخراج این مربی به پایان رسید. او می‌گوید: «در حال حاضر نمی‌خواهم مربیگری کنم. روزهای خوبی در بارسلونا به عنوان دستیار نداشتم. کرونا و اتفاقات مربوط به آن، شرایط را پیچیده کرد. به نظرم هواداران باید بیشتر به کومان احترام می‌گذاشتند. او اسطوره بارسا بود و تیم ملی هلند را رها کرد تا مربی بارسا شود و باید احترام بیشتری کسب می‌کرد. با این حال بابت همه تجربه‌هایم قدرتان هستم.»

LUKA MODRIĆ



MY AUTOBIOGRAPHY

قسمت ۴۱

BLOOMSBURY



برای نخستین بار، لوکا مودریچ، یکی از بازیکنان عضو تیم کهنشانی رئال مادرید و ستاره تیم ملی کرواسی، داستان ماجراجویی‌های خودش از بچگی و زندگی در یک کشور جنگ‌زده تا تبدیل شدن به یک قهرمان سریالی لیگ قهرمانان و یکی از مشهورترین فوتبالیست‌های دنیای فوتبال را تعریف کرده است.

مودریچ که به عنوان یکی از بزرگترین هافبک‌های دنیای فوتبال در ۲۰ سال اخیر شناخته می‌شود، در این کتاب در مورد سختی‌های بزرگ شدن در جریان جنگ کرواسی برای استقلال این کشور و شروع دوران فوتبالی‌اش صحبت می‌کند. فینالیست جام جهانی در مورد لحظات کلیدی دوران فوتبالش در دینامو زاگرب، تاتنهام و رئال مادرید حرف می‌زند و دیدگاهی صادقانه در مورد نحوه زندگی ساده‌اش به ما می‌دهد. ضمن این که در مورد مسائل خصوصی زندگی‌اش در هنگام رسیدن به اوج دوران فوتبالش حرف می‌زند و داستان رسیدن کرواسی به فینال جام جهانی ۲۰۱۸ را توصیف می‌کند. افکار مودریچ در جریان دیدارهای حساس چگونه بوده‌اند؟ رابطه او با بازیکنان و مربیان بزرگ به چه صورت بوده؟ عزم و اراده درونی که باعث درخشش مودریچ در زمین مسابقه می‌شده، از کجا نشأت می‌گرفته؟ تبدیل شدن به بهترین فوتبالیست جهان چه بهایی داشته است؟ او در این کتاب به تمام این سوالات پاسخ می‌دهد.

مودریچ در اوایل دوران فوتبال حرفه‌ای خود به طور دائم دست کم گرفته می‌شده است اما این بازیکن با اراده راسخ خود به تمام کسانی که در مورد او شک و تردید داشتند، ثابت می‌کند که اشتباه سختی کرده‌اند و در نهایت خودش را به اوج دنیای فوتبال می‌رساند. این کتاب، داستان لوکا مودریچ از زبان خودش است.

■ مترجم: آرمین زمانی

دیدار حیاتی رئال در نیم فصل دوم برای ۱۴ فوریه در برنابئو برنامه‌ریزی شده بود. از کوپا دلری حذف شده بودیم و دیگر در کورس قهرمانی لالیگا نبودیم. لیگ قهرمانان تنها جام باقیمانده محسوب می‌شد. درست است که آخرین جام بود اما در عین حال جذاب‌ترین شانس‌مان برای به پایان رساندن فصل به شکلی پیرومندانه بود. بعد از این که به قید قرعه به پاری‌سن‌ژرمن خوردیم، باور عمومی این بود که تیم پارسی شانس بیشتری برای پیروزی دارد. این موضوع اندکی عجیب بود. درست است که از کورس قهرمانی دو تورنمنت حذف شده بودیم و چندان روی فرم به نظر نمی‌رسیدیم اما کم و بیش هنوز همان تیم سال پیش را داشتیم، تیمی با تجربه زیاد به خصوص در لیگ قهرمانان. با وجود نوسان ما در طول فصل، هنوز به قدری قوی بودیم که هر تیمی را در مرحله حذفی لیگ قهرمانان حذف کنیم. از سوی دیگر، پاری‌سن‌ژرمن چندین بازیکن فوق‌العاده در تیمش داشت. با وجود بازیکنانی نظیر کیلیان امباپه، نیمار و ادینسون کاوانی، قدرت تهاجمی این تیم فوق‌العاده بود. با این حال، پاری‌سن‌ژرمن هم تیمی بود که با وجود سرمایه‌گذاری‌های فراوان خود، نتوانسته بود نتیجه‌ای منجر به قهرمانی در مسابقات اروپایی به دست بیاورد.

دیدار مرحله رفت در برنابئو برگزار می‌شد. بازی را خوب شروع کردیم و چند شانس خوب داشتیم اما آلفونس آرئولا، دروازه‌بان آنها، فوق‌العاده ظاهر شد. آنها هم جنگیدند اما تا دقیقه ۳۳ هیچ گلی رد و بدل نشد. سپس آدرین رابیو از توبی که بعد از یک ضدحمله دفع شده بود، استفاده و آن را وارد دروازه کرد. پاری‌سن‌ژرمن با نتیجه یک بر صفر پیش افتاد و در آن لحظه، فرض بر این بود که بسیاری از مردم فکر می‌کردند کار رئال تمام است.

اگر چنین فکری می‌کردند، در اشتباهی بزرگ بودند! اهمیتی نداشت در زمین چه اتفاقی می‌افتد، اصلاً تسلیم نشدیم. در دقیقه ۴۵، در محوطه جریمه روی تونی کروس خطا شد و کریستیانو رونالدو از روی نقطه پنالتی بازی را به تساوی کشید. نبرد در نیمه دوم مرا به یاد این انداخت که دو تیم قدرتمند در تلاش برای بیرون کردن یکدیگر هستند.

ضربانگ فشرده‌مان را حفظ کردیم و در دقیقه ۸۳، رونالدو با اندکی شانس گلزنی کرد تا نتیجه دو بر یک شود. تنها سه دقیقه بعد، مارسلو یک گل دیگر زد تا با نتیجه سه بر یک پیروز شویم. دیداری فوق‌العاده و یک پیروزی حیاتی! می‌دانستیم کار تمام نشده است اما حس می‌کردیم تیمی بهتر و فشرده‌تر هستیم. از زمان حضور نیمار در لالیگا، از مهارت‌های او خبر داشتیم و امباپه فوق‌العاده بود: قدرتمند، سریع و نیرومند و این در حالی بود که هنوز بسیار جوان بود. در دیدار برگشت، روی نیمکت بودم. به ندرت مشکلات عضلانی داشتم اما این بار باید استراحت می‌کردم. پیام تیم پزشکی واضح بود: اگر می‌خواستیم به طور کامل بهبود پیدا کنیم و برای فرسودگی و خستگی شدید پایان فصل آماده باشیم، یک ماه دوری از میدادن ضروری بود.

یک هفته زودتر برگشتم. این بار استراحت مرا اذیت نکرد. می‌دانستم چندین جدال فوق مهم در لیگ قهرمانان در پیش خواهد بود.

همچنین می‌دانستم باید برای جام جهانی آماده باشم. این استراحت اجباری را به چشم فرصتی برای نفس تازه کردن، استراحت و کسب انرژی کافی برای اتفاقات پیش رو می‌دیدم. می‌خواستیم یک لیگ قهرمانان دیگر فتح کنیم و سپس با کرواسی در جام جهانی روسیه کاری بزرگ کنیم. اهدافم همیشه دست بالا هستند اما در این سال، عزم و اراده‌ام به شکل ویژه‌ای قوی بود. انگار که می‌دانستم امسال همان سال مورد نظرم خواهد بود.

در دیدار برگشت مقابل پاری‌سن‌ژرمن، آنها قانع‌کننده ظاهر نشدند. نیمار دچار مصدومیت شده بود که نکته منفی بزرگی برای‌شان بود. در دقیقه ۵۱، رونالدو سانتر فوق‌العاده لوکاس وازکز را تبدیل به گل برتری ما کرد. با توجه به نحوه بازی آنها، پاری‌سن‌ژرمن برای زدن سه گلی که برای کشاندن بازی به وقت‌های اضافه نیاز داشت، هیچ شانس نداشت. کاوانی بعد از چند رفت و برگشت توپ در محوطه جریمه‌مان، در دقیقه ۷۱ بازی را به تساوی کشاند اما شوت کاسمیرو در دقیقه ۸۰ ما را به برتری دو بر یک رساند. استحقاق صعود به مرحله یک چهارم نهایی را داشتیم. این پیروزی امیدهایمان برای رقم زدن یک معجزه و دفاع از عنوان قهرمانی برای دومین بار پیاپی و ثبت رکورد جدید سه قهرمانی پیاپی اروپا تقویت کرد.

بعد از پاریس، یک دیدار خارج از خانه دیگر در ایبار داشتیم. تمام ۹۰ دقیقه را در جریان پیروزی دو بر یک بازی کردم و یک پاس برای اولین گل رونالدو دادم. بعد از بازی، زیدان چند روز مرخصی به ما داد.

من و متئو کواچیچ همسران‌مان را برای استراحت قبل از بخش پایانی فصل به مراکش بردیم. فاصله گرفتن از برنامه‌های هر روزه مانند یک هدیه الهی بود. اوقات فوق‌العاده‌ای در مراکش داشتیم و آنجا با کیلور ناواس و خانواده‌اش هم روبرو شدیم. با انرژی کامل به مادرید برگشتم. در همان حال، در تحلیل رسانه‌های بی‌شماری، از من به عنوان یکی از بازیکنانی که ممکن است در پایان فصل باشگاه را ترک کنم، یاد می‌شد. این موضوع آرام نمی‌داد، به خصوص که می‌دانستم این‌ها فقط یک حدس و گمان بی‌ضرر است. با این وجود، در طول ۶ سال حضورم در رئال مادرید، اولین بار بود که از این موضوع به عنوان یک احتمال یاد می‌شد. روزنامه‌ها می‌گفتند مهم‌ترین دلیل این موضوع، سن و سالم بود. با این وجود، از نظر آمادگی فیزیکی، حس فوق‌العاده‌ای داشتم. رسانه‌ها باید داستان‌های خودشان را تعریف کنند. وقتی رئال در حال سپری کردن دوران سختی است، پیش‌بینی حرکات بعدی مدیریت در تمام روزنامه‌ها دیده می‌شود. با این وجود، خونسرد بودم. بسیار خونسرد. در عین حال، انگیزه بسیار زیادی داشتم. بعد از بازگشت به زمین مسابقه پس از استراحت اجباری، عملکردهای فوق‌العاده‌ای داشتم. فکر می‌کنم آمادگی بدنی و ذهنی من عاملی کلیدی در این زمینه بود.

بعد از پیروزی ۶ بر ۳ مقابل خیرونا که در آن یک پاس گل دیگر دادم، زمان برگزاری دیدارهای ملی بود و کرواسی برای بازی مقابل پرو و مکزیک به آمریکا سفر کرد. به خاطر مصدومیت اخیر و دوران نقاهتم، باشگاه از



من خواسته بود در آرامش برای مقطع پایانی فصل آماده شوم و به آمریکا سفر نکنم اما این تنها اردوی تیم ملی کرواسی قبل از اردوی آماده‌سازی جام جهانی بود. همچنین این کار برای روحیه تیمی اهمیت داشت. اشتیاق زیادی برای حضور در این اردو داشتم چون بر این باور بودم که می‌توانیم در روسیه کار بزرگی انجام دهیم. با زلاتکو دالیچ صحبت کرده و توضیح دادم که می‌خواهم در آمریکا به تیم ملحق شوم اما باید به این موضوع هم توجه می‌کردم که تازه از مصدومیت برگشته بودم. بازی در دو مسابقه دشوار در طول ۴ روز به همراه سفرهای فراوان و تمرین کم، چندان معقول نبود. به توافق رسیدیم که بهترین کار این است که در دیدار اول مقابل پرو بازی کنم و سپس به مادرید برگردم. دالیچ به من گفت که سایر بازیکنان نیز شرایطی مشابه دارند و آنها هم قبول کرده‌اند همین کار را انجام دهند.

می‌افتد، شکست زنگ خطر را به صدا درآورد. اگر چه این تنها یک دیدار دوستانه بود و نتیجه در اولویت قرار نداشت، رسانه‌ها - به خصوص بعد از این که دالیچ به سوباشیچ، مانژوکیچ، پریشیچ، بروزوویچ، کالینیچ و من اجازه ترک اردو را داد- این اتفاق را تبدیل به یک جنجال کردند. راکیتیچ هم قرار بود به بارسلونا برگردد اما نظرش را عوض کرد و ماند.

شرایط طوری بود که انگار برخی نمی‌توانستند برای پیدا کردن فرصتی برای شروع انتقاد از ما صبر کنند. به نظر می‌رسید برای کسی اهمیت ندارد که به طور مثال من به خاطر مصدومیت یک ماه از میادین دور بودم و تازه داشتم به فرم خوبم برمی‌گشتم. همه جور نظری در رسانه‌ها دیده می‌شد اما برخلاف چیزی که شاید خیلی از خبرنگاران فکر کنند، وقتی از من انتقاد می‌کنند، ناراحت نمی‌شوم. تنها چیزی که نمی‌توانم بپذیرم، توهین و حرف‌های غیرواقعی است. وقتی خبرنگاران و کارشناس‌ها نقطه نظرشان را بیان می‌کنند و می‌گویند من و یا هر کس دیگری عملکرد بسیار بدی داشته‌ایم، یا این که بازیکن خوبی نیستم یا چیزی شبیه این، به آن اهمیت نمی‌دهم. نظراتی که با نظر من همسو نباشند، آزار نمی‌دهند. رسانه‌ها در حال انجام کارشان هستند و تئوری‌های متناقض و تحلیل هم بخشی از آن است. به همین خاطر وقتی از من به خاطر ترک تیم در آمریکا انتقاد می‌کنند و اصرار دارند که این کار برای کاپیتان تیم ملی مناسب نبوده است، نمی‌خواهم جوابی بدهم. می‌دانم جواب دادن به آنها کار را به کجا می‌کشاند: از یک جنجال به یک جنجال دیگر.

با این حال، وقتی چند بازیکن دیگر در انتظار عمومی از ماهایی که به باشگاه‌هایمان برگشتیم انتقاد کردند، ناراحت شدم. منظورشان از این کار را نمی‌فهمیدم، به خصوص که می‌دانستند تمام این‌ها با دالیچ توافق شده است. حاضرم کلامم را به افتخار هر کسی از سر بردارم اما هیچکس حق نداشت از من انتقاد کند. در طول تقریباً ۱۳ سالی که پیراهن تیم ملی کرواسی را بر تن می‌کنم، در تک‌تک اردوها حاضر شده بودم، حتی برای کارهای تبلیغاتی، حتی وقتی مجبور نبودم و وقتی که مربیان التماس کرده بودند به خاطر هواداران و روحیه تیمی به اردو بیایم. هیچوقت حتی یک بار هم درخواست نکردم از دعوتم صرف نظر کنند یا با من رفتار متفاوتی داشته باشند. تنها زمانی که در کنار تیم ملی نبودم وقتی بود که به شدت مصدوم بودم، وقتی که باید عمل جراحی انجام می‌دادم یا وقتی که داشتم از مصدومیت برمی‌گشتم.

وقتی نظرات و دران چورلوکا را خواندم، به شکل خاصی ناامید شدم. او می‌توانست هر چه فکر می‌کرد را در رویم و زمانی که در آمریکا بودیم، بگوید. مهم‌تر از همه، انتقاداتش را در کنفرانس خبری بیان کرد که این کار فقط به ایجاد جر و بحث در رسانه‌ها منجر شد. من و چورلوکا دوست هستیم. در طول دوران حرفه‌ای‌مان شانه‌به‌شانه هم ایستادیم و در دینامو، اینتر زاپرشیچ، تاتنهام و تیم ملی در کنار هم بازی کردیم. جدا نشدنی بودیم. آخرین کسی بود که انتظار داشتم به این شکل از من انتقاد و در انتظار عموم به من حمله کند. مرا بهتر از هر کس دیگری می‌شناخت و می‌دانست چقدر در مورد مسئولیت‌هایم در قبال باشگاه و

تیم ملی جدی هستم.

هر وقت دیگری بود، احتمالاً اجازه می‌دادم زمان مسیر خودش را برود و تلخی‌ها را بشوید اما برای این کار وقت نداشتیم چون در آن صورت در روسیه با روحیه خوبی پا به مسابقات نمی‌گذاشتیم و اگر می‌خواستیم دستاورد بزرگی داشته باشیم، داشتن روحیه بسیار حیاتی بود. تصمیم گرفتم قبل از رفتن به جام جهانی دیداری با چورلوکا داشته باشم، برای مدتی طولانی گفت و گو کنیم و در مورد همه چیز حرف بزنیم. این که آیا او دچار سوءتفاهم شده بود یا نه، دیگر اهمیت نداشت. به توافق رسیدیم که کارش نایجا و ناعادلانه بوده است. معلوم شد حرف زدن کار خوبی بوده است. بر این باورم که گفت و گویی رک و صادقانه، وقتی به آن نیاز باشد، کلیدی برای یک دوستی واقعی و مستحکم است. این موضوع در مورد چارلی صدق می‌کند.

در مورد بخش پایانی اردوی آمریکا با دالیچ هم صحبت کردم. میل داشت با بازیکنان باتجربه‌تر و من به عنوان کاپیتان در مورد تمام مسائل مهم مشورت کند. هدف اردو این بود که بازیکنانمان را دور هم جمع کنیم و قبل از جام جهانی، روحیه خوبی ایجاد کنیم اما اردو منجر به ایجاد انتقادات زیادی شد که به ضربه‌های گروه‌مان آسیب زد. فکر می‌کنم در این زمینه، بیانیه‌اش بعد از پیروزی‌مان مقابل مکزیک بیجا بود. او از استاندارد بازیکنان باتجربه‌تر انتقاد کرد. گفت آنها باید در مورد جایگاه‌شان در تیم نگران باشند چون بازیکنان جوان‌تر در راه بودند و بهتر و بهتر بازی می‌کردند. چیزی شبیه به این جملات را گفت. اصرار داشت که هیچکس بر اساس شایستگی‌های سابقش به تیم راه پیدا نخواهد کرد. آنته ریچ را مثال زد که حالا نسبت به ایوان پریشیچ در اولویت بود. دقیقاً به همین شکل و کاملاً ناگهانی. چرا؟ چون کرواسی توانسته بود در دیداری دوستانه مقابل مکزیک به پیروزی برسد، در حالی که تنها چهار روز قبل با بازیکنان ظاهراً باتجربه‌تر در ترکیب اصلی، به پرو باخته بودیم. این صحبت‌ها و استفاده از نام پریشیچ برای مثال زدن، مرا متعجب کرد. او بازیکنی است که خودش را ثابت کرده، یک وینگر قدرتمند و یک بازیکن کهنه‌کار که در نبردهای زیادی شرکت کرده است. نه تنها برای باشگاهش بلکه برای تیم ملی. آمادگی بازیکن هیچوقت ثابت نمی‌ماند. هر بازیکنی دوره‌های خوب و بد دارد اما پریشیچ - که او را "پریا" صدا می‌زنیم - ارزش زیادی به همراه خودش به تیم ملی کرواسی می‌آورد. به دالیچ گفتم چنین بیانیه‌ای مرا شوکه کرده و او اصرار داشت که از حرف‌هایش سوء برداشت شده است. قصد او انگیزه دادن به بازیکنان، همه بازیکنان، بود تا برای روسیه آماده شوند. گفتم نوشته‌های خبرنگاران نبود که باعث شد اردوی آمریکای ما بد به نظر برسد.

آنها داشتند کارشان را انجام می‌دادند، حق داشتند سوال بپرسند. مشکل این بود که ما، در تیم، باعث ایجاد انتقاد عموم و از بین بردن روحیه شده بودیم. اضافه کردم که با توجه به تجربه‌ام، اگر شرایط به این شکل ادامه پیدا کند، اتفاقات خوبی نخواهد افتاد. بعد از این اتفاق، وقتی برای آماده‌سازی دور هم جمع شدیم، دالیچ جلسه‌ای بسیار مهم با بازیکنان برگزار کرد.



کیمیاکان ورزشی

صادق محرمی
(تیم ملی فوتبال ایران)

اطلاع رسانی ضعیف در خصوص جلسه شورای عالی ورزش

■ ابوالقاسم شاه مرتضی



جلسه شورای عالی ورزش به ریاست رئیس جمهور تشکیل و طبق اخبار اعلام شده با یازده مصوبه به کار خود پایان داد.

شاید مهم ترین مصوبه این جلسه را زمان بندی چهار ماهه جهت تدوین سند آمایش سرزمینی ورزش دانست.

برخی از کارشناسان مصوبات شورای عالی ورزش را مثبت و امیدوار کننده و یک گام به جلو ارزیابی کرده اند در همین زمینه ما نیز چند نکته را یادآوری می کنیم.

معمولاً شورای عالی ورزش و نهادهایی از این دست اخبار و کارکردهای محرمانه ندارند. بنابراین هر چه اخبار و اطلاعات آنها در سطح افکار عمومی منتشر شود و کارشناسان و صاحب نظران در جریان تمامی اظهار نظرهای مثبت و منفی، موافق و مخالف قرار گیرند بهتر می توانند این شورا را در جهت تحقق اهدافش یاری دهند.

پرواضح است وقتی جمعی با حضور چند وزیر و معاون رئیس جمهور به ریاست شخص رئیس جمهور دور یک میز گرد هم می آیند اخبار و موضوعات کلان

در بین آنها رد و بدل می شود و زمانی که این موضوعات به لحاظ امنیتی و دسته بندی اخبار جنبه محرمانه، سری و فوق سری ندارد بهتر است در سطح وسیع منتشر شود و اطلاع رسانی گسترده در این زمینه چندین جنبه مثبت دارد که برخی از آنها را فهرست وار اشاره می کنیم.

۱ - انتشار اخبار و اطلاعات کامل این جلسه، دستکارشناسان را جهت ارزیابی دقیق، مستند و مستدل در حوزه ورزش باز می کند و آنها بهتر می توانند با اشراف بیشتری به تجزیه و تحلیل بخش های مختلف ورزش بپردازند.

۲ - انتشار وسیع اخبار جلسات مهم در حوزه ورزش، مانع رانتی و انحصاری شدن اخبار

در این بخش می شود.

۳ - وقتی اخبار مربوط به شورای عالی ورزش به طور کامل منتشر شود میزان توان فکری، مدیریتی و تحلیلی اعضای حاضر در جلسه مشخص و میان مدیران کارآمد و احیاناً کم توان به راحتی تمیز داده خواهد شد.

امیدواریم مسئولان و مدیران ارشد ورزش نسبت به انتشار گسترده اخبار ورزشی در جلسات مذکور در سطح جامعه بیش از گذشته اهتمام داشته باشند تا در سایه شفافیت یک ارتباط دوسویه بین آنها و آحاد جامعه و خاصه فرهیختگان و صاحب نظران دلسوز جامعه ورزشی برقرار شود.

آغاز تغییرات در وزارت ورزش و جوانان

رهبری (مدظله العالی) در حوزه جوانان، تأکیدات ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در جلسه نظارت ستادی و بهره گیری از تجربه صاحب نظران و ظرفیت های کارشناسی موجود، ضمن اجرای وظایف ذاتی مورد تأکید قرار گرفت.

وزیر ورزش و جوانان در حکمی دیگر، عباس واحدی را به عنوان مدیرعامل صندوق حمایت از قهرمانان و پیشکسوتان کشور منصوب کرد.

انحلال معاونت فرهنگی

پس از چند ماه فعالیت کیومرث هاشمی به عنوان وزیر ورزش، او روز شنبه با صدور چند حکم تغییراتی را در معاونت های این وزارتخانه ایجاد کرد که مهم ترین آن به حذف معاونت فرهنگی و توسعه ورزش همگانی برمی گردد. سینا کلهر که چند سالی این مسئولیت را بر عهده داشت با حکم کیومرث هاشمی به عنوان معاون امور جوانان وزارت ورزش منصوب شد تا همچنان در بدنه وزارت ورزش بماند اما معاونت او بدون هیچ توضیح و دلیل خاصی از چارت وزارت ورزش حذف شد و کلهر هم در این مورد سکوت کرد.

یکی از مهم ترین تغییراتی که کیومرث هاشمی در وزارت ورزش ایجاد کرد، جایگزین کردن سید شروین اسبقیان به جای سید محمد پولادگر در معاونت ورزش قهرمانی و حرفه ای این وزارتخانه بود که البته انتقاداتی را به دنبال خواهد داشت. اما یکی از مهم ترین بندهایی که در حکم ابلاغی وزیر ورزش برای اسبقیان دیده می شده انحلال معاون فرهنگی و توسعه ورزش همگانی وزارت ورزش برمی گشت که به طور غیرمستقیم این انحلال را تأیید و بخشی از این معاونت را به معاونت قهرمانی تفویض کرد. در بند ۱۳ حکمی که برای اسبقیان صادر شده آمده است: "۱۳ - با عنایت به انتقال مسئولیت بخش فرهنگی به معاونت توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای تا تصویب ساختار جدید، برنامه ریزی و ساماندهی امور فرهنگی در کلیه حوزه های ورزشی و اهتمام جدی به تقویت و ارتقای بسترهای فرهنگی و اخلاقی در حوزه ورزش قهرمانی و حرفه ای و نظارت بر برنامه های فرهنگی فدراسیون ها، ادارات کل استانی و ستاد وزارت به عهده این معاونت خواهد بود."

خبرگزاری مهر اعلام کرد با انتقال بخش فرهنگی به معاونت توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت ورزش، بخش همگانی معاونت منحل شده هم به معاونت بانوان منتقل خواهد شد تا دیگر اثری از "معاونت فرهنگی و توسعه ورزش همگانی" در چارت وزارت ورزش باقی نماند. این انحلال در شرایطی در سکوت وزارت ورزش صورت گرفت که به نظر می رسد برای این تصمیم مهم و تأثیرگذار گرفتن نظرات برخی نهادهای مرتبط با ورزش نیاز است و حتی باید این موضوع به طور کامل کارشناسی می شد که چنین اتفاقی رخ نداده است.



تغییرات در وزارت ورزش و جوانان آغاز شد و در مهم ترین جابه جایی اسبقیان جای پولادگر را در معاونت قهرمانی گرفت.

تغییراتی که اهالی ورزش از مدت ها قبل منتظرش بودند بالاخره صورت پذیرفت و در مهم ترین آنها اسبقیان جای پولادگر را در معاونت ورزش قهرمانی و حرفه ای گرفت. شنبه شب هفته گذشته پایگاه اطلاع رسانی وزارت ورزش و جوانان اعلام کرد کیومرث هاشمی وزیر ورزش و جوانان در حکمی، سید محمد شروین اسبقیان نیمی را به عنوان معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای این وزارتخانه منصوب کرد. پیش از این محمد پولادگر مسئولیت این معاونت را بر عهده داشت.

اسبقیان پیش از این مدیر کل دفتر امور مشترک فدراسیون های ورزشی، ریاست فدراسیون قایقرانی، مدیر کل ورزش و جوانان استان آذربایجان شرقی، مدیر کل ورزش و جوانان استان اردبیل، مدیر کل ورزش و جوانان استان تهران و ریاست فدراسیون ورزش های جانبازان و توان یابان و مدیر کلی حوزه وزارت را در کارنامه فعالیت ورزشی خود دارد.

کیومرث هاشمی همچنین در حکم دیگری، سینا کلهر را به عنوان معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان منصوب کرد. کلهر پیش از این به عنوان معاون امور فرهنگی و توسعه ورزش همگانی در وزارت ورزش فعالیت می کرد. در حکم کیومرث هاشمی به کلهر، توجه به منویات مقام معظم

کوتاهی عمر

در بسیاری از مواقع عملکرد ماست که بر کوتاه بودن یا طولانی شدن عمر ما موثر است. یکی از عواملی که عمر را کوتاه می کند ظلم و ستم است.
حضرت امیر (ع) می فرمایند:
هر کس که ستم کند عمرش شکسته شود و امام صادق علیه السلام می فرمایند:
از بدی ها دوری کنید تا عمرتان دراز شود. سنایی می گوید:
گر همه عمر ابدخواهی بپرهیز از ستم
زان که از روی ستم کاریست اندک عمر باز

هر کاری، جایی دارد

این نکته را شنیده اید که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد؟
این مطلب بدان معناست که هر کاری را در همه جا نمی شود انجام داد یا هر سخنی را هر جا نمی شود گفت.
به نقل از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است که خنده بی دلیل نشانه نادانی است.
در برخی روایات آمده است که در بعضی جاها نباید شوخی، حتی در بعضی جاها نباید سلام کرد.

معامله ای متقابل

هر کس می خواهد آبرویمان محفوظ بماند و خداوند عیب های ما را بپوشاند لازمه اش آن است که عیب های دیگران را بپوشانیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:
هر کس که عیب و زشتی برادر مسلمان خود را آشکار کند خداوند نیز زشتی او را آشکار می کند حتی درون خانه اش هم او را رسوا می کند
سعدی می گوید:
حق جل و علا می بیند و می پوشاند همسایه نمی بیند و می خروشد.

دوستی واقعی

در حوادث روزگار است که می توان دوست واقعی را از مدعیان باز شناخت و الا در شرایط معمول همه افراد ادعای دوستی می کنند به نقل از امام علی علیه السلام آمده است که در تنگناها و سختی ها دوستی افراد مشخص می شود.
همچنین امام باقر علیه السلام فرمودند: بد برادر است کسی که آن وقت که توانمندی به تو توجه می کند و وقتی که فقیر شوی، از تو می برد
ناصر خسرو نیز می گوید
برادر آن بود کوروز سختی
تورا یاری کند در تنگ بختی
سعدی نیز می گوید
دوستان در زندان به کار آیند، که بر سر سفره دشمنان همه دوست نمایند.

زندگی طبق شرایط

یکی از نکات مهم در آداب اسلامی آن است که انسان بر اساس شرایط مکانی و زمانی زندگی کند به نقل از حضرت علی علیه السلام به امام حسین (ع) آمده است که ای حسین وقتی که در شهری غریب بودی با آداب همان شهر با مردم معاشرت کن
و به قول شاعر:
در شهر نی سواران باید سوار نی شد.
نیز شاعر گفته است:
به شهر کورها که رسیدی چشم هایت را ببند.
بدیهی است منظور از این نکته رعایت آداب و عرف پسندیده مردمان است نه هر حرکت و هر کاری.

صدقه به خود

عموماً وقتی می گوئیم صدقه، کمک به دیگران به ذهنمان می رسد اما گاهی وقت ها انسان به خودش نیز می تواند صدقه دهد.
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:
زبان را نگهدار زیرا نگه داشتن زبان صدقه ای است که به خود می دهی
فردوسی می گوید
خردمند باش و بی آزار باش
همیشه زبان را نگهدار باش
سعدی هم می گوید
نگاهدار زبان تا به دوزخت نبرد.

رفتاری متقابل

این نکته از نظر روانشناسی ثابت شده است که رفتار افراد با ما در بسیاری از موارد بازتاب رفتار خودمان است.
امام علی علیه السلام نیز می فرمایند:
هر کس که دشنام بدهد پاسخ آن را بگیرد و حتماً این بیت شعر را نیز شنیده اید:
جواب است ای برادر، این نه جنگ است، کلوخ انداز را پاداش سنگ است.
ادیب پیشاوری می گوید:
چو خواهی ز کس نشنود ناسزا
مگو باوی آنچه سزاوار نیست.

رزق و روزی، مقدر است

خیلی ها هستند که بیش از حد تلاش می کنند تا هر چه می توانند ذخیره کنند البته تلاش و کوشش برای بنده مقدر کرده است اما به نقل از امام علی علیه السلام آمده است که بدانید که آنچه خداوند و بیش از آنچه خداوند برای او مقدر کرده به او نخواهد رسید هر چند بسیار زنگ و تدبیر کننده باشد.

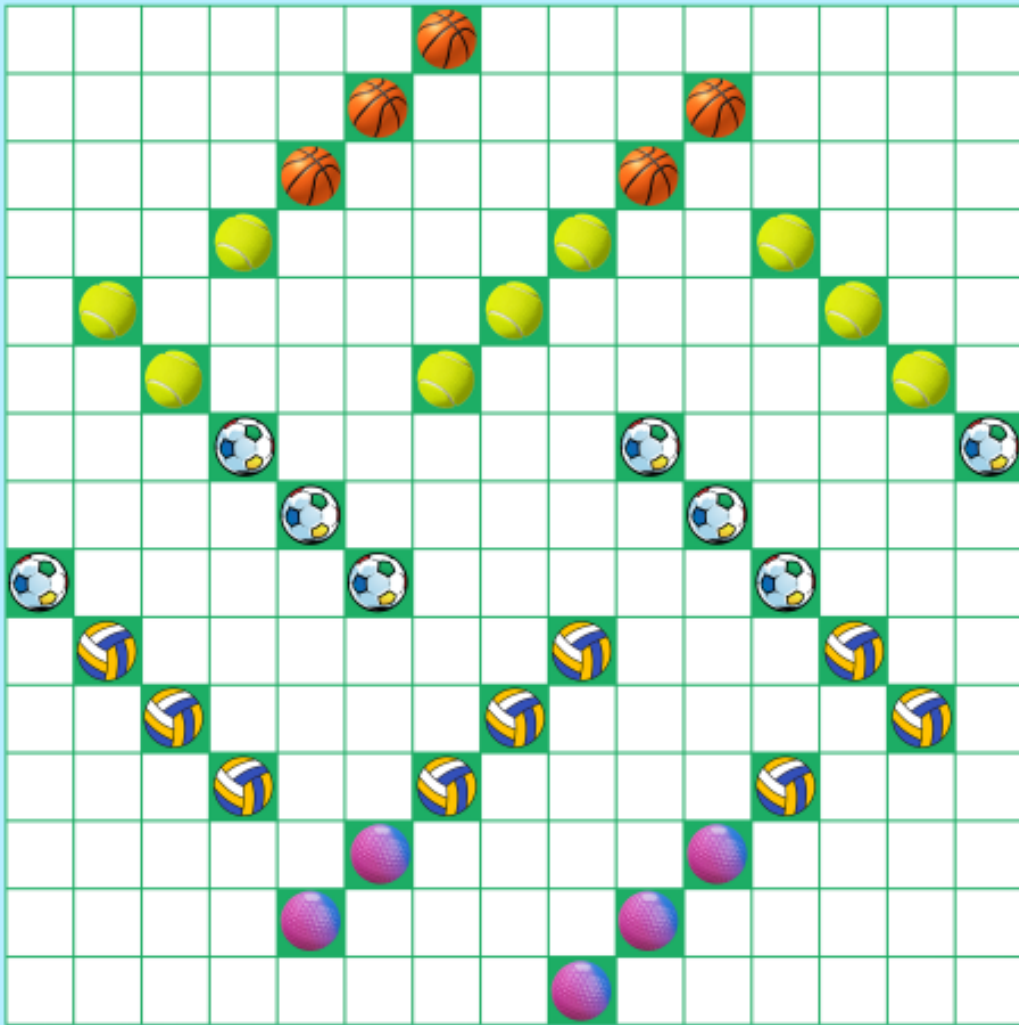
غنیمت شمر دن عمر

همه ما به این نکته باور داریم که به قول جامی، نیاید هیچکس عمر دوباره
اما غفلت همه ما را فرا گرفته و فکر روزی نیستیم که پشیمانی منفعتی ندارد.
قرآن کریم در سوره مومنون آیات ۹۹ و ۱۰۰ می گوید که هنگامی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد می گوید پروردگارا، مرا به دنیا برگردان تا به جبران گذشته کار نیکویی انجام دهم ولی به او گفته می شود هرگز. امام سجاده (ع) می فرمایند: هیچ چیز عمر را بر نمی گرداند. سعدی می گوید:
زمان رفته نخواهد به گریه باز آید.

هدیه ای ارزشمند

وقتی کلمه هدیه را می شنویم اصولاً هدیه های مادی به ذهنمان می رسند که البته این هدیه ها در نوع خود ارزشمندند اما از منظر روایات پند و اندرز نیز هدیه است، چنانکه امام علی علیه السلام فرمودند:
پند و اندرز چه خوب هدیه ای است.
ناصر خسرو می گوید:
از عطای پند برتر نیست در عالم عطا.
سعدی می گوید:
پادشاهان به نصیحت خردمندان محتاج ترند تا خردمندان به صحبت پادشاهان.

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



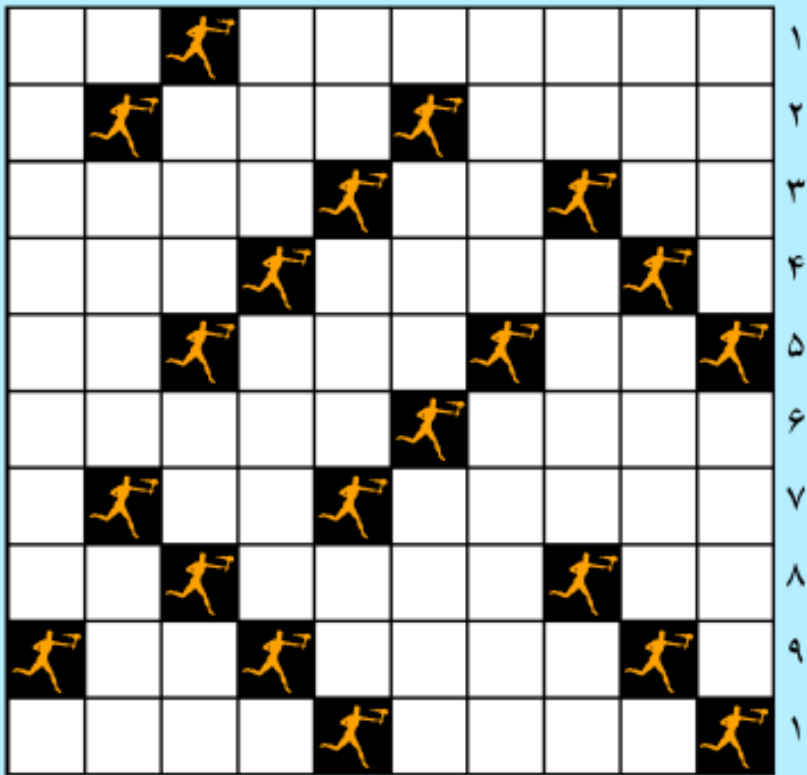
افقی

- ۱ - کشوری در اقیانوسیه - مسابقات فوتبال باشگاه های اسپانیا ۲ - اهل روم - گلزن جام جهانی ۱۹۸۲ - میزبان ۲۰۲۴ المپیک ۳ - فیلم ادامه دار - از اسامی خانم ها - پوشش بام ۴ - همچنین - حرف انتخاب - گلزن اسبق و فقید ایران - فلز سنگین ۵ - در بساط ندارد تا با ناله سودا کند - رئیس فدراسیون کشتی - باشگاه ریشه دار فوتبال کشور ۶ - گلزن اسبق هما - بلا و آسیب - عدد هندبال ۷ - بازیکن اسبق تیم ملی - اولی کافی دومی کرشمه - جمع رای ۸ - تیم ایتالیایی - سرپرست فدراسیون والیبال - داور قدیمی فوتبال ۹ - نام برمیس هافبک اسبق آلمان - شرمنده - نام مرحوم دانایی فرد ۱۰ - یکی از عوامل پیشرفت - عقاب سیاه - به سمت شرق شهری در نزدیکی رشت ۱۱ - رقیب سرسخت محمد علی در بوکس حرفه ای - شیوه و گریه - خوردنی حرام ۱۲ - کشتی جنگی - سیر کننده - علامت مفعول بیواسطه - یخ فرنگی ۱۳ - خانه بیلاقی - باشگاه محبوب و معروف جهان فوتبال - شهر زیارتی ۱۴ - کشتی گیر فقید - وسیله ای در ماشین - چوب گرانیخت ۱۵ - از روسای اسبق فوتبال ایران - چهره برتر و فقید فوتبال جهان

عمودی

- ۱ - باشگاهی در لندن انگلیس - سنگربان تیم ملی فوتبال ۲ - رقیب ایران در مرحله یک هشتم نهایی جام ملت های آسیا - فوتبالیست نیجریه ای - به ایوان نمی رسد ۳ - منزه و پاک - میوه کامل نشده - تیم خوزستانی ۴ - حقه و کلک - فراق - مادر ورزشها - تیم سوئدی ۵ - لقبی برای مدافع پوششی - ماه فرنگی - خیار سر و ته زده ۶ - طایفه ای در غرب - کلمه سؤالی - پینگ پنگ باز قدیمی ۷ - محله شاعر نوپرداز - هافبک سابق فرانسه که گلزن بایرن مونیخ نیز بود - شب فرنگی ۸ - صدمه - نگهبان جلو - آب روان ۹ - کبوتر صحرائی - قسمتی از نام اصلی پله - بخشی از آبراه رودخانه ولگا ۱۰ - مهاجم فقید فوتبال مازندران و لیگ کشور - شهر ایرانی - مترادف کل و همه ۱۱ - بالای فرنگی - اتحادیه فوتبال قاره سبز - مکان خرید و فروش مسکن ۱۲ - ابریشم خام - از علامات جمع - بالاترین رنگ - باهوش و زرنگ ۱۳ - بیماری کم خونی - اسمی برای خانم ها - عضوی از صورت ۱۴ - پایوش روستایی - گلزن سابق پرسپولیس - باشگاه ایتالیایی ۱۵ - والیبالیست ملی پوش - مربی تازه تیم ملی بوکس از کوبا

۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



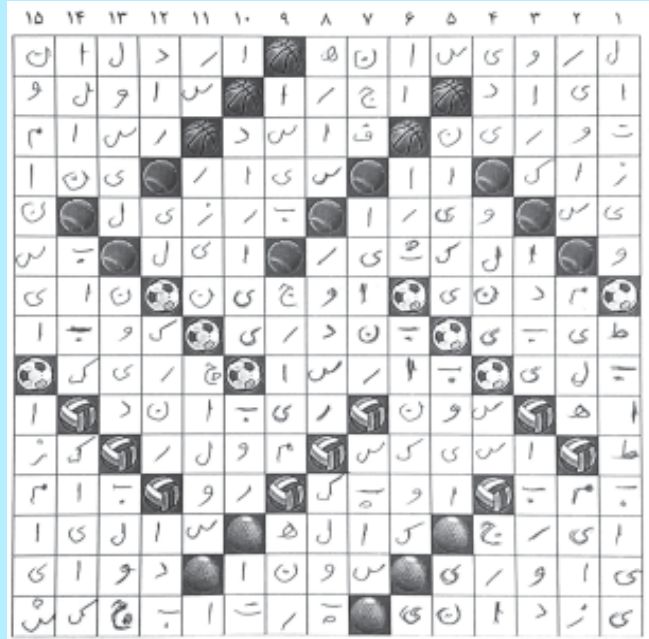
افقی

- ۱ - از ورزش های توپ و تور - نام سرمربی موفق منچستر سیتی ۲ - زین و برگ اسب - رئیس فدراسیون فوتبال ۳ - باران اندک - حرف انتخاب - ورزش مفرح ۴ - سرمربی تیم نیکاپارس چالوس در لیگ دو - وسیله مهم مسابقات ورزشی ۵ - دونده بریتانیایی - رئیس اسبق فیفا - هنوز فول نشده ۶ - فیلم قدیمی و دلهره آور آمریکایی با بازیگری ریچارد هریس - مسابقه نهایی ۷ - رئیس قبلی وزارت ورزش - خطایی در ورزش ۸ - چه کسی؟ - قسمتی از اوستا - خاک کوزه گری ۹ - میوه بهشتی - پسر بچه رشتی ۱۰ - اصل ، تبار و نژاد - دروازه بان دهه پنجاه تیم بانک ملی

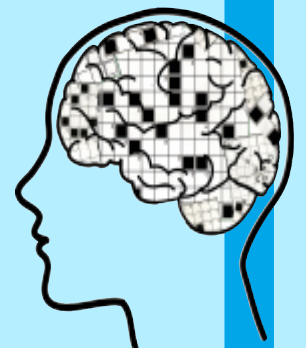
عمودی

- ۱ - مربی جانشین یحیی گل محمدی - ورزش این ایام ۲ - کمانگیر افسانه ای - قایق محلی ۳ - جواب منفی عربها - تیم آرژانتینی - ضمیر غایب ۴ - اطمینان - جمعه ۵ - کلمه شرط - مقابل ۶ - پیش درآمد آشغال - از سنگربانان اسبق فوتبال اروپا - جنس خشن ۷ - بی چیز و فقیر - از تیم های شرق لیگ برتر فوتبال گیلان ۸ - باغ بهشت - علامت موسیقی - ایزد منان ۹ - اتحادیه فوتبال اروپا - شهر فوتبالخیز برزیل ۱۰ - موفق ترین تیم در لیگ برتر فوتبال ایران

حل جداول شماره گذشته



جدول و سرگرمی



ب

پاتوق کتاب

کشتی و شنا

ورزش های باستانی در ایران همیشه طرفداران خاص خودش را دارد. کشتی همیشه در ایران پرطرفدار بوده و ورزشکاران بزرگی هم به دنیا معرفی کرده است. جدا از ورزشکار، چندین پهلوان نامی که فراتر از کشتی برای مردم مهم بودند مثل آقا تختی که نام و یادش هرگز از انسانیت و معرفت جدا نبوده و نیست. در پاتوق کتاب این هفته دو کتاب در حوزه کشتی معرفی کنیم و سپس در مورد ورزش شنا نیز یک کتاب معرفی می کنیم.

مخاطب ارائه کند. همچنین در این کتاب، به قهرمانانی از کشورمان نیز اشاره شده که امام علی حبیبی و عباس جدیدی از جمله آن ها هستند. افراد بزرگی این کتاب را خواندند و نظرات تاثیر گذاری داشته اند مثلا دن گیبل، مربی کشتی و قهرمان المپیک در مورد این

بهترین کشتی گیر در آمد، برگزار می شد. در ایران از میان سبک های بین المللی کشتی، کشتی آزاد محبوب ترین روش به شمار می رود. باشگاه فولاد نخستین باشگاه ورزشی در ایران است که در سال ۱۳۰۰ توسط حسین رضی زاده (آقاشریف) در خیابان شاهپور (وحدت اسلامی) تأسیس شد. در سال ۱۳۱۸ مقررات بین المللی کشتی مطرح شد، تغییر و تحولاتی در شیوه کشتی گرفتن و لباس کشتی گیران ایجاد کرد.

کتاب «کشتی سرسختانه»

کتاب کشتی سرسختانه نوشته مایک چاپمن، کتابی در حوزه روانشناسی کشتی است که برای کسانی که در این حوزه فعالیت می کنند بسیار مفید است. این کتاب توسط محمد خزائی، مهدی علی یاری و صالح معظم ترجمه شده و توسط نشر حتمی به چاپ رسیده است. این اثر با بیان روایت هایی از زندگی قهرمانان و نامداران کشتی، به اثری پرمغز و جذاب تبدیل شده است. متن کتاب ساده است و هر خواننده ای می تواند با آن ارتباط بگیرد که این از نقاط قوت کتاب است. این کتاب رویکرد امیدوارانه و انگیزشی دارد که خوانندش برای همه جالب می شود. البته کسانی که در کشتی یا ورزش های دیگر فعالیت می کنند این کتاب را بخوانند قطعاً لذت بیشتری نسبت به بقیه خواهند برد. کشتی قدمتی به طول تاریخ بشر دارد و مردم در سراسر دنیا طرفدار آن هستند. کشتی بعد از قرن ها رشد و پیشرفت، شکل های مختلفی به خود گرفته و می توان گفت هر قوم و ملیتی، سبک خاص خودش را در این ورزش پیدا کرده است. کشتی خالص ترین شکل رقابت میان دو انسان است و رقابت در میدان کشتی سخت تر و چالش برانگیزتر از سایر رشته ها است. ورزشکاران معروفی چون "کرت انگل" که ورزش های زیادی را نیز تجربه کرده اند، کشتی را در سختی و استقامت "بی همتا" توصیف کرده اند. در نتیجه برای رسیدن به قله های موفقیت در این رشته چیزی فراتر از زور بازو، قدرت و تکنیک لازم است و آن هم مهارت های ذهنی است. این کتاب روش ها و شیوه هایی که به لحاظ ذهنی باعث بهتر شدن روان ورزشکار می شود و در نهایت باعث موفقیت او می شود را بیان می کند. این کتاب داستان زندگی قهرمانانی چون تام برنرز، دن گیبل، محمدعلی کلی، آرنولد شوارتزنگر و... را در کنار آموزش هایش آورده تا مثال هایی واقعی به

کشتی سرسختانه

با ذهنت در میدان مسابقه
فرمانروایی کن

محمد خزائی
دانشجوی دکتری روانشناسی ورزشی دانشگاه تهران
و روان شناس تیم های ملی

مهدی علی یاری
دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی
و قهرمان کشتی فرنگی جهان و آسیا

صالح معظم
دانشجوی دکتری رفتار حرکتی دانشگاه تبریز
و مدرس دانشگاه

ویراستار علمی: دکتر محمد خبیری
ویراستار فنی: مهدی علی یاری

مایک چاپمن
پیشگفتار: تام بر ندرز
(قهرمان المپیک)

محبوبیت خاصی برخوردار است که ریشه در تاریخ و سنت ما ایرانیان دارد و به نوعی به عنوان ورزش ملی مطرح می شود. کشتی در دوران صفویه و زندیه با سبک های مختلف ملی و محلی کشتی پهلوانی در میان مردم رواج پیدا کرد. بطوریکه در زمان قاجاریه شخصی را برای توسعه این ورزش برگزیدند و در هر شهر، صدها پهلوان کشتی وجود داشت که در روزهای تعطیل در میدانی شهر به کشتی گرفتن می پرداختند. در همین دوران مسابقات کشتی پهلوانی که بعدها به صورت یک سنت همه ساله برای معرفی

کشتی یکی از قدیمی ترین ورزش های دنیا است و شواهد زیادی نشان می دهد که با جنگ های تن به تن و یا در اوقات سرگرمی به شکل غریزی انجام می شده است. با گذشت زمان نبردهای تن به تن که بیشتر به فوت شخص منجر می شد جای خود را به یک ورزش با قوانین مشخص داده است. ورزش کشتی برای نخستین بار در سال ۷۰۹ قبل از میلاد مسیح در یونان باستان وارد المپیک شد. سبک های مختلفی از کشتی در کشورهای مختلف دنیا تمرین می شود. در کشور ما این ورزش از

آنا تود

ایان مک لود
پرفسور حیدر صادقی
دکتر فاطمه علیرضایی
دکتر سپیده لطیفی

؛ قدیمی و پرفداری

■ اشکان رضایی

واژه نامه کشتی



سید محمد فواد سید رحمانی
دانشجوی دکتری فیزیولوژی ورزشی دانشگاه گیلان

کتاب گفته: کشتی سرسختانه چیزی فراتر از آموزش موفقیت در کشتی است. این کتاب برای تمام کسانی که می خواهند در ورزش موفق باشند مناسب است. خواندن این کتاب انرژی تان را بالا می برد.

کتاب «واژه نامه کشتی»

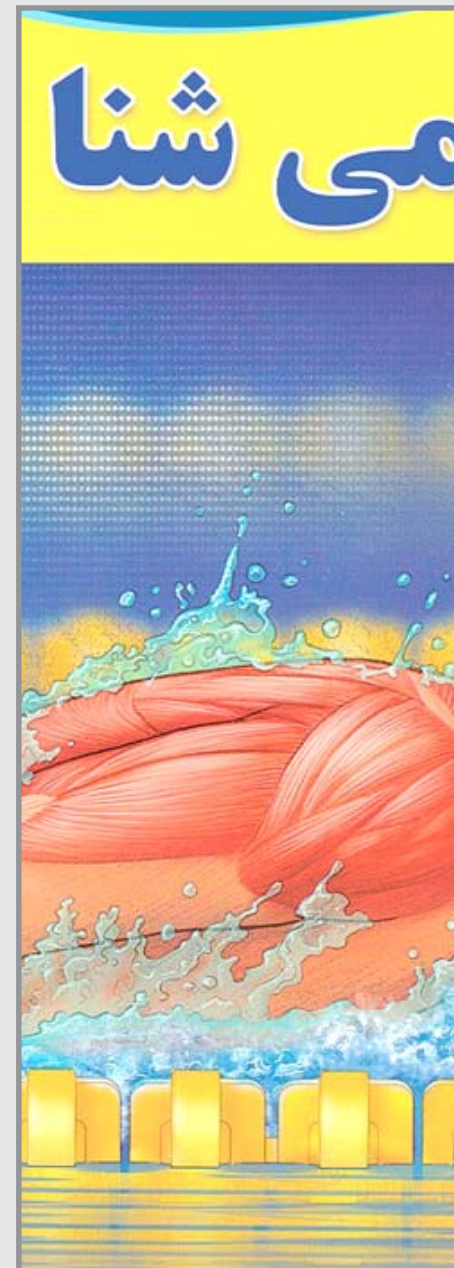
کتاب دومی که معرفی می کنیم واژه نامه کشتی نام دارد. سید محمد فواد بختیاری در کتاب واژه نامه کشتی مجموعه ای از واژه های تخصصی و پر کاربرد ورزش کشتی را به دوزبان انگلیسی و فارسی برای کشتی گیران و فعالان این رشته محبوب جمع آوری و تدوین کرده

کتاب «آناتومی شنا»

شنا، از جمله ورزش های قدیمی است که تأثیر زیادی بر روی سلامت بدن دارد. انسان از مدت ها پیش به ضرورت شنا آگاه شده، به طوری که با استناد به شواهد، قدمت شنا به حدود ۲۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در تمدن مصر برمی گردد. شنا در آب با ایجاد تجربه بودن در فضای بدون جاذبه، فشار را از روی ستون مهره برمی دارد و به سلامت استخوان ها و مفاصل کمک می کند. در یونان و روم باستان شنا از موارد مهمی بوده است که مردان نظامی در کنار آموزش های دیگر ملزم به یادگیری آن بوده اند. این طور که از شواهد پیداست شنا در شرق از کشور ژاپن آغاز شده است چرا که اسنادی هست که ثابت می کند در ژاپن مسابقات شنا برگزار می شده. البته شواهدی هم هست که نشان می دهد که گاهی مسابقاتی هم در بین مردم یونان باستان وجود داشته است. اما بناکننده استخرهای شنا رومی ها بوده اند، در تاریخ این تمدن دیده شده است که یکی از سزارهای رومی اولین استخر آب گرم را بنا کرده است.

عمر ورزش شنا در ایران بسیار کوتاه است. شنا در ایران برمی گردد به همان زمانی که در حمام های عمومی حوضچه هایی وجود داشت که مردم برای وقت گذراندن داخل آن می رفتند. این روند ادامه دار شد تا سال ۱۳۱۴ که در یک اردوگاه نظامی در محله اقدسیه تهران یک استخری بنا کردند تا به افسران دانشکده افسری آموزش بدهند، در همان سال بود که استخر دیگری برای آموزش دادن علاقه مندان به شنا در محله باغ فردوس شمیرانات ساختند که آن هم نیز متعلق به وزارت فرهنگ بود. پس از آن با احداث استخر منظریه تهران، یک مربی خارجی برای آموزش دادن به خدمت گرفتند که تحت نظر او ورزشکاران به طور حرفه ای این ورزش را ادامه دهند. و اما در ورزشگاه شهید شیرودی اولین استخر شنا با عمق ۵۰ متر بود که در سال ۱۳۱۹ ساخته شد، چندین سال بعد در سال ۱۳۳۵ شنا هم به ورزش های دارای فدراسیون پیوست و ریاست آن را نصرت الله شاه میرعهده دار شد.

کتاب آناتومی شنا نوشته ایان مک لود و



و عضلات درگیر در انجام آن، با تصاویر آناتومی مربوط به آن توضیح داده می شود. تصاویر دقیقی از شروع تا پایان انجام یک حرکت که خواننده را از روند درگیر شدن عضلات تا پایان انجام حرکت آگاه می کند. جیسون لزک، دارنده سه مدال المپیک و صاحب کورد جهانی در مورد این کتاب می گوید: این کتاب با داشتن تصاویر رنگی از تمرینات شنا، ماهیچه هایی را مورد بررسی قرار می دهد که شما برای شنای عالی نیاز به تقویت آن ها دارید. داشتن این کتاب برای هر شناگر الزامی است. گفتنی ست این اثر در فهرست کتاب های پر فروش وب سایت آمازون قرار دارد.

ترجمه حیدر صادقی، فاطمه علیرضایی و سپیده لطیفی که نشر حتمی به چاپ رسانده است. این کتاب توضیح کاملی از کارکرد علمی شناست. یادگیری مهارت شنا در میان مردم و علاقه مندان فقط به همان حالتی که از شنا کردن دیده ایم خلاصه می شود، اما دانستن نحوه حرکت مفاصل در هنگام شنا با رعایت اصول و قواعد برای کیفیت بهتر لازم است. این کتاب با داشتن تصاویری از آناتومی بدن در هنگام شنا، نحوه انجام هر حرکت را به طور کامل شرح می دهد. کتاب شامل توضیحاتی از هفتاد و چهار تا از مهم ترین حرکات شناست؛ اینطور که نحوه انجام حرکت



بزرگ، به ویژه بازی جذاب سال ۲۰۰۳ و حواشی آن را به دقت نشان می دهد و بدین ترتیب، شور و حال خاصی را به مخاطب می دهد. مخاطب با دیدن این بخش پای توصیف های مربیان و ستارگان بزرگ در آن بازی مهم می نشیند و با حواشی مختلف و حقایقی جذاب مواجه می شود که او را هیجان زده خواهد کرد. قطعا طرفداران فرگوسن بعد از دیدن این فیلم نظرشان راجع به ونگر تفاوت خواهد داشت.

بخشی از فیلم به زندگی شخصی ونگر می پردازد. در جایی ونگر از پدرش صحبت می کند که هیچوقت او را تحسین نکرده و همیشه می گفته: "از اینم می تونی بهتر باشی" و این جمله چقدر در شکل گیری شخصیت و روحیات ونگر تأثیر گذار بوده است. طوری که همیشه او برای موفق و بهتر بودن دست از تلاش بر نمی دارد و این را در سال های طولانی که در جمع توپچی ها بود می توان دید. در یک جایی از فیلم ونگر اشاره می کند که او درگیر و غرق کار کردن در تیمش بوده و برای خانواده اش وقت زیادی نگذاشته است که این نشان دهنده عشق او به تیم است. در شرایطی که عشق به خانواده کم چیزی نیست و این نکته در زندگی ونگر قابل تأمل است. با این حال اعضای خانواده ونگر او را نماد اراده عنوان می کنند. این مستند جدا از اینکه یک مستند ورزشی است اما یک مستند انگیزنده هم می باشد و از این حیث برای افرادی که به دنبال استفاده از تجربیات بزرگان هستند کاربرد دارد. در این مستند، فیلمساز با استفاده از

تصویر آرشیوی و پخش گفته های جذاب آرسن ونگر و بازیکنانی چون رابرت پیرس، تیری آنری و... تجربیات مختلفی را برای مخاطب به اشتراک می گذارد و از این طریق سعی دارد در راه های رسیدن به موفقیت چه در میدان ورزش و چه در آوردگاه زندگی را به تصویر بکشد. این مسئله به خصوص وقتی که این افراد در باره کامبک رویایی آرسنال برابر لیورپول و تغییر نتیجه شکست دو بر صفر با پیروزی چهار بر دو صحبت می کنند، خودش را بیشتر نشان می دهد. این برد در همان فصلی به دست آمد که توپچی ها توانستند بدون شکست به قهرمانی برسند. فصلی که ونگر توانست رضایت هواداران را جلب کند و یک عملکرد خیره کننده از خودش نشان دهد. بیست دقیقه پایانی فیلم به سال های نه چندان موفقیت آمیز ونگر در آرسنال می پردازد. سال هایی که آرسنال ورزشگاه هایبری را به مقصد ورزشگاه امارات ترک کرده بود و تا حدودی همه چیز تغییر کرده بود و حالا کار ونگر سخت تر شده بود و باید خودش را برای چالش جدید آماده می کرد. ترک بعضی از ستارگان اصلی تیم و اینکه باشگاه به لحاظ مالی کوتاهی هایی را می کرد و در نهایت باعث شده بود تا توپچی های لندن از دوران اوج خود فاصله بگیرند و انگار ونگر هم پذیرفته بود که برای بهبود این شرایط نمی تواند کاری بکند و آرام آرام به در خروج نزدیک می شد. آرسن ونگر سرمربی بود که در تمام فصولی که در آرسنال کار می کرد، از تیم های ملی و باشگاهی معتبر اروپایی پیشنهاد داشت اما او در تلاش بود تا خانه را ترک نکند و برای آرسنال بجنگد و ولی دست آخر صبر هواداران لبریز شد و بانیشان دادن اعتراض های مختلف، خواهان جدایی او از جمع آرسنالی ها و آوردن یک سرمربی جدید شدند و این نقطه پایان داستان سرایی او در کتاب آرسنال شد.

مستند «سر الکس فرگوسن: هرگز تسلیم نشو»

منچستر بعد از خروج فرگوسن دیگر آن تیم قدرتمند مدعی قبلی نشد. البته در این مدت مربیان بزرگی مثل فن خال، مورینیو و... را به خود دید اما انگار فرگوسن حکم پدر برای شیاطین سرخ را داشت. پتری که بعد از رفتش، روز به روز شاهدضعیف تر شدن میراث چندین ساله اش شد و هنوز هم فرزند خلفش به جایگاه شایسته ای که می خواهد نرسیده است. فرگوسن بدون شک یکی از مشهورترین چهره های تاریخ فوتبال است. بسیاری او را یکی از بزرگ ترین و تأثیرگذارترین مربی های تاریخ می دانند. سر الکس فرگوسن ۲۶ سال از زندگی خود را صرف سرمربی گری در منچستر یونایتد کرده است. این یعنی زندگی خود را وقف این تیم کرده. فقط با عشق این از خودگذشتگی صورت می گیرد. مستند سر الکس فرگوسن تصویری است از زندگی شخصی و حرفه ای مدیر اسبق تیم های آبردین و منچستر یونایتد که ماجرای خونریزی مغزی او را در سال ۲۰۱۸ نشان می دهد. کارگردانی فیلم سر الکس فرگوسن را فرزند او جیسون فرگوسن انجام داده است. فرگوسن در سال ۲۰۱۸ خونریزی مغزی کرد. جیسون نیز از دوران نقاهت پس از این اتفاق استفاده کرد تا با داستانی ساده و بدون تعارف، دوران حضور پدرش در عالم فوتبال را به تصویر بکشد. حاصل ایده فیلمسازی پسر در مورد پدر یک روایتی است که سراسر عشق و مبارزه با مشکلات و موانع را نشان می دهد. فیلم، روایت

به دورانی است که ونگر سعی داشته استعداد های مختلف را پرورش دهد و سپس معرفی کند. در این بخش بانگرش های متفاوت ونگر در مورد فوتبال و اینکه اساسا او چه سبک بازی را دنبال می کند، آشنا می شویم. فیلم به خوبی بیوگرافی، ورزشی و درخشان ونگر را به تصویر می کشد تا علاوه بر نشان دادن تأثیر زیاد او در پیروزی های آرسنال، به مرور خاطراتی جذاب و دلچسب از روزهای اوج توپچی ها و ستارگان آن ببرد. این فیلم برای علاقه مندان به لیگ انگلیس و کسانی که دوست دارند روند شکل گیری آرسنال امروزی را بدانند جذابیت دارد. یکی از نکات مثبت فیلم این است که برای نشان دادن دوران ورزشی آرسن ونگر، فقط به گفته های هم تیمی هایش بسنده نمی کند و به سراغ یکی از رقبای مهم اش در طول دوران مربیگری می رود آن شخص سر الکس فرگوسن است. فیلمساز فیلم های آرشیوی از نبرد های جذاب این دو سرمربی

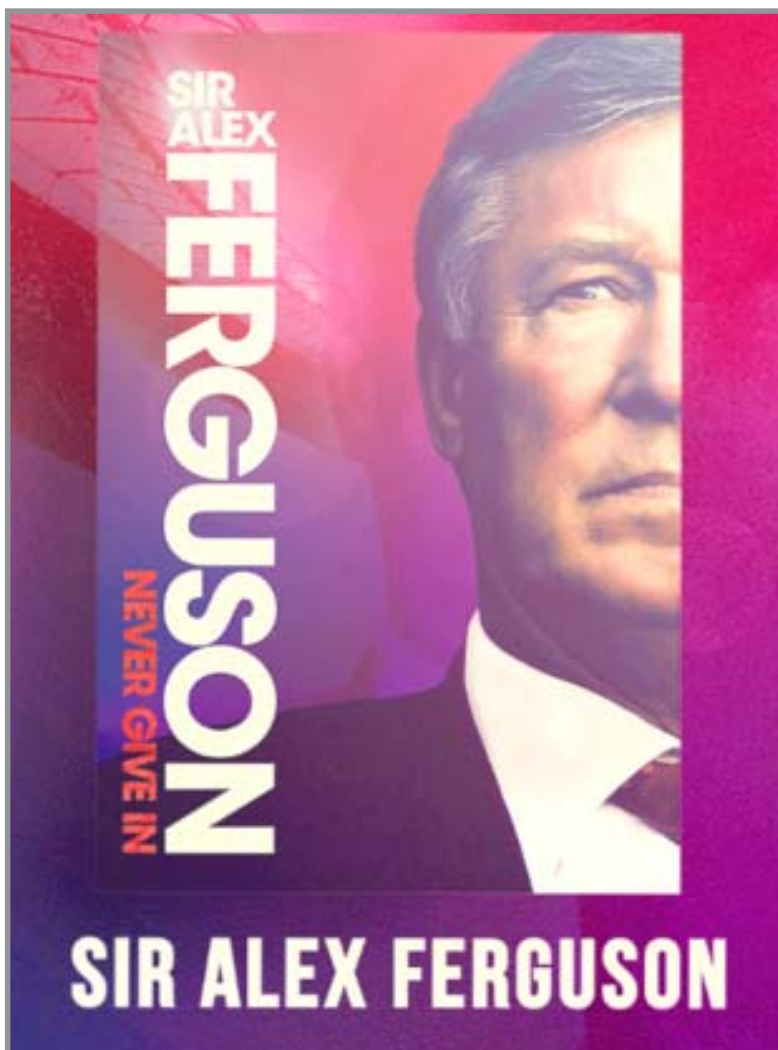
آن ها معروف هستند به توپچی های لندن. سفید و قرمز رنگ پیراهنشان است. این تیم آرسنال نام دارد. یکی از مدعیان پرمیر لیگ. در کلاکت این هفته قصد داریم به سراغ این تیم برویم. قصد داریم سراغ یکی از بزرگان توپچی ها، یعنی آرسن ونگر برویم. سرمربی افسانه ای که در تاریخ آرسنال باقی ماند. دومین مستندی که معرفی می کنیم در واقع در مورد کارگردان نمایش هایی است که صحنه تئاتر رو باها با بازیگرانی همچون وین رونی، کریستیانو رونالدو و... شاهد آن بود. او کسی نیست جز سر الکس فرگوسن، رئیس شیاطین سرخ.

مستند «آرسن ونگر: شکست ناپذیر»

مستند "آرسن ونگر: شکست ناپذیر" ساخته گبریل کلارک و کریستین ژانپیر به تهیه کنندگی اندرو لینچ است. موسیقی و تدوین این مستند به ترتیب بر عهده آرون می و الفی میچل است. در این مستند تیری آنری ستاره دست نیافتنی آرسنال، فرگوسن و ایان رایت هم حضور دارند. این فیلم محصول انگلیس و در ژانر مستند و ورزشی می باشد. فیلمساز زندگی خانوادگی و شغلی آرسن ونگر، سرمربی با سابقه آرسنال را به تصویر کشیده است. ونگر در همان ابتدای فیلم یک جمله مهم در مورد زندگی خود می گوید و آن جمله این است: "معنای زندگی من فوتبال بود". فوتبال زندگی ونگر بوده و هست و این جمله را می توان در لحظات و فصل های مختلفی که در آرسنال در چالش های مختلف بود، مشاهده کرد.

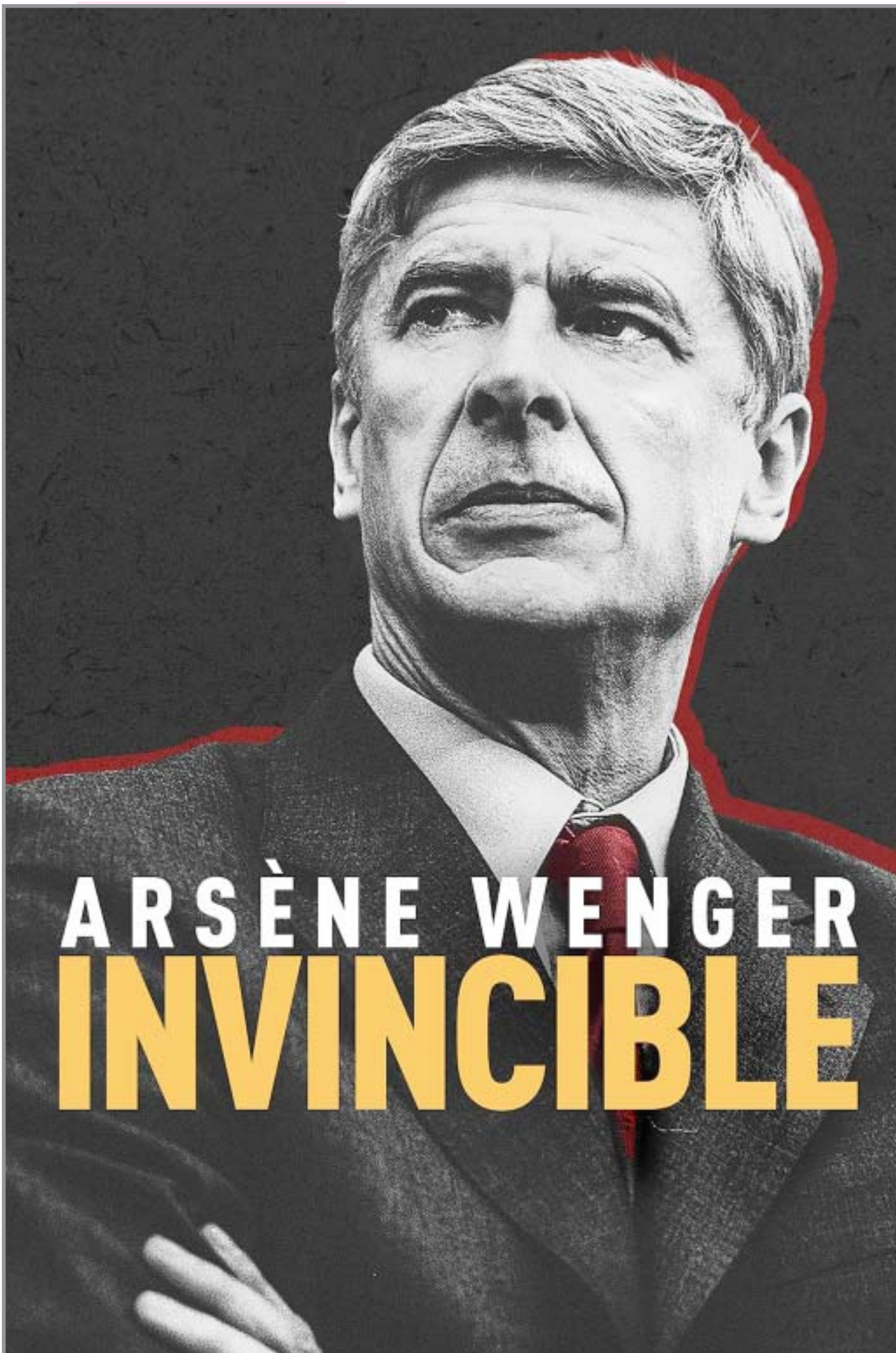
در ابتدا کارگردانان فیلم مخاطبان را به دو تلهایم فرانسه، زادگاه آرسن ونگر می برند. جایی که ونگر اولین زمین فوتبال را به چشم دیده است. وقتی که فیلم ساخته شده در واقع ونگر باز نشسته شده است. حضور ونگر که دیگر در فوتبال باز نشسته شده در فرانسه و مرور خاطرات بچگی، اطلاعات خوبی از فضای فرانسه در سال های دور به مخاطب می دهد. جدا از این باعث می شود ما ببینیم چه مواردی در رشد شخصیت ونگر در کودکی موثر بوده. چه چیزهایی در فرانسه برای او تأثیر گذار بوده و باعث شده او به سمت فوتبال سوق پیدا کند. فیلم با پرداختن به فصل ۱۹۹۷-۱۹۹۶ لیگ فوتبال انگلستان، نخستین روزهای حضور آرسن ونگر در آرسنال را به تصویر می کشد. روزهایی که ونگر خیلی شناخته شده نبود و صرفا فعالیت های کوتاهی در فوتبال داشت و قرار بود سوزن بان قطار آرسنال در چالش و مشکلات پیش روی این تیم باشد. روزهایی که چهره او باکت و عینک بزرگش شناخته می شد.

او خیلی زود جای پیش را به عنوان سرمربی توپچی ها محکم کرد. بخش زیادی از فیلم مربوط



وسن؛ قلاب طلایی فوتبال

رضایی



سخت و معمایی ندارد بلکه خیلی ساده همه چیز را بیان می کند. داستان از روز سخته مغزی فرگوسن شروع می شود. سپس اتفاقاتی را نشان می دهد که به خاطر این حادثه به وجود می آیند. فیلمساز مسیری را که فرگوسن از شهر گوان به حضور در تیم گلاسکو رنجرز رسیده و در نهایت دوران درخشان او در تیم های آبردین و منچستر یونایتد رقم خورده را به دقت نشان می دهد. در این مسیر یکی از مهم ترین نکاتی که از شخصیت فرگوسن می توان دید این است که او از کار کردن و تلاش فرار نکرده است. فیلمساز با استفاده از فیلم های آرشیوی که واقعی هستند تصویر دقیقی از روزهای اول مربیگری فرگوسن نشان می دهد. همزمان با پخش این تصاویر، سر الکس خاطرانش را در دورانی که به عنوان کارآموز در کارگاه ابزارسازی مشغول به کار بوده و همزمان در لیگ فوتبال اسکاتلند بازی می کرده را روایت می کند. این برهه از زندگی او بسیار سخت بوده چرا که او رابطه خوبی با پدرش نداشته است و در نهایت تصمیم می گیرد که به کانادا مهاجرت کند. این مستند از لحاظ ساختار ساده است و فیلمساز تلاشی برای ارائه خلاقیتی در نوع روایت ندارد اما در مجموع بی تکلف و خودمانی است و مخاطب خیلی سریع با آن ارتباط صمیمانه ای می گیرد. فرگوسن در این مستند از فداکاری ها و تلاش های زیاد همسرش، روایت های تاثیر گذاری را بیان می کند اما بیان و حس و حال او به گونه ای است که علاقه ای ندارد که به گذشته برگردد و مسیر پر تلاطم را ببیند. در این مستند فرگوسن در جایی می گوید که او وقت خود را تماماً صرف تیم می کرده و خیلی برای زندگی خصوصی اش وقت نمی گذاشته است. به همین دلیل وقت زیادی برای تربیت سه فرزند خود نگذاشته و این کار بر عهده همسرش که کنی نام دارد قرار گرفته است.

این مستند بیشتر به دوران پس از عمل الکس فرگوسن مربوط می شود و از نظر فوتبالی در خیلی از جاها به صورت کلی مسائل بیان می شود. این مستند به ارائه جزئیات نپرداخته و کلی جلو می رود. در این اثر مخاطب پای حرف های اعضای خانواده فرگوسن می نشیند و او را از این طریق بیشتر می شناسد. فیلمساز سعی ندارد که یک شخصیت ایده آل به لحاظ اخلاقی و روحی از فرگوسن بسازد یعنی به دنبال ساختن یک افسانه نیست. بدین ترتیب الکس فرگوسن مربی ای خشک و قانون مدار و... معرفی نمی شود و همچنین او مربی ای آسان گیر هم نیست.

مستند هرگز تسلیم نشو با بازی تماشایی منچستر یونایتد در برابر بایرن مونیخ در دیدار فینال لیگ قهرمانان اروپا در سال ۱۹۹۹ به پایان می رسد. فیلمساز با انتخاب این بازی برای پایان بندی هوشمندی خود را نشان داده است. در این بازی، منچستر یونایتد از تیم حریف عقب بود. اما در وقت های اضافه، با دو گل مهم به بازی برگشت و قهرمان فینال شد. فیلم های آرشیوی که از این بازی انتخاب شده اند در مورد لحظات مختلف فرگوسن در این دیدار حساس است. صورت او را می بینیم که هر چه زمان بازی می گذرد بیشتر قرمز می شود و گاهی عصبانی می شود. در کل می توان اوج هیجان در فوتبال را در این تصاویر در صورت فرگوسن دید. تصاویر مردی که از همه چیزش زده تا تنها عشقش در زمین به پیروزی برسد. می توان استرس و... در چشمان این مرد دید.

یادداشت‌های سرگردان

■ دکتر امید مافی



آغوشش از "بدرود" پُر بود!

آن روزها هنوز فیلش یادرفسنجان نیفتاده بود. همان روزهای داغ‌تموز که در برابر ریزرسی‌های ما به یک عشق تب‌آلود اشاره کرد و جدایی از زادگاهش را تلخ‌تر از تریاق و هلاهل دانست. همان روزها که هنوز بازار مکاره گرم نبود و کودکان شهر به جای شمردن طیاره‌ها در آسمان، وعده‌های بی‌پایان مردی که دلش می‌خواست در میانه چمنزار به عشق خاستگاهش فدا شود، را شماره می‌کردند.

روزگارش اما رنگ عوض کرد، وقتی کنار نیمکت نفرین شده به خوشبخت‌ترین سکاندار این حوالی بدل شد و نقشه‌های دقیقش، مشت نامدارترین کشتی‌بانان را گشود.

حالا پیشنهادات اغواگرانه یکی، پس از دیگری سراغش را گرفته بودند. حالا متمول‌ها برایش ایموجی می‌فرستادند و خریدار لبخند خانگی‌اش شده بودند.

اینگونه شد که در غروب سرد بهمن‌ماه فرمانده جوان، نامه الوادع را برای تیمش، شهرش،

تیفوسی‌هایش و آرزوهای بومی‌اش نوشت و از حضور خود در کویر خبر داد. او برای پایان دادن به یک رابطه رماتیک، چندان خودش را به در دسر نینداخت و پس از مقدمه و موخره‌ای نیمه‌حزن‌آلود، واژه بدرود را بر زبان نشانده تمام.

قزوین اما در هول و حیرتی شگفت، در سیاه‌شتا، به این فکر کرد چگونه عشق‌لاپتانه‌ی مربی پاکباخته، یک شبه کم‌رنگ شد. آنقدر کم‌رنگ که یادش رفت همین چند ماه پیش سمباده بر زبان می‌کشید و در قامت راهبری ازلی از دلدادگی ابدی‌اش به ارتش یشمی سخن رانده بود.

او حالا از زادگاهش رفته تا در جایی دیگر با امکانات بیشتر و چرک کف دست‌زیادتر، لبخند را برای سکوه‌های ناآشنا به ارمغان بیاورد و در سکوت سکرآور، همچون تگرگی کمانه کرده و به ابرهای باران‌زا اصابت کند.

سفر بخیر آقای دقیقی. صد البته در فوتبال حرفه‌ای، حرف زدن از رنگ پیراهن و عطر چمنزار و شمیم جامه‌های خیس کمی تا قسمتی

غیرمنطقی جلوه می‌کند. ما فقط در روزهای فراقت به این می‌اندیشیم که چگونه این چرک کف دست منحوس به عشقی لاهوتی، چوب حراج می‌زند و چگونه مجنون‌ها را بیش از رسیدن لیلی‌ها سر به هوا می‌کند. ما اینجا روی سکوهایی که هنوز بهانه آغوش‌ت را می‌گیرند و هجرت‌ت را باور ندارند، به مجسمه معصوم تعصب زل زده ایم که دارد فرو می‌ریزد و در جزر و مد فوتبالِ درم‌پرست از یادها می‌رود. مادر حیرت آن پاسخ‌ها و شیدایی‌ها انگشت به دهان گرفته ایم و به فروپاشی عشق‌های اساطیری فکر می‌کنیم. ما ساده‌دلان طایفه مشوش تشویش. باقی بقایت دقیق‌ترین دقیقی!

شب‌بخیر و موفق باشید، آقای قفس‌بان!

در این سال‌ها، کم‌گاف نداده و کم‌در پیاده روهای اعصاب ملت تیک‌آف نکشیده است. اصلاً انگار باید در هر ملاقات با هجوی، هزلی، چیزی موجب انبساط خاطر جماعتی خسته جان‌پای جعبه‌های رنگی شود.

نامردی است اگر ننویسیم اینبار لااقل مظلوم واقع شد و بی‌دلیل به سیبل قفس‌بانی که قرار است کابوس‌هایمان را با خوابی آرام تاخت‌بزند بدل گشت.

وقتی تیم‌ملی در برابر چشم‌فندقی‌های گروه خود، نمایش دلنوازی عرضه نکرد، جواد شوخی ظریفی نمود و تصریح داشت: ما با بچه‌های پشت صحنه و روی صحنه سهل‌ترین راحت‌الحلقوم را می‌بلعیم.

همین یک جمله کافی بود تا سنگربان یوزها در کسری از ثانیه به تلخ‌مردی، بی‌نهایت عبوس بدل گردد و چنان ترکش‌هایی به سمت جام جم بفرستد، کانه آسمان به زمین چسبیده و فرش لاک‌جای‌های عرش لاجوردی را گرفته است. "بیرو" به گونه‌ای جناب مجری را عتاب و خطاب قرار داد که تصور کردیم، پس فردا اگر این قطار از ریل خارج شود و سمفونی سپید گوش‌ها را خراش دهد، متهم ردیف اول کسی جز جواد خان نخواهد بود!

برادر، ستاره، آقا، عالیجناب، خلاصه خوبی،

این رسمش نیست که به خاطر یک جمله ساده، شمشیر را از رو ببندید و با چشمانی چغری، اینگونه خشاب‌ها را خرج کنید و مجوز ندهید، زین پس کسی نازک تر از گل به شما و رفقای گرمابه و گلستانتان بگوید. ما خود همواره منتقد بذله‌گویی‌های بدموقع استاد بوده ایم، اما این رسم فتوت نیست که به خاطر یک دستمال، قیصریه را به آتش بکشید و هر منتقدی را شسته و رفته، روی بند پهنش کنید.

راستی راستی باز کردن گاردوشنیدن دو کلمه حرف حساب آنقدر صعب نیست که اینگونه متبخرانه، دهل در گلوهر تنابنده‌ای را می‌نوازد و هر مخبری را به پاشنه در می‌کوبید. باز هم خود دانید!...

برای مراعات بی نظیر لبان یک غریبه!

مبارک است. گوش شیطان کر مثل اینکه پرنده کوچک خوشبختی روی شانه‌های اوسمار ویران‌نشسته و زین پس غریبه‌ای از آمریکای لاتین سوار بر زورق سرخ تا جزیره‌های اسرار آمیز پیش خواهد تاخت. البت که از اینترناسیونال و فلامینگو تا ایستگاه قرمز راه بسیار بود و جاده سنگلاخ. اما دست راست یحیی دل‌ها را برده و چشم‌ها را از حدقه در آورده بود لاید که اینگونه گوی سبقت را از رقیبان و آلترناتیوها ربود تا یکشنبه فالوئر هایش سر به آسمان بزنند و دو آتشفشانی عقق برایش پیسی باز کنند.

مبارک است. تاباشد از این خبرها در اوج بی خبری و دل آشوبی. فقط مانده ایم معطل اگر قرار بود بازوی گل محمدی، جای سوزن‌بان رفته را پر کند و به نامعادلات پایان دهد، چرا هر روز و هر ساعت یک گزینه جدید تراشیدند و برای مرحوم استانکودر زیر خاک سرد ز آگرب نیز شناس قائل شدند. چرا برای پروفیسور ناکام جام ملت‌ها، سیگنال‌های پست مدرن فرستادند و چند روزی ساکنین مسقط را به خاطر وداع با یک مربی مغلوب ذوق زده کردند؟ چرا در قطر مردمک‌های چشم‌تپله‌ای ساکن لواسان مشرف شدند و کاری کردند، سلطان سر پیروی، معرکه گیری کند.

مبارک است. تاباشد از این اتفاقات و انتصاب‌ها. بالاخره در روزگار گرانی سنگک و جفجغه و اسمارتیز، باید به چیزی، کسی دلخوش کرد و مراعات بی نظیر لبان یک غریبه را به وقت لبخندی خالص به خاطر سپرد.

امید است تحفه درویش، برگ سبزی شود تا به رخت پرچم‌ها و بیرق‌ها پایان دهد و دوباره خورشید را در سرمای گداکش تهران میهمان صورت‌های منجمد کند. امید است همین‌جا همه چیز ختم به خیر شود و نیازی به تصمیم دوباره و تشکیک صدمه نباشد.

اینک هوا در اردوگاه سرخ لزوج و لغزنده بر پوست هانشسته و آرامش پس از مدت‌ها پیرامون تفنگداران پرطمطراق هروله می‌کند. خدایا! این آرامش واجب‌تر از نان شب را از درویش و دار و دسته‌اش بگیر و کاری کن مردان یق کرده سر به آسمان هفتم بکوبند. خدایا به این ریشه‌ها پایان بده تا دیگر قبای ژنده بی‌ثباتی را بر شب تیره نیابند!

تمام زمستان را بخواب، کاپیتان مغبون!

من حالا لالوی صفحات عتیقه کیهان ورزشی به یک عکس غبار گرفته بر می‌خورم و به یاد خانه رویاهای مردی که رو به کویر جان داد و حسرت

قدم زدن در واحه‌ای با طراوت بر دلش ماند، چند قطره اشک می‌ریزم، نذر چشمان تمام شده‌اش در شیارهای قبری عمیق، آنجا که تنهایی عقوبت سال‌های طاعون زده است.

رضا حدی آرام شد، وقتی در سکوت غریب بیمارستان آنسوی پایتخت تمام کرد و الفاتحه. زخم‌های ناسور بر جامانده از نامهربانی‌ها بر جسم رنجورش، مرهم یافت و مرگ طنین قهقهه مردی شد که عمری نخنید و جرعه‌ای آرامش از گلویش پایین نرفت!

درست چند ساعت قبل از رفتنش به کما، بالای سرش بودیم و روضاچهل در جه‌ت داشت. با این همه هذیان نمی‌گفت و رودی آرام در رگانش جاری بود. رودی که قرار بود به دریایی مواج برسد تا پیرانتری عزیز مادر آرزوی نظاره فرشته‌مرگ نماند.

درست در همان لحظات الم انگیز، رضایکهو خواب ناصر خان حجازی را بر ایمان تعریف کرد و گفت: دیشب آمد سراغم و زیر گوشم نجوا کرد: برایت خانه‌ای ساخته ام بی در، بی دیوار، بی پرده بی پنجره... بی پرده بگویمت روضا، نجات یافتی از زخم‌های متعفن فراموشی... این‌ها را گفت و آرام دور شد ناصر خان تا باور کنم خواب ابدی بلورینم نزدیک است زود ازود. حلالم کنید لطفاً.

به همین شب بی شفا قسم ۵۳ سالگی برای بغل کردن یک خروار خاک سرد و همپاله شدن

با موریانه‌ها زود بود. چپ‌پای بی‌دلیل اما، ساعتی بعد از آن همکلامی، در آرزوی بوسیدن چشمان ناصر خان و منصور خان، سرودخوان و غزل‌خوان از جهان آشفته خارج شد و ثابت کرد قلبش تحمل پنهان کردن آن همه غصه، اندوه و دلمردگی را ندارد.

آن روز کاپیتان باستانی در عصر ملال انگیز بیمارستان ایرانمهر، مظلومانه پرید تا ترنم آخرین نگاهش روی تخت سفید و از میانه ملافه‌های سفید، طلایه‌دار کوچ گریه‌ها شود. تا کمی دیر به یادمان بیفتد که میان گوی خاطرات در این سال‌ها هیچ کس او را ندید و هیچ کس حتی محض رضای خدا برای رضا پیرانتری یک شاخه نرگس یا یک جفت مرغ عشق نبرد!

رضافولر، کم حرف و کم گو هم چون شمایل با شکوه در قابی حقیر بال گشود تا لب‌هیچ و پشت حوصله‌نور‌ها دراز کشید.

همو که روزگاری سکوها را به هلهله وامی داشت و پرچم‌ها را به رقص دعوت می‌کرد، آن روز سرد بی‌پرنده و بی‌آینه و بی‌گلایل، نای از نفسش تهی شد تا گورستان با گودالی عمیق انتظارش را بکشد و دردی که فصل نمی‌شناخت در اعماق جان بی‌جانش رسوب کند.

حالا سال‌هاست مردی که از غم بی‌هم‌نفسی رها شده و با معمایی در تنگی سینه از زمین کوچ

کرده، در دیار سایه‌ها و در خیابانی روشن و پر وسوسه به همسایه دیوار به دیوار خورشید و ختمی‌ها مبدل شده است. چه مردی که داغ گلوله‌های سرب‌بی‌نامهربانی در تنگی سینه‌اش جا نماند تا تمام زمستان‌های مانده تا یوم الحشر را بخوابد. برای او که در آخرین مصاحبه‌اش اعتراف کرد، تنها با بوی چمن امجدیه سبک خواهد شد، مرگ پیشامد منحصر به فردی بود. وقتی در این‌نیز می‌میرد بهتر است تفنگدار "اسن" در سرزمین ژرمن‌ها که در وطن خویش بی‌اندازه غریب بود، بخشید و از شر جنبش بی‌فایده دنیا و نسیانی که طحال و قلب و کلیه‌اش را از کار انداخت، خلاص شود.

یادت بخیر و گریبان‌ت در بهشت پر از ستاره کاپیتان.

حالا که از بی‌محل‌ی آدم‌ها راحت شدی و ندیم پور حیدری و حجازی و غلامحسین مظلومی لقب گرفت، سلام ما را به بهار و باران برسان و تقدیر محتوم خویش را در بزرگراه برزخ به تماشا بنشین. بی‌شک در توالی طلوع و غروب‌های بهشت زهرا، گل‌های یادت از خاک خواهند رست و بر خواب آرامت آنقدر پولک می‌ریزد که بانوازش سپید کفنت به دست آسمانی‌ها، ابیدیت نغمه‌ای شورانگیز برای پاهای پیرانتری ات خواهد خواند.



ترک زمین توسط قرمزها و رأی ۳ بر صفر به سود آبی‌ها

جنگال سرخابی‌ها در شهر

در مجله روز چهارم آذر ۱۴۰۲، مطلب تقویم‌راره اندازی کردیم و قول دادیم که هر هفته، هفته که قرار است طی روزهای ۱۴ تا ۲۰ بهمن ماه روی کیوسک مطبوعات به خوانندگان مطلب این هفته به روزی اشاره می‌کنیم که شهر آورد شماره ۴ تهران برگزار شد. البته این ۳ بر صفر به سود تیم استقلال اعلام شد. قبل از پرداختن به سوژه این هفته، باید یادآوری کنیم که طی تاریخ ۱۴ دی تا ۲۰ بهمن، این رویداد های مهم در ورزش ایران اتفاق افتاده است: ۱۴ بهمن ۱۳۴۸، تولد علی دایی، فوتبالیست مطرح دهه های ۷۰ و ۸۰ ایران - ۱۶ بهمن ۱۳۸۰ فوت علی انصاریان، مدیر و موسس باشگاه شاهین تهران - ۱۷ دی ۱۳۴۸، شهر آورد جنگالی که نتیجه اش را کمیته انضباطی تعیین کرد - ۱۸ بهمن ۱۳۱۸ تولد حسن حبیبی، پیشکسوت فوتبال ایران - ۱۸ بهمن ۱۳۸۴ فوت مجید سبزی، فوتبالیست دهه ۶۰ باشگاه پرسپولیس.

■ در سال ۴۸ یاران صاحب نام پرسپولیس مثل حسین کلانی، همایون بهزادی، ابراهیم آشتیانی و جعفر کاشانی به تیم پیکان کوچ کردند و عناصر اصلی قهرمانی این تیم بودند، آن وقت پرسپولیس با کمبود بازیکن کار ساز مواجه و در پایان فصل در رده نازل یازدهم قرار گرفت. کارخانه ایران ناسیونال - پیکان - اولین باشگاهی بود که فوتبال ایران را به سوی حرفه ای شدن سوق داد گرچه دوام این باشگاه بیش از یک سال نبود. پیکان در سال ۴۸ قهرمان باشگاه های تهران شد و اتفاقا در همین دوره بود که با گل های حسین کلانی و علی پروین موفق شد تا تیم تاج را ۲ بر صفر شکست دهد. تاج در حالی برابر پرسپولیس قرار گرفت که پرسپولیس از جمع یاران سرشناس خود فقط عزیز اصلی را به همراه داشت. استقلال در دقیقه ۹ به گل رسید. دوندگی یاران جوان پرسپولیس، بازیکنان صاحب نام تیم استقلال که حریف خود را دسته کم گرفته بودند و تمایلی به ریسک کردن هم نداشتند، کلافه کرده بود. بازی تا دقیقه ۸۲ ادامه یافت تا اینکه بر سر توپی بین قلیچ خانی و

۱۵ - اقبال ۸ امتیاز
۱۶ - دخانیات ۴ امتیاز
مسابقات فصل ۱۳۴۸ جام باشگاه های تهران در یک بازه زمانی فشرده ۳ ماهه - آذر تا پایان اسفند ۱۳۴۸ - برگزار شد. بازی استقلال و پرسپولیس یکی از بازی های میانه فصل بود. پرسپولیس ها که قبل از رویارویی با تیم استقلال چند باخت را متحمل شده و در پایین جدول حضور داشتند برای فرار از منطقه خطر و اعاده حیثیت، چاره ای نداشتند جز اینکه در برابر استقلال، نتیجه خوبی را کسب کنند. قرمزها وقتی با دریافت یک گل زودهنگام، غافلگیر شدند، برای ادامه بازی و تغییر دادن نتیجه، خیلی برنامه نداشتند و احساسی و عصبی کار را دنبال کردند. شاید نبود بازیکنان باتجربه در ترکیب پرسپولیس، این تیم را ضعیف و پایین جدولی کرده بود. در سال ۴۸ یاران صاحب نام پرسپولیس مثل حسین کلانی، همایون بهزادی، ابراهیم آشتیانی و جعفر کاشانی به تیم پیکان

۵ بودند. اصلی و قلیچ خانی به عنوان دو کاپیتان باتجربه نتوانستند تیمشان را آرام کنند و خودشان در بطن دعوا و درگیری حضور داشتند و باعث ایجاد جنگالی بزرگ شدند.
قهرمانی پیکان با پرسپولیس ها و حضور پرسپولیس در رده یازدهم!
در دهه ۴۰ شمسی در ایران، لیگ سراسری فوتبال برگزار نمی شد و لیگ های استانی، مهمترین مسابقات رسمی باشگاهی محسوب می شدند. در تهران، جام باشگاه های تهران که از سال ۱۳۰۰ شروع شده بود، در سال ۱۳۴۸ یکی از دوره های خود را با قهرمانی تیم پیکان سپری شده دید. جالب است بدانید که جام باشگاه های تهران با حضور تمامی تیم های معتبر تاسال ۱۳۷۰ انجام شد و بعد از آن رونق خود را به لیگ سراسری فوتبال ایران داد. در سال ۱۳۴۸، جام باشگاه های تهران با حضور ۱۶ تیم در یک گروه برگزار شد و نهایتا تیم پیکان به مقام قهرمانی دست پیدا کرد. جدول رده بندی جام باشگاه های تهران در سال ۱۳۴۸ اینچنین بود:

- ۱- پیکان ۲۶ امتیاز
- ۲- استقلال (تاج سابق) ۲۳ امتیاز
- ۳- پاس ۲۲ امتیاز
- ۴- برق ۲۱ امتیاز
- ۵- آرات ۱۷ امتیاز
- ۶- نگهبان ۱۶ امتیاز
- ۷- بانک ملی ۱۶ امتیاز
- ۸- دیهیم ۱۵ امتیاز
- ۹- عقاب ۱۵ امتیاز
- ۱۰- راه آهن ۱۴ امتیاز
- ۱۱- پرسپولیس ۱۲ امتیاز
- ۱۲- آتش نشانی ۱۱ امتیاز
- ۱۳- گارد ۱۰ امتیاز
- ۱۴- شهربانی ۱۰ امتیاز

نتیجه ۴ بازی در زمین تعیین نشد!

روبارویی دو تیم استقلال و پرسپولیس، قطعا حساس ترین مسابقه باشگاهی فوتبال ایران در نیم قرن اخیر محسوب می شود. وقتی در ۱۶ فروردین ۱۳۴۷، تیم تاج تله سیس پرسپولیس با حضور تعدادی از شاهینی های قدیمی - که باشگاه شان در اواخر سال ۱۳۴۵ از سوی دولت وقت منحل شد- در برابر تیم آبی پوش تاج (استقلال فعلی) قرار گرفت، هیچ کس فکرش را نمی کرد که بزودی این بازی، به حساس ترین مسابقه باشگاهی فوتبال در ایران تبدیل شود. حضور چهره های سرشناس در هر دو تیم، ایجاد حاشیه های فراوان و بعضا جذاب از سوی نفرت دو تیم و کری های داغ، باعث شد که از سال ۱۳۴۷ به این طرف، مسابقه استقلال و پرسپولیس، ملقب به شهر آورد تهران، هر سال با شور و هیجان بیشتری برگزار شود. تاکنون این دو تیم، ۱۰۲ مرتبه در برابر هم صف آرایی کرده اند که اولین بازی همان طور که اشاره شد در ۱۶ فروردین ۱۳۴۷ برگزار شد و آخرین بازی - البته تاکنون - در تاریخ ۲۳ آذر ۱۴۰۲، جالب است بدانید که نتیجه بازی استقلال و پرسپولیس تاکنون ۴ مرتبه از سوی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، تعیین شده است. در سالهای ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۳ تیم پرسپولیس، ۳ مرتبه در جریان بازی اخلاص ایجاد کرد و به دنبال ترک زمین، با باخت انضباطی ۳ بر صفر مواجه شد. در سال ۱۳۹۷ هم یک بار استقلال با باخت ۳ بر صفر انضباطی جریمه شدند. البته باخت استقلالی ها کمی تفاوت داشت و آنها به خاطر عدم حضور در کشور و نپذیرفتن تاریخ برگزاری شهر آورد سوپر جام، با باخت ۳ بر صفر مواجه شدند. بهر صورت اولین شهر آورد جنگالی در ۱۷ بهمن ۱۳۴۸ شکل گرفت. محمود خور دبین و عزیز اصلی از پرسپولیس و قلیچ خانی از استقلال، مسببان اصلی شکل گیری جنگال در شهر آورد شماره

اگر زمین را ترک نمی کردند هم بازنده بودند

کارگر جم: پرسپولیس ها فهمیدند که نمی توانند گل بزنند، بازی را به هم ریختند

اکبر کارگر جم یکی از ستاره های ملی پوش تیم استقلال در شهر آورد شماره ۵ بود که از قضا نمایش خوبی هم از خود نشان داد و از عوامل پیروزی تیمش محسوب می شد. با وی درباره آن مسابقه خاص به گفت و گو نشستیم که ماحصل آن از نظر تان می گذرد:



■ در امجدیه، کیپ تا کیپ تماشاگر نشسته بود. یادمه پرسپولیس در آن دوره وضع خوبی نداشت و در وسط جدول و شاید در پایین آن حضور داشت. آنها در برابر ما به دنبال انجام یک بازی حیثیتی بودند. البته خوب هم بازی کردند و مقاومت جانانه ای داشتند. تیم ما در نیمه اول یک گل رازد و چند گل را نزد. بازیکنان ما از روی شکم سیری بازی می کردند. در نیمه دوم، شکل کار تیم ما بهتر شد و پرسپولیس حرفی برای گفتن نداشت.
■ در صحنه ای که جنگال شد، خور دبین بازیکن پرسپولیس روی بازیکن ما خطا کرده بود و داور هم سوت زده بود اما خور دبین شیطنت کرد و با نوک پا توپ را وارد دروازه کرد و به درستی این گل مردود اعلام شد. در ادامه شاهد یقه گیری چند بازیکن و سیلی کاپیتان پرسپولیس به داور مسابقه بودیم.

■ به نظر من پرسپولیس ها زمین را ترک کردند چون در آن مسابقه، زور بردن ما را نداشتند. یادمه آنها سه هفته پشت سر می باختند و دیگر جوابی برای مدیران و تماشاگران خود نداشتند، بنابراین جوری رفتار کردند که انگار در حق آنها اجحاف شده است.

■ من در مسابقه ای که اشاره می کنید - شهر آورد شماره ۵ - مدافع چپ تیمم بودم و بازی خوبی را انجام دادم. تیم پرسپولیس در آن بازی، چند ستاره خودش را نداشت و من اسم اکثر بازیکنان آن روز پرسپولیس در خاطر من نیست اما یادم است که جلوی نفوذهای بازیکنان حریف را بسته و دو پاس گل خوب هم برای مظلومی و افتخاری ساختم که متاسفانه آن پاس ها به گل ختم نشدند.

■ قبول دارم که در شکل گیری جنگال، نفرت هر دو طرف مقصر بودند اما در صد تقصیر پرسپولیس ها خیلی بیشتر بود. ما برای جنگال نرفته بودیم. خدا بیامرز علی دانایی فرد را، سرمربی ما بود و در زمان شکل گیری جنگال مدام داد و فریاد می کرد و از مامی خواست وارد حاشیه و درگیری نشویم اما نیمکت پرسپولیس انگار جنگال و تداوم درگیری را دوست داشت.

■ اولین شهر آورد جنگالی در ۱۷ بهمن ۱۳۴۸ شکل گرفت. محمود خور دبین و عزیز اصلی از پرسپولیس و قلیچ خانی از استقلال، مسببان اصلی شکل گیری جنگال در شهر آورد شماره ۵ بودند. اصلی و قلیچ خانی به عنوان دو کاپیتان باتجربه نتوانستند تیمشان را آرام کنند و خودشان در بطن دعوا و درگیری حضور داشتند و باعث ایجاد جنگالی بزرگ شدند

هر آورد ۵۴ سال پیش

■ سعید حاجی بابایی

کیهان ورزشی

شبه ماه ۱۸ بهمن ماه
شماره ۱۳۴۸
شماره ۵۷۶۵
۷ ریال

پاس بیدار شد. اما بیگان و تاج هنوز بی شکستند

پرسپولیس مغلوب گریان

با مساوی (پیکان - عقاب)
تاج یک قدم نزدیک شد



چهار ساعت دلهره و اضطراب
در صدر تغییرى نداد

خور دبین جدال آغاز شد و در حالی که به نظر می آمد هر دو بازیکن روی هم خطا کرده باشند اما داور اجازه داد تا این کشمکش تادرون محوطه جریمه تاج ادامه پیدا کند و در این موقعیت، سوت داور با ضربه خور دبین که وارد دروازه حریف شد، همراه شد. داور در این صحنه خطای خور دبین را اعلام کرد و گل را نپذیرفت. پرسپولیسى ها معترض شدند و عزیز اصلی با داور گلاویز و سیلی محکمی را به صورت او نواخت و از بازی اخراج شد. پرسپولیسى ها وقتی کاپیتان خود را اخراج شده دیدند، آنها هم زمین را ترک کردند. حاج ابوالحسن داور بازی، چند دقیقه ای در وسط زمین ایستاد تا شاید سرخیوشان به بازی برگردند. پرسپولیسى ها پس از دقایقى به زمین بازگشتند و برای داور شرط گذاشتند که در صورتی که عزیز اصلی هم به بازی برگردد، آنها بازی را ادامه خواهند داد. داور زیر بار این موضوع نرفت و طبعاً پرسپولیسى ها هم زمین را ترک کردند تا از سوی فدراسیون وقت فوتبال، با باخت ۳ بر صفر مواجه شوند. از آن مسابقه، ۵۴ سال می گذرد و باید آن را فقط در تاریخ دنبال کرد. در جریان شهر آور دهم ۵، اتفاقات تلخی رخ داد که بر گترهای دو تیم با کمی درایت می توانستند جلوی آن را بگیرند. با این حال بنیست بادی کنیم از حاج ابوالحسن داور آن مسابقه، عزیز اصلی کاپیتان پرسپولیس، منصور پور حیدری، اکبر افتخاری و غلامحسین مظلومی، بازیکنان تیم استقلال و دو سرمربی - رجب فرامرزی و علی دانایی فرد - که هر کدام از این عزیزان سالهاست که از جهان خاکی کوچ کرده اند و فقط به یادآوری و دعای خیر مانیاز منندند. روحشان شاد.

مرور شهر آورد شماره ۵

مسابقه ای که نیمه تمام ماند

■ استقلال ۳ - پرسپولیس صفر

گل: غلامحسین مظلومی (۹) برای استقلال

عنوان: جام باشگاه های تهران

تاریخ: جمعه ۱۷ بهمن ۱۳۴۸

ورزشگاه: امجدیه

تماشاگر: حدود ۲۵ هزار نفر

داور: ابوالقاسم حاج ابوالحسن با کمک مهدی

مجمع و علی اللهی

اخراج: اصلی (۸۲) از پرسپولیس

■ ترکیب استقلال: حسین قاضی شعار - گودرز

حیبی - اکبر کارگر جم - قلیچ خانی (کاپیتان) -

منصور پور حیدری - علی جباری - احمد منشی زاده

- کارو حق وردیان - مهدی حاج محمد - غلامحسین

مظلومی - اکبر افتخاری

سرمربی: علی دانایی فرد

■ ترکیب پرسپولیس: عزیز اصلی (کاپیتان) -

مسیح مسیح نیا - رضا اکبری - علی قاضی شعار -

مجتبی ضربابی - اکبر محمدی - سعید کامیاب -

محمود خور دبین - عباس رجبیه فرد - رضاتقدسی -

مهدی تهرانی - احمد حسن زاده - علی سلیمی -

بهمن رحمت شاهی

سرمربی: رجب فرامرزی

از سیدنی تا سئول با پولادی که آب شد!

■ مازیار مهرانی



خشت اول را معمار، کج نهاد!

وقتی سید محمد پولادگر بعد از بیست و هفت سال حضور مستمر و پرتنش در فدراسیون تکواندو در انتخابات مجمع عمومی "پانزده دی ماه" سال ۱۴۰۰ مقابل "هادی ساعی" مغلوب شد و صندلی ریاست فدراسیون تکواندو را بعد از بیست و یک سال ریاست تحویل قهرمان پر افتخار گذشته اش داد، تنها کمتر از هفتاد و دو ساعت از صندلی مدیریت در ورزش فاصله گرفت، چرا که او موفق شد در کمترین زمان ممکن با حکم سید حمید سجادی وزیر ورزش و جوانان در بالاترین و عالی ترین پست اجرایی و در راس امور ورزش قهرمانی و حرفه ای کشور تکیه زند! به این ترتیب پولادگر میدان رقابت را نه تنها باخت، بلکه عملاً به عنوان رئیس مجمع عمومی فدراسیون های ورزشی در غیاب وزیر ورزش و جوانان "بالای سر" تمام روسای فدراسیون ها قرار گرفت. هر چند برخی از روسای ورزشی هیچگاه این آقا بالاسری را نپذیرفتند و همچون علیرضا دبیر شمشیر را برای معاون تازه منصوب وزیر ورزش و جوانان از رو بستند! چالش پولادگر با فدراسیون های ورزشی از همان ابتدا قابل پیش بینی بود. زیرا منتقدان معاون قهرمانی و حرفه ای جدید وزارت ورزش در همان زمان روی چهار اشکال این حکم دست گذاشته بودند. (۱) پولادگر اشراف لازم به همه رشته های ورزشی را نداشت. (۲) تجربه قابل تکیه او به مدیریت طولانی مدت در فدراسیون تکواندو باز می گشت. از آنجایی که در ده سال آخر مدیریت وی در فدراسیون تکواندو این رشته با روند نزولی دست به گریبان بود و این افت در سه دوره از مسابقات المپیک کاملاً مشهود بود. پس انتخاب وی به عنوان یک مدیر موفق ورزشی نیز قابل پذیرش نمی توانست باشد. (۳) معاون وزیر در امور ورزش قهرمانی باید از "دیپلماسی" قوی و تعامل مناسب با نهادهای مختلف بین المللی ورزشی برخوردار باشد اما پولادگر از چنین خصیصه ای بی بهره بود. (۴) معاون وزیر ورزش و جوانان در امور ورزش قهرمانی چون با فدراسیون های ورزشی سرو کار دارد باید از تعامل مناسب و نفوذ معنوی بر روسای فدراسیون ها برخوردار باشد، در حالی که به اعتقاد "منتقدان" پولادگر در این زمینه نیز دست بالا را نداشت! (۵) برای احراز شرایط این پست که پر چالش ترین و جذاب ترین پست اجرایی برای رسانه های گروهی ورزش است، معاون وزیر باید از تعامل کامل و ارتباط قوی و اثر گذار بر رسانه ها بهره مند باشد، اما پولادگر در این زمینه نیز از انعطاف لازم برخوردار نبود! او در طی دو سال عهده داری این مسئولیت عملاً نشان داد که پیش بینی منتقدان از عدم موفقیت او درست بود زیرا رابطه او با مجمع عمومی فدراسیون ها و رسانه های گروهی ورزش در این مدت هم درست نشد! حکمی که سرانجام بانظر و رای "کیومرث هاشمی" وزیر جدید ورزش و جوانان باطل شد.

"حباب" سامان دهی مجامع و تعامل با فدراسیون ها زود "ترکید"

با انتخاب سید محمد پولادگر به عنوان معاون وزیر ورزش شایعه هایی مبنی بر این که او انتخاب سید حمید سجادی نبوده بر سر زبان ها افتاد و از قضا با عدم حضور وزیر ورزش در مراسم معارفه معاون جدید توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای این شایعه ها قوت گرفت. با این وجود سجادی در جلسه شورای معاونین حاضر شد و حکم پولادگر را شخصاً اهداء و خاطر نشان کرد که: "باتوجه به نزدیکی به بازی های آسیایی و المپیک باید همه توان خودمان را برای حضور مقتدر در این بازی ها بگذاریم و برای المپیک آماده شویم. تغییری در برخی از فدراسیون ها داشتیم و باز هم انتخابات خواهیم داشت و باید با همه این اتفاقات در حوزه ورزش قهرمانی تلاش ویژه ای انجام دهیم. با توجه به تجاربای که آقای پولادگر در حوزه ورزش قهرمانی دارند انتظار می رود نگاه ویژه ای به ورزش بانوان نیز داشته باشند. با تعامل خوب و همدلی با دیگر معاونت ها که همگی از بهترین مدیران کاربلد هستند می توان زمینه ساز اتفاقات خوب در ورزش کشور شد" پولادگر بعدها در جلسه حمید سجادی وزیر ورزش و جوانان با رؤسای فدراسیون ها گفت: "از وزیر ورزش تشکر می کنم که برای این جایگاه از من دعوت کرد. از همان زمان که این موضوع را مطرح کرد، گفتم نمی خواهم با سفارش کسی بیایم و می خواهم با انتخاب شما بیایم!" اما توقع حمید سجادی وزیر مستعفی وزارت ورزش و جوانان از پولادگر مبنی بر تغییرات در فدراسیون های ورزشی و مسئولیت مهم و بزرگ برگزاری انتخابات این فدراسیون ها تا چه اندازه برآورده شد؟ ابطال نتایج انتخابات پنج فدراسیون سوار کاری، ژیمناستیک، کشتی، ناشنوایان و کاراته، تغییر در زمان برگزاری انتخابات برخی از فدراسیون ها، تاخیر در برگزاری تعدادی دیگر از مجامع و لغو برگزاری پس از تشکیل بعضی و اداره امور سیزده فدراسیون ورزشی به شکل سرپرست در دوره فعالیت سید محمد پولادگر در معاونت توسعه ورزش قهرمانی، کارنامه قابل قبول و دفاعی برای وی نمی تواند باشد و به نظر می رسد وزیر سابق ورزش و جوانان در این حوزه نمی تواند به خود بیابد!

کدهای عدم تعامل و اختلاف

در خصوص عدم تعامل مناسب پولادگر با فدراسیون های ورزشی کدهایی وجود دارد از آن جمله می توان به نشست مشترک رؤسای فدراسیون ها و مسئولان ورزش در تاریخ ۲۰ بهمن ماه سال ۱۴۰۱ به میزبانی استان یزد که در محل استانداری و به ریاست حمید سجادی وزیر ورزش و جوانان و با حضور استاندار یزد و مدیران ارشد وزارت ورزش برگزار شد اشاره کرد.

در انتهای این جلسه و پس از انتقادهای رئیس فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام از پولادگر مبنی بر این که دسترسی به وی سخت است و او جوابگوی تلفن خود نیست، بین معاون وزیر و رئیس فدراسیون درگیری لفظی تندی پیش آمد که می رفت تا با درگیری فیزیکی در حضور استاندار یزد و سایر روسای فدراسیون ها تبدیل به یک رسوایی بزرگ در ورزش شود که با دخالت وزیر ورزش و چند رئیس فدراسیون سرانجام این دو از هم جدا شده و غائله در حالی خاتمه یافت که برخی از روسا حق را به رئیس فدراسیون بدنسازی دادند! پس از این ماجرا، محمد پولادگر در تاریخ ۳۰ بهمن ماه سال ۱۴۰۱ اجازه حضور خبرنگاران در مجمع انتخاباتی فدراسیون دوچرخه سواری که به ریاست او برگزار می شد را نداد و اعلام کرد: "تشخیص داده ام که خبرنگاران در مجمع نباشند، قانون نیست که خبرنگاران در مجمع باشند!" پیش از آن نیز پولادگر با علیرضا دبیر و هادی ساعی روسای فدراسیون های کشتی و تکواندو درگیر شده بود. هر چند جنس این درگیری با دعوی جلسه در استانداری یزد متفاوت بود! پولادگر در جلسه مجمع عمومی فدراسیون کشتی بعد از سه ساعت بحث و جدل با رئیس فدراسیون و بگو و مگو با اعضای مجمع، سرانجام مجبور به ترک جلسه شد! بعد از موضع گیری های علیرضا دبیر رئیس فدراسیون کشتی علیه پولادگر، صحبت های هادی ساعی در نشست خبری فدراسیون تکواندو مبنی بر کارشکنی معاون توسعه ورزش قهرمانی در پرداخت بودجه این فدراسیون و به دنبال آن صحبت های "معاون وزیر" پس از مجمع انتخاباتی فدراسیون اسکوآش، موجب اوج گیری دوباره اختلاف رئیس فعلی و گذشته فدراسیون تکواندو شد. اختلافاتی که به رقابت این دو در تاریخ ۱۵ دی ماه سال گذشته در مجمع انتخاباتی فدراسیون تکواندو باز می گشت. انتخاباتی که با حواشی زیادی همراه بود و پس از شکست پولادگر در این رقابت و انتصابش به عنوان معاون توسعه ورزش قهرمانی، همین حواشی باعث شد تا امضای حکم ریاست هادی ساعی از سوی وزیر ورزش و جوانان تا دوم اسفندماه همان سال به تاخیر بیفتد! اما این اختلاف ها بعد از اخذ حکم ریاست از وزیر ورزش هیچگاه خاتمه نیافت. کمک مجلس شورای شورای اسلامی از محل تبصره ۱۴ یکی دیگر از دلایل اختلاف ساعی و دبیر با پولادگر بود. هادی ساعی در همین خصوص طی مصاحبه ای اعلام کرد: "عدم تفاهم یک بحث است و دخالت برخی آدم ها در وزارت ورزش و جوان یک بحث دیگر است. سال ۱۴۰۱ رو به اتمام است و تنها سه ماه به پایان سال باقی مانده است، اما همچنان بحث بودجه فدراسیون تکواندو و امضای تفاهم نامه با وزارت ورزش ادامه دارد! نمی دانم چرا دوستان با ورزش تکواندو که مدعی متولی بودن آن و ادعاهایی دیگر هستند این گونه

رفتار می کنند و ریشه این رشته را می زند و خشک می کنند؟ خیلی بد است که وزیر ورزش (سابق) اطلاعاتی از رفتارها و بلاهایی که زیر مجموعه خود سر فدراسیون تکواندو می آورند نداشته باشد. هیچ تماسی در این مدت با من نگرفتند. واقعا وزیر ورزش (سابق) نمی داند چه اتفاقاتی در حال افتادن است؟ اگر این موضوع را نداند که خیلی بد است و اگر می داند به روی خودش نمی آورد یا تکواندو جزء اولویت هایش نیست که واقعا دیگر نمی دانم باید چه کار کنیم؟ واقعا نمی دانم چه استدلالی دوستان دارند؟ پولادگر با همین استدلال ها باعث شد که میهمان دوست و خیلی های دیگر از ایران بروند. در حالی که قرارداد میهمان دوست با فدراسیون تکواندو پیش از المپیک ۲۰۱۲ لندن ماهیانه ۲ میلیون تومان بود. از طرف کمیته ملی المپیک برای او و برخی دیگر از مربیان ۵ میلیون تومان در ماه در نظر گرفته شد، اما پولادگر حقوق ۳ میلیونی فدراسیون را قطع کرد و فقط ۵ میلیون کمیته



ملی المپیک را پرداخت می کرد. موضوعی که در نهایت منجر به رفتن میهماندوست شد. از روزی که آدم هر روز برای تکواندو یک داستان و مشکل درست می کنند. به جای اینکه دست ما را بگیرند، فعلا پای ما را گرفتند. بهتر است آقایان انرژی خود را برای تماس با این و آن و پرونده سازی نگذارند و وقت و انرژی خود را برای کارهایی که باید انجام بدهند، بگذارند".

خادم خائن معرفی شد!

کنایه هادی ساعی به شیوه کنار گذاشتن میهماندوست از سرمربی گری تیم ملی تکواندو مخاطبان را به بازی های المپیک لندن که با نتیجه خوبی برای تکواندوی ما به پایان نرسید برد، زمانی که محمد پولادگر پس از اتمام آن مسابقات همچنان تاکید کرد که تصمیمش در مورد برکناری رضامیهماندوست صحیح بوده است! هر چند او بعد از مسابقات المپیک ریو نیز میهماندوست را "مزدور" خطاب کرد. واژه ای که

دل بسیاری از سینه سوخته های تکواندو را به درد آورد. به واقع اخراج سرمربی تیم ملی تکواندو با همه افتخاراتی که نزدیک به چهار سال حضورش برای این رشته کسب کرده بود آن زمان قابل قبول به نظر نمی رسید. آن هم فردی که به دلیل معلولیت دو فرزندش با مشکلات مالی بسیاری دست به گریبان بود. جان کلام میهماندوست در انتقاد از رئیس فدراسیون سابق تکواندو این یک جمله بود: "پول را از کمیته ملی المپیک گرفتند و به حساب من ریختند!" چند سال بعد در آذر ماه سال ۱۳۹۴ "محمد باقری معتمد" قهرمان جهان و نائب قهرمان المپیک لندن گلایه مشابهی را از مدیریت پولادگر مطرح کرد و از عدم وصول کامل بورسیه ای که توسط کمیته بین المللی المپیک برای او در نظر گرفته شده بود انتقاد کرد و مدعی شد دلارهای ارسالی به او تحویل داده نشده است! دوران مدیریت سید محمد پولادگر در فدراسیون تکواندو سه ماه قبل از

مسابقات المپیک ۲۰۰۰ سیدنی آغاز شد. مسابقاتی که برای اولین بار تکواندو را به شکل رسمی در خود پذیرفت و با نام هادی ساعی این رشته جزء رشته های مدال بگیر کشورمان در مسابقات المپیک در آمد. بی شک افتخارات تکواندو در زمان بیست و یک سال ریاست پولادگر در این فدراسیون فراموش شدنی نیست و نمی توان یک طرفه موفقیت و درخشش این رشته را در تمام این سال ها در بازی های آسیایی و مسابقات المپیک نادیده گرفت. با این وجود، نمی توان نزول و افت محسوس این رشته مقبول و محبوب ورزشی در کشور را نیز طی یک دهه اخیر مدیریت پولادگر در تکواندو نادیده گرفت. پایه های مدیریت پولادگر پس از انتصاب علی سعیدلو به ریاست سازمان تربیت بدنی در سال ۱۳۸۸ ضعیف شده بود. با این وجود وی موفق شده بود همچنان در عرصه قدرت باقی بماند. ناکامی تیم ملی تکواندو در المپیک لندن و عنوان دهمی

مشترک با گابین، ناکامی تیم تکواندو مردان در مسابقات المپیک ۲۰۱۶ ریو و قرار گرفتن تیم ملی تکواندو (مردان و زنان) در رده نهم جدول مسابقات و سرانجام شکست کامل تیم ملی تکواندو در مسابقات المپیک توکیو که بدون کسب مدال به کشور بازگشت. نشان از این واقعیت داشت که پولادگر بر خلاف مرحوم "یزدانی خرم" نتوانست رشد، موفقیت ها و پیروزی های تکواندو را در عرصه رقابت های بین المللی تداوم بخشیده و یک مجموعه موفق و پیشرو را تحویل جانشین خود دهد. "پولادگر" اگر نتوانست در پست معاونت توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای کارنامه قابل قبولی از خود به جای گذارد. به نظر باید دلیل آن را بیشتر در عدم تغییر و اصلاح رویه در شیوه مدیریتی جستجو کرد که علی رغم ثبات و حفظ جایگاه ریاستش در فدراسیون تکواندو، مانع از شکل گیری و دوام و بقای اعتماد و اعتقاد کامل همه اعضای خانواده بزرگ این رشته از وی گردید.

هفته های هفدهم و هجدهم لیگ برتر والیبال مردان باشگاههای ایران

ترکمن صحرا دوباره برای حبیب کوزه لی، "هورا" کشید

■ سیف الله ترابی

از دانش به روز، می تواند اثرات مطلوب و تاثیر گذار در میدان والیبال شهرشان داشته باشد. بازیکنان بزرگ دیروز حالا به این نقطه از داستان والیبال رسیده اند که با درایت و آرامش به میدانی بزرگتر گام بردارند و نیاز هم هست که با مراقبت بیشتر از بازیکنان در زمان استراحت، فضایی مناسب برای تیم خود فراهم نمایند. ما بر این باور هستیم که حبیب کوزه لی، بازیکن شماره هفت تیم ملی ایران در ادوار گذشته می تواند موفق باشد و باید بازیگر و هوشیاری، مسیر بالندگی خود و تیم گنبد را در عرصه جدید مربیگری فراهم کند. ما برای این اتفاقات خوش لحظه شماری می کنیم تا گنبد بار دیگر در مرحله پلی آف به قله والیبال ایران نگاه ویژه داشته باشد که این مهم دور از دسترس نیست.

هفته های هفدهم و هجدهم لیگ برتر والیبال مردان باشگاههای ایران برای تماشاگران فهیم و خونگرم شهر گنبد بسیار پر شور بود و آنها شاهد دو پیروزی پی در پی بودند. این تماشاگران قدر شناس، بالاتر از اندازه فنی خودشان و فراتر از تماشاگران غیر فنی تهران و دیگر شهرستان ها، والیبال را خوب درک می کنند. تماشاگر گنبدی عاشقانه به خاطر نتایج عالی مربی جدیدشان یعنی حبیب کوزه لی هورا می کشد تا کادر فنی این تیم با اشتیاق بیشتر و ارائه توانایی فراتر از امروز به ادامه لیگ بپردازد. مناسبانه برخی از افراد، بازیکنان طراز اول دیروز گنبد را به حاشیه کشیده بودند و خوشبختانه حالا به این درک خواهند رسید که وجود بازیکنان نیرومند و دانای گذشته با بهره گیری

گنبدی ها در تهران، "بزرگی" کردند

پیروزی هفته هجدهم والیبال شهرداری گنبدبر سایپا، یادآور دوران فراموش نشدنی دهه ۱۳۶۰ خورشیدی می باشد اما چرا قیاسی هر چند اندک، یا به قولی "فلاش بک" به دورانی زده شد که دیگر بازگشت به آن ایام برایمان رو باشد است؟ والیبال دهه ۱۳۶۰ خورشیدی یادآور هوادارانی است که پایه پای بازیکنان به اقصی نقاط کشور رفتند تا بازیکن گنبدی احساس تنهایی نکند. یکشنبه، هشتم بهمن ماه از سری مسابقات والیبال لیگ برتر، هفته هجدهم، هوادارانی از خطه ترکمن صحرا به هر زحمتی بود خود را به سالن فدراسیون والیبال رسانند تا بازیکنان تیم محبوب شهرشان تنها نباشند و حداقل احساس غربت نکنند. در مقابل، هیچکس برای سایپای میزبان، تره هم خرید کرد! در مقابل، باید به این هوادار گنبدی بایلد. باید این هوادار را ستود و به احترام او، ایستاده تشویق کرد. تماشاگر گنبدی، هواداران اجاره ای نیستند بلکه تماشاگران "دلی" هستند! این درست که والیبال گنبدی به واسطه مدیریت غلط از شلختگی رنج می برد و در انتهای جدول قرار دارد ولی این تماشاگر دایره شایستگی خود را به طرز وسیعی گسترش داده و به جهانیان می فهماند که تیم خود را ستایش می کند و حتی زمین هم بخورد، دست آن را می گیرد تا بلند شود. این مطلب را به واسطه عمق علاقه مندی هوادارانی که به تهران آمده بودند و افتخار آفریده اند، تقدیم می کنیم.

پیروزی "گیتی پسند" در میدانی سخت

تیم گیتی پسند که در نیم فصل اول رقابت های لیگ برتر به نتایج خوبی دست پیدا کرده بود، پس از پیروزی برابر شهرداری ارومیه و باخت خانگی در مصاف با چادرملو، با عملکرد خوب خود در دیدار با سایپای تهران و پاس گرگان و کسب ۶ امتیاز روحیه بخش، نشان داد که بار و حیه و انگیزه بالایی به روزهای طلایی بازگشته است.

تیم گیتی پسند که با ۱۰ برد، ۷ باخت و ۳۱ امتیاز برای دستیابی به رده بهتر و صعود به مرحله پلی آف نیاز به پیروزی های بیشتر، به ویژه در بازیهای خانگی دارد، در بازی مقابل مس رفسنجان از ابتدا عملکرد خوبی را به نمایش گذاشت.

شاگردان سعید عقیلی با استفاده از پاس های ناب مصطفی رئیسین در حمله خوش درخشیدند و در تمام پست ها کم اشتباه ظاهر شدند که به واقع رئیسین نقطه عطف این بازی مقتدرانه در تیم والیبال گیتی پسند اصفهان بود که در چار چوب هفته هجدهم لیگ برتر والیبال مردان کشور از ساعت ۱۶/۲۰ در سالن شهدای مخیرات اصفهان برگزار شد و در یک

بازی دینی و استثنایی در سه ست متوالی، گیتی پسند به برتری رسید.

گیتی پسند در این دیدار با ترکیب مصطفی رئیسین، مرصاد آقاجانی، علی زارع، رمضان صحبتی، آرمن رنجبر، امیر حسین ساداتی و شاهین توانا به عنوان لیبرو با سرمربیگری سعید عقیلی مقابل تیم مس رفسنجان به میدان رفت که با ترکیب اولیه امین نجفی، امیر حسین ناوی، رحمان داوودی، علیرضا عبدی، موعود آقاپور، جواد حسین آبادی و مصطفی حیدری "لیبرو"، آغازگر بازی شدند اما با تلاش داوودی، ناوی و حسین آبادی بازی به تساوی کشیده شد و تساوی دو تیم تا امتیاز ۱۹ تداوم داشت ولی در ادامه تیم گیتی پسند با هماهنگی تیمی و سرویس های پرشی قدرتی ساداتی و آقاجانی موفق شد با برتری ۲۵ بر ۲۱، ست اول را به سود خود کند.

ست دوم، شاگردان عقیلی با شروع خوب از حریف پیش افتادند ولی در ادامه امین تیم رفسنجان بود که به بازی برگشت و در امتیاز ۷ به تساوی رسید اما وقتی گیتی پسند پیش افتاد، سرمربی مس رفسنجان در خواست وقت استراحت کرد که تاثیری نداشت و "گیتیزن ها" با سرویس واسپک های خوب، پنج امتیاز پیش افتادند تا محمد کاظم دومین وقت استراحت خود را در خواست کنند اما این کار سودی نداشت و در نهایت این ست هم با نتیجه ۲۵ بر ۱۷ با برتری پاران سعید عقیلی به اتمام رسید.

ست سوم، ۲۱ تیم پایپای آغاز کردند و تا امتیاز ۱۳ به طور مساوی پیش رفتند که وقتی تیم گیتی پسند به لطف دفاع های عالی روی تور و استفاده از توپ های برگشتی، ۳۰ امتیاز پایپی کسب کرد، سرمربی تیم مس در خواست وقت استراحت نمود که باعث شد بار دیگر دو تیم به طور مساوی پیش بروند و تا امتیاز ۲۰ تساوی ادامه یافت اما امروز، روز شاگردان سرحال عقیلی بود که پس از تساوی در امتیاز ۲۰ در کسب امتیازات پایانی با استفاده از سرویس، دفاعی نقص روی تور و توپگیری عالی آقاجانی این ست را هم با نتیجه ۲۵ بر ۲۲ به سود خود کردند و فاتح سه بر صفر این دیدار شدند. قرمزپوشان گیتی پسند اصفهان با پیروزی در سه هفته اخیر، امیدشان برای رسیدن به جمع تیم های بالای جدول بیشتر شده است، ضمن اینکه قبال بالای جدول متحمل شکست شده اند که به احتمال قوی گیتی پسند در جایگاه بالاتری قرار خواهد گرفت.

شکست ۲ بر ۳ ایفاسرام در ارومیه مقابل تیم متحول شده شهرداری و پیروزی ۳ بر ۲ طبیعت اسلامشهر در مصاف با پیکان تهران این نوید را می دهد که تیم خوش تکنیک گیتی پسند در جدول رده بندی مسابقات دو سه پله صعود کرده است. البته در هفته نوزدهم گیتی پسند کار سختی را در اسلامشهر و در جدال با تیم طبیعت پیش رو دارد که باید منتظر نتیجه این بازی بمانیم.

قضاوت این دیدار را مسعود ذوقی به عنوان داور اول و میثم پارسه به عنوان داور دوم برعهده داشتند، ضمن اینکه مسعود یزدان پناه، ناظر داوری و احمد دامغانی نژاد، نماینده سازمان لیگ بودند.

برتری مقتدرانه "وادی" و اسلامشهری ها

محمد ابراهیم وادی، مربی دوست داشتنی اسلامشهر با ساختن صدها بازیکن طراز اول، مصداق بارز مربیانی است که بدون ادا و حتی بدون ادعا کار می کنند تا کوچ و مربیگری عالی را بر کارنامه سازندگی و بازیکن سازی خود اضافه کنند. تیم طبیعت این هفته نیز با هدایت این مربی کهنه کار به یک پیروزی مهم، آن هم مقابل پیکان دست پیدا کرد تا دل سرمایه گذاران باشگاه از بابت تیمداری در والیبال قرص تر شود. ابراهیم وادی حالا به حق خود رسیده است و شاگردانش تا اینجا کار موفق و سر بلند بوده اند.

نتایج دیدار های هفته هفدهم لیگ برتر والیبال باشگاههای ایران

چهارشنبه ۴ بهمن
نیان الکترونیک یک - ایفاسرام اردکان ۳
(ست نخست: ۲۳ بر ۲۵، ست دوم: ۲۹ بر ۲۵، ست سوم: ۲۵ بر ۲۲، ست چهارم: ۲۲ بر ۲۵)
هورسان رامسر صفر - شهرداری ارومیه ۳
(ست نخست: ۲۱ بر ۲۵، ست دوم: ۱۹ بر ۲۵، ست سوم: ۲۱ بر ۲۵)

طبیعت اسلامشهر ۳ - شهداب یزد ۲
(ست نخست: ۲۰ بر ۲۵، ست دوم: ۲۵ بر ۲۰، ست سوم: ۲۵ بر ۱۷، ست چهارم: ۲۸ بر ۳۰، ست پنجم: ۱۵ بر ۱۲)
شهرداری گنبد ۳ - چادرملو اردکان یک
(ست نخست: ۲۵ بر ۲۱، ست دوم: ۲۸ بر ۲۶، ست سوم: ۲۳ بر ۲۵، ست چهارم: ۲۵ بر ۱۹)
مس رفسنجان صفر - پیکان تهران ۳
(ست نخست: ۲۲ بر ۲۵، ست دوم: ۲۷ بر ۲۹، ست سوم: ۲۲ بر ۲۵)

فولادسیرجان ۳ - سایپای تهران یک
(ست نخست: ۲۵ بر ۲۰، ست دوم: ۲۸ بر ۳۰، ست سوم: ۲۵ بر ۱۸، ست چهارم: ۲۵ بر ۲۲)
پاس گرگان یک - گیتی پسند اصفهان ۳
(ست نخست: ۲۱ بر ۲۵، ست دوم: ۲۵ بر ۲۷، ست سوم: ۲۵ بر ۲۱، ست چهارم: ۲۱ بر ۲۵)

نتایج دیدار های هفته هجدهم لیگ برتر والیبال مردان ایران

یکشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۲
سایپای تهران صفر - شهرداری گنبد ۳
(ست اول: ۲۱ بر ۲۵، ست دوم: ۲۰ بر ۲۵، ست

سوم ۱۴ بر ۲۵)
شهرداری ارومیه ۳ - ایفاسرام اردکان ۲
(ست اول: ۲۵ بر ۲۲، ست دوم: ۲۵ بر ۱۹، ست سوم: ۲۴ بر ۲۶، ست چهارم: ۲۰ بر ۲۵، ست پنجم: ۱۵ بر ۱۲)

شهداب یزد ۳ - نیان الکترونیک ۲
(ست اول: ۲۵ بر ۱۸، ست دوم: ۲۵ بر ۲۳، ست سوم: ۱۸ بر ۲۵، ست چهارم: ۲۰ بر ۲۵، ست پنجم: ۱۵ بر ۱۳)

چادرملو اردکان ۳ - هورسان رامسر صفر
(ست اول: ۲۵ بر ۲۲، ست دوم: ۲۵ بر ۲۳، ست سوم: ۲۵ بر ۱۹)

گیتی پسند اصفهان ۳ - مس رفسنجان صفر
(ست اول: ۲۵ بر ۲۱، ست دوم: ۲۵ بر ۱۷، ست سوم: ۲۵ بر ۲۲)

پاس گرگان یک - فولادسیرجان ۳
(ست اول: ۲۵ بر ۱۸، ست دوم: ۲۲ بر ۲۵، ست سوم: ۲۲ بر ۲۵، ست چهارم: ۱۷ بر ۲۵)

پیکان تهران یک - طبیعت اسلامشهر ۳
(ست اول: ۲۳ بر ۲۵، ست دوم: ۲۵ بر ۲۷، ست سوم: ۲۵ بر ۱۹، ست چهارم: ۲۳ بر ۲۵)

بهترین های هفته هفدهم لیگ برتر مردان

بهترین تیم: شهرداری گنبد
بهترین بازی: طبیعت اسلامشهر ۳ - شهداب یزد ۲

بهترین مربی: حبیب کوزه لی (شهرداری گنبد) و ابراهیم وادی (طبیعت اسلامشهر)

بهترین بازیکن: سلمان فائزی (گنبد)
بهترین پاسور: فرزاد ملا بهرامی (ایفاسرام اردکان)، علی رضانی (طبیعت اسلامشهر)

بهترین اسپکر سرعتی مدافع میانی: سلمان فائزی (شهرداری گنبد) و سهیل الهوردیان (طبیعت اسلامشهر)

بهترین اسپکر قدرتی دریافت کننده: شهروز همایونفر منش (فولادسیرجان) و امیر میرآفتاب (شهرداری ارومیه)

بهترین اسپکر قطر پاسور پشت خط زن: سعید رنجبر (پیکان تهران)

بهترین لیبرو: مهران توانا (گیتی پسند اصفهان)

چهره هفته: علی رضانی (طبیعت اسلامشهر)

پدیده هفته: سیدرسول حسینی (طبیعت) و رامین محتومی (شهرداری گنبد)

بهترین های هفته هجدهم لیگ برتر والیبال مردان
بهترین تیم: طبیعت اسلامشهر



داوری از مسابقات را در آسیای مرکزی پیشنهاد داده ، امیدوار است که ششمیری به ریاست آن منصوب شود.

دامغانی : هم اخلاق را بردیم و هم بازی را

گل گهر سیرجان با وجود تثبیت تبه دومی اش ، در گروه اول لیگ یک مردان و صعود قطعی به مرحله پلی آف ، در دو هفته پیاپی در بازی با دو تیم مدعی صعود (صنعتگران امید تهران و مس شهر بابک) با رعایت کامل اصل بی طرفی ، نشان داد که باشگاهی اخلاق گرا و متعهد به بازی های جوانمردانه است . از این بابت باید به دامغانی و رادفر تبریک گفت . محمدرضا دامغانی بعد از بازی با مس شهر بابک گفت : مسی ها با بازی انتحاری ، سخت ما را دچار مشکل کردند ولی خدا رو شکر در پایان شرمنده و جدانمان نشدیم و هم اخلاق را بردیم و هم بازی را . گفتنی است محمد حسین محمودی پور لیبروی جوان گل گهری ها با توپگیری و دریافت های خوبش ، یکی از عوامل اصلی برد گل گهر بود .

تسلیمت به آقای احمد خجسته

با خبر شدیم آقای احمد خجسته والیبالیست اسبق تیم تهران جوان ، منتخب تهران و گزار شگر و مفسر برجسته والیبالیست تلویزیون پس از چندین سال خدمت شبانه روزی به مادرش ، در غم از دست دادن مادر گرانقدرش عزا دار شد . کیهان ورزشی این مصیبت را به آقای احمد خجسته و خانواده های وابسته تسلیم می گوید .

از هواداران مان معذرت خواهی می کنم اما با پیگیری تمرینات مان و تقویت تیم از نظر روحی و روانی عزم مان را برای پیروزی در این دیدار جزم کردیم و توانستیم پیروز میدان شویم . از هواداران عزیز خواهش می کنم که با یک یا دو پیروزی به ما لقب " امپراطور " ندهند و بایکی یا دو شکست هم به پایین مان نکشند . هواداران می دانند که فقط به عشق آنها تیم را تحویل گرفتیم و برای خوشحالی آنها تمام تلاش مان را می کنیم .

مسعود یزدان پناه و دو جلسه همزمان در بانکوک!

مسعود یزدان پناه ، عضو کمیته قوانین ورزش و مسئول کمیته مسابقات آسیای مرکزی ، به دو جلسه همزمان در بانکوک دعوت شده است . مسعود یزدان پناه ، رئیس کمیته مسابقات و داوری آسیای مرکزی به همراه دکتر مرادی و داووزنی ابتدا در جلسه آسیای مرکزی برای انتخاب رئیس جدید آن شرکت می کنند و سپس در جلسه کمیته قوانین ورزش حاضر خواهند شد . یزدان پناه با اشاره به اینکه جدا کردن کمیته

صالحی ، میثم صالحی ، محمدرضا موذن ، فرهاد قائمی ، لیبروی هفته : شاهین توانا ، مربی هفته : حبیب کوزه لی و ابراهیم وادی

تیم منتخب هفته هجدهم لیگ برتر

حمید چوگان ، رضا عبدین ، عرفان نوروزی نژاد ، امیر خدایرستی ، شهرام همایونفر منش ، آرمن رنجبر ، امیر خدایرستی ، عرشیا به نژاد ، مهدی رضایی ، مهران توانا ، یونس قلیچ نیازی ، سهند الله وردیان ، پوریا خانزاده ، آرمان صالحی ، احدرضایی ، علی حق پرست . لیبرو : ابوالفضل قلی پور ، مربی هفته : ابراهیم وادی

اخبار مهم از والیبالیست ایران

حبیب کوزه لی ، مربی جدید شهرداری گنبد : هواداران لطفا با یکی دو برد به ما لقب " امپراطور " ندهند!

کوزه لی ، سرمربی شهرداری گنبد بعد از برد خانگی مقابل چادرملو گفت : بازی امروز بسیار سخت بود . هر دو تیم احتیاج به پیروزی داشتند . البته تیم ما در تمام بازی ها احتیاج به برد دارد . با بازی خوبی که بازیکنان انجام دادند توانستیم با نتیجه سه بر یک به برتری برسیم و دل هواداران مان را شاد کنیم . اخیرا مقابل شهرداری ارومیه بازی قرار گرفتیم که در آن دیدار بسیار بد بازی کردیم و باختیم و بابت آن شکست

بهترین بازی : پیکان تهران یک - طبیعت اسلامشهر ۳

بهترین مربی : ابراهیم وادی (طبیعت اسلامشهر)

بهترین بازیکن : آرمن رنجبر (گیتی پسند اصفهان)

بهترین پاسور : حمید چوگان (شهرداری گنبد)
بهترین اسپکر سرعتی مدافع میانی : رضا عبدین (شهید یزد) و عرفان نوروزی نژاد (چادرملو اردکان)

بهترین اسپکر قدرتی دریافت کننده : امیر خدایرستی (شهرداری ارومیه) و شهرام همایونفر منش (فولاد سیرجان)

بهترین اسپکر قطر پاسور پشت خط زن : آرمن رنجبر (گیتی پسند)

بهترین لیبرو : ابوالفضل قلی پور (طبیعت اسلامشهر)

چهره هفته : عرشیا به نژاد (شهرداری ارومیه)
پدیده هفته : سینا علی زاده (پاسور جوان شهرداری ارومیه)

تیم منتخب هفته هجدهم لیگ برتر مردان

فرزاد ملاپهرامی ، سلمان فائزی ، سهندالله وردیان ، شهرزاد همایونفر منش ، امیر میرآفتاب ، سعید رنجبر ، یونس قلیچ نیازی ، علی رضایی ، عرشیا به نژاد ، میرسرلک ، علیرضا شاه علی ، آرمن تشکری ، آرمان



« کاپیتان بهنام » هم رفت

دوستان بی‌شمارش تسلیت می‌گویند. مراسم به خاکسپاری پیکر بهنام جلوه کاپیتان اسبق تیم ملی والیبال ایران باشکوهی خاصی در محل زادگاهش در روستای خاسکول در شهر توتکابن از توابع رشت و با حضور تعدادی از دوستان هم دوره والیبالش از جمله آقایان مهدی ابوترابی، فرید آخوندزاده، فریبرز امیدوار و تعدادی از والیبالیستهای جوان از جمله آرش کمالوند، دکتر خشایار فروزنده (فرزند سرهنگ حبیب فروزنده)، ولی نورمحمدی، مرتضی بازارگرد، علی شیردلی، علیرضامردی و جمعیتی عظیمی از همشهریان و خانواده بزرگ جلوه برگزار شد.

بهنام جلوه متولد ۲۱ دی ۱۳۴۵ بود. او پس از عمری عشق ورزشیدن در وادی والیبال ایران با شماره دو کولاک کرد و کاپیتان مقتدر تیم ایران هم شد و در روز هشتم بهمن ماه ۱۴۰۲ دیده از جهان هستی برپست و در روستا محل زادگاهش با حضور مردم حق شناس گیلان به خاک سپرده شد و به خواب ابدی فرورفت! او به هنگام مرگ ۵۷ سال داشت. کیهان ورزشی این مصیبت را با خاندان جلوه، برادرانش فرشید و شاهرخ، پسر رعناش علیرضا جلوه بازیکن ارزنده تیم نوجوانان و جوانان ایران و همچنین مهدی جلوه (عضو تیم ملی ایران)، محمدرضا تندروان، جامعه بزرگ والیبال ایران و

کلامی درد دل می‌کرد ولی می‌گفت هرگز در دهامی را ننویس؟! و مابه اجبار و تعهد و قولی که به او می‌دادیم، امانت دار حرفایش می‌شدیم. او دچار غربت و دوری شده بود. حالا هم برای مردان نامدار هرگز شیون و مرثیه سرایی نمی‌کنیم. بهنام جلوه؛ سرو قامت روزهای سخت والیبال دهه شصت خورشیدی، مثل درختان سرو که بسیار این درخت را دوست داشت، ایستاده مرد! او با شخصیت و در یک کلام جنتمن زندگی کرد! او با ایهت و مردانه، دستش را مقابل هیچکس دراز نکرد! بلکه در دوران بازیگری، هر کجا که بود، دست نیازمندان را پر قدرت می‌گرفت!

بهنام جلوه؛ مردی بزرگ و با ظرفیت بالای بازیگری و فنی در روزهای دهه شصت و هفتاد خورشیدی چشم از جهان خاکی فرو بست. بیماری جانسوز و مهلک سرطان این بزرگمرد والیبال ایران را سه ماهه از بین برد. چه خاطرات زیادی که با بهنام و هم دوره هایش در ایران و مسابقات خارج از کشور داشتیم. صد افسوس که اجل مهلتش نداد تا اثره زندگی خانوادگی اش (علیرضا جلوه) را در ورزش ببیند. هر چند بسیاری گفتند که برای بهنام جلوه قلمفرسایی کنیم اما فایده ای ندارد که از پیشینه جلوه ها بنویسیم. چرا که حداقل بهنام در دو دهه اخیر غریب زندگی می‌کرد و هر از گاهی با ما به

■ سال ۱۹۹۳ میلادی - اولین کاپیتانی بهنام جلوه در انتخابی قهرمانی جهان در استرالیا و جام اکو در پاکستان به همراه امیر حیدری (مربی) و مانسوموتو، سرمربی ژاپنی تیم ملی والیبال ایران. بابک مظفری، پاسور تیم ملی پشت سر بهنام در سمت راست دیده می‌شود

■ سیدنی استرالیا در سال ۱۹۹۴، از چپ: بهنام جلوه، بابک مظفری و سیف الله ترابی



افتخارات بهنام جلوه

■ سال ۱۹۸۸ - ورود بار دو تیم ملی ایران با دعوت استاد مسعود صالحیه

■ سال ۱۹۸۹ - کره جنوبی (حضور در قهرمانی مردان آسیا و کسب عنوان هشتم، سرمربی: مسعود صالحیه)

■ سال ۱۹۹۱ - بندر پرت استرالیا (حضور در قهرمانی مردان آسیا و کسب عنوان هفتم، سرمربی: محمدعلی حیدر خان)

■ سال ۱۹۹۳ - بانکوک - تایلند (حضور در قهرمانی مردان آسیا و کسب عنوان پنجم، سرمربی: ماتسو موتو - ژاپن)

■ سال ۱۹۹۳ - مفتخر به عنوان کاپیتانی تیم ملی والیبال ایران با رأی کمیته فنی و هیات رئیسه و تایید محمدرضا یزدانی خرم ریاست وقت فدراسیون والیبال ایران

■ سال ۱۹۹۳ - سیدنی - استرالیا (اولین کاپیتانی و حضور در مسابقات انتخابی قهرمانی مردان جهان و کسب عنوان چهارم انتخابی، سرمربی: ماتسو موتو)

■ سال ۱۹۹۳ - اسلام آباد - پاکستان (کاپیتانی و حضور شایسته و غرور آفرین در جام کشورهای عضو اکو و کسب عنوان اول با بازیهای درخشان، سرمربی: ماتسو موتو)

■ سال ۱۹۹۲ - هیروشیما - ژاپن (حضور در مسابقات باشگاههای آسیا جام صلح به همراه تیم بنیاد شهید تهران و کسب عنوان پنجم، سرمربی: مهدی صابرپور)

■ سال ۱۹۹۳ - هیروشیما - ژاپن (حضور در مسابقات باشگاههای آسیا جام صلح به همراه تیم بانک ملی تهران و کسب عنوان پنجم سرمربی: سید محمود دلاورخان)

■ عضویت در تیم های مطرح و صاحب نام باشگاهی رسالت، شیشه و گاز، پاس تهران، بانک تجارت تهران، بنیاد شهید تهران، بانک ملی تهران و پیکان تهران

■ عضویت در تیم منتخب تهران در سه دوره لیگ سراسری استان های مطرح ایران

■ عضویت در تیم منتخب شهرهای ایران

■ عضویت در تیم منتخب نیروهای مسلح ایران

■ شرکت در مسابقات والیبال ارتش های جهان (سیزم) در کشور ایتالیا به همراه تیم منتخب والیبال نیروهای مسلح ایران

■ عضویت در تیم منتخب ایران در جام طلایی بنگلادش و کسب عنوان قهرمانی

■ انتخاب به عنوان یکی از بهترین بازیکنان باشگاهی تهران از سوی (مجلات کیهان ورزشی، دنیای ورزش، هفته نامه هدف، هفته نامه بشیر و روزنامه های کیهان، اطلاعات و صبح آزادگان)

■ انتخاب بازیکن اخلاق از سوی مجله کیهان ورزشی در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷

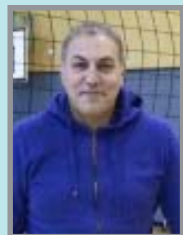
تصحیح خبر خبرگزاری ها و سایت های خبری

شایان ذکر است که بسیاری از خبرگزاری ها و سایت های خبری والیبال به دلیل شتاب، سرعت خبر و عدم آگاهی عنوان کرده بودند که بهنام جلوه در سال های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۹ عضو تیم ملی بوده است که اشتباهی فاحش بود و ایشان در این دو سال عضو تیم ملی نبود. او بعد از قهرمانی ایران در جام اکو در سال ۱۹۹۳ در پاکستان دیگر در تیم ملی حضور نداشت!

نگاه کارشناس

گلایه های از راه دور جاوید نجفی در سوگ بهنام جلوه

قدر همدیگر را بیشتر بدانیم



جاوید نجفی از اروپا با کیهان ورزشی تماس گرفت و حرفهای بسیار ارزشمندی را پیرامون درگذشت و مرگ بهنام جلوه عنوان کرد.

جاوید نجفی بازیکن طراز بالای والیبال

ایران در نوجوانی به مسابقات باشگاهی رسید. او از مسابقات آموزشگاهی با مربیگری داریوش جمالی به همراه دوست شفیق اش بیژن کاظمی اوج گرفت. او از ملی پوشان اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت است. جاوید، تجربه اولین حضور ایران در تیم ملی والیبال ایران در قهرمانی مردان آسیا با شماره ۱۰ (در سال ۱۹۷۹ در بحرین) را در کارنامه دارد. او در اوج به اروپا رفت. در کشور لوکزامبورگ ساکن و در اروپا بازی کرد. او بیش از سه دهه است که در کشور لوکزامبورگ زندگی می کند و عاشقانه والیبال و رویه های آن را تعقیب می کند. و همواره مسائل والیبال داخل ایران را به وسواس خاص خودش آنالیز می کند. جاوید، در هنگام لیگ ملت ها جهان و یا قهرمانی جهان که در اروپا برگزار می شد به دیدار بازیکنان نسل جدید و مربیان ایرانی در کشور های مختلف می رفت تا اشتیاق و دلبستگی خود را به والیبال ایران نشان بدهد!

جاوید نجفی؛ پس با خبر شدن از مرگ بهنام جلوه کاپیتان تیم ملی والیبال ایران، سخت آشفته و متاثر بود. او به شدت از درگذشت بهنام جلوه بسیار ناراحت است و مثل گذشته با صدای رسا می گوید: من بهنام جلوه را از گذشته می شناختم. البته چون همواره ما نبود، با ایشان حشر و نشری نداشتم. اما از اینکه که یک ملی پوش خوش اخلاق و شایسته را از دست دادیم، واقعا متاثر هستم. شما استاد حمیدی شاهد بودید که دو سال پیش، برای دیدن دوستانم از لوکزامبورگ به مارماریس ترکیه محل برگزاری مسابقات پیشکسوتان شتافتم. من داوطلبانه به اتفاق پرویز کاظمی ملی پوش اسبق ایران و مسعود نظار دیگر والیبالیست باشگاهی رنج سفر را با هزینه شخصی به جان خریدیم تا دیدار با دوستان که خاطرات فراوان با آنها داشتم، راتازه کنیم. ولی متأسفانه من در عجبم که با وجود کوتاه بودن عمر همگان، چرا دوستان مادر داخل خاک ایران به سراغ همدیگر نمی روند تا موقع مرگ، تاسف بخورند و در غیاب یاران دیرین و سفر کرده، به خانواده هایشان تسلیت بگویند! چه عیبی دارد که از حال هم خبردار شویم. محبت کردن و باهم در تماس بودن، مگر چقدر هزینه دارد که ما توانایی انجام آن را نداریم؟ واقعا صد افسوس و هزار حرمان، حیفاست که قدر همدیگر را ندانیم و از زندگی و حال هم بی خبر باشیم. باید عاشقانه نگاه کرد و قدر زمان حال و عشق ورزیدن به یاران را بیشتر بدانیم. در پایان هم به روح بهنام عزیز درود می فرستم و برای یاران باقیمانده والیبال ایران سلامتی و تندرستی آرزو دارم.



هفته سیزدهم لیگ برتر والیبال بانوان باشگاههای ایران

ذوب آهن پرواز کرد و پیکان ناکام ماند!

هفته سیزدهم لیگ برتر والیبال بانوان باشگاههای ایران با انجام دو بازی در اصفهان وی بازی در تهران دنبال شد و ذوب آهن با شکست تیم مس رفسنجان و شکست سایپا مقابل مهرسان تهران جواز صعود به پلی آف را گرفت. قبل از این سایپای تهران، فولادسیاهان اصفهان و مهرسان تهران به مرحله پلی آف رسیده بودند. در هفته سیزدهم مهرسان تهران در یک بازی عالی پیروزی را مقابل پیکان به دست آورد و مانع از صعود پیکان شد. مهرسان بازی اخلاقمدار داشت و برخلاف تصور برخی از حرافان، تسانی نکرد تا به نیلوفر رشیدی مربی مهرسان تریک بگویم.

پیکان تهران صفر.....	مهرسان تهران ۳
(۲۲ بر ۲۱، ۲۵ بر ۱۸ و ۲۵)	
ذوب آهن اصفهان ۳.....	مس رفسنجان صفر
(۲۶ بر ۲۵، ۲۴ بر ۱۶ و ۲۵)	
فولاد مبارک گسیهان صفر.....	سایپا تهران ۳
(۱۷ بر ۱۷، ۲۵ بر ۱۷ و ۲۵)	

جدول این رقابت ها در پایان هفته سیزدهم بدین شکل است:

جدول این رقابت ها در پایان هفته سیزدهم

- ۱- سایپا تهران ۱۰ برد و ۳۰ امتیاز
- ۲- فولاد مبارک گسیهان ۱۰ برد و ۲۸ امتیاز
- ۳- مهرسان تهران ۸ برد و ۲۵ امتیاز
- ۴- ذوب آهن اصفهان ۵ برد و ۱۶ امتیاز
- ۵- هوران یزدسه برد و ۶ امتیاز
- ۶- پیکان تهران دو برد و ۸ امتیاز
- ۷- مس رفسنجان یک برد و ۴ امتیاز

بهترین های هفته سیزدهم لیگ برتر بانوان ایران

بهترین تیم: مهرسان تهران

بهترین بازی: پیکان تهران صفر - مهرسان تهران ۳

بهترین مربی: نیلوفر رشیدی (مهرسان)

بهترین بازیکن: مهسا صابری (مهرسان)

بهترین پاسور: شبنم علیخانی (سایپا)

بهترین اسپیکر سرعتی و دفاع میانی: زهرا صالحی، (مهرسان) و پوران زارع (سایپا)

بهترین اسپیکر قدرتی در یافت کننده: مهتاب رحمانی (سایپا) و حسن خانی (ذوب آهن)

بهترین پشت خطزن قطر پاسور: مهسا کدخدا (سایپا) و سپیوند دست بردن (پیکان)

بهترین لیبرو: نگار کیانی (سایپا)

تیم منتخب هفته سیزدهم لیگ برتر بانوان ایران

مهسا صابری، شبنم علیخانی، زهرا صالحی، پوران زارع، مهتاب رحمانی، حسن خانی، مهسا کدخدا، سپیوند دست بردن، لیبرو: نگار کیانی، مربی هفته: نیلوفر رشیدی

آتشبازی اسپورتینگ در پرتغال ویارئال، آسمان بارسلونا را ابری کرد

■ اشکان هوشمند

لیگ‌های فوتبال اروپا هفته گذشته برگزار شد. در اسپانیا، بارسلونا متحمل شکستی سنگین شد. آبی‌اناری‌ها که در خانه از ویارئال پذیرایی می‌کردند با نتیجه ۳-۵ تسلیم حریف شدند. رئال مادرید به سختی و با نتیجه ۲-۱ از سد میزبان‌ش لاس‌پالماس گذشت و اتلتیکو با ۲ گل والنسیا را پشت سر گذاشت. در ایتالیا، جدال حساس لاتزیو و ناپولی با تساوی بدون گل خاتمه یافت. یوونتوس مقابل میهمانش امپولی ۱-۱ کرد. اینتر با تک گل مارتینز بر فیورنتینا فائق آمد.

رم ۱-۲ سالرنیتانا را شکست داد و میلان برابر بولونیا تن به تساوی ۲-۲ داد. در آلمان، لورکوزن که با ۴۹ امتیاز در صدر جدول قرار دارد، مقابل میهمانش گلدباخ با تساوی بدون گل متوقف شد. بایرن مونیخ در جدالی پرگل ۳-۲ آگزبورگ را برد و فاصله‌اش را با لورکوزن به ۲ امتیاز کاهش داد. دورتموند نیز مقابل بوخوم برتری ۳-۱ را جشن گرفت. در فرانسه، شاهد رقابت حساس بین تیم‌های مارسی و موناکو بودیم که این دیدار در نهایت با تساوی ۲-۲ به پایان رسید. لیون در خانه برابر رن تن به شکست ۳-۲ داد و پاری سن ژرمن مقابل برست به تساوی ۲-۲ رضایت داد. در پرتغال، اسپورتینگ جشنواره گل به راه انداخت و با ۸ گل کاساپیا را به آتش کشید. بنفیکا ۱-۴ استرلا را مغلوب کرد و پورتو با درخشش اوانیلسون ۳-۱ فارنسی را از پیش رو برداشت. هفته بیست و دوم لیگ برتر انگلیس هم طی روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم بهمن برگزار شد که نتایج آن در شماره بعدی مجله به چاپ خواهد رسید.

نتایج

اسپانیا- هفته ۲۲

■ آلمریا-صفر- آلاوس ۳

گل: اومردیون (۱۰ و ۸۸) ریوجا (۵۲- پنالتی)

■ سوسیداد-صفر- وایه کانو صفر

■ لاس پالماس-۱- رئال مادرید ۲

گل: مونوز (۵۳) برای لاس پالماس، وینیسیوس (۶۵) شوامنی (۸۴) برای رئال

■ بارسلونا ۳- ویارئال ۵

گل: گوندوگان (۶۰) پدری (۶۸) بایی (۷۱) بازیکن حریف برای بارسلونا، مورنو (۴۱)

آخوماچ (۵۴) گوئدس (۸۴) سورلوس (۹۰+۹)

مورالس (۹۰+۱۲) برای ویارئال

■ مایورکا-صفر- بتیس ۱

گل: آلتیمیرا (۴۵)

■ سلتاویگو-صفر- خیرونا ۱

گل: پورتو (۲۰)

■ کادیز-صفر- بلبائو صفر

■ سویا ۱- اوساسونا ۱

گل: برنال (۲۴) برای سویا، بودیمیر (۵۵)

برای اوساسونا

■ اتلتیکومادرید ۲- والنسیا صفر

گل: لینو (۴۵) دیای (۵۷)

■ ختافه ۲- گرانادا صفر

گل: گرینوود (۲۱) مایورال (۳۶)

ایتالیا- هفته ۲۲

■ کالیاری ۱- تورینو ۲

گل: ویولا (۷۷) برای کالیاری، زاپاتا (۲۳)

ریچی (۴۵) برای تورینو

■ آتالانتا ۲- اودینزه صفر

گل: میرانچوک (۳۳) اسکاماکا (۴۵)

■ یوونتوس ۱- امپولی ۱

گل: ولاهویچ (۵۰) برای یوونتوس، بالدانزی (۷۰) برای امپولی

■ میلان ۲- بولونیا ۲

گل: چیک (۴۵ و ۸۳) برای میلان، زیرکزی (۲۹) اورسولینی (۹۰- پنالتی) برای بولونیا

■ جنوا ۲- لچه ۱

گل: رتگی (۷۰) اکوبان (۷۶) برای جنوا، کرسٹوویچ (۳۱) برای لچه

■ مونزا ۱- ساسولو صفر

گل: کولیانی (۳۱)

■ ورونا ۱- فروزینونه ۱

گل: سوسلوف (۴۵- پنالتی) برای ورونا، خورخه (۵۸) برای فروزینونه

■ لاتزیو-صفر- ناپولی صفر

■ فیورنتینا-صفر- اینتر ۱

گل: مارتینز (۱۴)

■ سالرنیتانا ۱- رم ۲

گل: کاستانوس (۷۰) برای سالرنیتانا، دیبالا (۵۱- پنالتی) پلگرینی (۶۶) برای رم

■ آلمان- هفته ۱۹

■ فرانکفورت ۱- ماینس صفر

گل: گوتزه (۷۰)

■ آگزبورگ ۲- بایرن مونیخ ۳

گل: دمیرویچ (۵۲ و ۹۰- پنالتی) برای آگزبورگ، پاولویچ (۲۳) دیویس (۴۵) کین (۵۸) برای بایرن

■ هوفنهایم ۱- هایدنهایم ۱

گل: کراماریچ (۴۵- پنالتی) برای هوفنهایم، دینکچی (۲۹) برای هایدنهایم

■ اشتوتگارت ۵- لایپزش ۲

گل: میلو (۲۵- پنالتی) اونداو (۳۰، ۵۶ و ۷۵) لوئینگ (۴۸) برای اشتوتگارت، سسکو (۳۲) اوپندا (۵۵) برای لایپزش

■ وردربرمن ۳- فرایبورگ ۱

گل: داکش (۹- پنالتی) نیچنما (۵۳) مالاتیینی (۹۰) برای وردربرمن، گریفو (۲۸- پنالتی) برای فرایبورگ

■ ولفسبورگ ۱- کلن ۱

گل: پاردس (۴۰) برای ولفسبورگ، آلیدو

(۳۸) برای کلن

■ لورکوزن-صفر- گلدباخ صفر

■ بونیون برلین ۱- دارمشتات صفر

گل: هولرباخ (۶۲)

■ دورتموند ۳- بوخوم ۱

گل: فولکرگ (۷- پنالتی، ۷۲ و ۹۰- پنالتی) برای دورتموند، اشلوتربک (۴۵- بازیکن حریف) برای بوخوم

فرانسه- هفته ۱۹

■ لیون ۲- رن ۳

گل: هنریکه (۵۷) لاکازته (۷۸) برای لیون، ترییر (۲۲ و ۴۱) دوئه (۳۶) برای رن

■ نیس ۱- متز صفر

گل: گودسند (۷۶- پنالتی)

■ مارسی ۲- موناکو ۲

گل: اوبامیانگ (۳۸) بالردی (۵۰) برای مارسی، بن یدر (۷) آکلیوش (۴۵) برای موناکو

■ مون پلیه-صفر- لیل صفر

■ کلرمون ۱- استراسبورگ ۱

گل: نیکولسون (۵۲) برای کلرمون، دیون (۳۴) برای استراسبورگ

■ لوریان ۳- لوآور ۳

گل: لوزا (۳۳) کاری (۵۱) بامبا (۹۰) برای لوریان، سابی (۱۵- پنالتی) آیو (۸۵ و ۹۰+۴) برای لوآور

■ رنس-صفر- نانت صفر

■ تولوز-صفر- لانس ۲

گل: کاستا (۴۲) دیوف (۵۵)

■ پاری سن ژرمن ۲- برست ۲

گل: اسنسیو (۳۸) موانی (۴۵) برای پاری سن ژرمن، کامارا (۵۵) لاژ (۸۰) برای برست

پرتغال- هفته ۱۹

■ بوآویشتا ۱- پورتیمونزه ۴

گل: ماکوتا (۶۸) برای بوآویشتا، والرا (۱۸) جاسیر (۲۵) کارلینهوس (۳۵) کامپوس (۹۰) برای پورتیمونزه

آلمان						
تیم	بازی	برد	مساوی	باخت	گل-+/-	تفاضل امتیاز
۱- بایرلورکوزن	۱۹	۱۵	۴	۰	۱۴-۵۰	۴۹
۲- بایرن مونیخ	۱۹	۱۵	۲	۲	۱۸-۵۶	۴۷
۳- اشتوتگارت	۱۹	۱۲	۱	۶	۲۵-۴۲	۳۷
۴- دورتموند	۱۹	۱۰	۶	۳	۲۶-۴۰	۳۶
۵- لایپزش	۱۹	۱۰	۳	۶	۲۶-۴۲	۳۳
۶- اینترراخت	۱۹	۸	۷	۴	۲۲-۳۰	۳۱
۷- فرایبورگ	۱۹	۸	۴	۷	۳۱-۲۵	۲۸
۸- هوفنهایم	۱۹	۷	۴	۸	۳۷-۲۳	۲۵
۹- وردربرمن	۱۹	۶	۵	۸	۳۲-۲۸	۲۳
۱۰- هایدنهایم	۱۹	۶	۵	۸	۳۵-۲۸	۲۳
۱۱- ولفسبورگ	۱۹	۶	۴	۹	۳۰-۲۳	۲۲
۱۲- مونشن گلدباخ	۱۹	۵	۶	۸	۲۸-۳۵	۲۱
۱۳- آگزبورگ	۱۹	۵	۶	۸	۳۶-۲۸	۲۱
۱۴- بوخوم	۱۹	۴	۸	۷	۲۷-۲۱	۲۰
۱۵- بونیون برلین	۱۸	۵	۲	۱۱	۳۲-۱۸	۱۷
۱۶- کلن	۱۹	۲	۶	۱۱	۳۴-۱۲	۱۲
۱۷- ماینس	۱۸	۱	۸	۹	۳۰-۱۴	۱۱
۱۸- دارمشتات	۱۹	۲	۵	۱۲	۴۷-۲۲	۱۱

پرتغال						
تیم	بازی	برد	مساوی	باخت	گل-+/-	تفاضل امتیاز
۱- اسپورتینگ	۱۹	۱۶	۱	۲	۳۴-۵۳	۴۹
۲- بنفیکا	۱۹	۱۵	۳	۱	۱۲-۴۱	۴۸
۳- پورتو	۱۹	۱۴	۲	۳	۱۳-۳۳	۴۴
۴- براگا	۱۸	۱۱	۳	۴	۲۶-۴۲	۳۶
۵- ویتوریا گیمارش	۱۹	۱۱	۳	۵	۲۰-۳۱	۳۶
۶- موربسنسی	۱۹	۹	۵	۵	۲۳-۲۵	۳۲
۷- فارنسی	۱۹	۷	۳	۹	۲۷-۲۷	۲۴
۸- اروکا	۱۹	۶	۴	۹	۲۶-۳۰	۲۲
۹- ژیل ویسنته	۱۹	۶	۴	۹	۳۱-۳۰	۲۲
۱۰- فاماالیسانو	۱۹	۵	۷	۷	۲۳-۱۸	۲۲
۱۱- پورتیمونزه	۱۹	۶	۳	۱۰	۳۹-۲۲	۲۱
۱۲- بوآویشتا	۱۹	۵	۵	۹	۳۷-۲۷	۲۰
۱۳- کاساپیا	۱۹	۵	۴	۱۰	۳۴-۱۹	۱۹
۱۴- استرلا	۱۹	۴	۶	۹	۳۱-۱۹	۱۸
۱۵- استوریل	۱۸	۵	۲	۱۱	۳۴-۳۲	۱۷
۱۶- ریوآوه	۱۸	۳	۷	۸	۲۸-۱۹	۱۶
۱۷- ویزلا	۱۹	۲	۷	۱۰	۳۷-۱۸	۱۳
۱۸- جاوز	۱۸	۳	۳	۱۲	۴۴-۱۸	۱۲

فرانسه						
تیم	بازی	برد	مساوی	باخت	گل-+/-	تفاضل امتیاز
۱- پاری سن ژرمن	۱۳	۵	۱	۷	۳۰-۴۶	۴۴
۲- نیس	۱۹	۱۱	۵	۳	۱۱-۲۰	۳۸
۳- برست	۱۹	۱۰	۵	۴	۱۷-۲۹	۳۵
۴- موناکو	۱۹	۱۰	۴	۵	۲۷-۳۶	۳۴
۵- لیل	۱۹	۸	۸	۳	۱۴-۲۴	۳۲
۶- رنس	۱۹	۹	۳	۷	۲۴-۲۵	۳۰
۷- مارسی	۱۹	۷	۸	۴	۲۱-۲۸	۲۹
۸- لانس	۱۹	۸	۵	۶	۱۹-۲۳	۲۹
۹- رن	۱۹	۶	۷	۶	۲۴-۲۸	۲۵
۱۰- استراسبورگ	۱۹	۶	۷	۶	۲۴-۲۰	۲۵
۱۱- لوآور	۱۹	۵	۸	۶	۲۳-۲۲	۲۳
۱۲- مون پلیه	۱۹	۴	۸	۷	۲۳-۱۹	۱۹
۱۳- نانت	۱۹	۵	۴	۱۰	۳۰-۲۰	۱۹
۱۴- تولوز	۱۹	۳	۸	۸	۲۵-۱۶	۱۷
۱۵- متز	۱۹	۴	۴	۱۱	۲۹-۱۶	۱۶
۱۶- لیون	۱۹	۴	۴	۱۱	۳۳-۱۹	۱۶
۱۷- کلرمون	۱۹	۳	۶	۱۰	۲۸-۱۴	۱۵
۱۸- لوریان	۱۹	۲	۷	۱۰	۴۱-۲۴	۱۳



***موریرنسی ۱- فامالیسائو صفر**

گل: ماراکاس (۸۲)

***فارنسی ۱- پورتو ۳**

گل: دوارته (۵۹- پنالتی) برای فارنسی،
اوانیلسون (۳۵ و ۷۶) وارلا (۴۱) برای پورتو

***اروکا ۵- ویزلا صفر**

گل: موخیکا (۱۱ و ۸۷) گونزالز (۱۷- پنالتی
و ۹۰) پیرا (۵۰- بازیکن حریف)

***ویسنته ۱- گیمارش صفر**

گل: دومینگوئز (۸۵)

***استرلا ۱- بنفیکا ۴**

گل: جابا (۲۸) برای استرلا، کابرال (۴۴) سیلوا
(۴۵) اوتامندی (۵۳) لئوناردو (۹۰) برای بنفیکا

***اسپورتینگ ۸- کاساپیا صفر**

گل: کوآنس (۱۴ و ۸۲) گیوکرس (۲۳) و
۳۲- پنالتی) گونکالوس (۲۵) ترینکاو (۴۳) و
(۹۰) کاتامو (۶۵)

***ریوآوه-استوریل**

این بازی چهارشنبه ۱۱ بهمن برگزار شد

***براکا-چاوز**

این بازی پنجشنبه ۱۲ بهمن برگزار شد

برنامه بازی های دور آینده

انگلیس - هفته ۲۳

شنبه - ۱۴ بهمن: اورتون-تاتنهام، برایتون-
کریستال پالاس، برنلی-فولام، نیوکاسل-لوتون،
شفیلد-استون ویلا

یکشنبه - ۱۵ بهمن: بورنموث-تاتنهام،

چلسی-ولورهمپتون، منچستر یونایتد-وستهم،

آرسنال-لیورپول

دوشنبه - ۱۶ بهمن: برنتفورد-
منچستر سیتی

اسپانیا - هفته ۲۳

جمعه - ۱۳ بهمن: بلبائو-مايورکا

شنبه - ۱۴ بهمن: والنسیا-آلمریا، گرانادا-لاس

پالماس، آلاوس-بارسلونا، خیرونا-سوسیداد

یکشنبه - ۱۵ بهمن: ویارئال-کادیز،

اوساسونا-سلتاویگو، بتیس-ختافه، رئال

مادرید-اتلتیکو مادرید

دوشنبه - ۱۶ بهمن: وایه کانو-سویا

ایتالیا - هفته ۲۳

جمعه - ۱۳ بهمن: لچه-فیورنتینا

شنبه - ۱۴ بهمن: امپولی-جنوا، اودینزه-
مونزا، فروزینونه-میلان، بولونیا-ساسولو

یکشنبه - ۱۵ بهمن: تورینو-سالرنیتانا،

ناپولی-ورونا، اتالانتا-لاتزیو، اینتر-یوونتوس

دوشنبه - ۱۶ بهمن: رم-کالیاری

آلمان - هفته ۲۰

جمعه - ۱۳ بهمن: هایدنهایم-دورتموند

شنبه - ۱۴ بهمن: بایرن مونیخ-گلادباخ،

بوخوم-آگزبورگ، دارمشتات-لورکوزن،

فرایبورگ-اشتوتگارت، ماینس-وردربرمن،

کلن-فرانکفورت

یکشنبه - ۱۵ بهمن: ولفسبورگ-هوفنهایم،

لایپزیگ-یونیون برلین

فرانسه - هفته ۲۰

جمعه - ۱۳ بهمن: استراسبورگ-پاری سن

ژرمن

شنبه - ۱۴ بهمن: رن-مون پلیمه، نانت-
لانس

یکشنبه - ۱۵ بهمن: موناکو-لواور، لیل-
کلرمون، متز-لوریان، رنس-تولوز، برست-نیس،
لیون-مارسی

پرتغال - هفته ۲۰

شنبه - ۱۴ بهمن: پورتیمونزه-اروکا،

فامالیسائو-اسپورتینگ

یکشنبه - ۱۵ بهمن: پورتو-ریوآوه، چاوز-
فارنسی، ویزلا-گیمارش، بنفیکا-ویسنته،

استوریل-استرلا

دوشنبه - ۱۶ بهمن: براگا-موریرنسی،

کاساپیا-بواویستا

گلزنان برتر

انگلیس: صلاح از لیورپول و هالند

از منچستر سیتی هر کدام با ۱۴ گل،

اسپانیا: دوویک از خیرونا، بلینگام از

رئال و مایورال از ختافه هر کدام با ۱۴

گل، **ایتالیا:** مارتینز از اینتر با ۱۹ گل،

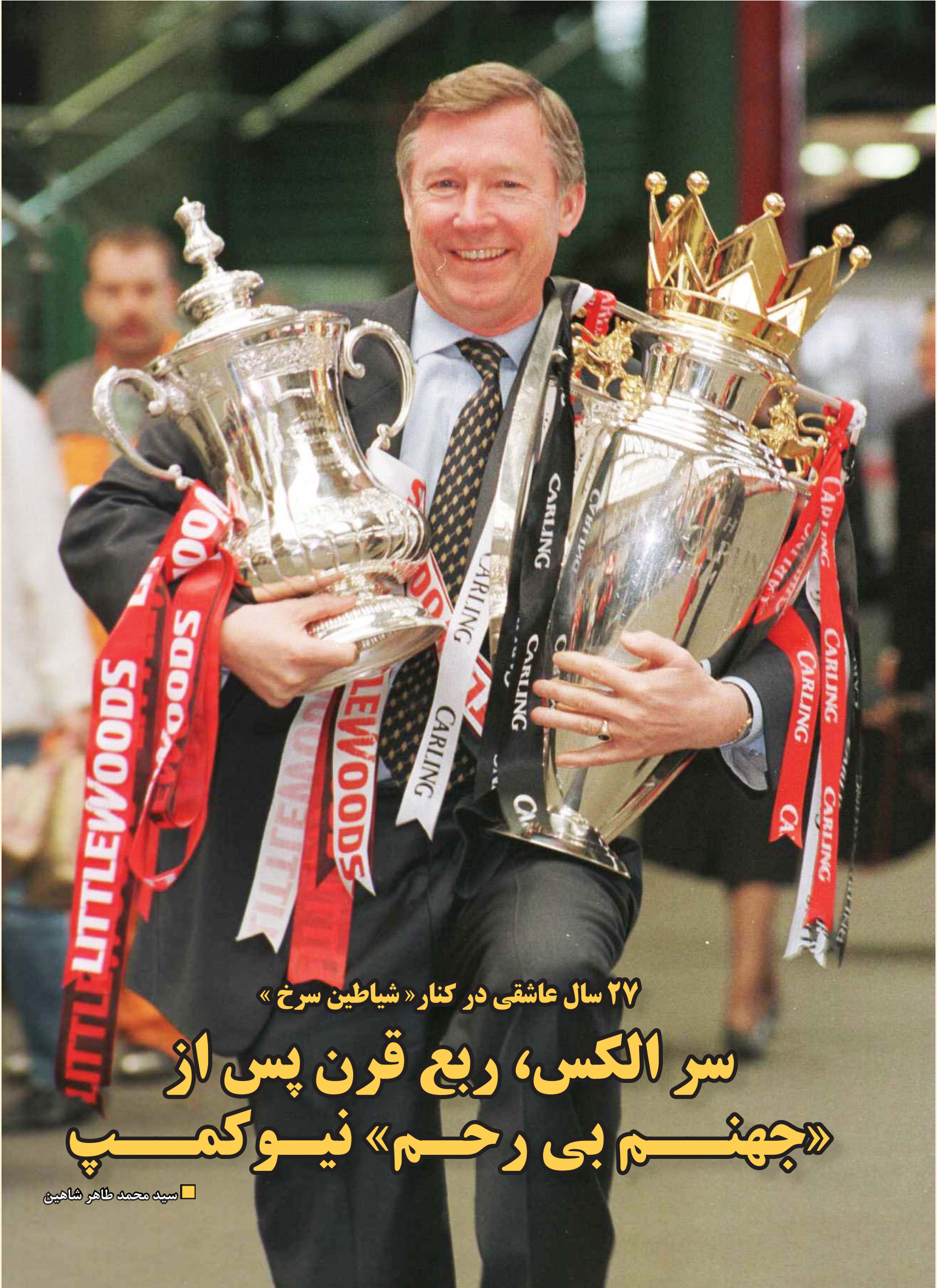
آلمان: کین از بایرن مونیخ با ۲۳ گل،

فرانسه: امبابه از پاری سن ژرمن با ۱۹

گل، **پرتغال:** گیوکرس از اسپورتینگ با

۱۴ گل

اسپانیا							ایتالیا							انگلسان						
امتیاز	تفاضل	گل-+/-	بخت	مساوی	برد	بازی	امتیاز	تفاضل	گل-+/-	بخت	مساوی	برد	بازی	امتیاز	تفاضل	گل-+/-	بخت	مساوی	برد	بازی
۵۵	۲۷	۵۲-۲۵	۱	۴	۱۷	۲۲	۵۴	۴۰	۵۰-۱۰	۱	۳	۱۷	۲۱	۴۸	۲۹	۴۷-۱۸	۱	۶	۱۴	۲۱
۵۴	۳۱	۴۵-۱۴	۱	۳	۱۷	۲۱	۵۳	۲۳	۳۶-۱۳	۱	۵	۱۶	۲۲	۴۳	۲۵	۴۸-۲۳	۳	۴	۱۳	۲۰
۴۴	۱۹	۴۲-۲۳	۵	۲	۱۴	۲۱	۴۶	۱۸	۴۳-۲۵	۴	۴	۱۴	۲۲	۴۳	۲۲	۴۲-۲۰	۴	۴	۱۳	۲۱
۴۴	۱۴	۴۳-۲۹	۳	۵	۱۳	۲۱	۳۶	۱۶	۳۷-۲۱	۷	۳	۱۱	۲۱	۴۳	۱۶	۴۳-۲۷	۴	۴	۱۳	۲۱
۴۲	۱۷	۳۸-۲۱	۴	۶	۱۲	۲۲	۳۵	۱۰	۳۶-۲۶	۷	۵	۱۰	۲۲	۴۰	۱۳	۴۴-۳۱	۵	۴	۱۲	۲۱
۳۶	۱۱	۳۲-۲۱	۴	۹	۹	۲۲	۳۴	۷	۲۹-۲۲	۷	۴	۱۰	۲۱	۳۵	۳	۳۵-۳۲	۶	۵	۱۰	۲۱
۳۴	۱	۲۵-۲۴	۴	۱۰	۸	۲۲	۳۴	۴	۲۴-۲۰	۷	۴	۱۰	۲۱	۳۲	۵	۳۸-۳۳	۵	۸	۸	۲۱
۳۳	۱	۲۷-۲۶	۸	۵	۹	۲۲	۳۳	۵	۲۵-۲۰	۴	۹	۸	۲۱	۳۲	-۵	۲۴-۲۹	۹	۲	۱۰	۲۱
۳۱	۳	۲۲-۱۹	۹	۴	۹	۲۲	۳۲	۵	۳۰-۲۵	۷	۵	۹	۲۱	۳۱	۴	۳۵-۳۱	۸	۴	۹	۲۱
۲۹	۰	۲۸-۲۸	۶	۸	۷	۲۱	۳۱	۱	۲۰-۱۹	۶	۷	۸	۲۱	۲۹	۹	۴۱-۳۲	۱۰	۲	۹	۲۱
۲۶	-۵	۲۲-۲۷	۱۰	۵	۷	۲۲	۲۸	-۲	۲۴-۲۶	۸	۷	۷	۲۲	۲۹	-۱	۳۰-۳۱	۸	۵	۸	۲۱
۲۶	-۶	۲۶-۳۲	۹	۵	۷	۲۱	۲۸	-۷	۲۱-۲۸	۸	۷	۷	۲۲	۲۵	-۱۱	۲۸-۳۹	۹	۴	۷	۲۰
۲۴	-۸	۱۸-۲۶	۷	۹	۵	۲۱	۲۳	-۱۲	۲۹-۴۱	۱۱	۵	۶	۲۲	۲۴	-۸	۲۸-۳۶	۱۱	۳	۷	۲۱
۲۳	-۱۲	۳۳-۴۵	۱۱	۵	۶	۲۲	۲۱	-۱۰	۲۱-۳۱	۹	۹	۴	۲۲	۲۲	-۴	۲۹-۳۳	۱۰	۴	۶	۲۰
۲۰	-۷	۱۹-۲۶	۸	۱۱	۳	۲۲	۱۹	-۱۱	۲۶-۳۷	۱۲	۴	۵	۲۱	۲۱	-۱۲	۲۲-۳۴	۱۰	۶	۵	۲۱
۱۷	-۹	۲۷-۳۶	۱۱	۸	۳	۲۲	۱۸	-۱۰	۲۰-۳۰	۱۲	۶	۴	۲۲	۲۰	-۱۲	۲۶-۳۸	۱۱	۵	۵	۲۱
۱۷	-۱۱	۲۱-۳۲	۱۱	۸	۳	۲۲	۱۸	-۱۴	۲۳-۳۷	۸	۱۲	۲	۲۲	۱۷	-۴	۲۴-۲۸	۱۰	۳	۸	۲۱
۱۶	-۱۶	۱۵-۳۱	۱۰	۱۰	۲	۲۲	۱۸	-۱۷	۲۱-۳۸	۱۲	۶	۴	۲۲	۱۶	-۱۴	۲۴-۳۸	۱۲	۴	۴	۲۰
۱۱	-۲۲	۲۲-۴۴	۱۵	۵	۲	۲۲	۱۷	-۲۱	۱۵-۳۶	۱۳	۵	۴	۲۲	۱۲	-۲۱	۲۱-۴۲	۱۵	۳	۳	۲۱
۶	-۲۸	۲۱-۴۹	۱۶	۶	۰	۲۲	۱۲	-۲۵	۱۹-۴۴	۱۴	۶	۲	۲۲	۱۰	-۳۴	۱۷-۵۱	۱۵	۴	۲	۲۱



۲۷ سال عاشقی در کنار «شیاطین سرخ»

سر الکس، ربع قرن پس از «جهنم بی رحم» نیوکمپ

سر الکس فرگوسن در ۲۱ سالگی تقریباً در آستانه مهاجرت به کانادا قرار داشت اما در عوض به بزرگترین مربی تاریخ فوتبال بریتانیا تبدیل شد. ۲۵ سال پس از بهترین دوران ورزش وی، گزارشی مفصل از دوران کاری این مربی افسانه‌ای در مجله ماه فوریه FourFourTwo منتشر شده است.

۵ نوامبر ۱۹۸۶ را به خاطر بیاورید. در آن شب، یک نقشه طرح ریزی شد ، نقشه ای که در آن خبری از باروت یا " گای فاکس " نبود (یادآور ۵ نوامبر ۱۶۰۵ که در آن زمان گای فاکس به همراه چند تن دیگر قصد منفجر کردن پارلمان بریتانیا را داشتند که موفق نشدند). این بار بای چارلتون و رئیس باشگاه آبردین در حومه شهر گلاسکو در حال نقشه کشیدن بودند.

یک روز قبل از آن، منچستر یونایتد، ۴-۱ به ساوتهمپتون در دور سوم جام اتحادیه باخته بود ، دیداری که در آن مت لی تیسیه ۱۸ ساله، اولین دو گل دوران حرفه ای خود را به ثمر رسانده بود. " شیاطین سرخ " در لیگ، چهارمین تیم از پایین جدول بودند. هیات مدیره به این نتیجه رسیده بود که زمان برای جناب ران اتکینسون به پایان رسیده است.

فردی که برای جایگزینی انتخاب کرده بودند، الکس فرگوسن بود اما باید در موردش پرس و جو می کردند، بدون اینکه اتکینسون یا آبردین بویی ببرند. مارتین ادواردز، رئیس اسبق منچستر یونایتد، از اولین تماس تلفنی که در آن بعد از ظهر رخ داد، می گوید: "می بایست با او تماس می گرفتیم تا متوجه شویم که می خواهد به منچستر بیاید، یا نه. بعد به صورت رسمی اقدام می کردیم. اگر مستقیماً به آنها زنگ می زدم و می گفتم، مارتین ادواردز از منچستر یونایتد هستم، آنها مرا به الکس وصل نمی کردند. بنابراین مایک ادلسون، مدیر تیم با تلفنخانه باشگاه آبردین تماس گرفت و وانمود کرد که نماینده گوردون استراکن است، آنها هم او را وصل کردند."

فرگوسن در حالی که در دفتر خود نشسته بود و در آستانه تماس با آلن گوردون، که او را کاملاً می شناخت، قرار داشت، صحبت های خود را اینگونه شروع کرد: "حالت چطور است؟" اما خیلی زود فهمید که در آن سوی خط، فردی با لهجه ساختگی اسکاتلندی در حال صحبت است، تا اینکه ادلسون، گوشی را به ادواردز سپرد تا او بپرسد که فرگوسن قصد حضور در اولد ترافورد را دارد یا نه.

ادواردز ادامه می دهد: "او موافقت کرد، ما هم با اتومبیل به آنجا رفتیم، منظورم همه اعضای هیات مدیره است و در یک مجتمع خدماتی در بزرگراه با هم ملاقات کردیم." در ساعت ۷ بعد از ظهر که تلاش می کردند در تاریکی غروب شناخته نشوند، رئیس از اتومبیلی که ادلسون، چارلتون و موریس واتکینز، یکی دیگر از مدیران باشگاه، حضور داشتند، پیاده و وارد اتومبیل فرگوسن در مجتمع خدماتی همپلتون در جاده My۴ شد. دو اتومبیل، ۱۵ مایل به سمت بیشاپریگز در شمال گلاسکو رفتند؛ جایی که منزل یکی از اقوام رئیس باشگاه آبردین قرار داشت. در آنجا بود که همان پنج نفر، برای یک قرار ملاقات به توافق رسیدند، قراری که تاریخ فوتبال را تغییر می داد و فرگوسن را به موفق ترین مربی فوتبال بریتانیا تبدیل می کرد.

کانادا، نه

۴۵ سال قبل از آن، مرد اسکاتلندی واقعا در "فرگی تایم"، متولد شده بود. در آخرین لحظات سال ۱۹۴۱، در ۳۱ دسامبر آن سال. به عنوان یک مهاجم جوان پر شور، زمانی که بازی در تیم اول را در سنت جانستون دشوار دید، در آستانه سفر به کانادا قرار گرفت. فرگوسن در این خصوص می گوید: "برگه های مربوط به مهاجرت را تهیه کرده بودم. آنها را در کنشوهای کمد گذاشته بودم تا در موردش فکر کنم."

او هرگز آن برگه ها را امضا نکرد. مصدومیت های متعدد، باعث شد او به ترکیب دیدار مقابل رنجرز در آیراکس، فراخوانده شود. او هم سه گل به ثمر رساند. او بعدها به رنجرز پیوست و برای آنها در جام فرز گلزنی کرد، همین اتفاق در دانفرملاین هم افتاد. در سال ۱۹۶۷، در چهار بازی برای تیم ملی اسکاتلند، سه گل به ثمر رساند؛ یک بازی مقابل رژیم اشغالگر قدس و سه بازی برابر استرالیا، در مدت یک تور تابستانی. این مسابقات تا سال ۲۰۲۱ به عنوان بازیهای بین المللی در نظر گرفته نشده بودند تا اینکه در نهایت، این بازیها در کارنامه فرگوسن به عنوان بازیهای ملی ثبت شد.

وی که به دلیل عدم ممانعت از گل اول بیلی مک نیل در شکست ۴-۰ مقابل سلتیگ در فینال جام حذفی اسکاتلند در سال ۱۹۶۹ در همپدن پارک و مقابل دیدگان ۱۳۲ هزار

تماشاگر، مقصر شناخته می شد، دیگر در ترکیب جایی نداشت و با توجه به اکراه همسرش از نقل مکان به انگلستان، فالکرک دسته دومی را به نایتینگهام فارست ترجیح داد، جایی که خروج تلخ دیگری چشم انتظارش بود.

فرگوسن با مربیگری جان پرنس، به عنوان بازیکن- مربی به کار ادامه داد و او را از مسند مربیگری جدا کرد. این باعث شد که وی آخرین روزهای فوتبالش را تحت نظر الی مک لید در آیر، سپری کند. همان فردی که وی را به عنوان مربی تیم رده پایینی ایست استرلینگ شایر در ۳۲ سالگی معرفی کرد. خیلی سریع بازی با فالکرک اتفاق افتاد. فرگوسن که به دنبال انتقام بود، می گوید: "هفته ها برای آماده کردن بازیکنانم برای آن بازی، تلاش کردم." ایست استرلینگ شایر بازی را با ۲ گل به سود خود به پایان رساند و به اولین پیروزی مقابل تیم همسایه در ۷۰ سال اخیر دست یافت.

در حالی که در اواخر ماه اکتبر در رده های بالایی جدول حضور داشتند، سنت میرن به دنبال مرد اسکاتلندی فرستاد. نکته اینکه در آن زمان آنها بالاتر از سنت میرن در جدول قرار داشتند. پاتریک بارکلی، نویسنده شناخته شده ای که زندگینامه ای از فرگوسن را در سال ۲۰۱۰ منتشر کرد، می گوید: "او با رفیق همیشگی اش، جاک استاین صحبت کرد و پرسید که من چه کاری باید انجام دهم؟ آیا باید به یک تیم سطح پایین تر بروم؟ استاین به وی پاسخ داد که به بالاترین نقطه از جایگاه اصلی ایست استرلینگ شایر برو و همین کار را در مورد سنت میرن هم تکرار کن. پاسخ سوال خود را خواهی یافت. فرگوسن متوجه شد که باید به توانایی بالقوه یک باشگاه برای آنچه می تواند به دست آورد، توجه کند."

فرگوسن با ترک کردن ایست استرلینگ شایر بعد از ۱۱۷ روز، سنت میرن را به تیمی جوان تبدیل کرد که به دسته بالاتر صعود کرد. از همان ابتدا او به دنبال این بود که به بازیکنان رو به رشد، شانس بازی بدهد. بیلی استارک ، بازیکنی که در آن هنگام یک هافبک ۱۸ ساله بود، می گوید: "در یک بازی پیش از شروع فصل حضور پیدا کردم و فکر نمی کردم که عملکرد خوبی داشته ام. اما او فرم ها را پر کرد و در سفر بازگشت قراردادام امضا شد. او چیزی در من دیده بود. یک انگیزه باورنکردنی برای کسب موفقیت داشت که از یک مابلی هم قابل رویت بود. اگر همه توانتان را خرج نمی کردید، نمی توانستید مدت زمان زیادی را نزد وی سپری کنید."

اولین بار در سال ۱۹۷۷ بود که آبردین به سراغ فرگوسن رفت و او هم نپذیرفت. یک سال بعد، پس از اینکه بیلی مک نیل، آبردین را به مقام دوم لیگ رساند و به سلتیگ پیوست، باز هم از فرگوسن خواسته شد که به آبردین برود و این بار او راهی ورزشگاه پتادری شد ، البته نه قبل از اینکه سنت میرن از این پیشنهاد مطلع شده و به دلیل نقض قرارداد، اخراجش کند. اولین بازی اروپایی اش به عنوان مربی، با شکست مقابل مارک استانکه دیمیتروف از بلغارستان خاتمه یافت و آبردین در اولین فصل حضور فرگوسن در لیگ، چهارم شد. در ماه مارس فصل بعد، آنها در جایگاه ششم قرار داشتند تا اینکه روند باورنکردنی ۱۵ بازی بدون شکست، باعث شد برای دومین بار در تاریخ خود، مقام قهرمانی را به دست آورند. سپس در سال ۱۹۸۲، قهرمان جام حذفی اسکاتلند شدند و بعد بزرگترین دستاوردشان، در فاصله ۱۲ ماه به دست آمد. تیم رنال مادرید با مربیگری الفردو دی استفانو را در فینال جام برندگان جام شکست دادند. در این بین، آنها از سد بایرن مونیخ گذشته بودند که در مرحله قبلی به راحتی تاتنهام را شکست داده بود. بارکلی می گوید: "فرگوسن قفل توانایی های محبوبس شده آبردین را باز کرده و تیمی از بازیکنان جنگنده و ترسناک ساخته بود. وقتی بازیکنان بایرن در تونل حضور داشتند، با خود فکر می کردند که خدایا، ما با یک مشت وحشی بازی داریم!"

۱۰ روز پس از چشیدن طعم موفقیت اروپایی در گوتنبرگ، علی رغم برتری ۱-۰ مقابل رنجرز در فینال جام حذفی اسکاتلند، فرگوسن با برخوردی شدید به آنها یادآور شد که نباید در باد موفقیت گذشته باشند و استراحت کنند. فصل بعد، آنها هامبورگ را در سوپر جام اروپا شکست دادند، جام حذفی را دوباره بالای سر بردند و با هفت امتیاز اختلاف، قهرمان لیگ شدند. سال بعد هم قهرمانی لیگ با همان هفت امتیاز اختلاف، تکرار شد.

استارک که در سال ۱۹۸۳ از سنت میرن به آبردین پیوست، می گوید: "او ذهنیتی تحت فشار را در باشگاه ایجاد کرده بود و

باعث شده بود همه فکر کنند که کل دنیا آنها را دست کم می گیرند. شاید برخی از خطابه هایش هم نسنجیده بود ولی فکر می کنم که بیشترش با نقشه قبلی انجام می شد. این احساس را داشتید که تحت مربیگری او، شکست نخواهید خورد. او در کار کردن با بازیکنان و رساندن آنها به اوج توانایی شان، عالی بود. ویلی میلر، بدترین تمرین دهنده دنیاست و من فکر می کردم که سر الکس فرگوسن از او عصبانی خواهد شد ولی او هرگز چیزی نمی گفت؛ و ویلی هر شب به بهترین بازیکن تبدیل می شد. سر الکس متوجه شده بود که هر کسی تفاوت های مربوط به خود را دارد و اگر او از شما تمجید می کرد، به وجد می آمدید. متوجه می شدید که به موفقیت دست یافته اید."

فصل ۱۹۸۶-۱۹۸۵ چالش های بسیاری داشت، حداقل در لیگ. آبردین که هر دو جام اسکاتلند را به دست آورده بود، در جایگاه چهارم لیگ برتر قرار داشت و فرگوسن در همین اثنا به عنوان دستیار جاک استاین در تیم ملی اسکاتلند برای مرحله مقدماتی جام جهانی دعوت به کار شد که نهایتاً به دلیل سکته و مرگ وی در آخرین بازی مقدماتی در ماه سپتامبر، مجبور شد به عنوان مربی موقت مشغول به کار شود.

سفر ماه دسامبر به استرالیا برای جدال حذفی بین قاره ای، جایگاه اسکاتلند را برای جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک، تثبیت کرد. البته آنها در دو بازی نخست مرحله گروهی به دانمارک و آلمان غربی باختند و نتوانستند از گروه خود صعود کنند. بارکلی می گوید: "آن مسابقات اصلاً خوب تمام نشد. به صورت کلی جام جهانی هیچ وقت برای اسکاتلند خوب نبوده است ولی درخواستی هم برای حضور فرگوسن به عنوان مربی دائمی وجود نداشت."

بیا و آفتاب بگیر

به هر حال، فرگوسن تمایلی به مربیگری طولانی مدت در تیم ملی نداشت و احساس می کرد که حالا زمان رفتن به انگلستان است. در ابتدای دهه ۱۹۸۰، شفیلد یونایتد و ولورهمپتون، به سراغش رفته بودند. شفیلد یونایتد به دسته چهارم سقوط کرده بود و ولوز در تلاش برای عدم سقوط به دسته پایین تر بود و همین فرگوسن را محتاط می کرد. او درست فکر می کرد که مسائل مالی به زودی ولورهمپتون را هم راهی دسته چهارم خواهد کرد.

در سال ۱۹۸۳، او پیشنهاد رنجرز را نپذیرفت و نمی خواست به باشگاهی بازگردد که به عنوان بازیکن، رفتار مناسبی با وی نداشتند. استون ویلا هم نتوانست او را ترغیب به حضور در جنوب کند. مذاکرات با تاتنهام هم زمانی بی نتیجه ماند که آنها پیشنهاد سه ساله ای را به جای پنج ساله، مطرح کردند. آرسنال نمی خواست تا بعد از جام جهانی مکزیک منتظر بماند، در حالی که مذاکرات در بهار ۱۹۸۶ در جریان بود. فرگوسن حتی با بارسلونا هم صحبت کرده بود، چرا که به نظر می رسید تری ونبلز قصد ترک کردن نیوکمپ را دارد. در نهایت ونبلز تصمیم گرفت که بماند.

در آن موقع، بای چارلتون هم به این مرد اسکاتلندی علاقه مند شده بود. بارکلی توضیح می دهد: "در جام جهانی چارلتون گزارش تهیه می کرد. آرتور البیستون برای تیم ملی اسکاتلند و باشگاه منچستر یونایتد، بازی می کرد. او بسیار متعجب شده بود که بای وقت زیادی را در کنار تیم ملی اسکاتلند می گذراند و سولاتی نظیر، "تمرین چطور است؟" می پرسد."

وقتی منچستر یونایتد، تصمیم گرفت که در ماه نوامبر راه خود را از ران اتکینسون جدا کند، هیچ شکی وجود نداشت که به دنبال چه کسی هستند. مارتین ادواردز می گوید: "خیلی سریع تصمیم گرفتیم که او، خودش است. او را زمانی دیدم که می خواستیم گوردون استراکن را در سال ۱۹۸۴ بخریم و تحت تاثیر روشی که کار می کرد، قرار گرفتیم. وقتی نامش را به مدیران دیگر دادم، هیچ مخالفی وجود نداشت. مایک ادلسون پیشنهاد داد که شاید بهتر است تری ونبلز را در نظر بگیریم ولی من تصمیم خود را در خصوص الکس فرگوسن گرفته بودم و هیات مدیره هم از من حمایت می کرد. وقتی او را دیدیم و اعلام کرد که آماده آمدن است، فقط یک سوال باقی ماند. موریس واتکینز و من روز بعد به شمال پرواز کردیم تا با رئیس باشگاه آبردین صحبت کنیم و الکس فرگوسن را برای موافقت با مفاد قرارداد، ببینیم."

آن روز، اخراج اتکینسون تأیید شد و بلافاصله خبر ملاقات با فرگوسن، همه جا پیچید. ادواردز ادامه می دهد: "۱۹ سال از آخرین قهرمانی ما در لیگ می گذشت. ما پنج سال تحت

هدایت ران بودیم و همیشه جزو چهار تیم برتر قرار داشتیم ولی هیچگاه، غیر از یک فصل، چهره یک قهرمان را نداشتیم. این هدف ما بود. لیورپول تیم برتر لیگ بود، پس اولین کار این بود که با آنها برابری کنیم."

فرگوسن به خوبی می دانست که لیورپول چه تیمی است. او در سال ۱۹۸۰ در آنفیلد در جام اروپا با چهار گل به لیورپول باخته بود. همانطور که بعدها توضیح می دهد: "بزرگترین چالش من این بود که لیورپول را از جای امنی که قرار داشت، پایین بکشم." مثل وقتی که به سنت میرن پیوست، می دانست که باشگاه جدیدش، توانایی کسب موفقیت را دارد.

اولین بازی اش را با دو گل در آکسفورد واگذار کرد. وقتی بازی بعدی را مقابل نورویچ با تساوی بدون گل به پایان رساند، به رده یکی مانده به آخر جدول سقوط کردند. مشکلات فیزیکی در میان بازیکنان، شکست های بعدی مقابل لوتون و ویمبلدون را هم به همراه داشت ولی به جایگاه یازدهم رسیدند و با دو بار شکست دادن لیورپول، پرده از توانایی های خود برداشتند.

منچستر یونایتد، در اولین فصل حضور کامل فرگوسن، مقام دوم را به دست آورد و البته پیشرفت تداوم نداشت. منچستر در امضای قرارداد با پیتر بردزلی، قافیه را به لیورپول باخت، بعد وقت را برای به خدمت گرفتن جان بارنز از واتفورد تلف کرد و پل گاسکویین هم از دستانش لیز خورد. فرگوسن خطاب به گاسکویین گفت: "می توانم با اطمینان از امضای قرارداد با تو، به تعطیلات بروم؟" و در حالی که تضمین لازم را گرفته بود که قرارداد امضا خواهد شد، به مالت رفت. وقتی او در سفر بود، تاتنهام پیشنهاد را بالا برد، یک خانه، یک اتومبیل BMW برای پدرش و یک تخت برای آفتاب گرفتن خواهرش! بازیکن ۲۱ ساله به وایت هارت لین رفت.

در آن فصل تاتنهام از رده سیزدهم به ششم رسید، در حالی که منچستر یونایتد دوباره در جایگاه یازدهم قرار گرفت و در ۳۸ بازی، تنها ۴۵ گل به ثمر رساند. تنها ۲۳ هزار نفر در اولد ترافورد جمع شدند تا بازی مقابل ویمبلدون در اواخر فصل را تماشا کنند. فرگوسن که نگران جا افتادن فرهنگ نوشیدن مشروبات الکلی در تیمش بود، پل مک گراث و نورمن وایتساید را فروخت و هزینه بسیاری برای خرید گری پالستر (۲/۳ میلیون پوند، رکوردی برای یک مدافع بریتانیایی)، نیل وب (۱/۵ میلیون پوند)، دنی والاس (۱/۲ میلیون پوند)، پل اینس (۱ میلیون پوند) و مایک فلان (۷۵۰ هزار پوند)، صرف کرد.

علی رغم این موضوع، یونایتد در ژانویه ۱۹۹۰ در جایگاه یازدهم قرار داشت، دو امتیاز بالاتر از منطقه سقوط. آنها که به واسطه مصدومیت ها و هشت بازی بدون برد، فرسوده به نظر می رسیدند، در مرحله سوم جام حذفی راهی ناتینگهام فارست شدند. خبرهایی مبنی بر اخراج احتمالی فرگوسن در صورت باخت وجود داشت. چندین ماه بود که از هوارد کندال به عنوان جایگزین احتمالی وی نام برده می شد. همچنین صحبت هایی در خصوص اینکه تمایل مایکل نایتون به حضور بابی رابسون در ماه اکتبر، به قوت خود باقی است و هنوز با شکست مواجه نشده است. در آن فصل بنری در اولد ترافورد خودنمایی کرد: "سه سال بهانه آوردن و باز هم خرابکاری ... خداحافظ فرگی"

ادواردز در این خصوص می گوید: "در هفته پیش از بازی با ناتینگهام، با وی صحبت کردم و گفتم که اگر ببازیم، اخراج نخواهی شد. می خواستم پیش از بازی به او قوت قلب بدهم. دوم شدن در سال ۱۹۸۸، همه ما را ذوق زده کرده بود. تیم نیاز به تقویت داشت و شاید مدیریت وی کمک کرد تا به آن نقطه برسیم اما آنقدر خوب نبودیم که قهرمان شویم. صبور بودیم، به ویژه در فصل ۱۹۹۰-۱۹۸۹، چرا که پنج بازیکن خریدیم و باید به آنها وقت می دادیم که جا بیفتند. او کل سیستم استعدادیابی را عوض کرد و می دیدیم که کار با جوانان جلو می رود. پس احساس می کردیم که حمایت ما جواب می دهد."

فرگوسن در ماه می آن سال قهرمانی جام حذفی را به دست آورد. اولین جام برای یونایتد، چهار سال پس از حضورش. ادواردز می گوید: "ایمان داشتیم که این موفقیت فرا خواهد رسید. البته خوشحالم که در زمان لازم، به دست آمد. چرا که تحت فشار هواداران و سایرین قرار داشتیم."

زیدان و میک هارفورد

این فشار توسط فرگوسن هم احساس شده بود. بارکلی می گوید: "بعضی از روزنامه نگاران مرا به دلیل حمایتی در سال های ابتدایی، مسخره می کردند. آنها می گفتند، باز هم یک اسکاتلندی دیگر که نمی تواند در انگلستان موفق شود اما به



ناموفق بودیم اما او می گفت، من با همین بازیکنان از مهلکه عبور خواهم کرد و به نظرم آنها همه آماده هستند. این تصمیم، درست بود. فصل بعد ما هر دو جام را با همان بازیکنان به دست آوردیم و او دقیقا می دانست که چه می کند."

آرسنال با دنیس برگ کمپ قرارداد بست، لیورپول، استن کالیمور را به خدمت گرفت و نیوکسل، لس فردیناند و دیوید ژینولا را به ترکیب خود اضافه کرد اما فرگوسن تصمیم گرفت که یک خرید مهم انجام ندهد. بسا نفراتی چون دیوید بکام، پل اسکولز، نیکی بات و برادران نویل، منچستر شروع آرام خود را به برتری در رقابت با نیوکسل ختم کرد. فرگوسن از رسانه ها برای فشار آوردن استفاده می کرد و همیشه در افکار کوین کیگان جای داشت.

آنها نیوکسل را برای فتح دوباره لیگ در سال ۱۹۹۷، شکست دادند، اگرچه نیوکسل توانست آلن شیرر را از بلکبرن به خدمت بگیرد. ادواردز می گوید: "ما با شیرر به توافق رسیده بودیم ولی فکر می کنم که او نبود که نمی خواست برای ما بازی کند. چک واکر اجازه حضور او در تیم ما را نمی داد. او می گفت شیرر را نمی فروشید، مگر به نیوکسل. در فرانسه، ما شانس خرید زین الدین زیدان را داشتیم که می توانست خرید بزرگی برایمان باشد اما فکر می کنم الکس بر این عقیده بود که اگر زیدان را بخرد، اریک آزرده خاطر خواهد شد."

در میان بهت فرگوسن، کانتونا یک سال بعد کفش هایش را در ۳۰ سالگی آویخت و بعد منچستر قهرمانی لیگ را به آرسنال واگذار کرد، در حالی که در پایان فوریه با ۱۱ امتیاز اختلاف، صدرنشین بود.

همینی که هست! استعفا می دهیم!

پیش از شروع فصل ۱۹۹۹-۱۹۹۸، معروف ترین فصل در تاریخ منچستر یونایتد، همه چیز تعجب آور بود، حداقل برای آنها که از ماجرا خبر داشتند. فرگوسن استعفا کرد. ادواردز در خصوص یک گفت وگویی بی پرده که به سمت اشتباهی رفت، به یاد می آورد: "همه چیز خیلی سریع رخ داد. احساس می کنم که الکس فصل گذشته چشمش را از روی توپ برداشته بود. گفته بودند که در مسابقات اسب دوانی حضور داشته، گرچه خودش می گفت به این تعطیلات نیاز داشته است. فکر می کنم شاید نباید عنوان قهرمانی را از دست می دادیم و هیچ جامی هم به دست نیآوریم. به شکل باثباتی عناوین قهرمانی را درو می کردیم. پس می خواستیم که او را دوباره به مسیر بازگردانیم. او معتقد بود که برخورد، تند و خشن بوده است و یک روز بعد از ظهر استعفایش را اعلام کرد. من پذیرفتم چرا که این پیشنهاد خودش بود ولی دوست نداشتم که استعفا بدهد. در پایان آن روز، پیش از آنکه به خانه بروم، او از این کار صرف نظر کرد. در ابتدا احساس کردم که این یک واکنش بوده است و او سرانجام به حالت اول بازخواهد گشت."

فرگوسن در آن تابستان برای چند خرید تازه فشار آورد تا مشکلات حضور در لیگ قهرمانان را برطرف سازد. علی رغم دو بار قهرمانی در جام برندگان جام، رکورد جالبی در مهمترین

خاطر دارم در بین دو نیمه یکی از بازیها، فکر می کنم بازی مرحله نیمه نهایی جام حذفی در مین رود بود، مربی از جایی عبور می کرد که خبرنگاران، جای می نوشیدند. فرگوسن مرا با یک نام چهار حرفی صدا کرد. در اسکاتلند این یک کلمه محبت آمیز است و من لیخند زدم اما او انگشتش را به من زد و این کلمه را تکرار کرد. گویی چندان با محبت بیانش نمی کرد. چند هفته بعد او را در الند رود دیدم و کار احمقانه ای انجام دادم. کنترل خود را به دلیل آن القابی که به من داده بود، از دست دادم. فریاد زدم، من از تو دفاع کردم! این رفتار بسیار بدی از جانب من بود. بعد رفتم. فصل بعد، یونایتد در جام برندگان جام در مجارستان بازی داشت. با خود فکر می کردم، امیدوارم روزنامه، مرا نفرستند. ما در یک هتل خواهیم بود و من از دیدن فرگوسن، شرمسار خواهم شد اما او وارد رستوران شد و از من پرسید، چه میل داری، پدی؟ همه چیز فراموش شده بود. چندین سال بعد، یک نفر مقاله ای را به من نشان داد که ممکن بود او را تحریک کند؛ من نوشته بودم که اوضاع در اولد ترافورد به نظر خارج از کنترل فرگوسن می رسد. از کلمه "کنترل" استفاده شده بود که برای او مهمترین مسئله بود. او آن را از مت باسبی یاد گرفته بود. اگرچه باسبی زود رنج تر از فرگوسن بود اما به کنترل معتقد بود و فرگوسن هم به این موضوع کاملا مقید بود."

قهرمانی در جام برندگان جام سال ۱۹۹۱، این کنترل را تقویت کرد. مثل زمان حضور در آبردین، فرگوسن این کار را با شکست دادن یک تیم قدرتمند با مربیگری یک اسطوره به دست آورد؛ بارسلونای یوهان کرویف. یک سال بعد، تا آستانه فتح لیگ پیش رفت. در حالی که با چهار بازی باقیمانده، در صدر جدول قرار داشت، در سه بازی شکست خورد. فرگوسن بعدها گفت که اگر فشار بیشتری می آورد تا میک هارفورد ۳۳ ساله را از لوتون می خریدند، گزینه های بیشتری در خط حمله می داشت و جام قهرمانی را به دست می آورد.

در نوامبر ۱۹۹۲، فرگوسن با اریک کانتونا قرارداد بست، بازیکنی کاملا متفاوت. جورچین کامل شد. ظرف چند ماه، یونایتد اولین قهرمانی خود در لیگ را پس از ۲۶ سال به دست آورد و مربی آنها خود را به عنوان اسطوره اولد ترافورد، تثبیت کرد.

باسبی، مربی ای که قهرمانی قبلی را به دست آورده بود، آنقدر زنده ماند تا این قهرمانی را ببیند و در اواسط فصل ۱۹۹۴-۱۹۹۳، درگذشت؛ فصلی که جام قهرمانی لیگ و جام حذفی با هم به دست آمد. پس از آنکه در فصل ۱۹۹۵، قهرمانی لیگ را به بلکبرن واگذار کردند و در فینال جام حذفی هم به اورتون باختند، فرگوسن تصمیم عجیبی گرفت و مارک هیوز، پل اینس و اندری کاتچلسکیس را فروخت.

ادواردز به خاطر می آورد: "وقتی به آنها گفت بروند، من نگران شدم و این موضوع را به وی انتقال دادم. آنها سه بازیکن بسیار موفق بودند. خوب، ما در سال ۱۹۹۵ هیچ جامی به دست نیآوریم ولی لیگ را با یک امتیاز اختلاف از دست دادیم و همچنین به فینال جام حذفی راه یافتیم. من اینطور فکر نمی کردم که کاملا

رقابت اروپایی نداشت و به همین دلیل مورد انتقاد قرار می گرفت.

به همراه آردین در مرحله دوم توسط لیورپول، در مرحله اول مقابل دینامو برلین و در دور یک چهارم برابر گوتنبرگ، حذف شد. در یونایتد، در سال ۱۹۹۳ پیش از مرحله گروهی مقابل گالاتاسرای و در سال ۱۹۹۴ در مرحله گروهی حذف شد. در سال ۱۹۹۷، در نیمه نهایی به دورتموند باخت و در سال ۱۹۹۸ در یک چهارم برابر موناکو ناکام ماند.

وی در ابتدا ۱۴ میلیون پوند خرج کرد؛ ۱۰ میلیون پوند برای یاپ استام و ۴ میلیون پوند برای یسپر بلومکوئیست. سپس تا اندکی پیش از پایان مهلت ثبت نام در لیگ قهرمانان صبر کرد و با دوایت یورک در اواخر آگوست با مبلغ ۱۲/۶ میلیون پوند قرارداد بست. پس این مبلغ می توانست به عنوان راهی برای جبران بودجه باشگاه در سال مالی آینده در نظر گرفته شود. امضای قرارداد با پاتریک کلایورت هم بی نتیجه ماند.

منچستر یونایتد در گروه مرگ قرار گرفت؛ در کنار بایرن مونیخ و بارسلونا که هر دو توانایی فینالیست شدن را داشتند. برونابی هم البته بود. "شیاطین سرخ" در ۶ بازی، ۲۰ گل به ثمر رساندند ولی تنها دو پیروزی به دست آوردند. بایرن به عنوان تیم اول، مستقیماً صعود کرد و منچستر به عنوان یکی از دو تیم دوم برتر، راهی مرحله بعدی شد اما در فینال در حالی که با یک گل عقب بودند و دو دقیقه از وقت های تلف شده باقی مانده بود، اوله گونار سولشستر، بازی را درآورد و قهرمانی حاصل شد. فرگوسن پس از آن بازی با تمجید از روحیه تیمش، گفت: "تاکتیک ها مهم هستند ولی نمی توانید با آنها بازی را ببرید. بازیکنان بازی را در می آورند."

به لحاظ تاکتیکی، او مربی دقیقی است. در بازی رفت مقابل اینتر میلان در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان، از گری نویل و دنیس اروین، مدافعان کناری تیم، خواست که مداوم جای مدافعان وسط تیم، استام و رونی یانسن، را بگیرند ، جایی که روبرتو باجو و یوری جورکائف ، مهاجمان "نراتزوری" حرکات شناوری داشته و به دنبال آسیب زدن به تیم مقابل بودند. در بازی برگشت در سن سیرو، از یانسن در خط میانی استفاده کرد تا رونالدوی دوباره آماده شده را محدود کند.

در بازی خانگی مرحله نیمه نهایی مقابل یوونتوس، پس از یک نیمه دشوار که با شکست ۰–۱ آنها همراه بود، فرگوسن تساوی ۱–۱ را با قرار دادن بکام در خط میانی و تشکیل حلقه سه نفره، به دست آورد. بدین شکل او مانع از آن شد که برتری تیم مقابل با نفراتی چون زیدان، دشان و داویدز در میانه میدان، شکل بگیرد.

آنها به فینال مسابقات مقابل بایرن راه یافتند ، بدون اینکه در ۳۲ بازی قبلی خود شکست بخورند. همین روند ، قهرمانی لیگ و جام حذفی آن سال را برایشان به ارمان آورد. بارکلی می گوید: "در گذشته گفته بودم که مسئله جالب این است که در واقع اوتمار هیتسفلد جدال تاکتیکی را به نفع خود به پایان رساند ، چرا که بایرن، کنترل کامل بازی را در اختیار داشت اما فرگوسن گفت که نه. او زمانی که لوتار ماتئوس را بیرون کشید، این جدال را واگذار کرد. برخی فکر می کنند که گل تساوی تدی شرینگام، آفساید بود ولی اینگونه نبود. ماتئوس از زمین بیرون رفته بود، پس هیچکس به خط دفاعی اطلاع نداد که جلو بیاید. تا دقیقه ۹۱ بازی، فرگوسن می دانست که روزنامه نگاران خواهند نوشت او مربی بزرگی در رقابتهای داخلی است ولی نمی تواند جام اروپایی به دست آورد. با کسب آن سه گانه او می توانست با خود ببیندیشد که حالا می توانم از خوشحالی بمیرم."

احساسات و هیجانات فرگوسن در سه کلمه خلاصه شد، "فوتبال، جهنمی بی رحم" او این کلمات را ثانیه هایی پس از پایان بازی، رو به دوربین گفت. بعدها در مورد همین چند کلمه گفته بود که چرند گفته است. او گفت: "منی خواستم مثل یک احمق جلوه کنم، گو اینکه هیچ احمق خوشحال تری نسبت به من در دنیا وجود نداشت!"

نظر ادواردز در مورد فینال ۹۹ نیوکمپ این بود: "لحظه تاجگذاری. این اوج و قله تلاش های ما در طول سالیان متمادی بود."

پوشیده شده با سس گوجه فرنگی

حتی پس از کسب سه گانه هم فرگوسن خیال استراحت نداشت. در طول دوران مربیگری اش، بسیار سرسخت بود. آلبرت مورگان، تدارکاتچی اسبق باشگاه می گوید: "پس از یک بازی لیگ قهرمانان در ساعت ۴ صبح به خانه می رسید، به تختخواب

می روید تا استراحت کنید و بعد در ساعت ۶ صبح، تلفن زنگ می خورد. او همیشه سرحال بود. می گفت، سلام، چطوری؟ می توانی لطفی به من کنی؟ من را هم با خود به زمین تمرین ببر. باید امروز به لندن بروم و اتومبیلم را اینجا می گذارم. من هم می گفتم، بسیار خب، من ساعت ۹ خواهیم آمد و او می گفت، نه، همین حالا بیا! من او را پس از تمرین به ایستگاه می رساندم و او می گفت، حالا می خواهی چه کار انجام دهی؟ می گفتم به خانه می روم. او می گفت، پس به صورت نیمه وقت کار می کنی. او همیشه یک حس طنز با خود داشت و هنوز هم اینگونه است."

این دو بسیار به هم نزدیک بودند ، آنقدر نزدیک که گاهی مربی مقابل دیدگان بازیکنان با او دعوا می کرد تا پیامی باشد برای سایرین. مورگان با خنده می گوید: "اولین باری که این کار را انجام داد، با خودم گفتم که چه کار اشتباهی انجام داده ام. او داد و فریاد می کرد و حرف های نامربوط می زد. رگ های گردنش بیرون زده بودند. بعد به سمت من حرکت کرد تا اتاق را ترک کند که چشمکی زد. یک بار دیگر، با یوونتوس بازی داشتیم. رایان گیگز بازی شایسته ای به نمایش گذاشت ولی یکی دو بازیکن دیگر، نه. می دانست که اگر آنها را سرزنش کند، فروپاشی خواهند کرد. او رایان را به باد تمسخر گرفت ، چرا که می دانست بازیکن سرسختی است و با همین کار، بقیه را از خواب بیدار کرد."

منچستر دو بار پس از فتح سه گانه، قهرمان لیگ شد و فرگوسن پس از جام سوم در ۵۹ سالگی اعلام کرد که قصد دارد در پایان فصل بعدی بازنشسته شود. آنقدر تصمیمش جدی بود که باشگاه جایگزینی را برایش انتخاب کرد. آرسن ونگر در فهرست قرار گرفت ولی آن را رد کرد . فرگوسن خودش به سراغ لوئیز فان خال رفت و صحبت هایی هم با فابیو کاپلو شد.

ادواردز مشخص کرد که گزینه نهایی، اسون گوران اریکسون بود. مرد سوئدی یک سالی می شد که مربی تیم ملی انگلستان شده بود ولی پیروزی ۵–۱ مقابل آلمان را در کارنامه داشت. وی گفت: "پیتر کنیون مدیر اجرایی بود. او بسیار مترصد به خدمت گرفتن اریکسون بود و هیات مدیره را متقاعد کرده بود. فکر می کنم در مورد شرایط هم به توافق رسیده بودند. بعد الکس فرگوسن نظرش را عوض کرد و ما خوشحال بودیم که آن را بپذیریم. پس ، توافقی که با اسون انجام داده بودیم را کنار گذاشتیم."

پیش از اریکسون با فرگوسن صحبت شده بود تا مربیگری تیم ملی را برعهده بگیرد. حتی پیش از کوین کیگان در سال ۱۹۹۹ هم همین اتفاق افتاده بود. بعدها مربی اسکاتلندی اعلام کرد: "۱۰ ثانیه طول کشید تا بگویم، به هیچ وجه! نمی توانم تا یک میلیون سال بعد، مربی تیم ملی انگلستان شوم."

تصمیم وی در ماه فوریه مبنی بر عدم بازنشستگی، اعتماد را به باشگاه بازگرداند. مورگان می گوید: "همسرش به او گفته بود که تو بازنشسته نمی شوی. هنوز خیلی جوانی و من نمی خواهم تمام روز تو را در خانه ببینم. او همچنین موضوع اریکسون را می دانست، پس باید تصمیم می گرفت. خیلی طول نمی کشید که جایگزینش را معرفی کنند. او وارد کفشداری شد، در را بست و گفت باید چیزی بگویم. نظرم را عوض کرده ام، بازنشسته نمی شوم. ناگهان حس شوخ طبعی من پدیدار شد و گفتم، خیلی ناامید شدم! سپس وارد رختکن شد و در یک لحظه همه جا را شادی پر کرد. لحظه ای جادویی بود و هنوز هم وقتی به یادش می افتم، احساساتی می شوم. اینطور به نظر می رسید که هوای تازه در رختکن پیچیده است."

یک سال بعد، فرگوسن هشتمین عنوان قهرمانی خود را هم به دست آورد و اشتیاقش همچون همیشه بود. پرتاب کفش به صورت دیوید بکام پس از شکست جام حذفی مقابل آرسنال، به خوبی بیانگر این موضوع بود. چند ماه بعد، بکام، منچستر را ترک کرد. این یک اتفاق به نظر می رسید. مورگان خاطرنشان می کند: "دیوید جواشپ را پس داد. فرگوسن جلو آمد و در کف زمین همه لباس ها قرار داشت. او پایش را به میان لباس ها گذاشت و در زیر لباس ها، یک کفش بود. کفش به ابروی دیوید برخورد کرد. حتی نیازی به بخیه هم نداشت. دیوید روز بعد بزرگنمایی کرد و با یک گچ گرفتگی بزرگ آمد. مثل سیرک شده بود. این پایان ماجرا بود. وقتی این اتفاق افتاد، مربی به دفترش رفت و من برای او احساس ناراحتی کردم. عصبانی نبود، فقط ناراحت شده بود، واقعا ناراحت."

یک سال بعد، یک بازی خانگی دیگر مقابل آرسنال به یک حادثه دیگر انجامید. منچستر یونایتد پیروز شد و فرگوسن پس

از مسابقه در تونل با آرسن ونگر درگیر شد. بعد سسک فابرقاس یک پیتزا را پرتاب کرد. مورگان می گوید: "در راهرو به سمت رختکن این اتفاق رخ داد و به صورت اتفاقی با مربی برخورد کرد. برای من به قیمت یک پیراهن تمام شد، چون این کار را تلافی هم نکردم! او نمی توانست با یک پیراهن سفید پر از سس گوجه فرنگی در کنفرانس مطبوعاتی شرکت کند. لباس من آنجا بود. پس به او گفتم که آن را به تن کن و پاسخ خبرنگاران را بده."

این اتفاقات در آستانه سفر به آفریقای جنوبی پیش از شروع فصل، او را از خشمم درونی دور نساخت. مورگان ادامه می دهد: "ما یک دعوتنامه برای حضور در منزل نلسون ماندلا دریافت کردیم. او یک سالن اجتماعات کوچک داشت و ما همگی لباس تیم را بر تن داشتیم و سرحال بودیم. دیوید گیل، بابی چارلتون و مربی جلو همه ایستاده بودند و یک کتاب موسیقی که مربوط به تاریخچه باشگاه ما می شد، به وی هدیه دادند. صدایی به گوش رسید و بعد تلفنی خاموش شد. فهمیدم که گوشی من خاموش شده است. نگاهی که به مربی انداختم برام باورنکردنی بود. او خوشحال به نظر نمی رسید. بیرون رفتیم. دیویدم و سوار اتوبوس شدم. همه بچه ها در حال خندیدن بودند. در راهرو داخل اتوبوس ایستادم و گفتم مربی الان کجاست؟ بچه ها به من اشاره کردند و او (فرگوسن) شروع به زدن من کرد. مرا محکم نمی زد چون جنبه شوخی این مسئله کاملا مشهود بود اما فریاد می زد. خیلی سرگرم کننده بود."

حالا نوبت ماست

فصل باور نکردنی آرسنال و ارتباط خوزه مورینیو با رومن آبراموویچ در جلسی، به این معنی بود که فرگوسن سه فصل را بدون جام سپری کرد. تا اینکه کریستیانو رونالدو شروع به گلزنی کرد و آنها سه جام پیاپی را بین سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ به دست آوردند.

رنه مولنستین، کمک مربی اول تیم در آن زمان می گوید: "مربی صحبت های بسیاری با کریستیانو انجام داد و به او یادآور شد که افراد فقط از طریق عملکرد تیمی خواهند درخشید. او می بایست مثل هر فرد دیگری در خدمت تیم باشد. او می خواست کارهای خارق العاده ای انجام دهد ولی اگر این کار به نتیجه ای ختم نمی شد، پس فایده ای هم نداشت. مربی از من خواست که به وی یادآوری کنم، باید بازیکن موثری باشم."

در ۲۷ سالی که فرگوسن در منچستر یونایتد بود، مربیان و کادر فنی چندین بار عوض شدند. براین کید، استیو مک کلارن و کارلوس کی روش، به عنوان کمک مربیان تیم، همگی جدا شدند تا به عنوان سرمربی مشغول به کار شوند ولی دستورالعمل برای هر تازه واردی یکسان بود. مولنستین ادامه می دهد: "او مرا به دفترش برد و گفت، فقط می خواهم گفت وگویی کوتاه داشته باشم. می خواهم مطمئن شوم که به خوبی حرف یکدیگر را متوجه می شویم. او یک گردش کار نوشته شده روی سه برگ کاغذ داشت. مهمترین مسئله، سازماندهی دفاعی بود. باید خیلی زیاد و شدید به حریف فشار می آوردیم. گاهی اوقات از میانه میدان فشار می آوردیم. سایر مواقع وقتی می خواستیم از گل خود دفاع کنیم، پاسکاری را متوقف می کردیم ولی مطمئن می شدیم که چه زمانی دوباره توپ را به دست می آوریم. در آن هنگام نگاهی به ضد حمله داشتیم. او سپس سراغ یک نمودار دیگر رفت که مربوط به مالکیت توپ می شد. می گفت، مالکیت برای من مهم است. می خواهم در مالکیت توپ، برتری داشته باشیم و با قدرت بازی کنیم. این کار به شما ابتکار عمل می دهد. حریف را به دنبال خود خواهید کشید. اگر در حال پیروزی هستید، می توانید در تصاحب توپ هم برتری داشته باشید. می گفت، چند نکته ای در خصوص مالکیت توپ هست که می خواهم رفته رفته به تو یاد بدهم. یکی از آنها ریتم است. ریتم آماده و جمع شدن در زمین، کندتر است و ریتم حمله، تندتر. این کار با فوتبال تک ضرب و حرکت رو به جلو به دست می آید. او از بازی رو به عقب متنفر بود. اگر فشاری روی توپ وجود نداشت، حرکت بیشتری را طلب می کرد. می خواست در همه جای زمین حضور داشته باشیم. بعد از آن گفت، مهمترین مرحله: می خواهم بازیکنان با گام های شمرده، قدرت کامل، نفوذ موثر و به شکلی غیر قابل پیش بینی، حمله کنند. مهم نیست که چه کاری انجام می دهی؛ یک پاس عمقی، یک شوت عمقی، بازی مالکانه یا پاس های کوتاه در زمین خودی، می خواهم همه این موارد را در زمین ببینم. این برنامه کاری من بود. دستورالعمل خیلی روشن بود اما او هرگز به من نگفت که کاری انجام دهم. همیشه در هنگام تمرین حضور داشت ولی

خیلی دخالت نمی کرد. پس از آن ملاقات، من جلسات تمرین را طرح ریزی کردم."

روش های فرگوسن، جام قهرمانی لیگ قهرمانان را برای بار دوم در سال ۲۰۰۸ به ارمان آورد. سه سال بعد، دوازدهمین قهرمانی وی در لیگ برتر به معنی عبور از رکورد ۱۸ قهرمانی لیورپول بود. مولنستین افزود: "او می خواست لیورپول را از مسیر خود خارج کند. البته انجام دادن این کار با قهرمانی های بسیاری ممکن شد. او توانست این کار را انجام دهد."

در سال ۲۰۱۲، همسایه دیگر، منچستر سیتی، نسخه "فرگی تایم" مربوط به خود را رو کرد و با دو گلی که در لحظات پایانی به ثمر رسید، مانع از کسب جام توسط یونایتد شد. مولنستین در مورد اوضاع رختکن پس از بازی، می گوید: "او خیلی آرام بود. فقط گفت که این لحظه و احساسی که دارید را به خاطر داشته باشید، چرا که بینش قوی تر شدن و بازگشت پر قدرت را به ما می بخشد."

فصل بعد منچستر یونایتد با ۱۱ امتیاز اختلاف قهرمان لیگ شد. پاتریک بارکلی با اشاره به این موفقیت می گوید: "او این عنوان را احتمالاً با کم فروغ ترین تیمش به دست آورد." رونالدو رفته بود ولی فرگوسن هنوز هم می دانست که چگونه از بازیکنانش بازی بگیرد."

تام کلورلی، یکی از اعضای تیم در آن زمان می گوید: "او یک نابغه بود، مثل یک روانشناس عمل می کرد. بازی نا امید کننده ای مقابل چلسی داشتیم و در جناح چپ خط هافبک بازی می کردم، جایی که مناسب من نبود. وقتی از عملکردتان راضی نیست، این موضوع را نشان می دهد ولی هرگز آن را به صورت عمومی مطرح نمی کند که فشاری روی شما نباشد. همیشه تیم را برای چهار یا پنج بازی بعدی با انگیزه نگه می دارد. اگر می گفت در جام حذفی در بازی دوم و در لیگ قهرمانان در بازی پنجم حضور خواهید داشت، هرگز حرفش را عوض نمی کرد. می توانستید صد در صد به وی اعتماد کنید. حتی فراموش نمی کنم که باید در ۱۰ بازی حضور می یافتید تا مدال بگیرید. در فصل قبل از آن اگر چه سیتی در پایان قهرمان شد، من مصدوم شدم و او نام مرا در ترکیب بازی یکی مانده به آخر قرار داد تا ۱۰ بازی من پر شود. مجبور نبود این کار را انجام دهد. برای کسی که چنین کاری برای شما انجام می دهد، می خواهید از میان دیوار آجری عبور کنید."

هواداران ناامید

سیزدهمین و آخرین قهرمانی فرگوسن در لیگ، در حالی به دست آمد که چهار بازی باقی مانده بود. دو هفته بعد، خبری منتشر شد که او قصد دارد در پایان فصل، بازنشسته شود. مورگان هم که در همان زمان بازنشسته شد، می گوید: "وقتی به من گفت، هر دو اشک ریختم. همیشه از خودم می پرسیدم که اگر فصل قبلش قهرمان لیگ می شدیم، همان موقع بازنشسته می شد یا نه. می دانستم که می خواهد در اوج خداحافظی کند." منچستر یونایتد در بازی آخر و در حالی که ۵-۲ از وست بروم پیش بود، در ۱۰ دقیقه پایانی سه گل خورد تا بازی به تساوی برسد. کلورلی با خنده می گوید: "اگر موضوع مهمی در بازی رخ می داد، او قطعاً عصبانی می شد! اما پس از بازی، کل تیم در یک خط بلند، در ۳۰ یاردی انتهای زمین قرار گرفتند و او به سمت هواداران مشتاق رفت و برایشان دست زد. با یادآوری آن لحظه به لرزه می افتم. خوشحالم که در آخرین بازی او در زمین حضور داشتم. می توانم این موضوع را به فرزندان و نوه هایم بگویم."

پس از ۲۷ سال مربیگری در بالاترین سطح فوتبال، منچستر در اولین فصل بدون حضور او هتم شد. دیوید مویس، جانشین وی، پس از ۹ ماه از کار برکنار شد. کلورلی ادامه می دهد: "ما عملکرد یکپارچه و ساختار کلی خود را از دست داده بودیم. دیوید مربی بزرگی است ولی وقتی چیزی برای سالها به یک شیوه پیش می رود و همه به آن عادت کرده اند، جایگزین کردنش کار بسیار دشواری خواهد بود، همین طور جایگزین کردن دستیاران و مدیر اجرایی تیم، دیوید گیل. این همه تغییر برای بازیکنان خیلی زیاد بود. هنوز باشگاه از زمان رفتن فرگوسن، به خود نیامده است."

در ۱۰ فصل کامل پس از رفتن فرگوسن، منچستر یونایتد، حداقل ۱۲ امتیاز با صدر جدول فاصله داشته است. مولنستین می گوید: "وقتی سر الکس حضور داشت، گلپزرها مدیون وی برای کسب موفقیت بودند. آنها در خصوص میزان اهمیت وی در کسب این عنوان و روند باشگاه در کسب موفقیت، دچار اشتباه محاسباتی شدند."



بازنشستگی مت باسی تنها ۱۸ ماه طول کشید و او دوباره در سال ۱۹۷۰ به عنوان مربی موقت انتخاب شد. مورگان تأکید می کند که فرگوسن هرگز به این شرایط نزدیک نشد. او می گوید: "به هیچ وجه. اگر چه هر گاه دور هم می نشینیم و یک فنجان چای می نوشیم و عملکرد تیم مناسب نبوده، او می گوید که عاشق نیم ساعت حضور در رختکن است."

فرگوسن همیشه در اولترافورد حاضر است. مورگان می گوید: "هنوز باشگاه برایش بسیار با اهمیت است. اگر برای یک بازی به ورزشگاه نروم و در خانه آن را تماشا کنم، مطمئن خواهم بود که پنج دقیقه پس از شروع بازی، تلفنم زنگ خواهد خورد. به من خواهد گفت، این چه صحنه ای بود؟ ببین چه کار می کنند. او هنوز هم بسیار مشتاق است."

هنوز هم دوست دارد به مربیان دیگر توصیه هایی داشته باشد. بیلی استارک، هافبک اسبق سنت میرن و آبردین که خودش اکنون ۲۷ سال است روی نیمکت تیم های سلتیگ و اسکاتلند، به مربیان کمک می کند، می گوید: "نمی توانید تعداد مربیانی که به آنها کمک کرده را بشمارید. او کسی است که می توانید همیشه روی کمکش حساب کنید. همواره پاسخگو خواهد بود." وقتی تام کلورلی سال گذشته، در تیم زیر ۱۸ سال واتفورد مشغول به کار شد، فرگوسن گوشی تلفن را برداشت. مربی ۳۴ ساله می گوید: "او به من زنگ زد و توصیه هایی کرد. خیلی احساس خوبی داشتم که او تماس گرفته است. نیازی نبود که به تمام کلورلی زنگ بزند و برایش آرزوی موفقیت کند ولی این کار را انجام داد. این ارزش های او را بیشتر نشان می دهد."

مردی که ۵۰ جام در دوران مربیگری خود به دست آورد. آیا او بزرگترین مربی تاریخ است؟ مولنستین می گوید: "برای من، بله. او بزرگترین مربی تاریخ لیگ برتر انگلستان است."

همه چیز از میعادگاهی در یک ایستگاه خدماتی در شیخی تاریخی در سال ۱۹۸۶ آغاز شد. منچستر یونایتد، همیشه مدیون لهجه اسکاتلندی ساختگی مایک ادلسون خواهد بود.

پارک جی سونگ توضیح می دهد: سر الکس برای چه کرد؟

پارک جی سونگ، بازیکن کره جنوبی در مورد هفت فصل بازی تحت نظر سر الکس فرگوسن، صحبت کرده است:

"سر الکس فرگوسن تصویری کاملاً متفاوت از چیزی داشت که در رسانه ها دیده می شد. او مردی مهربان و خونگرم بود. به گونه ای با من صحبت می کرد که گویی عضوی از خانواده اش هستم. اگر کسی دچار مشکل می شد، چه در زمین مسابقه یا خارج از آن، به سراغ وی می رفت و در دفترش همیشه به روی ما باز بود."

"وقتی به منچستر پیوستم، زبان انگلیسی ام برای برقراری ارتباط چندان خوب نبود اما او به من دلگرمی می داد و می گفت

که خوب عمل کرده ام تا همچنان به روند رو به رشد ادامه دهم. در لحظه مناسب بررسی می کرد که همه چیز خوب پیش می رود. این تأثیر بسیار خوبی روی من می گذاشت."

"در پایان دومین فصل حضورم، عمل جراحی روی زانوی خود انجام دادم و ۹ یا ۱۰ ماه نیمکت نشین شدم. خیلی افسرده شده بودم و نمی دانستم که می توانم برگردم یا نه اما او به سراغم آمد و گفت که هنوز به من فکر می کند. اینکه من بازیکن مهمی برای باشگاه هستم و باید قوی تر از قبل بازگردم. این به من قوت قلب می داد."

"وقتی در فینال لیگ قهرمانان سال ۲۰۰۸ در روسیه مقابل چلسی پیروز شدیم، او مرا در ترکیب قرار نداد. در روز مسابقه صحبتی با من انجام داد و گفت که چرا در ترکیب حضور ندارم. پس از بازی از من عذرخواهی کرد. حتی حالا که او را می بینم، از بابت آن اتفاق خاص، معذرت خواهی می کند."

"نقش من در زمان بازی تحت نظر وی، شکل گرفت. او توانست توانایی های مرا درک کند. یکی از مهمترین نقش های من، بارگیری آندریا پیرلو در بازی با میلان در سال ۲۰۱۰ بود. پیش از بازی با من صحبت کرد و از من خواست هرگاه که توپ نداریم، پیرلو را مهار کنم. وقتی مربی به شما اعتماد می کند که چنین کاری را انجام دهید، تمام تلاشتان را خواهید کرد که ثابت کنید، درست فکر کرده است."

فهرست افتخارات فرگوسن

- ۱۳ قهرمانی لیگ برتر انگلستان
- ۳ قهرمانی لیگ برتر اسکاتلند
- ۵ قهرمانی جام حذفی انگلستان
- ۴ قهرمانی جام حذفی اسکاتلند
- ۴ قهرمانی جام اتحادیه انگلستان
- ۱ قهرمانی جام اتحادیه اسکاتلند
- ۲ قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا
- ۲ قهرمانی جام بردگان جام اروپا
- ۲ قهرمانی سوپر جام
- ۱ قهرمانی جام باشگاه های جهان
- ۱ قهرمانی جام بین قاره ای
- ۱۰ قهرمانی سوپر جام انگلستان (کامیونیتی شیلد)
- ۱ قهرمانی لیگ دسته اول اسکاتلند
- ۱ قهرمانی جام درایبرو اسکاتلند

هنوز که هنوز!

با رفتن فرگوسن، یونایتد، در هر فصل حداقل ۱۲ امتیاز با قهرمان لیگ، فاصله داشته است:

فصل	رتبه	فاصله امتیازی با قهرمان
۲۰۱۴-۲۰۱۳	هفتم	۲۲
۲۰۱۵-۲۰۱۴	چهارم	۱۷
۲۰۱۶-۲۰۱۵	پنجم	۱۵
۲۰۱۷-۲۰۱۶	ششم	۲۴
۲۰۱۸-۲۰۱۷	دوم	۱۹
۲۰۱۹-۲۰۱۸	ششم	۳۲
۲۰۲۰-۲۰۱۹	سوم	۳۳
۲۰۲۱-۲۰۲۰	دوم	۱۲
۲۰۲۲-۲۰۲۱	ششم	۳۵
۲۰۲۳-۲۰۲۲	سوم	۱۴



اگر پول به بعضی از نشریات نرسد، هر تیم، مربی و بازیکنی را خراب می کنند



قلعه نویی در مرحله دوم با اصلاح کامل وارد زمین چمن شد



مایلی کهن: حاضرم با یحیی گل محمدی صحبت کنم که به تیم برگردد



استعدادهایی که در سال ۲۰۲۴ خواهند درخشید

۵۰ جوان آتیه دار فوتبال

بخش اول

شاهین

یورو برایش خرج کرد. با توجه به خونسردی ذاتی که داشت، ظرف چند هفته در ترکیب اصلی تیم قرار گرفت. احتمالاً موثرترین و باثبات ترین بازیکن اسپورتینگ در تلاش برای حضور در جمع صدرنشینان این فصل لیگ پرتغال بوده است و نمادی از یک مدافع وسط مدرن به حساب می آید. ترکیبی از قدرت، سرعت و تکنیک استفاده از هر دو پا. نه تنها به لحاظ فیزیکی، پرتوان است و یک حریف سرسخت محسوب می شود، که هر دوئلی را باید با پیروزی به پایان برساند - خودش می گوید: "هرگاه تکل خوبی می زنم، هیجان زده می شوم" - به اندازه کافی سرعت دارد تا با مهاجمان سریع حریف کورس بگذارد. بازی خوانی خوبی دارد، با دقت پاس می دهد و با اشتیاق فراوان، توپ را از خط دفاعی دور می کند.

دایومند در گفت و گویی با مجله اسپورتینگ اعلام کرد: "من از آن دست بازیکنانی هستم که دوست دارم توپ را در اختیار داشته باشم. وقتی توپ به پاهایم چسبیده، به دنبال راه حلی درست هستم که با موفقیت آن را به انجام برسانم. دوست دارم همیشه آرام باشم. می توانم پاس های خوبی بدهم و همچنین می خواهم فکر کنم که پیش بینی خوبی دارم."

روبن آموریوم، مربی اسپورتینگ متقاعد شده که باشگاه گام محکمی با خرید این بازیکن در ژانویه ۲۰۲۳ برداشته است. وی پس از رونمایی از این خرید، گفته بود: "او استعداد فوق العاده ای دارد و آنچه بیشتر مردم نمی دانند این است که باشگاه های بزرگ زیادی به دنبالش بودند. اکنون بیشتر و بیشتر مطمئن می شویم که این خرید، ارزش بسیاری داشته است. او با توپ و بدون آن، بسیار قدرتمند است. به جای او، فرد دیگری را انتخاب نخواهم کرد."

خوزه کریستو، رئیس باشگاه مفری می گوید، تردیدی ندارد که دایومند در مسیر رسیدن به قله قرار دارد و اینگونه در موردش صحبت می کند: "بازیکنی که به نظر من می تواند برای هر تیمی در دنیا بازی کند."

یوهان باکایوکو

باشگاه: آیندهوون (هلند)

سن: ۲۰ سال

پست: وینگر

بازیکن بلژیکی، یکی از پر جنب و جوش ترین و سبکبال ترین بازیکنان هجومی حال حاضر فوتبال اروپاست. کمتر کسی تعجب می کند که تیم های ناپولی، پاری سن ژرمن، تاتنهام و لیورپول، به دنبال وی هستند. محصول آکادمی آیندهوون، در حال لذت بردن از اولین فصل حضورش در ترکیب اصلی، در فیلیپس استادیون است.

کارلوسی بالبا

باشگاه: برایتون (انگلستان)

سن: ۱۹ سال

پست: هافبک دفاعی

ستاره کامرونی، تابستان گذشته از لیل با قراردادی به ارزش ۲۷ میلیون یورو به فوتبال انگلستان رفت و به نظر می رسد که ارزش هر پنی از پول خرج شده را داشته است. روبرتو دی زربی، مربی برایتون هم این موضوع را بدین صورت تایید می کند که "او آینده فوتبال برایتون است". تکنیک، دید و درک تاکتیکی فوق العاده ای دارد.

والنتین بارکو

باشگاه: بوکاجونیورز (آرژانتین)

سن: ۱۹ سال

پست: دفاع چپ / وینگر چپ

مورمزر ریزنقش تاثیر زیادی در نیم فصل دوم ۲۰۲۳ داشت. او که می تواند به عنوان دفاع چپ هم بازی کند، در

مجله World Soccer در شماره فوریه، ۵۰ بازیکن جوان و آتیه دار فوتبال دنیا را که در سال ۲۰۲۴ برای خود اسم و رسمی به هم خواهند زد، معرفی کرده است.

دایومند که تا سال ۲۰۲۷ با اسپورتینگ قرارداد دارد، پیشرفت چشمگیری در ماه های اخیر داشته است. تنها چهار سال قبل، وی در تیم دسته چهارمی المپیک اسپورت آبوو در ساحل عاج بازی می کرد؛ در فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۱، هنوز هم برای تیم جوانان میدجیلند دانمارک بازی می کرد و بخشی از فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۲ را به صورت قرضی در باشگاه مفری (خواهرخوانده میدجیلند) در دسته دوم پرتغال، سپری کرد. پیشرفت بزرگ از اوایل سال ۲۰۲۳ آغاز شد، جایی که اسپورتینگ ۷/۵ میلیون

عثمان دایومند

باشگاه: اسپورتینگ (پرتغال)

سن: ۲۰ سال

پست: مدافع وسط

۸۰ میلیون یورویی که باشگاه شهر لیسبون، اسپورتینگ، برای این مدافع تنومند ساحل عاجی تعیین کرده است، همچون سیلی به صورت تیم های لیگ برتر فوتبال انگلیس، که به دنبال به خدمت گرفتن او هستند، می ماند. آرسنال، نیوکسل، منچستر سیتی و چلسی، همه به دنبال این مدافع بلند قامت قوی هیکل هستند و از بابت شایعاتی که می گویند او علاقه مند به فوتبال انگلستان است، خوشحال خواهند شد.



اصل یک وینگر جناح چپ است که کاملا نقشی هجومی را در زمین ایفا می کند. در جمع مدافعان، توپ ربایی کرده، در صف مهاجمان حمله می کند و با ضربات پای چپ خود، تهدیدی برای هر تیم محسوب می شود.

بردلی بارکولا

باشگاه: پاری سن ژرمن (فرانسه)

سن: ۲۱ سال

پست: مهاجم

پس از انجام بازیهای قابل تقدیر برای لیون در نیمه دوم فصل قبل، بازیکن تازه کار عضو تیم زیر ۲۱ سال فرانسه، با پرداخت ۴۱ میلیون یورویی پاری سن ژرمن مواجه شد و از تابستان راهی این تیم شد. او ابزار لازم برای موفقیت را دارد، به خصوص توانایی اش برای فریب دادن مدافعان همان چیزی است که انتظار داریم. به همین دلیل شروع قابل قبولی در پارک د پرنس داشته است.

ژنوئل بلوسین

باشگاه: رن (فرانسه)

سن: ۱۸ سال

پست: مدافع وسط

بلوسین، متولد گوادلوپ، مجمع الجزایر فرانسوی در کارائیب، فصل قابل اعتنایی را در لیگ فرانسه سپری می کند. وی در دفاع میانی یا دفاع چپ به یک اندازه خوش فکر است. او که همچون یک هافبک دفاعی، پر قدرت است، عضوی از تیم زیر ۱۷ سال فرانسه در سال ۲۰۲۲ بود که قهرمان اروپا شد.

لوکاس برگوال

باشگاه: ژورگاردنس (سوئد)

سن: ۱۷ سال

پست: هافبک

ستاره آینده دار سوئدی که می تواند هر کاری انجام دهد: جدال با حریف و تکل زدن، دریل با زهره چشمی قابل توجه، حضور به عنوان نقطه شروع توزیع توپ و حرکت به سمت گلزنی در آرامش. ژورگاردنس بیش از این اعلام کرده که بارسلونا خواهان به خدمت گرفتن این بازیکن است.

ژورل هاتو

باشگاه: آژاکس (هلند)

سن: ۱۷ سال

پست: مدافع وسط

اعجوبه نوجوان، به تیم ملی هلند برای بازی مقدماتی یورو ۲۰۲۴ مقابل جمهوری ایرلند و جبل الطارق در ماه نوامبر، دعوت شد. کمتر بازیکنی می تواند در هلند، چنین ادعایی داشته باشد. بر اساس عملکرد بی نظیرش برای آژاکس در این فصل، انجام اولین بازی ملی در پیروزی ۶-۰ مقابل جبل الطارق به مدت ۴۵ دقیقه، چیزی بیش از یک دستاورد محسوب می شود.

در تیم آژاکسی که بیشتر این فصل را در حال تقلا کردن بوده است، هاتو یک بازیکن سختکوش محسوب می شود ولی در این مسیر پر پیچ و خم، بازی در چنین تیمی، می تواند شانس درخشیدن به وی بدهد. او که با بازی خود و انطباق پذیری، چشم‌ها را خیره کرده، روحیه ورزشکاری، حفظ آرامش در موقعیت های پرفشار، قابلیت واکنش سریع و توانایی بستن راه توپ هایی که به قصد دروازه زده شده اند، آن هم با پاهای تلسکوپی خود، را به عنوان برخی از ویژگی هایش به نمایش گذاشته است. کار با توپ فوق العاده ای دارد و بازیکنی باهوش به حساب می آید. ترکیبی از شیوه مناسب بازی، قدرت و خاطرجمعی است.

با بستن بازوبند کاپیتانی آژاکس در دیدار لیگ اروپا مقابل آتک آتنز در ماه دسامبر، به جوان ترین کاپیتان تاریخ آژاکس که از ابتدای بازی در یک دیدار اروپایی به میدان رفته، تبدیل شد و این نشان می دهد که چه ارزشی برای آژاکس دارد.

نحوه کسب موفقیت هاتو، به نظر باور نکردنی می رسد ، اینکه چگونه از تیم جوانان و ذخیره ها به تیم اصلی راه یافت و حالا در جمع حرفه ای هاست. او برای اولین بار در فوریه سال گذشته در لیگ هلند به میدان رفت. در پیروزی ۵-۰ مقابل کامبور به عنوان بازیکن تعویضی گام به میدان نهاد تا به سومین بازیکن جوان تاریخ آژاکس در لیگ (پس از راون گروانبرخ و کلارنس سیدورف) تبدیل شود.

او که از نژاد کوراسائو و کیپ ورد است، در جنوب رتردام متولد و بزرگ شد. ابتدا می خواست به آکادمی فاینورد ملحق شود، باشگاه برتر شهر و تیمی که خودش و پدرش، طرفدارش بودند اما

بازیکن خوبی تشخیص داده نشد و در ۹ سالگی، به تیم اسپارتا رتردام پیوست. سه سال بعد، در سال ۲۰۱۸، ستاره بختش شروع به درخشیدن کرد و آژاکس او را به خدمت گرفت.

دولف روکس، مدیر سابق آکادمی اسپارتا که اکنون سمتی در بخش پرورش جوانان باشگاه آژاکس دارد، می گوید که هاتو همیشه فوتبالیست فوق العاده ای بوده است. او اضافه می کند: "در کلاس خودش، از نظر جسمانی بهترین است. بالاتر از همه قرار دارد و همچنین به لحاظ تکنیکی، تجربه زیادی دارد. او همچنین طرز فکر درستی دارد. از خانواده بزرگی آمده که به خوبی هدایتش کرده اند. در تمرینات همیشه می خواهد پیشرفت کند."

سباستین بوسلی

باشگاه: ریورپلات (آرژانتین)

سن: ۲۰ سال

پست: مدافع وسط

مدافع وسطی خونسرد، با بازی خوانی فوق العاده، جاگیری عالی و زمان بندی مناسب در تکل زنی. وی در قهرمانی اروگوئه در جام جهانی زیر ۲۰ سال که سال گذشته برگزار شد، نمایش های دلپذیری داشت. پس از آن باشگاه دیفنسور را به مقصد ریورپلات ترک کرد و خیلی سریع موقعیت های جدیدی برایش خلق شد. در سال ۲۰۲۴، بیشتر از او خواهید شنید.

ادواردو بووه

باشگاه: رم (ایتالیا)

سن: ۲۱ سال

پست: هافبک

همانطور که همه می دانیم، حوزه مورینیو، سرمربی سابق رم، بازیکنی را بیپوده و بدون تلاش لازم، به خدمت نمی گیرد. بووه هم می تواند از این بابت به خود بیالد. چه به عنوان بازیکن شماره ۱۰ و چه خط هافبک، بووه، نشان دهنده میل به پیروزی، تعهد و پویایی است. او اصل جنس است.

کلودیو اچوری

باشگاه: ریورپلات (آرژانتین)

سن: ۱۸ سال

پست: هافبک هجومی

در جام جهانی زیر ۱۷ سال، رده سوم برترین گلزنان را به دست آورد و توانست به تیم بزرگسالان باشگاه راه یابد ، جایی که گویی برای آن ساخته شده بود. او که به شکل خیره کننده ای با توپ می دود، به راحتی مسیر و ریتم دودیدن خود را عوض می کند. فعلا در ریورپلات خواهد بود تا اینکه در دسامبر ۲۰۲۴ با ۲۱/۷ میلیون پوند راهی منچستر سیتی شود.

آسانه دیائو

باشگاه: بتیس (اسپانیا)

سن: ۱۸ سال

پست: وینگر

بازیکن تیم زیر ۲۱ سال اسپانیا، چشم ها را در کشور خود خیره کرده است. حداقل چهار باشگاه انگلیسی (استون ویلا، منچستر یونایتد، لیورپول و برنتفورد) به دنبال به خدمت گرفتن این بازیکن جوان شاغل در لالیگا هستند. تیم هایی از پرتغال هم او را زیر نظر دارند.

ابراهیم دیارا

باشگاه: افریکا فوت (مالی)

سن: ۱۷ سال

پست: هافبک هجومی

سوم شدن مالی در جام جهانی زیر ۱۷ سال در ماه دسامبر، بسیار تحت تاثیر معرفی کاپیتان و هافبک راست پای آنها بود که پنج گل به ثمر رساند و چهار گل ساخت. بازیکنی با دریل های به یاد ماندنی، قرار است وقتی امسال ۱۸ ساله شد، راهی بارسلونا شود.

بن دوک

باشگاه: لیورپول (انگلستان)

سن: ۱۸ سال

پست: وینگر

بازی مدرن کاملا به ضرابهنگ وابسته است و وینگر اسکاتلندی کاملا با این قسمت فوتبال، خو گرفته است. او که قد و قامتی کوتاه دارد ولی جنگنده و تنومند است، در سال ۲۰۲۲ تنها با ۶۰۰ هزار پوند، سلطیک را به مقصد لیورپول ترک کرد. او اکنون نمایشی از هر آن چیزی است که بازیکنان مقابل، متفرند؛ او یک

تهدید همیشگی در زمین مسابقه است.

دانکن مگکوایر

باشگاه: اورلاندو سیتی (آمریکا)

سن: ۲۲ سال

پست: مهاجم

باعث تعجب است که با دیدن یک فیلم کوتاه از بازی اورلاندو مقابل تورنتو در ماه اکتبر و تماشای گلزنی این بازیکن جوان در برتری ۲-۰ مقابل حریف، نام وی به سرخط خبرها در لیگ ایالات متحده تبدیل شده است. مگکوایر در این صحنه به نمایش درآمده — که تعریفی کامل از نحوه عملکرد و توانایی گلزنی وی به حساب می آید — ضربه دروازه را از میسون استجوار دریافت کرده، به زیبایی توپ را از بالای سر مایکل بردلی، هافبک با تجربه تورنتو عبور داده و از جناح راست به سمت دروازه حریف حمله ور می شود و در نهایت یک شوت عرضی به گوشه بالای دروازه می زند. حالا این یکی از بخت های کسب عنوان بهترین گل فصل است.

وی پس از گلزنی مستمر برای دانشگاه کرایتون در اوهاما نبراسکا، در مجموع در رقابتهای MLS SuperDraft سال ۲۰۲۳ موفق به زدن شش گل شد (رقابتهای انتخاب بازیکن از کالج های آمریکا برای حضور در لیگ حرفه ای) اما چهار ماه اول فصل ۲۰۲۳ را روی نیمکت گذراند ولی همان جا هم توانایی های خود را به نمایش گذاشت و به عنوان بازیکن تعویضی موفق به زدن پنج گل شد. در ماه ژوئن، به مهاجم اصلی تیم تبدیل شد و جواب اطمینان اسکار پارخا را با زدن ۱۳ گل در مجموع، به خوبی پس داد تا اورلاندو به رقابتهای حذفی راه یابد. در آنجا به کلمبس کرو، قهرمان مسابقات در نیمه نهایی کنفرانس شرق، باختند. هیچگاه یک بازیکن که از کالج به لیگ آمده ، نتوانسته این چنین تاثیر گذار ظاهر شود. مگکوایر با اعتماد به نفس بالایی که دارد، موفق به انجام این کار شد.

پاداش این عملکرد، دعوت به تیم المپیک آمریکا بود و حالا او می تواند بیش از پیش توانایی هایش را نشان دهد. یک پرسش مهم روبروی اوست که آیا در اورلاندو خواهد ماند یا از اقیانوس اطلس گذشته و به اروپا می رود، جایی که باشگاه های ایتالیایی، بلژیکی و آلمانی خواهان به خدمت گرفتن وی هستند؟

او کاملا مناسب باشگاه های انگلیسی است. در کنار قابلیت های گلزنی فوق العاده اش، با قدرت بدنی مثال زدنی بازی می کند، میل به پیروزی و موفقیت داشته و تمام توان خود را در زمین به کار می گیرد. عبارت "هدف تحقق نیافته" برای او مصداقی ندارد. او برای هر تپوسی تلاش می کند و با قدرتی که دارد، هر مدافعی را به زحمت می اندازد.

با این حال، او بازیکنی خویشتندار و سر به زیر است. شاید دلیلش مشکلاتی باشد که در دوران حضورش در کرایتون، متحمل شده است. در سال دوم دانشگاه، در ۱۹ بازی تنها یک گل به ثمر رساند اما در سال چهارم انگار دوباره متولد شده باشد؛ توانست در ۲۴ بازی، ۲۳ گل بزند و جام هرمن را تصاحب و به عنوان ارزشمندترین بازیکن سطح کالج دست پیدا کرد.

اندریک

باشگاه: پالمیراس (برزیل)

سن: ۱۷ سال

پست: مهاجم

چند هفته تعیین کننده پایانی سال ۲۰۲۳ در لیگ برزیل، ارزش های این بازیکن را بیش از پیش نمایان ساخت. مهاجم چپ پا با تجربه ای مناسب، ضرابهنگ عالی، جسارت، درک فضا و سختکوشی ذهنی، چشم های بسیاری را به خود خیره کرده است. به نظر ، یک استعداد خارق العاده است. وقتی ۱۸ ساله شد به رئال مادرید می پیوندد.

کارلوس فوربس

باشگاه: آژاکس (هلند)

سن: ۱۹ سال

پست: وینگر

وینگر پرتغالی، بازیکنی پر جنب و جوش است که از دور زدن مدافعان لذت می برد. او که فصل گذشته در تیم زیر ۲۱ سال منچستر سیتی به یک گلزن و گل ساز تمام عیار تبدیل شده بود، به عنوان بهترین بازیکن فصل لیگ زیر ۲۱ سال انتخاب شد و نهایتا با قراردادی ۵ ساله در تابستان گذشته به ارزش ۱۷/۳ میلیون پوند راهی آژاکس شد. در این قرارداد، بند بازگشت به سیتی هم وجود دارد.



بشزاد، سدره چوکا

چوکای انزلی (۱۰)

گل: فیروز قایقران (۶۳)

سایبای تهران (۱۱)

گل: حمید علیدوستی (۳۸)

داور: علی آراسته با کمک سعید رمزی و مصطفی حاج محمد

اخطار: سیدعلی افتخاری از سایبای

تماشاگر: بیش از ۵ هزار نفر

■ چوکا: مقصود چندل، محمد طالبی، حمیدرضا منصوری (از دقیقه ۷۳ مهران محمدی)، اسماعیل زاهد و بیشگاهی، جلال علیمراد، اسماعیل دانشور، محمود بایرامی، فیروز قایقران (از دقیقه ۸۱ حسن رهنما)، محمود فکری، علی پورموقری و محمد اسپندار (از دقیقه ۴۶ رحمت آله فیضی مقدم).

مربی: غفور جهانی

■ سایبای: جلال بشزاد، داود محبوبی، حسن اسپیلی، فرشاد فلاحت زاده، حسین عسگری، علی اکبری، سیدعلی افتخاری، حمید علیدوستی، مجید صالح، علیرضا سهندی زین و رامین محتشمی (از دقیقه ۷۲ علیرضا خچک).

مربی: بیژن ذوالفقار نسب

■ نتیجه دیدار رفت: ۲-۰ سایبای

ورزشگاه تختی بندرانزلی (دوشنبه ۱۱ بهمن ۷۲) - چوکای انزلی در یک بازی برتر سایبای، صدر نشین فوتبال جام آزادگان را در خانه متوقف کرد. با توجه به اینکه اگر بخت یاری می کرد پیروزی نیز دور از دسترس یاران غفور نبود. چوکا در حالی به دیدار صدر نشین شتافت که سخت به امتیازات بازی چشم دوخته بود تا از ته جدول و منطقه خطر بگریزد. یاران غفور که حالا چند مهره اصلی خود، از جمله باقری، نظر محمدی و حاج علیزاده را به دلایلی در اختیار نداشتند و فیضی و محمودی هم نیمه دوم وارد زمین شدند، باسود بردن از قایقران، پورموقری، دانشور و اسپندار با چهره ای متفاوت به میدان آمدند.

سایبای که حالا با اختلاف امتیاز خوب در صدر جدول مسابقات آمده بود تا با پیروزی بر حریف ضمن کسب ۲ امتیاز دیگر، فاصله خود را با دیگر تیم ها افزایش دهد، در وسط زمین از افتخاری و علیدوستی ۲ بازیکن پر تجربه سود می برد. در این شرایط علیدوستی ضمن اینکه یک گل خوب زد کار راه اندازی مهاجمان خود را نیز به عهده داشت. ضمن اینکه صالح نیز در جناح چپ با فرارهای خوب خود برای تیم حریف خطر ساز بود. سایبای نیمه اول را در حالی یک بر صفر به سود خود پایان داد که این نتیجه پیش از آنکه ناشی از برتری تیم تهرانی بر چوکا باشد، از خوش اقبال این تیم حکایت می کرد، زیرا گل برتری این تیم در زمانی به ثمر رسید که چوکا برتر از حریف نشان می داد. با این وصف چه قبل و چه بعد از گل سایبای، که با سنا سهندی زین از راست و ضربه ز مینی علیدوستی حاصل شد، یاران غفور می توانستند ۲ بار به گل دست یابند که در هر دو مورد شلیک ها به هدف نشست.

با ورود فیضی مقدم مهاجم بلند پرواز به زمین، چوکا نیمه دوم را هجومی تر از نیمه نخست دنبال کرد. اینان برای دستیابی به گل مساوی حالا مدام به دروازه حریف هجوم می بردند اما یاران سایبای هر حمله مهاجمان میزبان را به خوبی دفع می کردند. با این حال بعد از این که یک بار ضربه سر زاهد و بیشگاهی مدافع پیش تاخته چوکا در دقیقه ۵۲ دروازه سایبای را با خطر جدی روبه رو کرد، سرانجام در دقیقه ۶۳ دروازه این تیم به روی مهاجمان چوکا گشوده شد. یک همکاری خوب بین بازیکنان چوکا و در انتها، یک سانتر از جناح راست روی دروازه این تیم، سبب شد تا مدافعان تیم مهمان مرتکب اشتباه شوند، که همین اشتباه کافی بود تا قایقران با یک ضربه زمینی توپ را به تور دروازه سایبای بدوزد و بازی ۱-۱ شود.

پس از این گل سایبای چندبار روی دروازه چوکا حمله ور شد، اما حاصلی نبرد ضمن اینکه تیم انزلی چی حالا پر اشتها تر از حریف به دنبال گل پیروزی می گشت. در دقایق ۸۴ و ۹۰ ضربه سر فیضی و شوت محکم پورموقری هر دو می توانست گل برتری چوکا را رقم زند که این ضربات به چار چوب راه نیافت.

"پرسپولیس" باز هم کشاورز را زد!

پرسپولیس (۲)

گلها: فرشاد پیوس (۷) و جمشید شاه محمدی (۴۵)

کشاورز (۰)

گل: رضا عبدیان (۸۸)

داور: حسین عسگری با کمک محمد فنایی و محمدعلی فروغی

اخطار: کریم باقری از کشاورز و حسن شیرمحمدی از پرسپولیس

تماشاگر: حدود ۲۰ هزار نفر

■ پرسپولیس: محمود خوراکی - امیر موسوی نیا، محمد پنجعلی (کاپیتان)، نجم الدین بخشی، رضا شاهرودی - حسن شیرمحمدی (از دقیقه ۸۱ بهزاد داداش زاده)، حمید درخشان، مجتبی محرمی، جواد منافی، فرشاد پیوس و جمشید شاه محمدی (از دقیقه ۸۰ سعید تهرانی نژاد)

مربی: ناصر محمدخانی

■ کشاورز: علیرضا دلخون - مسعود استیلی، نادر محمدخانی، کریم باقری، مجتبی تقوی، امیر آقاجانی (از دقیقه ۳۰ فریبرز مرادی) - سیروس قایقران (کاپیتان)، بهروز پرورش خواه، سیدمهدی



ابطحی (از نیمه دوم میرشاد ماجدی) - صمد مرفاوی و کورش برمک (از دقیقه ۶۵ رضا عبدیان)

مربی: یورگن گده

■ نتیجه دیدار رفت: ۱-۰ پرسپولیس

ورزشگاه آزادی (دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۷۲) - تیم پرسپولیس چنان با اشتها و باروحیه پا به میدان گذاشت و نیمه اول را با ۲ گل از کشاورز پیش افتاد که اگر بیشتر از ۲ گل وارد دروازه حریف نکرد، بخت بلند کشاورز بود!

■ نتیجه دیدار رفت: ۱-۰ پرسپولیس

پرسپولیس آن چنان طوفانی آغاز کرد که باخت در برابر سپاهان را به فراموشی سپرد... و این سوال را به وجود آورد که چگونه پرسپولیس با این همه "مهره" و ملی پوش مغلوب سپاهان شد؟ در دیدار با کشاورز که از داشتن مهره های غنی دست کمی از پرسپولیس ندارد، سرخیوشان با پاس های تک ضرب و ارسال توپ های بلند از جناحین، بارها و بارها دروازه کشاورز را با تهدید جدی مواجه ساختند. این نمایش باعث شد تا کشاورز یک بار دیگر در برابر پرسپولیس ناکام و مغلوب باشد و پیروزی در دوردست قرار گیرد.

هنگام هجوم های پرسپولیس، دفاع کشاورز یک روز "بد" را پشت سر گذاشت و با شتابزدگی نتوانست حملات حریف را دفع کند. در این میان، هافبک های کشاورز کمتر به کمک مدافعان خودی آمدند... و گویا فقط حمله کردن را دوست داشتند!

هنوز ۷ دقیقه از بازی نگذشته بود که یک توپ به دهانه دروازه کشاورز ارسال شد و شاه محمدی با سماجت توپ را با حالت "تکل" به سمت پیوس فرستاد و مهاجم گلزن پرسپولیس با فریب دو مدافع کشاورز از زاویه بسته کار را تمام کرد. بعد از این گل، پرسپولیس باز دست بردار نبود و از چپ و راست حمله کرد و کشاورز را همچنان به عقب راند. شاه محمدی که در این روز یک مزاحم همیشگی در دفاع کشاورز بود، در راه اندازی پیوس و پاس به عقب برای هافبک های خود نقش مهمی داشت. شوت شیرمحمدی، ضربه سر شاه محمدی که در آستانه ورود به درون دروازه توسط باقری از روی خط بیرون کشیده شد، دو ضربه پیاپی پیوس و محرمی که دلخون منجی دروازه اش شد، از جمله فرصت های مسلم پرسپولیس بود که به هدف نشست. بالاخره در دقیقه ۴۵ حمله های پرسپولیس برای دومین بار نتیجه داد. در جناح چپ زمین کشاورز با خطا پیوس را از حرکت انداخت که داور، یک ضربه آزاد برای پرسپولیس اعلام کرد و اعتراض مدافع کشاورز را با یک اخطار پاسخ داد. منافی این ضربه را روی دروازه کشاورز فرستاد و شاه محمدی با پروازی دیدنی با ضربه سر توپ را با تور حریف آشنا ساخت تا مردان پرسپولیس با خیالی آسوده به رختکن بروند.

در نیمه دوم، کشاورز بهتر شروع کرد و می خواست که گل های خورده نیمه اول را جبران کند، ولی برای گلزنی "برنامه" نداشت. این در حالی بود که کشاورز علاوه بر یک تعویض در نیمه نخست، در نیمه دوم نیز ماجدی و عبدیان را جایگزین ابطحی و برمک کرده بود. گرچه کشاورز با دو ضربه سر نه چندان جدی باقری و با دوندگی یارانش، به مراتب بهتر از نیمه اول بود اما ضعف عمده این تیم در زمین پرسپولیس به چشم آمد که تا تکلیک مشخصی برای گلزنی نداشت و اگر هم یکی از گل های پرسپولیس را پاسخ داد، خیلی "دیر" بدست آمد. در مقابل، پرسپولیس با حرکات درخشان، شیرمحمدی، محرمی و منافی به دنبال حفظ نتیجه بود که اینان در نیمه اول در حمله های خود پرتلاش نشان دادند. پرسپولیس در نیمه دوم مثل نیمه اول حمله نکرد. گل کشاورز زمانی بدست آمد که توپ اغلب در میانه میدان ضربه می خورد. در دقیقه ۸۸ روی پاس قایقران، شوت زمینی مرفاوی در دست های خوراکی به خوبی جفت و جور نشد تا توپ رها شده با ضربه بغل پای عبدیان، یکی از گل های پرسپولیس پاسخ داده شود. تا قبل از این گل، خوراکی در درون دروازه آماده نشان داد.

نساجی در "تبعید" برد!



نساجی قانم شهر (۱) ۲
گل ها: سعید اوصیاء لقب
(۴۴) و نادر دست نشان (۸۶)
استقلال اهواز (۰) ۱
گل: صبیح ساران (۶۶)
داور: منوچهر ایلدرود با
کمک یوسف قاسم پور و احمد
اسماعیلی
اخطار: نادر دست نشان
(نساجی قانم شهر)
تماشاگر: ۱۰۰۰ نفر

■ **نساجی:** صلاح الدین اونق، ضربعلی طالبی، فرهاد کوچک زاده، حسین بهروز تهرانی، عباس وفادار، محمدبابا گل زاده گنجی (از دقیقه ۴۶ عباس کاون و از دقیقه ۷۸ فریدون فضلی)، سعید اوصیاء لقب، عزیزاله زارع، مجتبی نوری (از دقیقه ۶۲ فرامرز اضطرابی)، نادر دست نشان و رضاتقوی مربی: رحیم دست نشان

■ **استقلال:** خلف نیسی، جعفر جادری، داریوش یزدی، عباس شیخ رباط (از دقیقه ۵۵ ابراهیم تهامی)، شهرام نجدی (از دقیقه ۸۰ عبدالله ویسی)، ناصر حروب، ایرج کردویی (از دقیقه ۶۵ عبدالاحسین نیسی)، صبیح ساران ۷ عبدالرضا سعدی، شهرام عطارزاده، عبدالمجید جدیمی
مربی: منصور پور حیدری

■ نتیجه دیدار رفت: ۰-۳ استقلال

ورزشگاه آزادی (دوشنبه ۱۱/۱۱/۷۲) نساجی قانم شهر میزبان استقلال اهواز بود تا در مرحله برگشت مسابقه های فوتبال سراسری به علت محرومیت از دیدار خانگی، استقلالی های اهواز را در تهران دیدار کند. طی این دیدار یاران دست نشان با پیروزی دو بر یک آبی پوشان اهواز را با شکست بدرقه کردند و انتقال دیدار مرحله رفت را گرفتند.

نیمه اول دیدار نساجی و استقلال در حالی با برتری یک بر صفر یاران نساجی خاتمه یافت که در سراسر این نیمه آبی پوشان اهواز موقعیت های گل بیشتری را نسبت به حریف از دست دادند و در این میان عطارزاده مهاجم استقلالی خود به تنهایی سه موقعیت گل را از دست داد، هر دو تیم در طول این نیمه در خط دفاع متزلزل و شکننده نشان دادند به ویژه قلب دفاعی دو تیم که با ارسال هر توپ آسیب پذیر و پراشتباه نشان می داد.

عاقبت اوصیاء لقب هافبک چپ نساجی گره گشا شد و دروازه استقلال اهواز را در دقیقه ۴۴ گشود. او روی اشتباه مسلم جادری، آخرین مدافع استقلال، در جناح چپ هیجده قدم پیش رفت و از آن جا با شلیکی زمینی زاویه مخالف دروازه نیسی را گشود تا تیمش را با یک گل از حریف پیش اندازد. پیش از آن استقلال اهواز چهار بار به طور جدی توسط عطارزاده و سعدی دروازه این تیم را تهدید کرد و در عوض قرمزپوشان نساجی نیز دو موقعیت خوب را توسط رضاتقوی در دقایق ۲۷ و ۴۰ از دست داده بودند.

نیمه دوم را یاران نساجی با دو تغییر آغاز کردند. اینان با آوردن کاون و قرار دادن وی در هافبک راست و وارد کردن اضطرابی به زمین و کار گماردن وی در خط حمله، تقوی را به یک خط عقب تر کشاندند تا پیکان حمله نساجی با دست نشان و اضطرابی شکل یابد.

اما این استقلال بود که در دقیقه ۶۶ به گل تساوی رسید. در این لحظه صبیح ساران بهترین و مهم ترین کارش را در طول این دیدار انجام داد. او در این لحظه با یک کنترل خوب و شوتی روپا و قوی زاویه راست دروازه اونق را هدف گرفته از پشت هیجده قدم توپ را به زیبایی هر چه تمامتر به تور دروازه نساجی رساند.

استقلال اهواز پس از زدن گل تساوی نیز هیچگاه عقب نکشید و به حملات خود ادامه داد در شرایطی که هر لحظه احتمال فروریختن مجدد دروازه نساجی می رفت، مدافعان پراشتباه اهواز برای دومین بار اشتباه فاحش دیگری را مرتکب شدند و گل دوم و برتری را تقدیم حریف کردند... تا استقلال علی رغم برتری ظاهری، گل دوم را از حریف شمالی خود بپذیرد. در دقیقه ۸۶ نساجی روی یک ضدحمله توسط دست نشان و با اشتباه مسلم جادری مدافع میانی استقلال در دفع توپ، مهاجم نساجی سوار بر توپ بادآورده، پیش تاخت، و با شوتی زمینی توپ را دور از دست های نیستی به تور دروازه استقلال اهواز دوخت.

یک گل برای انتقام

صنعت نفت آبادان (۱) ۱
گل: غلامعلی روئین تن
(۱۵)
تراکتورسازی تبریز (۰) ۰
داور: علی نقی
مصطفی نژاد با کمک ابراهیم میرزابیگی و هوشنگ تولایی
اخطار: کاظم محمودی و
علی رضا پژمان (تراکتورسازی)
اخراج: احد شیخ لاری
(تراکتورسازی)

تماشاگر: حدود ده هزار نفر
■ **صنعت نفت:** جاسم احمد برهی - کامل شریفی، بهروز مکوندی، مجید وشاهی ور، فریدون جمی (از دقیقه ۷۵ مرتضی بچاری)، اسماعیل دمی، سعیدسلامتی، حکیم عوده پور، عبدالزهره سالمی، مجتبی مرتضوی (از دقیقه ۶۵ مظفر شاملی) و غلامعلی روئین تن (از دقیقه ۸۴ حسین مولایی)

مربی: علیرضا فیروزی
■ **تراکتورسازی:**

علی رضا نیک مهر - احد شیخ لاری، حسین حسندخت، جواد شالچی، کاظم محمودی،



تورانس کامل
مسابقات
بین المللی
شهر ۷۲



کریم قاسمی، علیرضا پژمان، حسن علی شیری (از دقیقه ۷۰ یوسف بخشی زاده)، غلامحسین دین محمدی، اکبر ذوالمجدیان، علی باغمیشه (از دقیقه ۳۵ صابر تقی زاده)

مربی: واسیلی گوجا

■ نتیجه دیدار رفت: ۲-۱ تراکتور

ورزشگاه تختی آبادان - (دوشنبه ۱۱ بهمن ماه ۷۲) - صنعت نفت آبادان بعد از شکست پرگل در مقابل سایپا، مصمم برای برد به میدان تراکتورسازی آمد. اما در طول دیدار دو چهره متفاوت داشت: یک نیمه کوبنده و پرتلاش و یک نیمه محتاط و مصر در حفظ نتیجه تراکتورسازی با توجه به برد در مقابل ذوب آهن، به آبادان آمده بود که نیاز د و با امتیاز به خانه برگردد. اما این تیم نتوانست این مهم را به سرانجام برساند و از همان ابتدای نیمه اول بازی میانه میدان به نفتی ها تعلق گرفت.

نیمه اول را باید به نام نفت نوشت. از دقیقه ۸ نفت حملات کوبنده خود را آغاز کرد... تا اینکه در دقیقه ۱۵ به آنچه که می خواست رسید.

پاس زیبای عوده پور از میانه میدان برای روئین تن و مکث دفاع تراکتور به هوای "آفساید"، به این بازیکن اجازه داد تا با یک ضربه تمام کننده تیمش را به گل برساند.

در دقایق ۲۶، ۲۸ و ۳۱ سه بار نفتی ها به موقعیت رسیدند اما تعلق و عجله یاران خط حمله باعث شد تا توپ به هدف نرسد. در دقیقه ۳۸ نیز شوت عالی سالمی به دیرک عمودی خورد و توسط دفاع برگشت داده شد.

در نیمه دوم تبریزی ها بهتر آغاز کردند و با حمله از دو جناح به زمین میزبان رفتند. در دقیقه ۵۵ ضربه تقی زاده با واکنش خوب احمد برهی به کرنر رفت. در دقیقه ۶۸ ذوالمجدیان به بهترین بخت تیمش رسید که ضربه او را دروازه بان خوب نفتی ها بی اثر کرد. در دقیقه ۸۰ روی ناهماهنگی داور با کمک داور، بازی به خشونت کشیده شد. اعتراض شیخ لاری به داور باعث شد تا مصطفی نژاد او را از زمین اخراج کند. بعد از این حادثه تلاش دو تیم برای رسیدن به گل بی ثمر ماند و میزبان به ۲ امتیاز این بازی رسید و تماشاگران را خوشحال کرد.



■ غلامعلی روئین تن

سرفه های شما



فطرات ماندگار



در دوره و زمانه ای که رسانه ها به اندازه امروز توسعه نیافته بودند و فضای مجازی نیز سیطره خود را بر اخبار نگسترده بود، تهیه خبر و گزارش از اردوها و مسابقات های انتخابی تیم ملی توسط قلم مردانی شکل می گرفت که در همه میادین حی و حاضر بودند تا نکته ای از منظر دیدشان پنهان نماند، پیشکسوتان عرصه رسانه که گرچه امروز در بین ما نیستند اما یاد و خاطرات خوب و نوشته های تاثیر گذارشان در بین خانواده بزرگ کشتی زنده و ماندگار است. در عکس بالا، سه تن از این بزرگان حضور دارند: زنده یادان حسین حساری، بیژن روئین پور و تورج لارودی که با گزارش ها و تحلیل هایشان در دو مجله دنیای ورزش و کیهان ورزشی، عطش کشتی دوستان را سیراب می کردند. به همراه این سه عزیز، روانشاد یونس علیشیری، عکاس موسسه اطلاعات نیز حضور دارد تا در رویدادی که مربوط می شود به اردوی تیم ملی در سالن بانک تجارت در سال ۱۳۶۹، ثبت کننده لحظات تمرینی ملی پوشان باشد. در این عکس همچنین محمد رضا نوایی، مفسر و دارنده مدال برنز جهان در سال ۱۹۷۳ و برنز بازی های آسیایی ۱۹۷۴ تهران حضور دارد که متاسفانه این پیشکسوت عزیز را در سال ۹۹ از دست دادیم. پرویز عرب، پیشکسوت خوشنام کشتی و دبیر اسبق فدراسیون به همراه محمدعلی صنعتکاران، دارنده مدال های طلا و نقره جهان و نفر سوم المپیک ۱۹۶۴ توکیو و رئیس و نایب رئیس اسبق فدراسیون کشتی به همراه نگارنده این سطور دیده می شوند. یاد و خاطرات تمام بزرگان در گذشته کشتی ایران را با قرائت فاتحه ای گرامی داشته و برای تمام پیشکسوتان کشتی آرزوی سلامتی و عمر باعزت داریم.

کاظم تکتاز - نوشهر

یادآوری

سلام. تیم ملی فوتبال ایران به مرحله یک هشتم نهایی جام ملت های آسیا راه یافت. یادآوری می کنم که این تیم در آسان ترین گروه قرار داشت. برخی این روزها می گویند که تیم ملی ایران با سه برد به مرحله بعدی بازی ها صعود کرد اما نمی گویند که فوتبال ما در مقایسه با امارات، فلسطین و هنگ کنگ از نظر فنی برتری دارد. فوتبال ایران، کانون استعداد است. استعدادهایی که در فوتبال ما حضور دارند، در لیگ های کشورهای متمدن حوزة خلیج فارس وجود ندارند و به قول مربیان، بیشتر بازیکنانی که کار را برای تیم ها درمی آورند، بازیکنان

پاس بزرگ کجاست؟

هیچگاه عاقل نسازد خانه ای که شود از عطسه ای ویرانه ای



تیم پاس تهران در اواخر دهه ۴۰. ایستاده از راست: حسن حبیبی، زنده یاد کیوان نیک نفس، محمود یآوری، حسین گازرانی، همایون شاهرخی و مهدی مناجاتی. نشسته از راست: محسن هوشنگی، پرویز میرزاحسن، مجید حلویایی، مسعود مزدهی و اصغر شرفی

در فوتبال ایران تیم هایی هستند که به نوعی بخشی از تاریخ فوتبال این سرزمین محسوب می شوند. یکی از همین تیم ها، پاس تهران بود. این تیم مردان بزرگ و ارزشمندی تحویل فوتبال ایران داد که هر کدام از آنها مایه افتخار شدند، به خصوص در زمانی که پول در فوتبال جایی نداشت و همه چیز بر محور عشق و وفاداری می چرخید.

مردانی نظیر زنده یادان مهدی اسداللهی و محمد رنجبر از نسل اول این تیم به یادماندنی و پرافتخار بودند. البته اسداللهی فقید یک نویسنده قهار و حرفه ای و یک کارشناس برجسته در ورزش و فوتبال ایران بود و سال ها در کیهان ورزشی قلمفرسایی کرد و مخاطبان فراوانی داشت که از مطالب پر محتوایش استفاده می کردند.

محمد رنجبر هم تیم ملی ایران را قهرمان جام ملت های آسیا کرد و به دلیل نظم و انضباط و مدیریت قوی، به "رئیس" معروف بود. حشمت مهاجرانی و اصغر شرفی برای او اولین بار تیم ملی ایران را به جام جهانی (آرژانتین) رساندند، آن هم در سخت ترین شرایط که از ۱۶ تیم حاضر در جام جهانی فقط یک تیم از آسیا به این رقابت ها راه می یافت.

حسن آقای حبیبی، تیم ملی ایران را به مقام سوم جام ملت های آسیا رساند، آن هم در وحشتناک ترین روزهایی که جنگ ایران و عراق شروع شد و فوتبال معنایی نداشت. به طور کلی باشگاه پاس، مکتب پرورش بهترین مربیان در فوتبال و ورزش ایران بود که هر کدام از آنها برای خود شخصیت خاص و بارز شی داشتند. این تیم حتی بعد از انقلاب با هدایت فیروز کریمی قهرمان باشگاه های آسیا شد اما به دلیل بی تفاوتی، بی تعهدی و معامله گری افراد ناجور و آویزان ورزش، رو به نابودی رفت. هر گاه با حسن آقای حبیبی و آقای اصغر شرفی تلفنی صحبت می کنم، از حرف های آنها که دو بزرگمرد فوتبال ایران محسوب می شوند، پند و اندرز می گیرم و بر اینم لنتبخش است. به یاد آن تیم قدرتمند و تاکتیکی پاس می افتم که دیگر اثری از آن در فوتبال ایران نیست. محسن هوشنگی، فوتبالیست شایسته شهر رشت از یاران شاخص و مستحکم در خط دفاع پاس در دهه ۵۰ بود که دو بار قهرمان جام تخت جمشید شد. وی همچنین سابقه بازی در تیم ملی را دارد. او در دهه ۶۰ مربی تیم منتخب گیلان در لیگ قدس بود که در سال ۱۳۶۷ نایب قهرمان ایران شد. او مدتی هم رئیس هیات فوتبال گیلان بود.

مهدی دینورز ده نیز سابقه بازی در تیم پرافتخار پاس را دارد. او کاپیتان تیم ملی ایران در اوایل دهه ۶۰ بود و در عرصه مربیگری هم در هر تیمی که حضور داشت، باعث و بانی موفقیت آن تیم شد، هر چند به حش در فوتبال نرسید. همچنین مهدی مناجاتی و همایون شاهرخی، از سرمربیان تیم ملی بزرگسالان ایران بودند. فرامرز ظلی، محمد صادقی، اسماعیل نوربخش، قاسم طیبی، رضا قفل ساز، مائیس میناسیان، فرامرز عزتی، حبیب شریفی، علی مناجاتی، حسین فرکی و... از دیگر چهره های مطرح تیم پاس و فوتبال ایران در دهه های ۴۰ و ۵۰ بودند.

به راستی باید از متولیان حراف و پرادعا و بی عمل ورزش ایران پرسید که باشگاه بزرگ پاس تهران با داشتن این همه افتخار و پیشکسوتان ارزشمند و برجسته کجاست؟!

علی فومنی - رشت

مقایسه

سلام. نسل های دیروز و امروز تیم ملی در تاریخ جام ملت های آسیا نامی شود با هم مقایسه کرد. مسعود ساعدی - تهران

تبریک

سلام. قهرمانی مهرانا بنی اسدی در مسابقات اسب سواری جام استاذ رضایی را به او

تبریک می گویم و از حمایت رضا حسن زاده، بازیکن دهه های ۶۰ و ۷۰ استقلال تهران و دیگران از این نوجوان تشکر می کنم.

یکی از خوانندگان

پیش بینی

سلام. پیش بینی بنده برای بازی های گروه چهارم جام ملت های ۲۰۲۳ قطر. اندونزی در

خوانندگان محترم!
ضمن استقبال از پیام های شما از چاپ
مطالبی که همراه با توهین، تهمت و
بی حرمتی به اشخاص و تیم ها و ...
آن هم بدون سند باشد معذوریم.

استقلال از مدیریت خیلی لطمه خورده است

مجری باسواد ورزشی نداریم

از جهان پهلوان تختی بیشتر بنویسید

در فوتبال رشت باید خانه تکانی اساسی انجام شود

آقای درویش! با هواداران، روراست باش

نسل های دیروز و امروز تیم ملی را نمی توان با هم مقایسه کرد

خطیر فقط عنوان مدیرعاملی را بدک می کشد. ایشان در نقل و انتقالات، بسیار ضعیف عمل کرده و تیم جواد نکونام از بی تدبیری و ناتوانی مدیرعامل باشگاه استقلال خیلی لطمه خورده است. الان با مصدومیت چشمی کوین یامگا، کدام بازیکن قرار است جای خالی او را در ترکیب استقلال پر کند؟ واقعا استقلال از مدیریت خیلی لطمه خورده است.

مهیار

تیم های کره جنوبی و ژاپن در جام ملت ها انگیزه همیشگی را ندارند و ظاهر نگاه ستارگان این تیم ها فقط به جام جهانی است. هر کسی که فوتبال تماشا کرده باشد با دیدن بازی های کره و ژاپن متوجه بی انگیزه بودن بازیکنان شان می شود. البته ملی پوشان ما در جام ملت ها با انگیزه بازی می کنند و امیدوارم امسال قهرمان شوند. ضمنا استقلال با گذشت دو هفته تعطیلی نیم فصل، فقط سیلوی بدون تیم را به خدمت گرفته است!

حتما خریداری کنند. با تشکر.

رضا شعبانعلی - شهرداری

دپیلماسی

"دپیلماسی ورزشی حداقلی" یعنی همدست شدن با ورزش اول و محبوب کشورهای همسایه ایران. در همسایگان غربی (عراق و ترکیه) و جنوبی ایران (کشورهای حوزه خلیج فارس) رشته ورزشی "فوتبال" که گروهی و توپی است، حرف اول را می زند و محبوب است. در همسایگان شمالی (روسیه، جمهوری آذربایجان و ...) رشته ورزشی انفرادی "کشتی" حرف اول را می زند و محبوب است اما در همسایگان شرقی (پاکستان، افغانستان، هند) با بیش از ۲ میلیارد نفر جمعیت، رشته ورزشی گروهی و توپی و المپیکی "کرکت" حرف اول را می زند و محبوب است که این وضعیت تا شرق و جنوب آسیا و استرالیا ادامه دارد.

یکی از خوانندگان

صعود

سلام. صعود تیم ملی فوتبال را تبریک می گویم و امیدوارم که در مراحل بعد هم موفق باشد، البته با ترمیم خط دفاع.

اشکان جعفرزاده - تهران

غرض ورزی

سلام. ما هواداران استقلال دل خوشی از امیر قلعه نویی نداریم، فقط به خاطر اینکه به ناصر خان حجازی خیلی بی احترامی می کرد و به همین دلیل از چشم ما افتاده است ولی پای تیم ملی وقتی در میان باشد، همه ما ایرانیان باید از آن حمایت کنیم. فکرمی کنم که از بدو تولد، ناف آقای خداداد عزیز را با ساز مخالف بریده باشند. آقا خداداد! اینقدر از کلمه "من" استفاده نکنید. تا آنجایی که ما دیدیم آنهایی که دم از "من" می زدند، همگی محو و نابود و در میان مردم خوار و ذلیل شدند. کارشناسی آقا خداداد همه از روی غرض ورزی است. بنده متاسفم برای صدا و سیما که از چنین افرادی برای کارشناسی دعوت می کند. کارشناسی باید روی اصول و منطق باشد، نه غرض ورزی و دشمنی.

بهمن عاشوری - خشکبجار (گیلان)

قهرمان

سلام. برای تیم ملی با سرمربیگری امیر قلعه نویی آرزوی موفقیت می کنم، گرچه بازیکنان

بازی سوم، ژاپن را می برد و با ۶ امتیاز به همراه عراق به مرحله یک هشتم صعود می کند. ژاپن با سه امتیاز، تیم سوم گروه می شود و چون چهار تیم گروه های دیگر همگی دارای چهار امتیاز هستند، به همراه چین به عنوان ضعیف ترین تیم های سوم حذف می شوند. اگر این اتفاق جالب بیفتد، شگفتی صد در صد جام تا پایان مرحله گروهی کامل شده و همه فوتبالدوستان انگشت حیرت به دندان گرفته و دچار سرگیجه می شوند. وای! چه حالی می کنند همه مدعیان جام و البته از همه بیشتر، کره جنوبی. به امید شگفتی. با تشکر.

جعفر احمدی - قزوین

آرزو

سلام. امیدوارم مصدومیت صادق محرمی جدی نباشد. برای تیم ملی کشورمان و محرمی آرزوی موفقیت می کنم. خواهان منصوریان الان در ووشوی کشورمان فعالیت دارند؟ قبلا درباره آنها اخبار حاشیه ای شنیده بودم. تشکر از مجله خوبتان.

محمد موسوی - ازنا (لرستان)

سلامتی

باعرض سلام و خسته نباشید. از مسئولین استقلال خواهشمندم که به فکر سلامتی یامگا باشند. او بازیکن خوبی برای استقلال است. از آقای نکونام می خواهم که حامدی فر را اخراج نکند.

حسین جعفرزاده - گنبد کاووس

توصیه

سلام و درود به کیهان ورزشی. وقتی جهان پهلوان موحد را در تلویزیون دیدم، خیلی خوشحال شدم. یک شبکه دیگر هم از هنرمند قدیمی، آقای اسدالله یکتا دعوت کرده بود و تشییع جنازه هنرمند بزرگ کشورمان، فردین را نشان داد. می خواستم از صدا و سیما تشکر کنم. البته قبلا کیهان ورزشی با این عزیزان مصاحبه کرده است. توصیه می کنم برای موفقیت بیشتر، از کیهان ورزشی درس بگیرید. با تشکر.

مسعود شایق - بروجن

خواهش

باسلام و عرض تبریک به مناسبت ولادت مولا علی (ع) و روز پدر، از مسئولین استقلال خواهشمندم که برای نیم فصل دوم لیگ و تقویت تیم، قایدی، نورافکن، محبی و عزت اللهی را

گپ و گفت با سردبیر



اقدام

دو هفته از رفتن یحیی گل محمدی از پرسپولیس گذشته است. رضا درویش، مدیرعامل باشگاه پرسپولیس هیچ اقدامی غیر از مذاکره با برانکو و قطر گردی نداشته است. درویش به دنبال این است که مربی تمرین دهنده برزیلی و دستیار سابق یحیی را سرمربی پرسپولیس کند، در حالی که پرسپولیس تیم بزرگی است و به یک مربی کارزماتیک نیاز دارد. آقای درویش! برای پرسپولیس نسخه نیچید.

داود
هنوز برای ما مثل خیلی ها موضوع "کناره گیری" گل محمدی حل نشده است و دلیل آن را متوجه نمی شویم. وقتی مسائل از ریشه و اساس مبهم باشد، راه حل ها هم روشن و منطقی نخواهد بود. به نظر ما مدیران تیم پرسپولیس به جای برانکو و این و آن را دیدن، بهتر بود که با گل محمدی کنار می آمدند.

برنامه

برنامه های فوتبالی تلویزیون شده "شوآف" مجریان جوان. برنامه های فوتبال "سیما" مسخره شده است. جواد خیابانی هر حرف نادرستی را در تلویزیون به زبان می آورد و هیچکس هم به او تذکر نمی دهد. یک روز گریه می کند و یک روز مجری جوان برنامه را گنده می کند، یک روز هم توصیه های غلط فنی به مربیان تیم ملی می کند که آدرس غلط به بیننده می دهد. آقایان میثاقی و احمدی هم شده اند مجری کارشناس!

میثاقی طوری با کارشناسان صحبت می کند که انگار خودش مربی و بازیکن حرفه ای بوده!!! این دو نفر دقیقا همان راه عادل فردوسی پور را می روند، با این تفاوت که فردوسی پور نزد مردم جایگاهی داشت اما اینها بنا به دلایلی که همه می دانند هیچ جایگاهی ندارند. البته فردوسی پور در سال های پایانی کار خود در "برنامه نود" مثل یک کارشناس صحبت می کرد و هیچکسی را غیر از چند مربی قدیمی که مجیش را می گفتند و روی حرفش صحبت نمی کردند، قبول نداشت. شمارا به خدا بنویسید که بیشتر مردم برنامه های تلویزیون را دوست ندارند، چون مجریانش - به خصوص برنامه های ورزشی - آدم های آماتور و کم تجربه هستند. مجری باسواد ورزشی - به خصوص در فوتبال - نداریم.

داود خانعلی زاده
- داود جان، چقدر قشنگ و روشن و منصفانه همه چیز را گفتی. خوشبختانه همه آنهایی که ورزش را می فهمند و اهل دقت هستند، مثل شما متوجه همه چیز می شوند و می فهمند. فقط "نقه ها"، "مردم" را نمی فهمند و فکر می کنند که می توانند هر کسی را به عنوان "کارشناس" و هر خزعبلات و اراجیفی را به نام "حرف کارشناسی" به خورد آنها بدهند.

مخبرم

از شنیدن صدای آقاتختی بغض کردیم.

بزرگمرد، روح‌شاد. چقدر آقا تختی، محترم بود و چقدر به مردم احترام می گذاشت. الان برخی از ورزشکاران و مربیان پایه‌سن گذاشته به مردم احترام می گذارند ولی سایرین ، نگاه شان به مسائل مادی است . البته آنها مقصر نیستند . جامعه کاری کرده که همه نگاه ها مادی شود و کسی به دنبال فروتنی و جوانمردی نیست. از کیهان ورزشی تشکر می کنم که سالی یک بار جلد را به عکس آقا تختی اختصاص می دهد. از جهان پهلوان تختی بیشتر بنویسید.

نوید

-آفرین، آقا نوید عزیز . به جای پرداختن به " معلول " یکر است رفتی سراغ علت .انسان ها، از جمله ورزشکاران محصول فرهنگ و اخلاق عمومی و حاکم بر جامعه هستند . البته کسانی مثل شادروان تختی یا قهرمانانی که همین الان در گوشه و کنار شهر زندگی می کنند، سعی دارند با در پیش گرفتن مسیر جوانمردان بزرگ ، اسیر جبر زمانه و جامعه نباشند و با توکل به خدا ، مقام و هویت انسانی خود را گم نکنند .

■ ■ ■ مدیریت تکراری ■ ■ ■

فوتبال رشت در باتلاق مدیریت تکراری و کارنابلد هیات فوتبال گیلان افتاده است . آقای آرمان ، مدیر کل ورزش و جوانان استان روزهای بسیار بدی را سپری می کند . همه افرادی را که برای خرید تیم داماش گیلان آمدند ، فراری دادند و با وعده دادن ، سال هاست که هواداران سینه سوخته وعاشق را فریب می دهند . آنها هواداران متعصب و علاقه مند به فوتبال را دوست ندارند . کسی نیست که در استان گیلان به داد فوتبال درد کشیده و زخم خورده برسد . مسئولان ورزشی بارها در گفت وگو با رسانه ها ، خود را کمک رسان به فوتبال می دانند اما در پشت پرده ، باند بازی و وجود دارد . در حال حاضر ما هواداران عاشق شاهد قربانی شدن تیم های محبوب خود هستیم و با توجه به وعده های توخالی مدیران ورزشی ، فوتبال رشت روزهای بدی را سپری می کند . امیدوارم خانه تکانی اساسی انجام شود . به امید روزهایی خوش برای فوتبال رشت .

امیر حمیدی – رشت

-همین که فوتبال رشت با آن سابقه و قدمت و مردان شناخته شده و خوشنام ، امروز در دسته برتر لیگ ایران غایب است، خود گویای خیلی چیزهاست ، از جمله اینکه کار این فوتبال در دست کاردان نیست .

■ ■ ■ کاهش ■ ■ ■

لطفا صفحات سوار کاری که به گفته خودتان " رپر تاژ آگهی " است را کاهش دهید. در مجله هفته گذشته مطالب جالبی داشتید. ضمنا اخبار فوتبال اردبیل را در صفحات شهرستان ها چاپ کنید. ممنون از این که در شماره های اخیرتان یادی از علی دایی ، کاپیتان دوست داشتنی اردبیلی کردید. علی دایی سال ها آقای گل جهان بود و یکی از ورزشکاران بی ریایی است که در کارهای خیر خواهانه همیشه پیشقدم بوده است.

اسرافیل – اردبیل

-صفحات "آگهی" های مجله از طرف اداره آگهی های موسسه آماده و تحویل ما می شود و مدیریت جداگانه دارد . از اینکه از مطالب شماره قبل راضی بودید ، خوشحال هستیم .

اگر اخبار فوتبال اردبیل توسط خبرنگاران ما در این استان ارسال شود ، حتما در مجله چاپ خواهد شد . علی دایی از افتخارات بزرگ فوتبال ایران است و هر وقت مناسبتی باشد ، درباره او باز هم خواهیم نوشت .

■ ■ ■ سوال ■ ■ ■

سلام . چرا مسابقات کشتی فرنگی جام کرواسی ، جام باشگاه های جهان و جام ملت های آفریقا را پوشش ندادید ؟

اوجی – شیراز
-اوجی جان ، اخبار و گزارش مربوط به مسابقات کشتی فرنگی جام کرواسی دو، سه شماره پیش در مجله چاپ شده است. جمع بندی و بررسی مسابقات دیگری که نام برده ای، در شماره آینده مجله چاپ می شود .

■ ■ ■ مصاحبه ■ ■ ■

لطفا با حشمت مهاجرانی، آتیلا حجازی، علی پروین، عبدالرضا برزگری، محمود ابراهیم زاده و آندرانیک اسکندریان مصاحبه کنید. در ضمن در صفحه " نگاه چند بعدی " به معرفی دروازه بان جوان تیم شمس آذر قزوین بپردازید.

مهدی سلوکی

- با آقای حشمت مهاجرانی اخیرا به مناسبت فوت زاگالو گفت وگویی داشتیم که در مجله چاپ شد . با سایر عزیزان هم در وقت مناسب صحبت خواهیم داشت . البته چند بار خواسته ایم با آندرانیک اسکندریان گفت وگویی داشته باشیم ولی ظاهرا خود ایشان تمایلی به این کار ندارد . از علی آقای پروین هم قول یک مصاحبه ، احتمالا برای ویژه نامه نوروزی را گرفته ایم . موفق باشید .

■ ■ ■ پاس ■ ■ ■

آقای کاظم اولیایی گفته است دلیل تعطیلی پاس این بود که نیروی انتظامی نمی توانست هزینه این تیم را تامین کند . آیا نمی شد که نام تیم پاس را حفظ کرد ؟ پاس قهرمان آسیا شده و نباید آن را با تیم های دیگر مقایسه کنیم . در گذشته وقتی از هواداران استقلال و پرسپولیس سوال می شد که دوست دارید تیم تان با کدام تیم بازی کند ، پاسخ می دادند : " پاس " .

یکی از خوانندگان

- پاس یکی از تیم های ریشه دار فوتبال ایران بود که می توانست یک "باشگاه تمام عیار " باشد اما متاسفانه ما کمتر قدر سرمایه های خود را می دانیم و به جای اینکه از آنها در جهت پیشرفت ورزش استفاده کنیم ، به بادشان می دهیم . اخیرا از طرف قدیمی های پاس تلاش هایی برای احیای دوباره این باشگاه صورت گرفته که امیدواریم به نتیجه مطلوب برسد .

■ ■ ■ عجیب ■ ■ ■

در نشریه ورزشی و ارزشی کیهان ورزشی با مدیریت شما ، سید معتقد باسابقه، چگونه ممکن است که پشت جلد و داخل مجله شنبه ۳۰ دی ، رپر تاژ آگهی به صورت رنگی و نفیس و برجسته و با عکس های یادگاری از مسابقات پرش با اسب نوجوانان چاپ شود که عکس های خانمی بی حجاب در کنار نوجوان سوار کار دیده می شود ؟ عجیب و باور نکردنی است . به غیر قانونی بودنش کاری ندارم . مجله ارزشی شما

چرا خلاف دستور قرآن و خدا اقدام کرده است ؟ درست است که برای جبران هزینه ها، چاپ تبلیغات کمک کننده است، اما نه به هر شکل که خط قرمز و اصول دینی را زیر سوال ببرد ، آن هم با حضور شما که خود روی این موارد حساس هستید .

فرامرز آقاخانیان

- ممنون . پیام شما خواننده عزیز را به بخش آگهی ها منتقل کردیم تا دقت بیشتری کنند . بخش آگهی های مجله و موسسه از بخش "تحریریه "کیهان ورزشی جداست .

■ ■ ■ دیرتر ■ ■ ■

سلام .مجله کیهان ورزشی مان !یک روز دیرتر به انزلی رسید . چرا ؟ نه تعطیلات بود ، نه برف و باران و نه زلزله . هوا هم خوب و آفتابی بود . چرا مردم ورزش دوست انزلی باید یک روز دیرتر از بقیه هموطنان عزیزمان مجله را بخوانند؟ خواهش می کنم دقت شود. تشکر .

یکی از خوانندگان ۵۰ ساله تان

- تشکر از حساسیت و پیگیری شما خواننده قدیمی . نمی دانیم منظور تان کدام شماره است . اگر کیهان ورزشی شماره ۳۴۵۲ است ، آن مجله کلا با یک روز وقفه (یکشنبه ۱ بهمن) در سراسر ایران توزیع شده و اگر شماره قبلی بوده ، حتما موضوع را به اطلاع همکاران بخش "توزیع " می رسانیم .

■ ■ ■ وزیر ■ ■ ■

سلام .این ورزش از بیخ و بن کج، وزیر لر که هیچ، کرد ، ترک ، عرب و عجم هم که بیایند ، راست بشو نیست !

علی احمدی مقدم
- اتفاقا در همین شماره در صفحه "تکاپو " مطلبی داریم که در آن نوشته ایم مشکلات ورزش ، " حل شدنی " است و یا به قول شما این " کج و کولگی " قابل اصلاح است ، به شرط اینکه مدیران و مسئولان اراده و تدبیر اصلاح و ساختن داشته باشند .

■ ■ ■ دفاع ■ ■ ■

سلام . آقای قلعه نویی به فکر دفاع باشد . با این دفاع ، در مرحله حذفی به مشکل می خوریم .

کیارش جعفرزاده – تهران
- درباره نفرات و همچنین ساختار دفاعی تیم ملی خیلی ها گفته و نوشته و تذکر داده اند . امیدواریم با اصلاح هر چه سریع تر خط دفاع ، خطری از این ناحیه گریبانگیر تیم ملی نشود .

■ ■ ■ مثبت ■ ■ ■

سلام .درویش دوهفته تمام بانام های مختلف بازی کرد و سرانجام شخص مورد نظر خودش را به عنوان سرمربی انتخاب کرد .اقدام وی نشان می دهد که آدم باهوشی است اما ای کاش مدیران فوتبال ، این هوش و ذکاوت را در جهت مثبت و در راستای منافع باشگاهی و فوتبالی و خواست هواداران به کار می بستند، نه در جهت منافع شخصی و خوشایندبالادستی ها و به ضرر فوتبال و ورزش! !

علوی

-آفرین بر آقای علوی . چقدر خوب گفتی . اگر مدیران ما در همه جای ورزش (و غیر ورزش) هوش و ذکاوت و امکانات و سرمایه

در اختیار را در جهت "منافع ملی "و خواسته های جمعی و عمومی به کار بگیرند و نه در راستای منافع شخصی و اغراض باندی ، نه تنها وضع ورزش ، که وضعیت کل مردم و مملکت خیلی بهتر از این خواهد شد .

■ ■ ■ صادق ■ ■ ■

سلام . آقای درویش! خواهش می کنم با هواداران کمی صادق و روراست باش . جدایی تحمیلی کریم باقری و گل محمدی را به خستگی ربط دادی اما آنها حرف های تو را قویا تکذیب کردند . اول فصل ، مطالبه کادر فنی، خرید یک مهاجم بزرگ بود اما " باهوپی " را تو مشت شان گذاشتی . بعد از جدایی مظلومانه یحیی ، قول جذب یک مربی بزرگ را دادی اما بعد از ۲۰ روز وعده ، دستیار یحیی را انتخاب کردی . لب کلام، به طرز مهندسی و دیکته شده ، پرسپولیس را به یک تیم معمولی تبدیل کردی! !اینده پرسپولیس و احساسات هواداران را با چه چیزی معامله می کنی؟ آقای درویش! !اینجا فوتبال است، میدان انسانیت ، حمیت ، نشاط و آرامش ، نه محل تصفیه حساب و زیر و رو و کشی و بله قربان گویی! ! یک نصیحت برادرانه :مراقب باش خودت را از ان نفروشی . با فوتبال هم می شود به بهشت رفت، اگر ذره ای آزاده باشی .

امیری

-انتقادات درباره اتفاقات اخیر پرسپولیس و عملکرد مدیرتی این تیم ، زیاد و به نظر ما "منطقی " است . ما نیز بنا بر وظیفه از همان آغاز این اتفاقات ، مطالبی نوشتیم . خوب است مسئولان ورزش از کنار این موضوع بی تفاوت و بی طرف عبور نکنند و بررسی کنند که اصل ماجرا چیست و چرا یک مربی با کارنامه موفق و مورد قبول هواداران باید از تیم خود کناره گیری کند !

■ ■ ■ بی تفاوت ■ ■ ■

چرا وزیر ورزش در برابر اتفاقی که در پرسپولیس می افتد، ساکت و بی تفاوت است؟ چرا به شرایط بفرنج پرسپولیس سرورسلمان نمی دهد؟ آقای وزیر !مگر شما متولی استقلال و پرسپولیس نیستید؟ چرا فرق می گذاریدو تبعیض قائل می شوید؟ انفعال شما در برابر مشکلات اخیر پرسپولیس مشکوک است . ظاهرا درویش دستورات شمارا موبه مو اجرامی کندو شما از این وضعیت راضی هستید! هوادار پرسپولیس تا کی باید از وضعیت تیم محبوبش ناراضی و نگران باشد؟ آقای وزیر !بی تعارف، شما هم راه قبلی هارامی روید. فقط نفر عوض شده اما تفکر همان است که بود. بس است. تمامش کنید. پرسپولیس تاریخی قابل احترام و سابقه ای در خشان دارد، پیشکسوتان نامدار و تاریخ ساز دارد، حرمت و آبرو و ۵۰ میلیون هوادار عشق دارد. تا کی باید باز بچه اهداف شما باشد؟ بس است دیگر !

یکی از خوانندگان

- واقعا بس است دیگر ! این وضعیتی که هست و احساس بی اعتمادی و سوء ظن و بدگمانی تا کی باید میان هواداران و تیم های ورزشی و مدیریت باشگاه ها و کلیت ورزش وجود داشته باشد ؟ این آفتی است که ما نیز بارها، به ویژه در شماره های اخیر به آن پرداخته ایم . مدیریت کلان ورزش باید با عملکرد صادقانه و شفاف خود این احساس بدبینی و بی اعتمادی را میان خود و دوستداران ورزش و تیم ها از بین ببرد تا اینکه بتواند نسبت به پیشبرد امور و رسیدن به اهداف ملی امیدوار باشد .

کیمپان ورزشی

محمد محبی
یکی از بهترین های ایران
مقابل ژاپن





عطرهای مردانه پاورپالس

POWERPULSE.IR